
ایران و امریکا
توسعه تضاد در بستر
قدرت نرم رسانه
محمدرضا ریاحی

بسم الله الرحمن الرحیم

# ایران و آمریکا : توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه

نویسنده:

محمدرضا ریاحی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# ایران و آمریکا : توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه

## مشخصات کتاب

سرشناسه : ریاحی، محمدرضا، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور : ایران و امریکا : توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه/ محمدرضا ریاحی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۸۰ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛۱۷۱۴.

شابک : ۴۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۸۰-۴:

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه : ص.[۲۶۹] -۲۸۰ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : جنگ نرم -- ایران.

موضوع : جنگ روانی -- ایران

موضوع : رسانه های گروهی -- جنبه های سیاسی

موضوع : تبلیغات ضد ایرانی

موضوع : تبلیغات ضد اسلامی

موضوع : ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران

موضوع : ایالات متحده -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱م.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : UB۲۷۷ /الف۹ ر۹۳ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۳۵۵/۳۴۳۴۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۴۸۵۳۳



## اشاره

## مقدمه

آنچه در گذشته در تعریف از واژه قدرت در حوزه نظریه پردازی و عمل به دست می آمد، منحصر به دسته بندی های سنتی و چارچوب های سخت افزارانه بود. بدیهی است، تحولات بین المللی، مفاهیم قدرت را نیز دگرگون می کند.

امروزه کاربرد قدرت، تنها به استفاده از ابزارهایی با ابعاد سخت و لمس پذیر محدود نیست. بلکه کاربرد ابزارهای گوناگون از جمله قدرت، در تحقق همان اهداف، در حیطه کار دولتمردان قرار گرفته است. به گونه ای که هم اکنون به موازات تغییر در معادلات قدرت و امنیت، به ویژه پس از ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱، مقوله هایی همچون قدرت جذب و اقناع و یا بهره گیری از عنصر فرهنگ در سیاست خارجی، می تواند سطحی پایدار و ماندگار از توان مندی را برای بازیگران فراهم آورد. به همان میزان، در صورت به کار نبستن مؤلفه های نرم افزارانه از سوی جوامع هدف و در معرض تهدید، استحاله فرهنگی ــ سیاسی را به همراه خواهد داشت.

تأکید بر نرم افزارگرایی به عنوان اثربخش ترین، کارآمدترین، کم هزینه ترین و پیچیده ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور، می تواند سطحی گسترده از تخریب را برای جامعه هدف به همراه آورد. به همین منظور، بازیگران سلطه گر با کاربرد قدرت نرم و ابزارهای ارتباطی، مقاومت ملت ها و نظام های سیاسی معارض را پیش از عملیات نظامی فرو می ریزند. بدین ترتیب، به کارگیری ابزارهای ارتباطی، در مقیاس دیداری، شنیداری، نوشتاری و مجازی، هم اکنون به عنوان یکی از کارویژه های اساسی

ص:۱۳

سیاست گذاری هاست. با این ابزار می توان به سرعت وارد محیط سیاسی دولت ها شد و آن را به نفع خود تغییر داد.

قدرت نرم و به موازات آن رسانه، این امکان را به بازیگر عرصه ارتباطات فراملی می دهد که میدان عمل خود را از حیطه ملی تا بالاترین سطح بین المللی گسترش دهد و از طریق این نبرد ارتباطی، منافع ملی خود را تأمین کند.

ترسیم خطوط راهبردی ایالات متحده امریکا درباره جامعه هدف و ایدئولوژی های معارض، بر بنیاد حذف باورمندی نخبگان و مردم، سلب اراده و روحیه مقاومت و بی ثبات سازی ایدئولوژی دولت استوار می گردد. در این روند، بهره برداری از ابزارهای رسانه ای و دیپلماسی عمومی در راستای تثبیت سیاست نرم افزارگرایی، اشاعه دموکراسی غربی، کاهش مشروعیت سیاسی و تنزل ارزش ها و هنجارهای فرهنگی ـ هویتی به منظور تضعیف و فروپاشی ساختار داخلی جمهوری اسلامی ایران در صدر راهبردهای فراملی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران قرارگرفته است. در سطوح مختلف، الگوهای رفتاری امریکا که از نظام ارزش های لیبرال دموکراسی منتج می شود، جلوه هایی از جدال گرایی نرم را در حوزه باورهای سیاسی و فرهنگی جامعه ایران به نمایش می گذارد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر بر پایه چگونگی اتکای ایالات متحده امریکا به مؤلفه های تهدیدزا در بستر قدرت نرم و رسانه، در برخورد با جمهوری اسلامی ایران استوار است. بررسی های به عمل آمده در این پژوهش، به این مهم تأکید می ورزد که رویکردهای نرم افزارانه بر ضد ایران سرمنشأ امریکایی دارد.

فرضیه این پژوهش بر این اصل مبتنی است که سیاست های امریکا در ابعاد قدرت نرم و رسانه، از طریق دیپلماسی عمومی با ایجاد تنش در زمینه

تغییرات هنجاری و باورهای فرهنگی، درصدد ایجاد و توسعه فضایی مخاطره آمیز برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. پس با تاکید بر پرسش اصلی، بنیاد پرسش های فرعی در پنج محور، بخش های این پژوهش را شکل می دهد.

نخست اینکه تمهیدات نظری در ارتباط با قدرت نرم، معنا و مفهوم این جنس از قدرت را چگونه معرفی می نماید؟

دوم، تأکید بر مؤلفه های نرم افزاری و کاربرد آن در سیاست خارجی، چه مزیت هایی را برای دولت ها به همراه دارد؟

سوم، جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی امریکا چگونه است؟

چهارم، کارکرد ابزارهای ارتباطی و به طور مشخص رسانه های امریکایی در مقیاس قدرت نرم نسبت به جمهوری اسلامی ایران، چگونه بروز و ظهور می یابد؟

و پنجم، چگونه می توان با به کارگیری شیوه های پیشگیرانه، به ترسیم راهبردهای مقابله جویانه در رویارویی با تهدیدهای نرم اقدام کرد؟

نگارنده امیدوار است، این اثر گامی فراتر را فراروی محافل فکری و کانون های اجرایی کشور در زمینه اهمیت شناخت تهدیدهای دشمن در عرصه رسانه و دیپلماسی عمومی ترسیم کند. با این رویکرد که عناصر تصمیم ساز در عرصه های مختلف نظام مقدس جمهوری اسلامی، با کاربست قدرت نرم و ظرفیت های موجود آن، در مسیر ارتقای قدرت نرم ایران در روابط بین الملل، همتی مضاعف گمارند. انتظار می رود دیدگان ژرف نگر و عالمانه استادان و پژوهشگران گران قدر به این اثر، زمینه ساز رفع کاستی های پژوهش حاضر باشد.

محمدرضا ریاحی

تابستان ۱۳۸۹

ص:۱۵

## بخش اول: تمهیدات نظری

### اشاره

بخش اول: تمهیدات نظری

ص:۱۷

جهان معاصر را می توان جهان نظریه ها نامید؛ به گونه ای که صاحبان تجربه و اندیشه گران حوزه های مختلف می کوشند تا بـا درج دیـدگاه هـا، تجربه هـا و ایـده هـای خود در قالب نظریه، امکان معرفی آن را به جامعه جهانی و سـپس زمینه توسـعه و ترویـج آن را فراهم سازنـد. به همین دلیل است که شاهد تولید مفاهیم نوین به صورت فزاینده هستیم؛ مفاهیمی که تنها ارزش تئوریک ندارند و در عرصه عمل و سیاست گذاری نیز به کار می آیند. از میان این مفاهیم که حوزه گسترده ای از دیدگاه ها واصـول معرفـتی را بـا خـود به همراه دارد، می توان به «قـدرت نرم»(۱) اشـاره داشت که به دنبـال شـکل گیری آن، در جـامعه ایرانی، شاهد رواج و توسعه چشم گیر آن بوده ایم.

ص:۱۹

---

۱- soft power.

## فصل اول: قدرت نرم؛ مفاهیم و کارکردها

### اشاره

فصل اول: قدرت نرم؛ مفاهیم و کارکردها

در این فصل مبحث های نظری شامل مفهوم قدرت نرم، ویژگی ها، کارکردها، منابع و سطوح آن واکاوی می شود.

### ۱. مفهوم

۱. مفهوم

هر یک از اندیشمندان از زاویه خاصی به مفهوم قدرت نگریسته اند؛ بعضی از نظر طبقاتی قدرت را تحلیل کرده و برخی دیگر با توجه به آثار قدرت، آن را توضیح داده اند. معنای لغوی قدرت، توانایی یا توان مندی است که میزان تأثیر بالقوه یا بالفعل یک فرد یا شیء بر افراد یا اشیای دیگر را نشان می دهد. ماکس وبر آن را امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران تعریف کرده است.(۱) رئالیست ها «قدرت» را توان کنترل نتایج می دانند؛ یعنی کشور (الف) بتواند کشور (ب) را مجبور به انجام اقدامی کند که بیشترین منافع (الف) را تأمین نماید.

الوین تافلر، قدرت را در همه نظام های اجتماعی و ارتباطات انسانی، امری ذاتی در نظر می گیرد و معتقد است چون روابط انسانی همواره در حال تغییرند، روابط قدرت نیز در فرآیند همیشگی تغییر قرار دارند.(۲) تافلر در



---

۱- سید عباس نبور، فلسفه قدرت، صص ۹ _ ۱۲.

۲- الوین تافلر، جابه جایی قدرت، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، صص ۷۹۹ _ ۸۰۲.

کتاب خود با نام جابه جایی قدرت افزون بر خشونت و ثروت، از دانایی به عنوان ابزار اصلی قدرت نام می برد. دانایی، انعطاف پذیرترین و بنیادی ترین منبع قدرت است؛ زیرا می تواند به شخص کمک کند تا درگیری هایی را دفع نماید که ممکن است به استفاده از زور نیازمند باشد.(۱)

در کلی ترین سطح، قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران، به منظور رسیدن به نتایج دلخواه خویش است. برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران، چندین راه وجود دارد:

می توان آنها را با تهدید مجبور به انجام کاری کرد؛

می توان با تطمیع مادی، دیگران را به انجام کاری ترغیب نمود؛

می توان از مسیر اقناع و جذب، همراهی دیگران را خواستار شد؛(۲)

گرچه مبنای قدرت سخت، تطمیع یا تهدید است، گاهی می توان بدون بهره گیری از تهدید یا تطمیع به نتایج دلخواه دست یافت. به بیان دیگر، راه غیرمستقیمی برای دست یابی به خواسته ها و هدف ها وجود دارد که آن را «چهره دوم قدرت» نیز می نامند.

برای نخستین بار حمید مولانا(۳) در کتاب خود با نام اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین الملل، در سال ۱۹۸۶ م. به تبیین واژه «قدرت نرم» پرداخت.

مولانا قدرت را به دو بخش تقسیم کرد؛ قدرت ناملموس (نرم) که منبع آن، دین، ارزش ها، باورها، ایدئولوژی و دانش هستند و قدرت ملموس



---

۱- همان، صص ۸۰۱ و ۸۰۲.

۲- جوزف نای، «منافع قدرت نرم»، ترجمه: ناصر بلیغ، فصل نامه مطالعات بسیج، سال دهم، پاییز ۱۳۸۶، ش ۳۶، ص ۱۰۸.

۳- پروفسور سیدحمید مولانا ( ۱۳۱۵) از بنیانگذاران رشته ارتباطات وروابط بین الملل و مؤسس رشته ارتباطات بین الملل در دانشگاه واشنگتن است.

(سخت) که در مواردی چون منابع طبیعی، جمعیت، ثروت و ابزار نظامی ریشه دارند.

این سنخ از قدرت به برنامه هایی اطلاق می گردد که هدف آنها اطلاع رسانی یا نفوذ در افکار دیگر کشورهاست. نکته مهم در این مفهوم، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. جوزف نای(۱) در سال ۲۰۰۴ م. در اثر خود با عنوان قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست جهانی، بر ظرفیت دولت ها برای اعمال نفوذ بر دیگران برای آنکه مطابق با آنچه او می خواهد رفتار کنند، تأکید دارد.(۲)

در واقع قدرت نرم، واژه ای است که در نظریه روابط بین الملل، به منظور توصیف توان مندی یک مجموعه سیاسی نظیر دولت، برای نفوذ غیرمستقیم بر رفتار یا علایق دیگر مجموعه های سیاسی از راه ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می رود.

به عقیده نای ارزش های دموکراتیک امریکایی می تواند سبب جذب ملت ها شود و به تولید قدرت نرم کمک کند، ولی نه هنگامی که این روند با زور اسلحه تحمیل گردد. این ایده مبیّن آن است که نای تلاش کرده با تجویز استفاده از قدرت نرم برای دولتمردان امریکایی، شیوه نوین بازتولید هژمونی این دولت را پیشنهاد نماید. به دیگر سخن، ارائه راهکارهایی به منظور کاهش ضریب مقاومت در برابر اعمال قدرت سلطه مدارانه ایالات متحده، هدف اصلی نای است. در این اندیشه، انتقال هنجارهای غربی باید در فضای دیپلماسی عمومی و با کمک ابزارهای ارتباطی محقق شود.



---

۱- جوزف نای، محقق روابط بین الملل واستاد دانشگاه هاروارد.

۲- Joseph S.Nye,soft power: the means to success in world politics,New York,public Affairs,۲۰۰۴,p.۵.

بـدیهی است که قدرت های بزرگ، همواره سیاست های زورمدارانه خود را با تمسک به ارزش های نوع دوستانه مطرح می کنند، ولی در استفاده از قدرت سخت، تردید ندارند. بنابراین، قدرت نرم همچون دستکش مخملین است که زیر آن، مشت آهنی پنهان است. آنان این نقش را با اعتبار دنباله دار (مکانیزم نرم در اقتدار سخت) تفسیر می کنند؛ چنان که از نظر نای موفقیت در سیاست های جهانی، نیازمند استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت است.

قدرت نرم ابعاد و عناصری دارد که مهم ترین آنها عبارتند از: فرهنگ، ایدئولوژی، سیاست، هنر، علم و فن آوری. برای نمونه نای، انتشار فرهنگ امریکایی را مهم ترین منبع قدرت نرم ایالات متحده می داند و ادعا می کند که فرهنگ امریکایی و ارزش هایی نظیر دموکراسی و حقوق بشر، دارای جذابیتی جهان شمول است. این فرهنگ با ابزار سیاست خارجی و مهم تر از آن، رسانه شکل می گیرد.

از زمانی که نئولیبرال های سیاست خارجی امریکا بر ضرورت کاربرد قدرت نرم در روابط متقابل خود با محیط بیرونی و کشورهای هدف تأکید کردند، الگوی منازعه در سیاست بین الملل نیز با تغییراتی همراه شد. به عبارت دیگر، تولید هر قدرتی، زمینه های شکل گیری همان گونه منازعه را فراهم می سازد. جوزف نای در این فرآیند معتقد است که جنگ نرم، ماهیت غیرمستقیم، پیچیده و نامحسوس دارد.(۱) جان کالینز، نظریه پرداز دانشگاه ملی جنگ امریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن، با توسل به شیوه هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود»، می داند.(۲)



---

۱- جوزف نای، قدرت نرم، ترجمه: محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- جان. ام. کالینز، استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)، ترجمه: کوروش بایندر، ص ۴۸۷.

محتوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه، مبیّن برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیرمستقیم همراه با رضایتمندی بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه هایی از این سنخ است.(۱) در عصر رسانه های نوین جهانی، با اتکا به تکنولوژی های نوظهور ارتباطی ـ اطلاعاتی، دست یابی قدرت نرم، به مراتب راحت تر از به دست آوردن و نگهداری قدرت سخت است و واحدهای سیاسی، اگر بتوانند مفاهیم جدید امنیتی را برای خود بازتعریف کنند، در آن صورت مجبور نیستند لشکرهای عظیم نظامی خود را تقویت نمایند. اگرچه ابعاد و تحول جنگ نرم را در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و حتی مدیریتی می توان مشاهده کرد، میزان جهش و گستره جولان اقدام های نرم افزاری، در حوزه فرهنگی به مراتب بیشتر است.

جوهر کلام آنکه: شکاف میان تمدن ها در عصر حاضر به گمان اندیشه پردازان غربی، ماهیتی فرهنگی دارد. از این رو، هانتینگتون در صدد اثبات این فرضیه برمی آید که: «اصولاً نقطه اصلی برخورد در این جهان...، شکاف های عمیق میان افراد بشر و به اصطلاح، نقطه جوش برخوردها دارای ماهیت فرهنگی خواهد بود و بس».(۲)

آنچه از راه سیاست نرم و تأثیرگذاری غیرمستقیم به دست می آید، از یک نگاه مبتنی بر قدرت یابی در چارچوب فضاسازی، کنترل ذهنیت و باورمندی جامعه هدف است. اگرچه واحدهای سیاسی سلطه جو اعتقادی به تقابل نرم نداشته اند و مدعی اند فعالیت هایی که در جوامع هدف به رویارویی نرم معروف شده، در واقع به مثابه تبادل فرهنگی است.

### ۲. ویژگی ها

۲. ویژگی ها



---

۱- مجموعه مقالات همایش بسیج و قدرت نرم، در کتاب قدرت نرم؛ معنا و مفهوم، ص ۱۳۱.

۲- ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه: مجتبی امیری، ص ۴۵.

قدرت نرم نیز همانند دیگر نظریه های موجود در روابط بین الملل، مشخصه هایی دارد که در ادامه به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود.

الف) تعدد و تنوع بازیگران

یکی از تحولات چشم گیر درعرصه روابط بین الملل طی دهه های اخیر، تعدد و تنوع بازیگران است. امروزه دولت ها به تنهایی متولی اعمال و اجرای قدرت نیستند، بلکه نهادها، سازمان های غیردولتی و افراد نیز می توانند در این صحنه فعال باشند.

ب) نبرد غیرمستقیم

در این شیوه از منازعه با دیگران، جامعه جهانی تمایلی به کاربرد ابزارهای نظامی ندارند، بلکه می کوشند در یک روند طولانی تر و در عین حال کم خطر و کم هزینه به اهداف خود دست یابند؛ چراکه هرگونه اقدام فوری، به شکل گیری فرآیندهایی منجر می شود که امکان مهار آنها وجود ندارد. بنابراین، اقدام های نرم، برخلاف عملیات نظامی، برای دوره های طولانی سازمان دهی شده و هرگونه عجله ای می تواند، نتایج مخاطره آمیزی به بار آورد.(۱)

ج) فرهنگ محوری

«تأثیرگذاری در چارچوب قدرت نرم، مبتنی بر انتخاب ها، فرآیند تصمیم گیری، الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت های فرهنگی است.»(۲) قدرت در چهره جدید خود، ضرورت ندارد آشکار و محسوس باشد؛ چراکه با فرهنگ و اندیشه، در هم آمیخته و در نظریه های جدید، به طور عمده ماهیت نرم افزارانه پیدا کرده است. دیدگاه ها و نظریه های



---

۱- برای مطالعه بیشتر نک: ابراهیم متقی، «معمای سیاست خارجی و گزینه های مداخله گری امریکا»، همشهری دیپلماتیک، ۱۳۸۳/۱۱/۳.

۲- p۳۲-۳۳.

جدیـدی چون سازه انگاری، هژمونی فرهنگی، مکتب انتقالی و نظریه های پست مـدرن که از طرفداران جدی کاربرد فرهنگ در رفتار سیاسی ارائه می شوند، تصمیم گیری ها در عرصه سیاست داخلی و جهانی هستند.

د) قابلیت روز آمدشدن

«قدرت نرم که یک قدرت غیرقابل لمس است، تنها زمانی که همسو با جریان اصلی زمانه باشد، توسعه خواهد یافت. به ویژه بـا ظهور فن آوری اطلاعات و رسانه های جمعی، به یک ابزار پرنفوذ و پویا تبـدیل شـده است. بنابراین، جوهره قـدرت نرم به گونه ای است که قابلیت انطباق با شـرایط و سازوکارهای نوین را دارد و به واسـطه استفاده از فن آوری های جدید، می تواند دست یابی به اهداف خود را افزایش دهد».(۱)

ه) افکار عمومی در اختیار

در عصـر رسـانه هـای نوین، با اسـتفاده از تکنولوژی های جدیـد، می توان افکار عمومی را چنان در اختیار داشت که از طریق قدرت سخت امکان پذیر نیست.

و) وابستگی

«از ویژگی های اساسـی قدرت نرم، وابسـتگی آن به قدرت سـخت است. از این رو، کشورها برای رسـیدن به یک قدرت ملی فراگیر، باید هم زمان برای افزایش توان مادی و نرم افزاری خود فعالیت کنند؛ چرا که اگر در دست یابی



---

۱ - Joseph Nye, The paradox of American power,oxford,oxford university press, ۲۰۰۴,p.۲۵.

قدرت نرم بی توجهی یا از آن صرف نظر شود، حفظ توسعه پایدار، با اتکا به قدرت سخت بسیار دشوار خواهد بود».(۱)

ز) توان جذب و تأمین اولویت ها

از نظر جوزف نای، قدرت نرم دو توان مندی بسیار متمایز دارد:

یک _ توان جذب و متقاعدسازی: این توان مندی برای تأثیرگذاری بر بازیگران بیرونی است. قدرت متقاعدکننده، دربرگیرنده رسانه های تصویری است که در عصر اطلاعات، به عنوان بخش کلیدی قدرت نرم یک کشور عمل می کند.

دو_ توان تأمین اولویت ها: این توان مندی مبتنی بر ایدئولوژی بوده که یک رویکرد درونی است، ولی در فرآیند طرح ریزی خارجی، با ابزار سیاست خارجی و مهم تر از آن، رسانه ها شکل می گیرد.(۲)

## ۳. کارکردها

۳. کارکردها

اگر بپذیریم که درون مایه قدرت نرم، متشکل از ایدئولوژی، سبک زندگی، سنت فرهنگی، منابع اطلاعاتی و سازوکار اجتماعی است، این قدرت دارای کارکردهای زیر خواهد بود.

الف) شکل دهی قدرت نرم به نگرش ها

قدرت نرم می تواند به نوع نگاه مردم و نخبگان به پدیده ها و ارزیابی آنها از رویدادها شکل دهد. به عبارتی، کشور مقصد می تواند با نرم افزارگرایی،



---

۱- محمود عسگری، «ویژگی ها و کارکرد قدرت نرم»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال سوم، اسفند ۱۳۸۴، ش۳۴، ص ۳۵.
۲- محمد نائینی، «تهدید نرم؛ ابعاد و ویژگی ها»، فصل نامه عملیات روانی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۶، ش ۱۶، ص ۵۶.

دریچه ای را برای جامعه هدف بگشاید که جهان را براساس آنچه از این روزنه می بیند، درک کند.

ب) قدرت نرم، به منزله یک هدایتگر تصمیم ساز

قدرت نرم می تواند با اثرگذاری بر نگرش دولتمردان به مشکلات، راه حل های آنها را نیز برای برون رفت از بحران ها تحت تأثیر قراردهد.(۱)

ج) تأثیر قدرت نرم در کاهش هزینه بقا

زمانی که دولتمردان بتوانند با سازوکارهای قدرت نرم حکومت خود را در عرصه داخلی و بین المللی به عنوان نظامی کارآمد و مشروع معرفی کنند، در آن صورت، محیط داخلی وخارجی آن حکومت، باثبات خواهد بود. بدیهی است که محیط باثبات و به دور از تنش، هزینه بقای نظام را بسیار پایین می آورد.

د) کمک قدرت نرم به آینده سازی

آشکار است که دولت ها می کوشند آینده را متناسب با توان مندی های خود شکل دهند و بسازند و بی تردید، اجزای قدرت نرم و مهندسی آن، در ساختن آینده، منزلتی ارزنده دارد.(۲)

ه) قدرت نرم، پشتیبان قدرت سخت است

قدرت نرم، کارهای قدرت های اقتصادی، سخت و نظامی را پشتیبانی می کند. قدرت سختی که بدون ردای قدرت متقاعدکنندگی و جذابیت باشد به مثابه مشت زنی با حریف خیالی است.(۳)



---

۱- «ویژگی ها و کارکرد قدرت نرم»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ص ۳۷.

۲- ژان میلسن و همکاران، دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه: رضا کلهر و محسن روحانی، صص ۸۸ و ۱۱۶.

۳- همان، ص ۳۸.

## ۴. منابع

۴. منابع

قـدرت نرم در هر کشور از سه منبع نشئت می گیرد: فرهنگ (بخش هایی که برای دیگران جذاب است)؛ ارزش های سیاسـی (زمـانی که در داخـل و خارج مطابق انتظار باشـد)؛ سـیاست های خارجی (آن زمانی که مشـروع و اخلاقی تلقی می شود).(۱) زمـانی که فرهنـگ یـک کشور ارزش های جهان شـمول را در برمی گیرد و سـیاست های آن، ارزش ها و منافعی را ارتقا می بخشـد که دیگران نیز در آن سـهیمند، در این صـورت به دلیـل جـاذبه آفرینی، احتمـال دست یـابی به نتایـج مطلـوب برای آن کشور، فراهم می گردد.

## ۵. سطوح

۵. سطوح

قدرت نرم از سه سطح راهبردی، میانی و تاکتیکی تشکیل می شود.(۲)

الف) سطح راهبردی

این سـطح از قدرت نرم، با هدف افزایش قدرت خود و ضـعیف ساختن هنجارها و اقتدار حریف در محیط بین الملل انجام می شود و به سـطح رهبران و نخبگان یک کشور بازمی گردد. به هر میزان که بازیگران بتوانند در این سطح، قدرت ایجاد کنند و یـا بر هنجارسـازی دیگران اثر بگذارنـد، امکـان پیروزی بیشتری خواهنـد داشت. تهدیـد در این سـطح، به منظور اثرگـذاری بر شناخت نخبگان و رهبران حریف و نیز ترساندن و تأثیر بر عزم و اراده آنان صورت می گیرد.

ب) سطح میانی

ص:۲۹

---

۱- عباس ملکی، «سیاست خارجی توسعه گرا به مثابه یک منبع قدرت نرم»، سایت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۹/۱۲/۱۳۸۶. نشانی پایگاه: http//:www.maslahat.ir.

۲- مرتضـی امیـدی، «جنـگ نرم و تهدیدشناسـی»، سـایت رویش، ۲۶/۷/۱۳۸۸، نشـانی پایگـاه: http//:www.rooiesh.com.

این سطح از قدرت نرم، به مردم و قدرت ملی تکیه دارد و از فرهنگ عامه متأثر می شود. تهدید در این سطح، با هدف گرفتن اراده و انگیزه از مردم و بی توجه کردن جمعیت های همراه و تبدیل آنها به جمعیت های معارض، مخالف و خنثی، همچنین شکل دادن به نافرمانی مدنی با ایجاد شکاف میان رهبران و عامه مردم انجام می شود. تهدید نرم در این سطح، می تواند بر میزان حمایت مردم از سیاست نظام و نخبگان، مؤثر باشد.

ج) سطح تاکتیکی

این سطح، با توجه به فرهنگ دفاعی کشور و با انگیزه گرفتن اراده و روحیه مقاومت نیروهای دفاعی جامعه هدف شکل می گیرد.

ص:۳۰

## فصل دوم: قدرت نرم در گفتمان های اسلامی و لیبرال دموکراسی

### اشاره

فصل دوم: قدرت نرم در گفتمان های اسلامی و لیبرال دموکراسی

در میان تعریف های ارائه شده از «قدرت» در فرهنگ لیبرالیسم، در کنار بُعد مرسوم آن، که همان دیدگاه سخت افزارانه است، رویکرد متقاعدکنندگی نیز به چشم می خورد. چهره دوم قدرت، زمانی رخ می نماید که «یک بازیگر بتواند از طریق جذب و نه پاداش و اجبار، به مقاصد خود در سطح جهانی برسد».(۱)

بنابراین تلاش می شود ضمن واکاوی نرم افزارگرایی در آموزه های دینی به منظور درک ماهیت قدرت نرم در گفتمان لیبرالیسم، مقایسه ای میان دو فرهنگ اسلام و لیبرال دموکراسی صورت گیرد. این مقایسه تطبیقی، به شناخت ماهیت ستیز نرم افزارگرایانه امریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران بسیار کمک می کند.

### ۱. جنگ نرم در آموزه های دینی

#### اشاره

۱. جنگ نرم در آموزه های دینی

آموزه های وحیانی و دینی، به موضوع نرم افزارگرایی در حوزه دشمن شناسی و رویارویی با دشمن، توجه داشته است. به این مفهوم که اگر دشمن برخی



---

۱- فاطمه سلیمانی پورلک، «نرم افزارگرایی درسیاست خاورمیانه ای امریکا»، فصل نامه راهبرد دفاعی، بهار ۱۳۸۶، ش ۱۵، ص ۸۶.

از سازوکارهای جنگ روانی را در ستیز نرم به کار برد، جامعه اسلامی نیز در دفاع و ایستادگی در برابر تهاجم، باید از همه امکانات بهره گیرد، چنان که قرآن کریم در حکم به مقابله به مثل، چنین می فرماید: «فَمَنِ اعْتَدَی عَلَیکُمْ فَاعْتَدوا عَلَیهِ بِمِثلِ مَااعْتَدَی عَلَیکُمْ؛ پس هرکس به شما تعدی کرد، همان گونه که به شما تعدی کرد، بر او تعدی کنید». (بقره:۱۹۴ )

خداوند در تحلیل روش شناسی و رفتارشناسی دشمنان اسلام، به این نکته تأکید می کند که دشمنان اسلام به سبب همدلی و همانندی در فکر و اندیشه، یکسان و همانند عمل می کنند.

وَ قالَ الَّذینَ لا یعْلَمونَ لَوْلا یکَلِّمُنَا اللهُ أو تَأتِینا ءَایهٌ کَذلِکَ قالَ الَّذینَ مِنْ قَبلِهِمْ مِثَلَ قَوْلِهِمْ تَشابَهَتْ قُلوُبُهُمْ. (بقره: ۱۱۸)

افراد نادان گفتند چرا خدا با ما سخن نمی گوید یا برای ما معجزه ای نمی آید. کسانی که پیش از اینان بودند (نیز) مثل همین گفته ایشان را می گفتند؛ دل ها (وافکار) شان به هم می ماند.

از این رو، بخش زیادی از آیات قرآن به گزارش های تاریخی از رفتارهای دشمنان و تحلیل علت ها و هدف های آن اختصاص یافته است. بدین ترتیب با دقت نظر در مهندسی عملیات روانی منطبق با آموزه های وحیانی، می توان رفتارشناسی دشمنان نظام جمهوری اسلامی را تحلیل و ارزیابی کرد. تنها اختلافی که میان جنگ نرم در گذشته و حال می توان یافت، تفاوت در ابزارها و روش هایی است که از آنها بهره برداری می شود. چنان که در گذشته، ابزارهای نوشتاری و کلامی نقش بسزایی در جنگ روانی داشت و امروزه با ظهور پیشرفت های ارتباطی، روش ها و فنون تهدید، با بهره گیری از دانش روان شناسی و جامعه شناسی و ابزار رسانه، کاربردی می شود.

ص:۳۲

انسـان مسـلمان در عصـر کنونی بیشتر از گذشـته به فهم آموزه هـای دینی نیازمنـد است تـا خود را از تـاریکی هـای دوران فن آوری و پیشرفت های مادی برهاند. از این رو، سیاست گذاران جمهوری اسلامی ایران به ویژه در حوزه رسانه ها، باید پیش از هر کار، به تبلیغ و تبیین نگرش اصیل و وحیانی، برای هدایت و انسجام عقیدتی جامعه مسلمان ایرانی بپردازند.

«هُوَالَّذی یُنَزِّلُ عَلی عَبْدِهِ ءَایاتٍ بَیناتٍ لِیخْرِجَکُم مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّوُر؛ او همان کسـی است که بر بنده خود آیات روشـنی فرو می فرستد تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون کشاند». (حدید:۹)

مهـم تریـن روش هـایی که در طـول تاریـخ در حـوزه تقابـل نرم، مخالفـان جـامعه اسـلامی به کـار گرفته انـد، مجمـوعه ای از برخوردهـا همچون روش افترا، شخصـیت سازی، تخریب شخصـیت، شایعه، تهدیـد، تحریم، فریب و گمراهی، تحقیر، تحریف و... را دربر می گیرد.(۱) برخی از رویکردهای شاخص در این زمینه عبارتند از:

## الف) تخریب شخصیت

الف) تخریب شخصیت

یکی از اتهام های مهم که همواره دشمنان پیامبران به ایشان روا می داشتند، دادن عنوان شاعری و داستان سرایی بود. این اتهام از آن رو زده می شد که آموزه های دینی را در سـطح سـخنانی برای تحریک عواطف و احساسات پایین آورند و به مردم القا کننـد که آموزه هـای آنـان، بیرون از گستره عقـل و خرد است. قرآن کریم در آیه های ۳۶ سوره صافات، آیه ۳۰ سوره طور، آیه ۵ سوره انبیا، آیه ۴۱ سوره حاقه، آیه ۲۴ سوره نحل، آیه ۸۳ سوره مؤمنون و آیه ۸۳ سوره فرقان، به افسانه سرایی به عنوان یکی از روش های مقابله با پیامبران در قالب جنگ نرم اشاره دارد. در این زمینه قرآن کریم به



---

۱- خلیل منصوری، «ابعاد جنگ نرم از منظر قرآن»، روزنامه کیهان، ۷/۱۰/۸۸، ش ۱۹۵۴۴، ص ۶.

فعالیت های فراگیر دشـمنان اسـلام به منظور پایین آوردن جایگاه رهبران نظام اسلامی از شخصیت های کامل و الگوهای مهم برای دیگران، با انواع نسبت های ناروا به ایشان، تأکید می نماید.(۱)

در جنگ نرم برخلاف جنگ سخت، ترور فیزیکی جای خود را به تخریب و ترور شخصیت داده است. در زمانی که نمی توان و یا نباید فردی ترور فیزیکی کرد، با استفاده از نظام رسانه ای و انواع تاکتیک ها مانند بزرگ نمایی، اهریمن سازی و انسانیت زدایی، وی را ترور شخصـیت می کننـد و از این راه سـبب کاهش محبوبیت وی می شونـد. دشـمنان انقلاب و نظام اسـلامی با استفاده از این تاکتیک و بهره گیری از ابزار طنز، کاریکاتور، شعر و نمآهنگ های کوتاه که بیشتر از راه اینترنت و تلفن همراه پخش می شود، به تخریب و ترور شخصیت برخی از افراد سیاسی و فرهنگی سرشناس و معتبر نزد مردم می پردازند.

## ب) شایعه پراکنی

ب) شایعه پراکنی

بـا توجه به اینکه شـایعه، خبری بی پـایه و سـاختگی است که دور از واقعیت و همراه بـا مبـالغه و ایجـاد ترس یا تحریف خبری است و هـدف آن، تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی در راسـتای مقاصد فرهنگی، سیاسـی، اقتصادی و نظامی است؛ دشـمنان، علیه پیامبر۹ و اولیای دین، به صورت گسترده از آن سود جسته اند. آیه های ۱۱ تا ۲۵ سوره نور به این موضوع می پردازد.(۲)

این آیات، شایعه را نفی و شایعه پردازها و مردمی را که تحت تأثیر شایعه قرار گرفته انـد، به شدت سـرزنش می کند. شایعه را دشمن می سازد و عوامل



---

۱- همان.

۲- همان، ص ۶.

دشمن پخش می کنند و در این میان مخاطبان به دور از بصیرت و بینش، آن را می پذیرند و به آن دامن می زنند.

فرهنگ و گفتمان خوش گمانی نسبت به یکدیگر در جامعه اسلامی، از عواملی است که شایعه و دروغ پردازی دشمنان را می تواند خنثی سازد. مراجعه به آیات قرآن و تمرین درس هم بستگی، انسجام و صمیمیت، از آموزه های برجسته کتاب وحی برای مبارزه با این خدعه به شمار می رود.

## ج) تحقیر

ج) تحقیر

یکی از راه های نفوذ دشمنان به جامعه مسلمانان، استفاده از شیوه خوار کردن و تحقیر است. کاربست این روش در سطح فراگیر و سازمان دهی شده، به منظور قراردادن جامعه هدف در سطح پایینی از فکر و اندیشه و ایجاد حالت بی خبری و غفلت از واقعیت ها، طراحی می شود. در صورت چیرگی دشمن بر مخاطب، ارزش های دروغین جای گزین باورهای والای انسانی خواهد شد. توجه به روشنگری قرآن کریم در این زمینه، می تواند به خوبی این مفهوم را بازنمایی کند.

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوماً فاسِقِين؛ پس قوم خود را خوار و تحقیرکرد. در نتیجه از او اطاعت کردند؛ چراکه آنها مردمی منحرف بودند». (زخرف:۵۴)

فرعون با تحقیر قوم خود، ایشان را وادار به اطاعت از خویش کرد و در آیه ۵۱ از همین سوره، حکومت مصر و آنچه را از موهبت های خداوند که در آن موجود بود، از آن خود دانست و با توصیفی دروغین، از پیشینه و جایگاه اجتماعی حضرت موسی۷(۱) سعی در کاستن از مقام ایشان داشت.



---

۱- نک: زخرف: ۵۲.

با استناد به این کلام وحی، دشمن همواره می کوشد با تبلیغات، خود را بزرگ، قوی، صاحب فکر و اندیشه و نژادی برتر و حتی آسمانی جلوه دهد تا زمینه نفوذ فکری خود را فراهم کند.

امروزه پایین آوردن و سخیف جلوه دادن موقعیت داخلی و خارجی حاکمیت جامعه هدف، با استفاده از ترفندهای پیچیده در علم روان شناسی و انواع ابزارهای رسانه ای و ارتباط جمعی، بسیار گسترده شده است.

### د) تحریف

د) تحریف

تحریف از ماده «حرف» است، یعنی منحرف کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی خود. به دیگر سخن، تحریف، نوعی تغییر در دوجنبه لفظی و یا معنوی است. تحریف لفظی این است که ظاهر مطلبی را عوض کنند؛ به عنوان نمونه در گفتار، عبارتی حذف و یا اضافه شود. تحریف معنوی آن است که مطلب را خلاف مقصد و معنای گوینده معنا کنند. کلام وحی به گوشه ای از اعمال یهودیان اشاره می کند، آنجا که می خوانیم: «مِنَ الَّذینَ هادُوا یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ یَقُولُونَ سَمِعْنا وَ عَصَیْنا؛ برخی ازآنان که یهودی اند، کلمات را از جاهای خود برمی گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین( اسلام) می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم». (نساء:۴۶)

تحریف، گستره وسیعی از دروغ تا کتمان حقایق را دربرمی گیرد و می تواند به شکل تحقیر و بی ارزش کردن مخالفان و تعریف و بزرگ کردن ویژگی های طرفداران باشد. مخدوش کردن اطلاعات، دور کردن ذهن مخاطب از حقایق و جلب توجه او به دیگر مسائل به گونه ای که از موضوع اصلی غفلت کند، از شیوه های تحریف حقایق به شمار می آید.

در این روش، کشور متخاصم با استفاده از رسانه های جمعی، به انتشار خبرهای دروغ و تحریف شده از کشور آماج، در سطح جهان اقدام می کند و

به این ترتیب، با ضعیف نشان دادن حاکمیت کشور هدف ظرفیت فراوانی از این کشور برای رفع این گونه شبهه ها در سطح فراملی صرف می شود.

### ه) فریب وگمراهی

ه) فریب و گمراهی

کافران برای جدا کردن مردم از دین حق، با مقاومت ایمانی مردم روبه رو می شوند و نمی توانند در سد مستحکم ایمان آنان نفوذ کنند. هنگامی که از این شگرد ناامید می شوند، یکی دیگر از شگرد های خود را به کار می برند و آن، ایجاد و معرفی یک تصویر و قرائت جدید از دین و کلام خدا است تا در شعاع این قرائت جدید، بتوانند زمینه های گمراهی و انحراف را در ایمان و عقل های مردم فراهم آورند.

«وَجَعَلُوا لِلّهِ اَنْدَاداً لِیضِلّوا عَنْ سَبیلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَاِنَّ مَصِیرَکُم اِلَی النَّار؛ و برای خدا ماننـدهایی قرار دادند تا مردم را از راه او گمراه کنند. بگو: برخوردار شوید (از نعمت های دنیا) همانا سرانجامتان به دوزخ خواهد بود». (ابراهیم:۳۰)

یکی از راه های تأثیرگذاری بر مخاطبان، دادن اطلاعات دروغین و جهت دار یا ترسیم تصویر وارونه از رویدادهاست که بیشتر با نمایشِ گزیده ای از واقعیت ها، این امر تحقق می یابد. بدین ترتیب، تصویر ناقص و دگرگون شده واقعیت ها، می تواند بر گروه های گوناگون مخاطبانِ مورد نظر در جنگ نرم تأثیر بگذارد. در واقع، تاکتیک فریب، می کوشد تا شنونده را به ساختن فضای روانی دلخواه وادارد که با محیط واقعی مطابقت ندارد.

## ۲. بازشناسی مفاهیم پیش دستانه

### اشاره

۲. بازشناسی مفاهیم پیش دستانه

بخش مهمی از آیات قرآن کریم، بیان کننده های پیشگیرانه و مقابله با عملیات روانی دشمن است. واکاوی مؤلفه های نرم افزارگرایی در این کتاب و بازمهندسی عملیات روانی بر پایه آموزه های اسلامی توسط حوزه های

دست انـدرکار رویارویی با جنگ نرم، بسترساز برخورد مقتدرانه با هجوم نرم نظام سـلطه در عصـر حاضـر است. برخی از این مؤلفه ها عبارتنـد از: تشـریح صـحنه های عظیم قوّت قلب دادن به رسول خدا۹ در پهنه هـای پرفراز و فرود رسالت ایشان، امید بخشیدن به آینده اسلام و مسلمانان، توکل و پایداری مؤمنان، هدایت های وحیانی برای چیرگی بر دشمنان، تهاجم مقتدرانه به بنیان های فکری، اجتماعی و اخلاقی دشـمنان، اسـتفاده از تشـکیلات و برنامه، انسـجام بخشی و دعوت به وحدت، بازسازی و تقویت روحیه های شکست خورده، استفاده از تاریخ و تجربه پیشینیان، بیدارسازی عقل ها و نظرها، تحریک عواطف و... .(۱)

به کارگیری اقدام های روانی ـ تبلیغی در جامعه اسـلامی، می تواند حالت تدافعی داشـته باشد. یعنی مسلمانان در برابر هجوم تبلیغی بیگانگان، از خود دفاع کننـد و یا با رویکرد تهاجمی، بر بنیان های فکری و اعتقادی مشـرکان، کافران و منافقان بتازند. در قرآن کریم بر هر دو گونه تبلیغ اهتمـام شـده است. اگر کینه توزان، پیامبر را شاعر خوانـده و گفته انـد که این کلمات را از خود بافته است و ازمردم می خواسـتند که به آنها گوش ندهند و سـخنان لغو و باطل را در آن داخل کنند، قرآن در مقام دفاع از کلام خدا و سخن پیامبرش، جدی ترین عبارت ها را خطاب به کسانی که این جریان را رهبری کرده اند، بیان می کند.(۲)

اولیای خدا نیز گاه مأموریت داشـتند که بر ضد دشمنان، تبلیغ و سیاست های پلید آنها را افشا کنند و یا اینکه یکسره آنها را از هرگونه طمع نسبت به خود و یارانشان ناامید سازند، چنان که پیامبر اکرم۹ در سوره



---

۱- محمد منصورنژاد، «تحلیلی برجنگ روانی با تأکیدبر کتاب وسـنت»، فصل نامه عملیات روانی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۶، ش ۱۶، ص ۳۲.

۲- نک: مدثر: ۱۸ـ ۲۵.

«کافرون» مأمور بود که ضمن نفی درخواست های آنان، به صراحت راه خود را از مخالفان جدا کند. بر این اساس، برای رسیدن به درک روشن از شیوه های رویارویی پیش دستانه و خنثی کننده تهدیدهای نرم استکباری، به آیات نورانی وحی و مشی اولیای دین استناد می کنیم:

## الف) از بین بردن جهل و ناآگاهی، از راه واداشتن افراد و مخاطبان به تفکر و آگاهی

الف) از بین بردن جهل و ناآگاهی، از راه واداشتن افراد و مخاطبان به تفکر و آگاهی

یا أیهَا الَّذینَ أمَنوُا اِنْ جاءَکُمْ فاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبینوُا اَنْ تُصیبوُا قَوْمَاً بِجِهالَه فَتَصَبِحوُا عَلَی ما فَعَلتُمْ نادِمِین. (حجرات: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبرآورد، نیک وارسی کنید؛ مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و (بعد) از آنچه کرده اید پشیمان شوید.

یکی از اصول مهم جنگ نرم، جهل و نادانی مخاطب است؛ زیرا مخاطب نادان هیچ گاه به دنبال یافتن حقیقت نمی رود و یا اگر برحسب اتفاق نیز به حقیقت دست یابد، آنچه را از پیش به وی القا کرده اند، می پذیرد، نه حقیقتی بیرونی و ملموس تر.

## ب) بهره گیری از روش های ارتباط جمعی

ب) بهره گیری از روش های ارتباط جمعی

«اُدْعُ اِلَی سَبِیلِ رَبّکَ بالحِکمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلَهُمْ بِالَّتی هِی اَحْسَنُ؛با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به (شیوه ای) که نیکوتر است، مجادله نمای». (نحل:۱۲۵)

بنا بر این آیه، مهم ترین روش های ارتباط جمعی که پیامبر خدا۹ برای رویارویی با عملیات روانی دشمن به کار می گیرد، عبارتند از:

اول ــ حکمت یا برهان عقلی؛

دوم ــ موعظه نیکو، پند و ارشاد؛

سوم ــ جدل و مناظره.(۱)

در سیره اولیای دین، مؤلفه های ارتباطی، در قالب سخنرانی ها و خطابه در انجمن ها و گردهمایی های گوناگون به کار گرفته می شد و در تثبیت حقانیت اسلام و نابودی ستیزه جویی تبلیغی ــ روانی دشمن کارکرد مؤثری داشت.

### ج) ارتباط نزدیک

ج) ارتباط نزدیک

وَيقُولُونَ هُوَ اُذُنٌ قُـلْ اِذُنٌ خَيرٍ لَكُمْ يؤْمِنُ بِاللهِ وَ يؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنينَ وَ رحمه ٌلِلَّذينَ ءَامَنُوا مِنْكُم وَالَّذينَ يؤْذوُنَ رَسوُلَ اللهِ لَهُمْ عَـذَابٌ اَليمٌ. (توبه: ۶۱)

و می گوینـد او زودباور است. بگو گوش خوبی برای شـماست، به خـدا ایمان دارد و (سـخن) مؤمنان را باور می کنـد و برای کسانی از شـما که ایمان آورده انـد، رحمتی است و کسانی که پیامبر خـدا را آزار می رسانند، عذابی پردرد (درپیش) خواهد داشد.

«ارتباط چهره به چهره پیامبرخدا۹ با مردم، به گونه ای بود که برخی از اعراب به تعبیر قرآن، ایشان را اذن (گوش) می نامیدند و خداوند این شیوه رسول اکرم۹ را به نفع اهل ایمان می داند.

آن حضـرت برای بیان حساس ترین برهه رسالتشان در غدیر خم نیز از ارتباط نزدیک و تکیه بر عزت انسانی و اخلاقی خویش استفاده کرد.»(۲) اطلاع رسانی و بیـان حقـایق بـدون واسـطه، مـوجب انسـجام، اعتمـاد، هم گرایی و هم آوایی میـان مردم و مسئولان می شود و از اجرای طرح گسست ملت ــ دولت در براندازی نرم جلوگیری می کند.

### د) هم بستگی و برادری

د) هم بستگی و برادری



---

۱- سید حسن فیروزآبادی، «جنگ نرم»، ۱۴/۸/۱۳۸۸، نشانی پایگاه: تبیان http//:www.tebian.net

۲- محمدحسـین جمشـیدی، «عملیـات روانی در صـدر اسـلام» (قسـمت دوم)، ۲۶/۱۱/۱۳۸۸، قابـل دسترسـی در سـایت تبیان http//:www.tebian.net

یکی از راهکارهـای مقابله پیامبر۹ با تهاجم روانی دشـمنان، تلاش برای بنای سـد اسـتوار وحدت میان اهل ایمان بود. ایشان با دمیـدن روح برادری، افراد را در پـذیرش مسـئولیت هـای سیاسـی، اجتمـاعی جـامعه نوبنیـاد اسـلامی مشـارکت داد و در امـور گونـاگون بـا آنـان رایزنی می کرد. در واقع، اگر جـامعه ای تربیت سیاسـی و اجتمـاعی لازم را در مسـیر جـامعه پـذیری و هم بستگی انسانی بیاموزد، اذهان و افکار عمومی آن جامعه، از جولان عملیات نرم بیگانگان در امان خواهد بود.

## ه) جنگ اطلاعاتی

ه) جنگ اطلاعاتی

در سـیره سیاسـی معصومـان:، وجود عیون و نیروهـای اطلاعـاتی، برای نظـارت بر نخبگان خودی و یا آگاهی یافتن از دشـمن، امری مسلّم است. برای نمونه، می توان به نامه امیرالمؤمنین علی۷ به قثم پسر عباس، حاکم مکه،(۱) و یا دستور آن حضرت به مالک اشتر نخعی به هنگام عزیمت به مصر به عنوان فرماندار، در به کارگیری نیروهای اطلاعاتی اشاره کرد.(۲)

مسئله «نبرد اطلاعاتی» به عنوان یکی از شیوه های رایج در جنگ روانی، پیشینه ای طولانی دارد. در دهه های اخیر به موازات رشـد شـتابان فن آوری ارتبـاطی و ورود شـبکه هـای خبری متکی بر ماهواره، اینترنت و دیگر ابزارهای مجازی، نبرد اطلاعاتی وارد فضـای جدیـدی شـده است و تحول بسـیار عمیقی را تجربه می کنـد. در واقع، نبرد اطلاعـاتی «عملیـاتی است که منجر به حصول برتری اطلاعات با تأثیرگذاری بر روی اطلاعات دشـمن، فرآیند پردازش اطلاعات، سامانه های اطلاعاتی و شبکه های رایانه ای می شود».(۳)

ص:۴۱

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۳.

۲- همان، نامه ۵۳.

۳- مرادعلی صدوقی، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، ص ۱۲۹.

بـدیهی است، تجهیز شـبکه اطلاعـاتی ــ ارتبـاطی کشور به نظام های نوین مجازی، برمبنای اصل مهم بازدارنـد گی، ضـرورت دارد. در این زمینه می تـوان به سوره انفـال اسـتناد کرد: «وَ أَعِدّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوّةٍ؛ و هر چه در توان داریـد، از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید». (انفال:۶۰)

## ۳. بررسی ارکان فرهنگ اسلام وغرب

### اشاره

۳. بررسی ارکان فرهنگ اسلام وغرب

واکـاوی محتوای دو فرهنگ اسـلام و غرب، از اختلاف های بنیادین میان آنها پرده برمی دارد. به دلیل گسترش گسل اندیشـه دو گفتمـان در عمق و سـطح، اختلاـف هـای دو دیـدگاه، در سـطوح اعلاـمی و اعمالی رسوخ کرده و نفوذ دارد. بنابراین، در بررسی قدرت نرم نیز این تفاوت ها رخ می نماید.

### الف) ارکان فرهنگ اسلامی

#### اشاره

الف) ارکان فرهنگ اسلامی

در این قسـمت، افزون بر توحید به عنوان بنیان اندیشه اسلامی، اصالت دین و اصالت حق و عدالت نیز به صورت کوتاه بررسی می شود.

#### یک ــ توحید

یک ــ توحید

اعتقاد به هستی و یگانگی خدا، عامل اصـلی حرکت در جهان بینی اسـلامی است. در این چارچوب، آغاز و پایان همه چیز، از بی نیـاز مطلقی است که همه نیازمنـد او هسـتند. در پرتو نگرش توحیـدی، آدمیـان به یکـدیگر متعهـد می شونـد که هر یـک، دیگری را از پـوچ گرایی برهانـد، چنـان کـه شـهید مطهری، سـعادت دنیـوی و اخروی را درگرو مشرّف شـدن به توحیـد می داند.(۱)

#### دو ــ اصالت دین

دو _ اصالت دین

ص:۴۲

---

۱- مرتضی مطهری، «آشنایی با قرآن (۷)».

دین جزو نهاد بشر و خواسته های فطری اوست. حضرت محمد۹ پس از بعثت، در مقام پیامبری دارای دو منزلت بود؛ یکی منزلت بیان دین برای مردم و دیگری حکومت و قضا. به این ترتیب، دین مورد رضایت خدا، دینی کامل است که حکومت، مهم ترین رکن آن به شمار می رود. همچنین دین در همه شئون زندگی بشر دخالت دارد؛ زیرا در اندیشه اسلامی میان این جهان و جهان دیگر، پیوند ناگسستنی برقرار است.

## سه _ اصالت حق و عدالت

سه _ اصالت حق و عدالت

خداوند متعال در بیان فلسفه وجود پیامبران به برقرار شدن موازین عدالت تأکید دارد.(۱) به همین سبب، در سیره حکومتی امام علی ۷ اصل انعطاف ناپذیر عدالت، بسیار برجسته می نماید. امام علی۷ در اثبات صراحت و صلابت خود در اجرای عدالت، می فرماید: «أتَأمُرُونی أنْ أطْلَبُ النَّصْرَ بِالْجوُرِ فیمن وَلَیتَ عَلَیهِ وَاللهُ لا أطوُرُ بِهِ ما سَمَرَ سَمیر؛ مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم؛ به ستم کردن درباره آن که والی اویم؟ به خدا سوگند که، نپذیرم، تا جهان سرآید».(۲)

در سوره مبارکه نصر نیز خداوند، عمل به حق را عامل در امان بودن از زیان معرفی می کند. این نوع نگاه سبب می شود تا بشر به فضایل اخلاقی، در برابر منافع شخصی پای بند و معتقد شود و ایمان بیابد که به احترام حق و عدالت، از منافع شخصی خود بگذرد.

## ب) ارکان لیبرال دموکراسی

### اشاره

ب) ارکان لیبرال دموکراسی

بنیان لیبرال دموکراسی غرب، بر اومانیسم، سکولاریسم و اصالت آزادی استوار است که درباره هر شاخص، اشاره وار توضیح می دهیم.



---

۱- حدید: ۲۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

## یک ـ اومانیسم یا فردگرایی

یک ـ اومانیسم یا فردگرایی

فردگرایی، اصلی ترین شاخص فلسفه ایدئولوژی لیبرالیسم است. در این شیوه تفکر، فرد از هر لحاظ مقدّم بر جامعه قرار می گیرد.(۱) نکته اساسی: «ماهیت و حقیقت فرد و انسان است که به کلی در دیدگاه غربی از فردگرایی مغفول مانده است. در فردگرایی غربی، بر دفاع از فرد در برابر نفوذ ستمگرانه عوامل بیرون از وجود انسان، مانند قدرت ها، جامعه، دولت و افکار عمومی، به خوبی تأکید می شود، ولی به دفاع از فرد در برابر نفوذ ستمگرانه تر و مخرب تر دشمنان داخلی انسان (اخلاقیات فاسد، هوا و هوس ها، منیت ها و بغض های بی جا و...) هیچ گونه توجهی نمی شود.(۲)

## دو ـ سکولاریسم

دو ـ سکولاریسم

پس از آنکه در اندیشه غربی، «انسان» محور قرارگرفت، گرایش های دینی، مجوز حضور در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ندارد. به این ترتیب، تعامل ها و اندیشه های حاکم بر بستر خرد و کلان نظام های لیبرالیستی، به حوزه دین ارتباطی ندارد.

تاکنون در اندیشه انسان غربی، این توهم رسوخ کرده است که نقطه عزیمت دگرگونی های عظیم و بنیادین فرهنگی ـ اندیشه ای و علمی ـ صنعتی غرب را باید در عصیان بر ضد مذهب و یا اصلاحات مذهبی از یک طرف و انقلاب علمی و صنعتی از سوی دیگر جست وجو کرد.(۳) حال آنکه آثار دین گریزی، روی آوردن به علم نبود، بلکه به کاهش ارزش های اخلاقی و از هم پاشیدگی نظام خانوادگی انجامید.



---

۱- برای مطالعه بیشتر، نک: محمدتقی مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام، ص ۲۱۸.

۲- ناصرجهانیان، «فردگرایی و نظام لیبرال سرمایه داری»، نشانی پایگاه: www.ketab-e-naghd.org.

۳- سید احمد رهنمایی، غرب شناسی، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

## سه _ اصالت آزادی

سه _ اصالت آزادی

آزادی لیبرالیسم، به معنای نفی قید و بندهای دینی و محرمات مذهبی و اخلاقی و نیز آزادی براساس خواسته های نفسانی است.(۱) در چارچوب این مکتب، همان گونه که ایزابرلین مطرح می کند:

«آنچه عصر ما می طلبد، ایمان قوی تر نیست، بلکه عکس آن است؛ شورمسیحایی کمتر، شک گرایی روشنگرانه بیشتر در لیبرالیسم نو و لذایذ مادی، حتی از نوع پست آن اهمیت دارد؛ زیرا بر آنچه از ذهن انسان برمی خیزد، تأکید می شود».(۲)

## ۴. تقابل مبانی فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی

۴. تقابل مبانی فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی

فردگرایی غربی در بستر اومانیسم، به نفع انگاری مطلق انجامیده؛ درحالی که فردگرایی، در اسلام جایی ندارد و ارزشی ناصواب است. نقطه مقابل سکولاریسم، اصالت دین است؛ در حالی که سکولاریسم، دین را امری حاشیه ای می داند. در نقطه مقابل اصالت داشتن آزادی یا اصالت دلخواه، اصالت حق و عدالت قرار دارد که معتقد است باید به آنچه در گستره حق و عدالت است، عمل کرد و نباید پا را از حق فراتر گذاشت. در چارچوب تقابل مکتب لیبرالیسم به عنوان یک نظام ایدئولوژیک مبتنی بر سرمایه سالاری و رویگردان از هدایت آسمانی، با جهان بینی دینی، نکته بسیار مهم، جبهه گیری اصالت فرد در مقابل اصالت خداست و همین تفاوت، نقطه شروع شکاف میان این دو گفتمان را شکل می دهد و منشأ دیگر اختلاف ها می شود.



---

۱- شهریار زرشناس، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، ص ۹.

۲- فاطمه رجبی، لیبرالیسم.

### ۵. مقایسه تطبیقی

#### اشاره

۵. مقایسه تطبیقی

مقایسه «قدرت» در دوگفتمان اسلامی و لیبرال دموکراسی، باید براساس همین نظام ارزشی تجزیه و تحلیل شود. بنابراین، بازیگران هماهنگ با نظام ارزشی خود و با استفاده از ابزارهای تولید قدرت نرم، منابعی را برای دست یابی به هدف های مورد نظرشان برمی گزینند. برای این منظور، ارکان قدرت نرم، در پنج دسته با عنوان های بازیگران، ابزار، منابع، اهداف و نتایج، در چارچوب دو نظام فکری اسلام و غرب پی گیری می شود.

#### الف) بازیگران

الف) بازیگران

بازیگران یا مولّدان قدرت نرم، عبارتند از: جنبش های مختلف مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، دانشمندان علوم گوناگون، اصحاب رسانه، نخبگان، هنرمندان و صاحبان شرکت ها، صنایع و مؤسسه ها.

در عنوان ها تفاوتی میان تولیدکنندگان قدرت نرم وجود ندارد، ولی هنگامی که این افراد در چارچوب ایدئولوژیک قرار گیرند، تفاوت ها آشکار می شود. در گفتمان اسلامی، مولّد قدرت نرم، خود را در قبال نیت هایش، در جهانی دیگر پاسخ گو می داند و نزدیکی به خداوند، در همه کارهایش وجود دارد؛ درحالی که در گفتمان لیبرالیستی، منفعت طلبی افق حرکت را تعیین می کند. انسان غربی نتیجه گراست که این نتیجه، همان منفعت او به شمار می آید.

«اگر نگاه خود را به لایه های درونی تر دیپلماسی اسلام و غرب معطوف کنیم، در خواهیم یافت که این دو مقوله به سبب تضاد در مبانی معرفت شناختی، دو قطب متقابل یکدیگر هستند».(۱)

ص:۴۶

---

۱- برای مطالعه بیشتر پیرامون پارادوکس گفتمان لیبرالیسم و اسلام، نک: علی رضا ذاکر اصفهانی، «چالش بنیادین اسلام با ماهیت دیپلماسی غرب»، فصل نامه سیاست خارجی، ش۳، سال بیست و سوم، پاییز ۱۳۸۸، ص ۶۴۹.

### ب) ابزار تولید

ب) ابزار تولید

ابزار تولیـد قـدرت نرم بـا توجه به جنس قـدرت نرم، گونه هـای زیـادی دارد که سازمـان هـای دولتی و غیردولتی، دیپلماسـی عمومی، سـرمایه اجتمـاعی، تکنولوژی و رسـانه ها برخی از آنهاست. نکته مهم این است که ابزار قـدرت نرم در ماهیت، از بار ارزشـی برخوردار نیست. در گفتمان لیبرالیستی به دلیل حاکمیت فضای نفع گرایانه، هـدف، ابزار را توجیه می کنـد. در همین چارچوب، ماکیاول، فیلسوف و دانشـمند معروف ایتالیایی، اساس فلسـفه سیاسـی خود را بر سـیادت و قـدرت بنا می کند؛ حال آنکه در اسلام، ابزار باید مشروعیت داشته باشد.

### ج) منابع

ج) منابع

در متون گوناگون، منابع معرفی شـده درچارچوب قدرت نرم بسـیار متنوع هسـتند؛ ولی به طور کلی از فرهنگ، آموزش، هنر، ظرفیت های تاریخی ـ تمـدنی، هویت جهانی، اخلاق، کارآمدی، پاسخ گویی، ایدئولوژی، ایمان، توسـعه، رشد اقتصادی، فن آوری های تکنولوژیکی، موقعیت های عملی و... به عنوان منابع قدرت نرم نام برده شده است.(۱)

### د) اهداف کاربرد

د) اهداف کاربرد

میـان دو گفتمـان اسـلام و غرب، در حـوزه هـدف هـا نیز شـکاف عمیقی وجود دارد که این گسـست، به نوع نگرش مـادی و معنوی این دو فرهنگ بازمی گردد.

ص:۴۷

---

۱- جفعر یوسـفی، «بررسـی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان اسلامی و لیبرال دموکراسی»، در کتاب قدرت نرم؛ معنا و مفهوم، ج ۲، صص ۲۳۷ و ۲۳۸.

یـک ـ مهم ترین هـدفی که مکتب لیبرالیسم دنبال می کنـد، منفعت طلبی است، همان گونه که هابز، منافع شخصـی را انگیزه رفتار آدمی می دانـد و هانتینگتون، منفعت طلبی را محور حرکت غرب معرفی می کنـد؛(۱) درحالی که کاربرد قدرت نرم در ادبیـات دین اسـلام، بنـا بر مصالـح عمومی است. گفتمان سـیاست ایمانی هم که پیامبر اسـلام۹، ائمه معصومین: وفقهای شـیعه عرضه کرده اند، بر پایه تأمین مصلحت عمومی جامعه استوار است.

دو ـ ادبیات تولیـد شده در چارچوب قدرت نرم و در محور اندیشه لیبرالیسم، با هدف تثبیت و گسترش سـلطه طلبی با کمک ابزارهـای غیرخشونت آمیز و مؤثرتر است. بنـابراین، در راسـتای احیای قـدرت و هژمون امریکا، بر قـدرت نرم تأکیـد می شود. چنـان که نـای اشـاره می کنـد: توان نظـامی، به عنوان شـاخص اصـلی قـدرت سـخت و هنجارهـای فرهنگی ـ رفتـاری لیـبرال دموکراسـی به عنوان ویژگی بارز قدرت نرم می توانند نقش مؤثرتری در شـکل دهی قدرت به نفع ایالات متحده امریکا داشته باشد.

در صورتی که گفتمان اسـلام، اجرای قـدرت را با هدف اطاعت، بندگی خدا و اصل خیرخواهی پی می گیرد. دراین باره امیر مؤمنان علی۷ فلسـفه حکومت را بازآفرینی نشانه های حق و دین الهی، اصـلاح در زمین و اجرای قوانین فراموش شده خداوند معرفی می کند.(۲)

سه ـ اسـتفاده از توان سـخت افزاری و منابع قـدرت سـنتی، برای دولت های مـدرن و بزرگ، هزینه بر است. بنابراین، با رشـد بازیگران غیردولتی و گسترش



---

۱- ساموئل هانتینگتون، برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه: محمدعلی حمیدرفیعی، صص۲۹۲ و ۲۹۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

ابزارهای ارتباطی، بار هزینه دولت ها در تأمین مقاصد ملی کاهش می یابد. در فرهنگ اسلامی نیز کاربرد مؤلفه های نرم افزاری، به منظور گسترش قدرت در چارچوب اندیشه دینی، اهمیت ویژه دارد.

### ه) برآیند اعمال قدرت نرم

ه) برآیند اعمال قدرت نرم

قدرت متقاعدکنندگی، توانایی یک کشور در ایجاد موقعیت های زیر است:

یک ـ کشور اعمال کننده قدرت نرم، توان پذیرش ارزش های خود و تغییر در رفتار جامعه هدف را بدون تهدید یا پاداش ملموس و از راه جذب داشته باشد.

دو ـ قدرت نرم منجر به شکل گیری تصویر ذهنی مثبت از تولیدکننده آن در نظر مخاطب شود و رضایت مندی در افکار او را به همراه آورد.

سه ـ تراکم رضایت مندی، نزد مخاطب اعتبار بیافریند. چنان که مخاطب بدون به کارگیری قدرت سخت حاضر به فرمانبری شود.

نتایج ناشی از اعمال قدرت نرم در گفتمان اسلامی را به راحتی می توان پذیرفت و البته ماندگار و اثربخشی نیز دارد؛ زیرا در آموزه های دینی قانون گذار، خالق انسان است و دین اسلام، مبتنی بر فطرت آدمی است؛ حال آنکه در اندیشه های غربی در کسب و حفظ قدرت نرم، از تبلیغات و ظاهرسازی استفاده می شود. مفاهیم ارزشمندی همچون ایثار، تقوا، شهادت، صبر و تواضع، در فرهنگ اسلامی در حوزه تولید قدرت نرم بسیار مؤثر و ماندگار هستند.

## فصل سوم: تهدید در نظریه قدرت نرم

### اشاره

فصل سوم: تهدید در نظریه قدرت نرم

«تهدید» در حوزه قدرت نرم، از راه استحاله الگوهای رفتار ملی و سلطه کامل در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ و نیز جای گزینی هنجارهای نظام سلطه، محقق می شود.(۱) با این نگرش، به همه اقدام هایی که ارزش های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت های فکری در زمینه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) را به مخاطره اندازد، یا موجب دگرگونی اساسی در عوامل تعیین کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم می گویند.

دگرگونی های حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام و ذهنی است. این تهدید همراه با آرامش و به دور از روش های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی، رسانه، تشکل های صنفی و قشری و شیوه القا و اقناع انجام می پذیرد. در فضای حاکم بر تحرکات نرم افزارانه قدرت های سلطه گر، کاربرد قدرت نرم علیه نظام های سیاسی هدف، مترادف با فرهنگ سازی، دین سازی و نهادسازی و درچارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام های لیبرال دموکراسی، عملیاتی می شود. تهدید نرم زمانی صورت می پذیرد که کسانی که در معرض آن قرار می گیرند، پیام های ارسال شده از سوی بازیگر مهاجم را به شکل تهدید، احساس و ادراک نکنند، بلکه آن را مطلوب خود و



---

۱- علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی، ص ۳۷۶.

تسلیم شـدن در برابر آن را در اولویت خود بداننـد. این اولویت می تواند با رویکرد رسانه محور، به منظور ترغیب، آموزش و فرهنگ سازی انجام شود.

«لـذا تهدیـد نرم، به صورت خفته و مسـتور، در راهبرد خـارجی کشور مهـاجم پیشـروی می نمایـد و در جایگـاه های نرم نظام هدف از قبیل هویت، فرهنگ، مشـروعیت، مشارکت سیاسـی و کارآمدی به میزانی نفوذ می کند که به هنگام تجلی تهدید، به دلیل اینکه زیرساخت های نرم افزاری مـدیریت امنیت ملی به چالش کشـیده شـده است، امکان مـدیریت تهدیـد به میزان قابل توجهی کاهش می یابد.»(۱)

تهدید نرم این قابلیت را دارد که در سه حوزه و عرصه، اندیشه و رفتارهای یک نظام سیاسی را متأثر سازد:

### ۱. حوزه سیاسی

۱. حوزه سیاسی

پدیـده هـای سیاسـی، متأثر از اوضاع شـرایط زمانی و مکانی و بنا بر ارزش آنها، می تواننـد به دو صورت «فرصت» یا «تهدیـد» تجلی یابند. بر این اساس، یک پدیده سیاسی با گذر از دوره فترت، احتمال آن را می یابد که در دو فرآیند «امنیتی شدن» و یا «غیرامنیـتی شـدن» قرار گیرد. در نـتیجه، پدیـده یـا جریـانی که برای موجـودیت یـک حکـومت یـا رفـاه مردم یـک مملکت یا حاکمیت آن خطر جـدی ایجاد کند، می تواند یک تهدید امنیتی را شـکل دهد. یک تهدید زمانی به یک مسـئله امنیتی تبدیل می شود که بـا سه موضوع مردم، کشور و حکومت در ارتباط باشـد؛ یعنی هر یک از این سه عنصـر در صورتی که در معرض خطر جدی قرار گیرند، تهدید امنیتی تلقی می شود.



---

۱- حسن فروعی نیا، «جهانی شدن؛ بحران مشـروعیت و تأثیر آن بر امنیت ملی در کشورهای در حال توسعه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی ــ اقتصادی، ۲۷مهر و آبان ۱۳۸۳، ش ۲۰۶، ص۱۱۶.

تهدیـد سیاسـی، به طور عمـده متوجه دولت هـا است، ولی دامنه آن می توانـد بـا پی آمـدهای سیاسـی و اجتمـاعی گوناگون، مجمـوعه ملت را تهدیـد کنـد. «ایـده دولت به خصوص هویت ملی و ایـدئولوژی سازمـان دهنـده آن و نهادهـایی که نمود آن هستند، هدف های عادی تهدید های سیاسی هستند؛ چون دولت اصولاً یک موجودیت سیاسی است.»(۱)به این ترتیب، تهدید های سیاسی به دنبال ایجاد بی ثباتی در سازمان دولت است.

اگر تهدیـد بتواند ایدئولوژی سازمان دهنده را که توجیه کننده چرایی اسـتقرار حاکمیت مشـروعیت بخش نظام سیاسـی است خدشه دار کند، بخش زیادی از کارکرد خود را در ایجاد بی ثباتی ایفا کرده است. بحران های سیاسـی، شامل بحران های پنج گانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت می شود.

برانگیختن شکاف های قومی، تحقیر و تحریف تاریخ و افتخارآفرینی های ملی در کشور و نبود عوامل پیونددهنده هویت های فروملی می توانـد به بحران هویت منجر شود. ایجاد شـکاف میان مردم و رهبران و شـکل گیری نافرمانی های مدنی در جامعه، بحران مشـروعیت را پدیـد می آورد. انگیزه زدایی و دل سـرد کردن مردم برای حضـور در عرصه هـای تعیین کننـده کشور «و القـای حـاکمیت دوگـانه با هـدف خـدشه دار نمودن مبنای مشـروعیت نظام»،(۲) از نمـونه هـای بـارز بحران مشـارکت است. همچنیـن تخصـیص نامنـاسب ثروت و شـأن اجتمـاعی، در ایجـاد بحران توزیـع مـؤثر است. تلاـش برای تأثیرگـذاری بر اراده و تصمیم های نخبگان و رهبران با ارعاب و تطمیع، از نمونه های بحران نفوذ به شمار می آید.



---

۱- باری بوزان، مردم، دولت ها و هراس، صص ۱۴۳ _ ۱۴۵.

۲- عماد افروغ، «جهانی شدن چالش ها و تعارض ها»، فصل نامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، پاییز ۱۳۸۰، ش ۳، ص ۲۴۶.

مهم ترین جنبه های تهدید نرم با رویکرد سیاسی بر ضد جمهوری اسلامی، عبارتند از:

ـ تضعیف و محو ایدئولوژی مشروعیت بخش و سازمان دهنده نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛

ـ ایجاد و تقویت شکاف میان مردم و رهبران؛

ـ انگیزه زدایی و دل سرد کردن مردم برای حضور در صحنه های تعیین کننده کشور مانند انتخابات و مخدوش جلوه دادن نتایج آرای انتخاباتی؛

ـ برانگیختن شکاف های قومی، نژادی، مذهبی با هدف ایجاد فضای روانیناامن در جامعه؛

ـ سازمان دهی گسترده و مستمرجنگ روانی ـ رسانه ای با محوریت پرونده هسته ای، حمله نظامی اسرائیل و امریکا، ایجاد آشوب و ناامنی و تشدید درگیری های منطقه ای مانند تغییر نام خلیج فارس؛

ـ تلاش برای تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت زا و موهوم از احتمال بروز تنش های داخلی، تبلیغات در مورد آغاز دوره بحران های اقتصادی ناشی از رویکرد غیرعالمانه دولت به اقتصاد و تنگناهای عظیم ناشی از آن؛

ـ تقویت قدرت رسانه ای و تبلیغاتی گروه های اپوزیسیون خارج از کشور و رسانه ای نمودن چهره های معاند و معارض نظام در داخل و خارج؛

ـ ایران هراسی از راه بازتاب تصویرهای مجازی از گسترش و رشد بومی صنعت هسته ای و قابلیت های آفندی و پدافندی موشکی جمهوری اسلامی ایران، و القای غیرصلح آمیزبودن این فن آوری و تبلیغ این موضوع که پیشرفت های هسته ای ایران نه تنها برای امنیت و ثبات منطقه خطرناک است،

موجب تقویت حرکت های تروریستی و جریان های بنیادگرایی افراطی در جهان خواهد شد.

## ۲. حوزه اقتصادی

۲. حوزه اقتصادی

اقدام هایی که به صورت فرآیندی و در بستر زمان، فرهنگ حاکم بر اقتصاد را تغییر دهد، مانند تغییر الگوی مصرف، تولید و توزیع و یا رسوخ نظریه های جدید اقتصادی مبتنی بر لیبرالیسم و تأکید بر مصرف گرایی در زمره تهدیدهای نرم با رویکرد اقتصادی است. در این میان، مهم ترین تهدیدها با منشأ اقتصادی که از سوی ایالات متحده امریکا متوجه جمهوری اسلامی ایران می شوند، عبارتند از:

ـ ایجاد بسترهای کم تحرکی اقتصادی و صدمه زدن به الگوهای اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران، با تشدید فشارهای تحریمی در عرصه فن آوری های نو، با منشأ جهان صنعتی یا اعمال فشار سیاسی بر متحدان خود برای پرهیز از بستن توافق نامه های اقتصادی و انرژی با هدف انزوای ایران در معادله های اقتصادی منطقه ای؛

ـ تقویت ناامیدی در میان مردم ایران از شرایط اقتصاد داخلی و نابسامان نشان دادن مسیر پیشرفت های اقتصادی کشور؛

ـ ناکارآمد جلوه دادن دستگاه اداری و اجرایی دولت و تلاش برای القای وجود فساد اقتصادی فراگیر در دستگاه های اجرایی؛

ـ ترویج فرهنگ اسراف و زیاده روی در استفاده از منابع و تلاش برای گسترش الگوهای مصرف غربی به ویژه در میان جوانان.

## ۳. حوزه فرهنگی ـ اجتماعی

۳. حوزه فرهنگی ـ اجتماعی

ص:۵۴

پیچیـده ترین و مهم ترین مـؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. از نگـاه گونه شناسـی تهدیـد، چنـان که بـاری بوزان نیز می گویـد: یکی از اساسـی ترین تهدیدها علیه امنیت و منافع ملی هر کشور، تهدیدهای فرهنگی است که با چهره ای پنهـان و پیچیـده، این امکـان را برای صاحبـان قـدرت فراهم می آورد که در مسـیر همسـان سازی فرهنگی و مـدیریت تصاویر ذهنی جوامع مخاطب، گام بردارند.

در واقع تهدیـد فرهنگی، در قـالب ادغـام هویت هـای فردی و محلی در هویتی جهـانی مطرح می شود. به موازات تخریب پای بنـدی و انگیزه مردم به اسـتمرار شـیوه زنـدگی مرسوم خود بـا حفـظ فرهنـگ، زبـان و مـذهب؛ زمینه برای بروز درگیری های فرهنگی ـ اجتماعی فراهم می شود.(۱)

«استیلای فرهنگی، وسیله ای برای ایجاد ساختارهای همسان در دیگر جوامع است.»(۲) در این عرصه خاص، جمهوری اسلامی ایران به دلیـل دارا بودن هویت مـذهبی تعیین کننـده و آمیخته بـا ارزش هـا و باورهای ملی، به طور نمایان، در معرض این نوع تهدید قرار می گیرد. بدون شک، ایالات متحده با به کارگیری سـیاست های چندوجهی در حوزه فرهنگی، در پی تضـعیف و فروپاشـی هویت اسـلامی و ارزش های دینی است. «رسانه های جمعی، بهترین نمونه از بنگاه های عاملند که در فرآیند رسوخ به کار گرفته می شونـد.»(۳) چنـان که هربرت شـیلر، منتقـد امریکـایی در عرصه رسـانه هـا، بر این اعتقاد است که برنامه های رسانه های غربی به ویژه امریکا در چارچوب استمرار استیلای غرب بر جهان و حفظ وضع موجود شکل گرفته است.



---

۱- برای آگاهی بیشتر نک: رابرت ماندل، امنیت ملی درجهان متغیر، ص ۱۴۹.

۲- محمدعلی داداشی، «براندازی نرم؛ راهبردها و راهکارهای مقابله»، دوهفته نامه پگاه حوزه، ۶/۱۱/۱۳۸۶، ش ۲۲۴، ص۴.

۳- دنی کوش، مفهوم فرهنگ درعلوم اجتماعی، ترجمه: فریدون وحیدا، ص ۶۳.

در حوزه رویارویی نرم فرهنگی، ایالات متحده، تهدیدهای زیر را متوجه انقلاب و مردم ایران می کند:

ترویج بی بندوباری اخلاقی و اصالت دادن به لذت جویی مادی؛

پایمال کردن روحیه حماسی، فرهنگ ایثار و شهادت طلبی؛

ترویج سکولاریسم و ارزش های لیبرال دموکراسی غربی؛

سرمایه گذاری در رسانه های دیداری و شنیداری، سازمان های تبلیغاتی، خبری و شرکت های فیلم سازی برای ارائه تصویری سیاه و خطرناک از جمهوری اسلامی ایران و یا ترسیم تصویری خشن از دین مبین اسلام برای افکار عمومی جهان، از جمله فیلم های ضد ایرانی؛

سوء استفاده تبلیغاتی از اجرای برنامه هایی چون طرح امنیت اجتماعی، به عنوان محدودکننده آزادی، حقوق زنان و نقش آزادی های مدنی و اجتماعی؛

راه اندازی سایت های مستهجن با هدف استحاله فرهنگی و تهی سازی جوانان از ارزش ها و باورهای دینی.

## نتیجه گیری

نتیجه گیری

در عصر انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، دسترسی به قدرت فن آوری اطلاعاتی، اصلی ترین ابزار برخورداری از قدرت نرم و آرام یا قدرت معنوی، در مقابل قدرت سخت و خشن یا قدرت مادی است. گفته می شود عملکرد قدرت سخت و خشن برای اجبار دیگران به انجام کاری، بر پایه به کارگیری تهدیدها یا امتیازها استوار است؛ درحالی که قدرت نرم و آرام، از راه جذب و متقاعد کردن دیگران به پیروی و پذیرفتن ارزش ها، اصول، قواعد و نمادهای قدرت مذکور، به هدف های ملی و بین المللی خود می رسد.

ص:۵۶

با برجسته شدن چهره دوم قدرت، راهبرد دست یابی به امنیت؛ افزایش قدرت نرم خودی و کاهش قدرت تأثیرگذاری هنجاری دیگر بازیگران به عنوان حریف است. به موازات ایجاد تغییر گفتمان امنیت سازی در بستر تحولات روابط بین الملل، مؤلفه های تقویت اقتدار ملی، از الگوهای متعارف و دسته بندی های سنتی نظریه های امنیت بر محور تهدید سخت، متوجه موج دوم گفتمان‌های امنیت محور، در چارچوب قدرت و تهدیدهای نرم مبتنی بر مباحث هنجاری و هویتی شده است.

ص:۵۷

## بخش دوم: رابطه قدرت نرم وسیاست خارجی

### اشاره

بخش دوم: رابطه قدرت نرم وسیاست خارجی

ص:۵۸

در دهه هـای اخیر، عرصه روابـط بین الملل، به شـدت متأثر از مؤلفه های فرهنگی و هویتی شـده است. ازاین رو، کسب وجهه بین المللی و نفوذ در افکار عمومی و به دیگر سـخن دست یابی، به قدرت نرم، یکی از راهبردهای مهم دیپلماسـی کشورها در حیطه سیاست جهـانی به شـمار می آیـد. این مهم، به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت ها و ظرفیت های فرهنگی هر کشور با شـیوه ها و سازوکار هایی متفاوت دنبال می شود. از سوی دیگر، تولیـد قدرت در دنیای کنونی در مقایسه با گذشـته، از الگوهای متفاوتی پیروی می کنـد و از این رهگـذر متغیرهای جدیـدی را جهت تولیـد، اعمال قدرت و نیز تحلیل مسائل بین المللی، وارد حوزه روابط بین الملل کرده است.

ص:۶۰

## فصل اول: مباحث بنیادی

### اشاره

فصل اول: مباحث بنیادی

این فصل بر موضوع ساختار قدرت نرم در سیاست خارجی تأکید می کند. به همین منظور، ضرورت ها، الزام ها، مزایا و منابع قدرت نرم تجزیه و تحلیل می شود.

### ۱. ضرورت کاربرد

۱. ضرورت کاربرد

همچنان که از گذشته تا به امروز در ذیل فرآیند عقلانی شدن و به مدد فن آوری های نوین، قدرت سخت افزاری چهره و ماهیتی تازه یافته است، ابزارهای غیرنظامی نیز اهمیتی هم تراز در چارچوب اعمال قدرت به دست آورده است. از میان ابزارهای غیرنظامی، به تبلیغات و فعالیت های فکری می توان اشاره کرد. با پایان گرفتن جنگ سرد و افول مشروعیت بلامنازع قدرت نظامی، تحلیل گران مسائل بین المللی با تأکید بر مؤلفه های نرم افزاری قدرت، در بی اعتبارسازی بی بدیل «زور» در گستره روابط بین الملل، تأثیر مهمی گذاردند. طرح دیدگاه هایی متعدد همچون ایده سیطره تئوری

لیبرالیسم، پایان تاریخ و برخورد تمدن ها، نشان دهنده یک تحول ساختاری در واکاوی شاخصه های مطالعات امنیت ملی است.(۱)

برجسته شدن الگوی منازعات فرهنگی، بیان کننده ظهور جلوه های رویارویی ارزشی ــ هنجاری، درکنار ابعاد سخت افزارانه، در بستر بحث های سیاست خارجی است. زمانی قدرت نظامی، عامل اصلی و تعیین کننده قدرت ملت ها و سهم دولت ها در پهنه جهانی بود، ولی از دهه ۱۹۸۰ میلادی به این سو، دیپلماسی فرهنگی اهمیت یافته و کشوری که بتواند نمادهای فرهنگی و اسطوره ای را در زمینه های مختلف ایجاد و صادر کند، کشور موفق است. امروزه نمادها که حرف می زنند نیز دنیای مجازی در حال تسخیر همه جا است و این دنیای مجازی، می تواند فکر و ذهن انسان را تسخیر کند.

باید بپذیریم جدال هنجارها در روندی فزاینده، تضادهای استراتژیک میان بازیگران را در پی دارد. «جدال غرب با جمهوری اسلامی ایران، در قالب نمادهایی از تعارض هویتی، سازمان دهی شده است. [چنان که] درگیری های جدید با همین رویکرد مفهوم می یابند».(۲)

تجربه های تاریخی نیز از رابطه معکوس میان شدت و سرعت اثرگذاری از یک سو و عمق و دوره نفوذ قدرت سخت و نرم از سوی دیگر، سخن می گوید. بر این اساس، تقابل فیزیکی، با سرعت و شدت بیشتری مناسبات را بر هم خواهد زد، گرچه از تداوم و عمق نفوذ کمتری نیز برخوردار است، ولی تأثیرگذاری فرهنگی به تدریج صورت می گیرد. کشوری که خواهان ایفای نقش افزون تر و ماندگارتر در حوزه جهانی است، در سیاست خارج



---

۱- ریچارد شولتز، روی گودسن وجرج کوستر، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه: اصغر افتخاری، صص ۷۸ ـ ۹۲.

۲- مصطفی ملکی، «جدال هویتی بازیگران دولتی و غیردولتی در نظام بین الملل»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، اسفند ۱۳۸۵، ش ۱۲، ص۱۸.

خود بایـد از مؤلفه هایی بهره گیرد که تضـمین کننده عمق نفوذ و تداوم باشد. در این میان، تنها با ابزارهایی از جنس هویتی و فرهنگی، می توان در عمق باورها و اعتقادات ملت ها رسوخ کرد. به باور بیشتر نظریه پردازان روابط بین الملل، کاربرد قـدرت نرم در سیاست خارجی، به کشورها این امکان را می دهد که در جامعه هدف، نفوذ و او را به واسـطه عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده ها به همکاری ترغیب کنند.

## ۲. مزایای کاربرد

۲. مزایای کاربرد

به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی ـ ارتباطی در سیاست خارجی، مزایای بسیاری دارد که مهم ترین آنها را می توان به شرح زیر برشمرد.(۱)

الف) کاهش سطح مقاومت در جوامع هدف

یکی از ناکـامی های مهم دولت ها در رسـیدن به اهـداف سـیاست خارجی شان در دیگر کشورها، مقاومت هایی است که در کشورهـای مقصـد در برابر اجرای هـدف هایشـان صـورت می گیرد. از آنجـا که عنصـر فرهنـگ در بسـیاری از موارد، ضـمیر ناخودآگـاه مخاطبان خود را هـدف قرار می دهـد و با لطافت و ظرافت غیرمشـهودی بر لایه های عمیق ذهن های ایشان رسوخ می کند، در مقایسه با دیگر ابزارهای شایع دیپلماسی، از گستره نفوذ بالاتری برخوردار است.

ب)جذابیت فزاینده



---

۱- محمـدحسن خانی، «دیپلماسـی فرهنگی و جایگاه آن در سـیاست خارجی کشورها»، دوفصل نامه دانش سیاسـی، دانشـگاه امام صادق۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۲، ص ۱۳۸.

قدرت نرم آنگاه که با هدف تسخیر ذهن ها و قلب های مردمان دیگر جوامع طراحی و اعمال می شود، نباید با لحنی خصمانه و تلقی آمرانه، در حواس عموم مخاطبان همراه باشد. بنابراین، نشانه گیری دیگر جوامع و کشورها چه در سطح ملت ها و باورها، با متغیرهای مولّد جذابیت، منجر به کاهش هزینه و مقبولیت در کارایی افزون تر خواهد شد.

ج) تنوع بازیگران

کاربرد اهرم نرم افزارگرایانه، این مزیت را دارد که مجال بهتری برای حضور جدی تر و ایفای نقش مؤثرتر به واسطه بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می کند.

د) انعطاف پذیری

قدرت نرم از ظرفیت اقدام و گستره طراحی خلاقانه تر، انعطاف پذیرتر و حتی فرصت طلبانه تر نسبت به سخت افزارگرایی کلاسیک و سنتی برخوردار است.

### ۳. الزامات شکل گیری قدرت نرم

۳. الزامات شکل گیری قدرت نرم

برای سازمان دهی قدرت نرم در سیاست خارجی، بازیگران مهاجم نخست باید مخاطب شناسی کنند. بدیهی است در صورت نشناختن ذایقه و شرایط جامعه مقصد، بخش بزرگی از قدرت شکل دهنده تهدید نرم، به هدر خواهد رفت. همچنین شکل گیری قدرت متقاعدکنندگی در سیاست خارجی، نیازمند برقراری نوعی رابطه تعاملی و دو جانبه میان طرفین درگیر است. به نتیجه رسیدن آن نیز تابعی از ظرفیت پذیرش نزد مخاطبان است.

### ۴. منابع تهدید نرم در حوزه سیاست خارجی

۴. منابع تهدید نرم در حوزه سیاست خارجی

منابع تهدیـد نرم را می توان قابلیت و توان منـدی های قـدرت نرم حریف دانست که ظرفیت فعال کردن بسترهای آسـیب پذیر در جامعه هدف را دارا باشد. باتوجه به مفاهیم نوین از تهدید و امنیت، منابع تهدید نرم در سیاست خارجی عبارتند از:(۱)

الف)رسانه ها

در الگوی مـدرن امنیت، رسـانه هـا با ایجاد تحول در باورها، اعتقادات و ذهنیات مخاطب، زمینه را برای اقناع و پـذیرش فراهم می کنند. رسانه ها نه تنها واقعیت را، بلکه مهم تر از آن ادراک مردم از حقیقت را نیز تغییر می دهند. به گونه ای که برخی از اندیشمندان، رسانه ها را حاکم بر اندیشه، ادراک و احساس انسان ها می دانند.

ب) ایدئولوژی معارض

چنانچه ایده های مشروعیت بخش به نظام سیاسی مستقر، بر اثر ایده های معارض دشمن تضعیف شود؛ این امر از مصداق های اساسی تهدید نرم است که به صورت تغییر رفتار و ساختار نظام حاکم بروز می کند.

ج) جذابیت

اگر سیاست ها و روندهای جاری عامل، برای بازیگر در معرض تهدید، جذابیت و مقبولیت نداشته باشد، در عمل شکل گیری تهدید نرم ممکن نیست.

د) فن آوری کارآمد

بـازیگر مهـاجم برای اینکه بتوانـد از طریق ابزارهـای ارتبـاطی خود بر دیگران تأثیر بگـذارد، لازم است که از توان منـدی های تکنولوژی رسانه ای روز برخوردار باشد.



---

۱- قدرت نرم؛ معنا و مفهوم، ص ۲۳۸.

ه) دیپلماسی کارآمد

این دیپلماسی آنگاه پویا وکارآمد است که سیاست ها و روندهای دشمن را بر بازیگران جامعه هدف، مطلوب و جذاب جلوه دهد تا در یک روند تصاعدی و بدون مقاومت های بازدارنده، سیاست های حریف را پذیرا باشد.

ص:۶۶

## فصل دوم: نشانگاه قدرت نرم در سیاست خارجی

### اشاره

فصل دوم: نشانگاه قدرت نرم در سیاست خارجی

نشانگاه های نرم افزارگرایی در سیاست خارجی، به تبیین ابزارهای مهم کاربردی با محوریت رسانه اشاره دارد. که بیشتر قدرت های بزرگ به ویژه ایالات متحده امریکا در درگیری های مدرن، در جهان کنونی از آن بهره می گیرند. ابزارهای ارتباطی به شکل گسترده و با انگیزه جهت دهی و منحرف کردن ذهن ها، در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران استفاده می شوند.

### ۱. ابزارهای ارتباطی

#### اشاره

۱. ابزارهای ارتباطی

امروزه آدمی به دلیل فراگیری بی سابقه رسانه های مدرن، در معرض شدیدترین امواج وسایل ارتباطی قرار دارد. انقلاب فن آوری در عرصه ارتباطات، سبب شده تا دسترسی به افکار میلیون ها انسان و اثرگذاری بر آنها آسان شود. به تعبیری، آسان سازی دسترسی به افکار عمومی، میزان تلفات را در نبرد ارتباطی، در قیاس با جنگ سخت، گسترده تر می کند. با این تکنولوژی می توان به سرعت وارد محیط سیاسی دولت ها شد و آن را به نفع خود تغییر داد.

«یکی از راه های اندازه گیری توانایی قدرت دولت ها، واکنش سریع آنها به رویدادها و روندهای پرشتاب در حال وقوع جهانی است و این، به ساختار و میزان استفاده از فن آوری نوین بستگی دارد».(۱)

تکنولوژی مدرن ارتباطی، این امکان را برای بازیگران بین المللی به وجود می آورد که میزان مانور خود را از حیطه ملی تا دورترین سطح بین المللی بگسترانند و از این راه، منافع ملی خود را تأمین کنند. بی توجهی به تحولات ایجادشده در محیط جدید بین المللی، موجب ناکارآمدی و افزایش هزینه های دولت ها در عرصه سیاست خارجی می شود.

آلتوسر، منتقد فرانسوی که بیشترین نقش را در تبیین رفتار ایدئولوژیک دولت ها دارد، وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها را در کنار سیاست، جزو ابزارهای مهم دولت سرمایه داری برای استعمار ایدئولوژیک می داند که گرایش به رفتار و فکر و شیوه های پذیرفته و اقناع اجتماعی را در مردم به وجود می آورد. مارشال مک لوهان، دانشمند کانادایی در نظریه خود، تاریخ بشر را به سه دوره یعنی عصر فرهنگ شفاهی، عصر تمدن چاپی و عصر تمدن الکترونیک تقسیم می کند. در عصر الکترونیک، قدرت در قبضه صاحبان شبکه های تلویزیونی، شبکه های رایانه ای و ماهواره هاست.(۲)

بی تردید، نقش رسانه ها در نظام جهانی و قدرت های مسلط آن، بی بدیل از پایه های اصلی دوام و بقای هژمون و سلطه قدرت های سرمایه داری بر جامعه جهانی است. به نظر می رسد، تئوری سلطه رسانه ها کارکرد ابزارهای ارتباطی سازنده قدرت نرم را در سیاست خارجی به خوبی تشریح می کند.



---

۱- موسی الرضا وحیدی، «تغییر عرصه سیاست بین المللی و دگرگونی ماهیت دیپلماسی»، فصل نامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۸۶، ش ۲، ص ۳۷۰.

۲- هرمز مهرداد، مقدمه ای بر نظر و مفاهیم ارتباط جمعی، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

از این دیدگاه، رسانه ها در کنترل و انحصار گروه قدرتمند جوامع و یا کشورهای مقتدر در عرصه بین الملل قرار دارند. بر پایه نظریه سلطه رسانه ها، ابزارهای ارتباط جمعی دو مشخصه بارز دارند:

۱. تمرکز این وسایل در دست گروه های خاص است. این گروه می تواند یک طبقه سرمایه دار یا کشور سلطه گر باشد؛

۲. جذبه و پرستیژ آنها، برای توده ها و جوامع تحت سلطه است.

به عنوان نمونه، تهدید رسانه ای، به مثابه برجسته ترین مؤلفه قدرت نرم، توسط ایالات متحده امریکا به صورت رسمی و سازمان یافته ولی پنهان، با بودجه های سرّی، توسط سازمان های اطلاعاتی و امنیتی راهبردی می شود. آمارها نشان می دهد که جریان بین المللی خبری و رسانه ای، زیر سلطه برخی از کشورهای غربی و آژانس های خبری و غول رسانه ای آنان است.(۱) چنان که نود درصد از اخبار بین المللی منتشره در رسانه های جهان از چهارغول رسانه ای و خبرگزاری غربی «یونایتد پرس»، «اسوشیتدپرس»، «فرانس پرس» و «رویتر» است. اخبار آنها را غول های رسانه ای چندملیتی تکمیل می کنند؛ از «مورداک تایمزوارنر» تا «سی ان ان» که تقریباً همه آنها امریکایی است. این همان امپریالیسم رسانه ای است که بر پایه انتقال جهان بینی یک ملت یا کشور از راه رسانه ها پایه ریزی شده است.

ابزارهای ارتباطی، تنوع فراوانی دارند که در گروه های مختلف همچون دیداری، شنیداری، مجازی و نوشتاری دسته بندی می شوند. هریک از این وسایل با کاربردهای متفاوت، وظیفه اساسی انتقال پیام از مبداء پیام به گیرنده پیام را برعهده دارند.



---

۱- کیم کیونگ مو، تحلیل شبکه ای جریان بین المللی خبری، ترجمه: حسن بشیر، ص ۸.

در این پژوهش، بـا تـوجه به میزان اهمیت هر یـک از این رسـانه هـا در تقابـل نرم افزاری امریکـا بـا جمهـوری اسـلامی ایران، واکـاوی می شود. بـا مطـالعه پدیـده ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، می توان با کسب بصـیرت و آگاهی های لازم، از جنبه های زیان بار این وسایل در امان ماند و با به کار بسـتن راهنمایی و آموزه های نجات بخش مکتب اسلام، آنها را در راه دست یـابی به سـعادت و رسـیدن به تکامل انسانی، به خـدمت گمارد. این موضوع در بنـد دوم از اصل سوم قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران نیز تأکیـد شـده است: «بالاـ بردن سـطح آگـاهی های عمومی در همه زمینه ها با اسـتفاده صـحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر، از وظایف جمهوری اسلامی در نیل به اهداف نظام اسلامی است».(۱)

## الف) ابزارشنیداری(رادیو)

الف) ابزارشنیداری(رادیو)

کمتر رسانه ای تا این اندازه توانسته است بار سیاست گذاری و جنگ روانی علیه ممالک متعدد را به دوش بکشد. برای اینکه یک رادیوی بیگانه را مردم یک سـرزمین بپذیرنـد، بایـد عوامل و شـرایط بسـیاری را رعایت کنـد. بـدین منظور، باید برخی از نیازهای روانی مردم را بررسی و از کمبودهای موجود، به اندازه لازم و کافی بهره برداری کند.

«رادیو از لحـاظ سـرعت و مـداومت انتشـار و همچنین وسـعت حوزه انتشـار، برترین وسـیله ارتبـاط جمعی است. رادیو وقایع و حوادث را زودتر از مطبوعـات و حـتی تلویزیون در همه جـا پخش می کنـد، ولی چون اسـاس کـار آن بر سـرعت و مـداومت انتشار گذاشته شده است، فرصت تجزیه و تحلیل و

ص:۷۰

---

۱- قـانون اساسـی جمهـوری اسـلامی ایران، نشـانی پایگـاه: http://www.majlis.ir/majles/index.php?option=com_contenttask=viewid=۱۲Itemid=۸۸

تفسیر اخبار را به دست نمی دهد. درعین حال، باید در نظر داشت که ویژگی و اصالت کار رادیو، بیش از آنکه از طرز انتشار پیام های آن سرچشمه بگیرد، از طرز دریافت آنها ناشی می شود».(۱)

رادیو به عنوان یکی از ابزارهای ارتباطی، در سیاست خارجی، امتیازی برجسته و کاربردی دارد. دلایل این سخن بدین قرارند:(۲)

یک _ رادیو به سبب امکانات فنی بی مانند خود، از نیروی اقناع و نفوذ فراوانی برخوردار است.

دو _ برنامه های رادیویی دارای نیروی ضربتی و غافل گیرکننده شدیدی هستند که در هیچ یک از وسایل ارتباطی دیگر به ویژه مطبوعات و سینما وجود ندارد. رادیوها مثل خبرگزاری، روزنامه ها و مجله های بین المللی، از راه تبلیغات و انتشار و توجیه مواضع دولت ها و منافع آنان، در خدمت سیاست خارجی کشورها هستند. به همین دلیل، عملکردشان همانند سیاست خارجی کشور متبوع، همیشه در حال تغییر و تبدیل است.

ژنرال دانوان عقیده دارد که استفاده از رادیو، یکی از تسلیحات استراتژیک جنگ است. بر این مبنا زمانی که رادیو به صورت استراتژیک به کار رود، موجب نارضایتی بیشتر شهروندان کشور دشمن می شود، اعتماد مردم به رهبرانشان کاهش می یابد و شنوندگان ترغیب می شوند تا مخالفت خود را ابراز کنند.

رادیوها را می توان به دو نوع کلی دسته بندی کرد: رادیوهای داخلی و رادیوهای بین المللی. به لحاظ کاربرد در بازتاب مواضع کشورها و تهدیدات رسانه ای، رادیوهای بین المللی جایگاه منحصر به فردی دارند.(۳) از جنبه



---

۱- کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، صص ۲۳۰ _ ۲۳۳.
۲- حمید ضیایی پرور، جنگ نرم ویژه جنگ رسانه ای، صص ۲۶۹ _ ۲۷۰.
۳- حمید ضیایی پرور، «جنگ نرم»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۴، ص ۴۴.

روانی، معمولاً ـ افراد زمانی به رادیوهای بیگانه گوش فرامی دهند که برنامه مورد نظر خود را در برنامه های رادیویی داخل کشور نمی یابند، یا برای اینکه به دیدگاه های دیگری در مسائل سیاسی دست یابند و یا اینکه دستگاه های تبلیغی کشور متبوعشان، از کاستی هایی چون نقص کادر متخصص و امکانات، پایین بودن سطح اطلاعات یا وجود سانسور رنج می برند. معمولاً رادیوهای بیگانه (بین المللی) مدعی واقع نگری، دقت، وابسته نبودن و پخش نظر دیگران هستند، ولی با بررسی دقیق در برنامه این رادیوها درمی یابیم که معمولاً آنها موضع معیّن یا سیاست مشخصی را به کار می برند؛ هرچند روش هر یک با دیگری تفاوت دارد.

به عنوان نمونه، رادیو بریتانیا و صدای امریکا در بسیاری از وقت ها در پخش اطلاعات و اخبار و نیز ارائه تحلیل و تفسیرها برای نظری که مؤید آنان است، اهمیت بیشتری قائل می شوند، و البته هرچند دیدگاه های گوناگونی را به طور گذرا و به اشاره مطرح می کنند، رفتارشان به گونه ای است که شنوندگان غیرمتخصص در چنین مسائلی، تحت تأثیر مواضع آنان قرار گیرند.

هم اکنون بیش از ۳۲ رادیو به زبان فارسی برای ایرانیان و دیگر فارسی زبانان جهان برنامه پخش می کنند. بسیاری از این رادیوها پایگاه های اینترنتی دارند و اخبار آنها از این راه نیز در دسترس مخاطبان قرار می گیرد. با بررسی محتوای این رادیوها می توان گفت که بیشتر اطلاعات ارائه شده در آنها، با هدف جهت دهی به افکار عمومی ایرانیان و فارسی زبانان، بر اساس خواست گردانندگان آنها پردازش می شود.(۱)

ص:۷۲

---

۱- بر اساس برخی آمارها جمعیت تحت پوشش رادیوهای فارسی زبان بین المللی، بیش از ۱۵۰ میلیون نفر برآورده می شود.

## ب) ابزار دیداری ( تلویزیون)

ب) ابزار دیداری ( تلویزیون)

امروزه زبان تصویر، زبان گویایی است که بیشتر مردم جهان با آن آشنایی دارند و بسیاری از پیام های دریافت شده به وسیله آن را در زندگی روزمره خود به کار می برند. تماشای برنامه های تلویزیون نه تنها از جنبه کسب آگاهی و شعور اجتماعی، سیاسی یا سرگرمی و ورزشی جالب توجه است، از نظر روانی هم اهمیت دارد. نقش تلویزیون از جنبه های مختلف عبارتند از:

یک ـ نقش سیاسی

تلویزیون اثر سیاسی قاطع تری بر فراز و فرود مبارزه های انتخاباتی و در کل، مشارکت های سیاسی مردم دارد. همچنین سخنرانی مقامات عالی رتبه یک کشور از تلویزیون، یا پخش سخنرانی های مختلف در زمینه مسائل گوناگون سیاسی و بین المللی، در جهت رشد سیاسی و روانی مردم نقش بسزایی ایفا می کند.

دو ـ نقش آموزشی

نقش تلویزیون را در مقوله آموزشی و روانی را می توان در مؤلفه های زیر خلاصه کرد:

اول ـ همه افراد جامعه را بدون در نظر گرفتن قشری خاص، در تمام ساعت های شبانه روز پوشش می دهد.

دوم ـ با نقش آموزشی خود بر دامنه بینش و شعور اجتماعی و سیاسی افراد و فرهنگ پذیری جامعه می افزاید.

سه ـ انتشار اخبار

تلویزیون در کوتاه مدت اطلاعات لازم و جدیدترین اخبار حوادث را در دورترین نقاط دنیا به طور پیوسته در اختیار گیرنده قرار می دهد. ویژگی

ص:۷۳

خبررسانی تلویزیون و توان مندی آن برای ترکیب نور، صدا، تصویر و نمایش مناسبی از آنها، سبب شده که این رسانه به یکی از ابزارهای اصلی شکل دهی آگاهی ها و ذهنیات مردم تبدیل شود و سازمان های مختلف که مسئول اعمال تهدیدات نرم هستند، به آن بیشتر توجه می کنند.(۱)

نمایش این برنامه ها در ایستگاه های تلویزیونی کشورهای رقیب، اذهان مخاطبان آن کشورها را آماده پذیرش بی چون و چرای اهداف آن سازمان ها می کند. شماری از پی آمدهای این برنامه ها عبارتند از:

۱. آفرینش تحسین بینندگان از سبک زندگی جوامع غربی؛

۲. تعدیل هرگونه گرایش های نامساعد آنان نسبت به غرب؛

۳. کاهش اعتقاد و اعتماد مخاطبان به جامعه و فرهنگ خودی. (۲)

باید اذعان داشت تأثیر تلویزیون جهانی بر روابط بین الملل از آنجا ناشی می شود که در سطح جهان، گستردگی بی سابقه ای یافته است وآثار آن به صورت جلب حمایت داخلی از سیاست خارجی کشور و مشروعیت بخشیدن به اقدامات کشور در سطح افکار عمومی جهانی، نمود می یابد.

### پی آمدهای جهانی ماهواره های تلویزیونی

پی آمدهای جهانی ماهواره های تلویزیونی

باید پذیرفت که نقش رسانه در ایجاد تهدید و تهدیدزدایی، واقعیتی انکارناپذیر و آشکار است. در دنیای کنونی، رسانه ها بخش گسترده ای از ماهیت افکار عمومی را شکل می دهند و به گونه ای تصاعدی این روند، رو به افزایش است، تسلط بر رسانه ها و خبرگزاری ها، قدرت بسیار زیادی به



---

۱- پرویز امام زاده فرد، «عملیات روانی در دوران جنگ سرد و سال های پس از آن»، فصل نامه عملیات روانی، سال سوم، ش ۱۰، نشانی پایگاه: http://www.arnet.ir.

۲- یونس شکرخواه، «رسانه ها و جنگ روانی»، فصل نامه عملیات روانی، سال دوم، ش ۱، نشانی پایگاه: http://www.arnet.ir.

بازیگران صحنه های سیاست خارجی داده است، به گونه ای که به کارگیری اهرم های خبری و اطلاعاتی، می توانند باورها و نگرش های جمعی را تغییر و یا به افکار عمومی، ملی و فراملی شکل دهند. سیطره گروهی از کشورهای صنعتی بر ابزارهای ارتباطی، به شکل گیری امپراتور بزرگی که می تواند هویت های ملی، فرهنگی، دینی و اعتقادی ملت ها را تهدید کند، منجر شود.(۱)

مردمی که زیر بمباران جنگ رسانه ای قرار دارند، چه بسا ممکن است دامنه و شدت حمله های سنگین را درک نکرده و حتی از وجود آن بی خبر باشند. با گسترش ماهواره های ارتباطی، پی آمدهای زیر، در مسائل جهانی پدید آمد و یا در حال به وجود آمدن است:(۲)

اول _ کاهش تسلط دولت ها بر اتباع خود

انقلاب ارتباطات و ماهواره ها زمینه را برای انتقال اطلاعات به سراسر نقاط زمین، هموار کرده است، بدون آنکه مرزهای جغرافیایی و سیاسی با دولت های حاکم و دستگاه های کنترل کننده آنها، بتوانند از این کار مانع شوند. زمانی که هریک از شهروندان بتوانند بدون مداخله دولت، برنامه های تلویزیونی دیگر کشورها را تماشا کنند، از کنترل و احاطه انحصاری دولت ها در برابر منابع اطلاعاتی کاسته خواهد شد.

مسلّم است، مرزها و دیوارها دیگر نمی توانند از ورود اندیشه های موجود، به درون واحدهای سیاسی خود جلوگیری کنند. «بیش از ۵۸۰۰ مورد ماهواره در آسمان بالای سر ما، همه مرزها را درهم شکسته اند. تنها با فشار یک دکمه، رویکردهای مختلف از هرسو پیش روی مردم قرار می گیرد.

ص:۷۵

---

۱- محمدرحیم عیوضی، «مدیریت رسانه ای ومهندسی افکارعمومی»، فصل نامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، دور دهم، ۱۳۸۸، ش ۲، ص ۲۵۵.

۲- ۲.حسین متفکر، جنگ روانی، صص ۱۸۷ _ ۱۹۶.

از میـان انواع ماهواره هایی که در مـدار زمین به فعالیت مشـغولند، ماهواره های رادیو وتلویزیونی، بیشترین حـد مخالفت ها را برانگیخته اند. بیش از ۱۴۰ ماهواره فعال رادیو و تلویزیونی، سرتاسـر پهنه آسـمان را به تسخیر خود در آورده اند. این ماهواره ها بیش از ۳۴۰۰ کانال تلویزیونی و ۱۶۰۰ کانال رادیویی را پوشـش می دهند. از این مقدار، بیش از ۸۰ ماهواره با ۴۰۰ کانال را در ایران می توان دریافت کرد. در سال های اخیر، جامعه ایرانی نیز در معرض امواج شبکه های ماهواره ای قرارگرفته است. با توجه به نقش تعیین کننده برنامه های تلویزیونی جهانی در اثرگذاری بر افکار عمومی ایرانیان، تلویزیون های ماهواره ای، به مثـابه شمشـیری دولبه است که بهره برداری نامنـاسب از آن، می توانـد، مخـاطب ایرانی را در تیررس آسـیب هـای فرهنگی ــ اجتماعی قراردهد».(۱)

دوم ــ ایجاد تغییرات فرهنگی، اجتماعی درمیان ملت ها

هم اکنون در کشورهـایی که زیر پوشـش برنامه های تلویزیونی دیگر کشورها در آمـده انـد تغییراتی در ساختارهای اجتماعی آنها پدیدار گشـته است. به همین دلیل، بعضـی از کشورهای اروپایی به منظور حمایت از فرهنگ ملی خود، از ارسال و پخش برنـامه هـای تلویزیـونی امریکـا برای اتباعشـان جلوگیری می کننـد. فرانسه و اسـپانیا دو کشوری هسـتند که تقویت و گسـترش ماهواره های فراملی را که بیشتر امریکایی هستند، مقدمه زوال زبان و فرهنگ فرانسوی و اسپانیایی ارزیابی کردند.



---

۱- از تهدیدات رسانه ای و راهبردی مقابله، ص ۹۸.

در میان کشورهای جهان سوم نیز ماهواره، نخستین رسانه ای بود که مقاومت جدی دولت ها، حکومت ها و اندیشمندان را که فرهنگ و اقتصاد ملی خود را در معرض آسیب اقدامات غرب می دیدند، در پی داشت.

«در ژانویه ۱۹۶۸ زمانی که کنفرانس هاوانا برای نخستین بار مسئله سلطه فرهنگی و امپریالیسم ارتباطی را طرح کرد، به جهانیان هشدار داده شد که در دهکده جهانی، مردم همه چیز را نمی بینند و نمی شنوند، بلکه فقط کدخداست که می گوید مردم در این دهکده چه چیزی را باید ببینند و بشنوند. ماهیت غیردموکراتیک و امپریالیستی ماهواره های تلویزیونی را در تحولات بزرگی چون فروپاشی کمونیسم و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، زمزمه های اروپای متحد و انزوای تبلیغاتی کشورهای آزادی خواه و مستقل، می توان یافت.

حال پرسش اینجاست که ماهواره ها دربردارنده چه ویژگی هایی هستند که توانسته اند در بعد ستیز نرم و تهاجم فرهنگی، مؤثرترین ابزار باشند؟

در پاسخ به این پرسش، بیان این نکته دارای اهمیت است که ماهواره ها می توانند حجم پیام های ارسالی را بالا برند و ارتباط پیوسته ای را با مخاطبان برقرار کنند. به این ترتیب، ضربه های پراکنده و منقطعی که در دنیای سلطه در قالب سینما و ویدئو، به دیگر فرهنگ ها وارد می شود، اینک با حضور ماهواره ها به یک بمباران پیوسته و سازمان یافته تبدیل شده است. نتایج پژوهش های یونسکو نشان می دهد که بیشترین مخاطبان تلویزیون در سراسر دنیا، کودکان و جوانان هستند که به مقتضای سن خود، بالاترین ضریب تأثیرپذیری را نیز دارند. این پژوهش حاکی از آن است که هر دانش آموز در

طول دوازده سال تحصیلی خود، تقریباً معادل زمانی که در مدرسه تحصیل می کند، به تماشای تلویزیون می پردازد».(۱)

در چنین شرایطی با تأسف، ماهواره ها می توانند بدون هیچ گونه فیلتر و کنترل، تولید فرهنگی غرب را با کمک تلویزیون در دسترس جوانان قراردهند؛ تولیدات آلوده ای که به طور عمده با تمسک و سوءاستفاده از نیازهای غریزی و عاطفی نسل جوان، فرهنگ سلطه را در وجودشان تزریق می کند. بنابراین، با اشاعه برنامه های ماهواره ای و استیلای فرهنگی، می توان پیشینه یک ملت را به تاراج برد. به این ترتیب، می توان گفت پدیده های شومی چون بی بندوباری، خودباختگی، عصیان بر ضد سنت ها و هنجارشکنی، گسست نسل ها، مصرفی شدن زندگی، از دست دادن هویت فرهنگی و در کل بیماری غرب زدگی، با حضور ماهواره ها در صحنه ارتباطات جهان، فراگیرتر خواهد شد.

افول فرهنگ، از پی آمدهای همه گیر و عمومی برنامه های ماهواره ای است. فرهنگ قالب بندی شده فرستنده این نمادها و پیام ها، بدون هیچ مقاومتی در اختیار گیرنده قرار می گیرد و وارد کانون خانواده و سپس جوامع می شود. رنگ باختگی ارزش های انسانی، باورهای مذهبی و نمادهای ملی و میهنی و در نتیجه خطر تنزل فرهنگ اجتماعی متأثر از رسانه های تصویری، بیش از هر زمان دیگر است. استحاله فرهنگی، فرآیندی است که به نوبه خود، از قانون مندی های بسیاری پیروی می کند.

در این میان آنچه اثرپذیری هجوم تبلیغی ـ روانی را کارساز می کند، هجوم پیوسته یک فرهنگ غالب به ارکان و زیر بنای فرهنگی مغلوب است.

ص:۷۸

---

۱- همان ص ۲۵۹.

زمانی که آداب و رسوم، سنت ها، اخلاقیات و باورهای ملی و یا مذهبی نتوانند پاسخ گوی نیازهای یک جامعه بر اساس اقتضائات زمانه باشد، بدیهی است گرایش به سوی تحول فرهنگی، در آن جامعه ایجاد می شود.(۱)

یکی از شگردهای مؤثر در برنامه های تلویزیون های ماهواره ای که غرب بیشتر در تهدیدات نرم افزاری در رویارویی با جامعه هدف از آن بهره می گیرند، انگاره سازی است. کارکرد انگاره سازی در تلویزیون های ماهواره ای، تغییر تصویرهای خبری برای ایجاد تغییر در نگاه مردم است. این تغییر، نخست بر احساس و تخیل افراد تأثیر می گذارد و سپس برخی انگاره های پیشین را در ذهن آنها مخدوش می سازد. وارد شدن آسیب به آرشیو تصویرهای گذشته، مسیر پذیرش تصویرهای جدید را فراهم می کند.

«بسیاری از کارشناسان ارتباطات، علوم اجتماعی و سیاسی، یکی از راه های مقابله با محتوای برنامه های تلویزیون ماهواره ای را تنوع محتوایی و تکنولوژیکی رسانه های ملی به ویژه تلویزیون عنوان کرده اند. با ارتقای سطح آگاهی افراد، زمینه های انتقاد و داوری برای مخاطبان فراهم می شود و آنان می توانند محصولات رسانه ای را با توجه به گرایش و اخلاق اجتماعی جامعه خود، گزینش و ارزیابی کنند».(۲)

سوم ــ افزایش آگاهی و ایجاد بحران های سیاسی، اجتماعی و روانی

فرآیند بین المللی شدن اطلاعات، موجب می شود که ملل جهان سوم از چگونگی زندگی در کشورهای پیشرفته صنعتی آگاهی یابند و بکوشند تا به



---

۱- محمدرضا رسولی، «مخاطب شناسی تلویزیون های ماهواره ای»، سایت باشگاه اندیشه، نشانی پایگاه: http//:www.bashgah.net.

۲- گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، تهدیدات رسانه ای و راهبردهای مقابله، ص ۷۶.

چنان سطحی از زندگی دست یابند. زمانی که ملت های دستخوش تنگدستی و بحران های مالی، از رفاه وآسایش دیگر ملت ها آگاه شدند، زمینه ابراز انزجار و خشونت ها فراهم می شود.

## ۲. ابزارهای مجازی

### اشاره

۲. ابزارهای مجازی

بی تردید، فضای ارتباطات مجازی، در ساختن افکار عمومی جهان و انتشار ارزش های فرهنگی، تولید و توزیع هنجارها نقش مهمی را بازی می کنند. با توجه به گستره وسیع تکنولوژی های نوین ارتباطی، سیستم های مجازی همچون رایانه از ظرفیت نیرومندی برای نقش آفرینی درحوزه سیاست جهانی برخوردارند. امروزه فضاهای مجازی رایانه و اینترنت، این امکان را فراهم آورده که با هزینه هایی اندک، سازمان های سیاسی، گروه ها و جریان های سیاسی مخالف و اپوزیسیون، به ارتباط با مردم ایران بپردازند و آنها را آماج امواج تبلیغی و سیاسی قرار دهند.

### الف) رایانه

الف) رایانه

بدون اغراق می توان ادعا کرد که در مسیر تحول قدرت، تاکتیک های اطلاعاتی و رایانه ای، نقش تعیین کننده تری در میزان نفوذ و تأثیرگذاری بر کشورها یافته است. پیشرفت های تکنولوژی اطلاع رسانی و بزرگراه های اطلاعاتی و رایانه ای، یکی از محورهای مانور قدرت در عرصه سیاست خارجی، در هزاره سوم میلادی است. هم اکنون واژگان جدیدی همچون «تروریسم رایانه ای» به ادبیات سیاسی جهان وارد شده است. این نوع عملیات تروریستی به هر گونه اقدام خرابکارانه اطلاق می شود که نفوذگران و اخلال گران رایانه ای، علیه شبکه های رایانه ای و اینترنتی یک کشور انجام

می دهند.(۱) اگر چه اخلال گران رایانه ای اهداف گوناگونی دارند، بسیاری از آنها دارای گرایش های سیاسی یا اجتماعی هستند.

هدف عمده این گروه از نفوذکننده ها، اخلال در سیستم رایانه ای سازمان ها، وزارتخانه ها یا شبکه های مرتبط با دولت خاصی است. شبکه های رایانه ای نیروهای نظامی، وزارت دفاع، وزارت خارجه، پلیس، ریاست جمهوری، صدا و سیما، بانک مرکزی، مجلس و احزاب سیاسی از مقاصد مهم نفوذگران با اغراض سیاسی به شمار می رود. بر اساس برآوردهای اطلاعاتی، نیمی از حمله های هکرها و تهاجم های الکترونیکی را سازمان های رسمی و قانونی نظام های سیاسی دشمن علیه سیستم های نرم افزاری جامعه هدف شکل می دهند.

در صورتی که با یک رویکرد آسیب شناسانه به ابزارهای ارتباطی در حوزه مجازی بنگریم، چنین به دست می آید که «شبکه های رایانه ای فاصله ارتباطی بین رسانه های میان فردی، مانند تلفن با رسانه های جمعی مانند تلویزیون را پر می کنند. مردم در تمام نقاط جهان می توانند از این شبکه ها برای انتقال متون ممنوعه، [شبکه های اجتماعی مبتنی بر نافرمانی مدنی]، سخنان حاکی از هنجارشکنی ارزش های پذیرفته شده در فرهنگ ملی و عمومی کشورها و دیگر اطلاعاتی که ضالّه یا مغایر امنیت ملی تلقی می شود، اقدام کنند».(۲)

### ب) اینترنت



---

۱- در دهه ۱۹۸۰ میلادی، باری کولین، پژوهشگر ارشد مؤسسه اطلاعات و امنیت در کالیفرنیا، واژه «سایبرتروریسم»، را جعل کرد، که به حمله از پیش طراحی شده و دارای انگیزه های سیاسی، به سیستم های رایانه ای و داده ها اطلاق می شود. برای آگاهی بیشتر، نک: حمید ضیایی پرور، «جنگ نرم(۲)؛ویژه جنگ رسانه ای»، فصل نامه مطالعات بسیج، پاییز ۱۳۸۵، ش ۳۲، صص ۲۴_ ۲۸.

۲- لورا استین و نیکیل سینا، «رسانه های نوین جهانی و سیاستگذاری ارتباطات: نقش دولت در قرن بیست و یکم»، ترجمه: لیدا کاووسی، سایت دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، نشانی پایگاه: http://www.rasaneh.org.

ب) اینترنت

اینترنت، این بزرگراه مهیج و مرعوب کننده، در پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) متولد شد. نام دوران نوپای این رسانه مجازی، آرپانت(۱) بود که در ۱۹۶۹ میلادی بر آن نهاده شد. آرپانت یا همان اینترنت جوان، در آن زمان خط تماس الکترونیک و محرمانه دست اندرکاران وزارت دفاع امریکا بود. آنچه امروز به نام پست الکترونیک(۲) مطرح می شود و یکی از خدمات رایج اینترنت به شمار می رود، محصول دوران تماس کارشناسان نظامی رایانه ها در آرپانت است.(۳)

اینترنت برخلاف رسانه های پیشین، یک ابزار ارتباطی دوسویه بوده و از این نظر تفاوت اساسی با رسانه های پیش از خود دارد. در این فضا مجالی برای تبادل دیدگاه ها و خواسته های آدمیان فراهم می شود، به گونه ای که بتوان اندیشه های خود را به آسانی به اشتراک گذاشت. همچنین در عین حال که انسان ها خود را در یک فضای دیجیتالی و به دور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و ملی می یابند، از جنبه امنیتی می تواند بسیار مشکل آفرین باشد. همچنان که در عصر کنونی، اطلاعات و داده ها به سرعت امواج در فراسوی مرزها در جریان است، نبردهای عصر اطلاعات نیز رخ می نماید.

نبردهای عصر اطلاعات، طبقه بندی خاصی دارد که بخشی از آنها، جنگ های اینترنتی(۴) خواهند بود. به گمان نظریه پردازان، جنگ های اینترنتی به شکل های مختلفی بروز خواهند کرد. برخی، میان دولت های رقیب به وقوع خواهند پیوست. برخی نیز ممکن است دولت ها و عوامل غیردولتی را درگیر



---

۱- ARPANET

۲- E.mail

۳- تهدیدات رسانه ای و راهبردهای مقابله، ص ۹۹.

۴- Net wars

کنند که بیشتر، در حوزه فعالیت های تروریستی، قاچاق مواد مخدر و یا تولید و توزیع سلاح های کشتار جمعی خواهند بود.

توجه به اینترنت، در سطحی فراگیر و به عنوان رقیب رسانه های مکتوب و الکترونیک، پس از ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی شروع شد، به گونه ای که در امریکا میزان استفاده کاربران از اینترنت از ۵ درصد به بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته است. برای آنکه از عمق فضای مجازی و تأثیر آن بر سیاست خارجی کشورها آگاه شویم، باید گفت: «از شش میلیارد و ۷۱۰ میلیون نفر جمعیتِ ساکن بر روی زمین، نزدیک به ۳۶ میلیون کاربر اینترنت در سال ۲۰۰۰ وجود داشت که این آمار در سال ۲۰۰۹ به یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون کاربر اینترنت رسید.»(۱) هم اینک بسیاری از موتورهای جست وجوگر دنیا همچون گوگل، یاهو، لیکاس و آلتاویستا ماهیتی امریکایی دارند. نتایج جست وجو در مورد بسیاری از واژگان کلیدی و مهم که به وسیله کاربران این پایگاه های اطلاع رسانی وارد می شود، براساس آنچه صاحبان این موتورهای جست وجوگر می پسندند، طبقه بندی خواهد شد.

در واقع تقاضای کاربران اینترنت در فضای سایبر، دست خوش سانسوری می شود که می توان آن را سانسور سایبر توسط پیشروهای اینترنت در جهان که در ایالات متحده مستقر هستند، تصور کرد. راهبری کاربران پایگاه های جست وجوگر مشهور در اینترنت، با حضور پلیس اینترنتی فدرال امریکا و در حاشیه، به صورت پنهانی به جامعه جهانی عرضه می شود. «ایجاد پایگاه های خبری متعدد در اینترنت توسط ایالات متحده، زمینه ساز این شعار است:



---

۱- محسن محمدی، «عملیات روانی با پیامک، e- mail و...»، ویژه نامه تأثیر، مهر ۱۳۸۸، ش ۲، ص۱۶.

«جهان یا اینترنت را از نگاه امریکا بنگرید.» این مورد به عنوان نوعی از دیپلماسی انحصارطلبی ایالات متحده در فضای مجازی به شمار می رود».(۱)

اینترنت چهار تأثیر ویژه بر امنیت ملی دارد:(۲)

یک ـ اینترنت به انتشار اطلاعات در مقیاس دیداری و شنیداری کمک می کند؛

دو ـ اینترنت در انتشار اطلاعات گمراه کننده از راه وب سایت های تقلبی و یا نشانی پست الکترونیکی گمراه کننده نقش دارد؛

سه ـ اینترنت فرصت هایی برای خرابکاری سیستم های رایانه ای و دیگر زیرساخت ها فراهم می کند؛

چهار ـ اینترنت یک وابستگی همگانی به شبکه یکپارچه جهانی به وجود می آورد و ممکن است، در تضعیف حاکمیت ملی سهیم باشد.

## آثار سیاسی اینترنت

آثار سیاسی اینترنت

یک ـ نفوذ بر افکار عمومی داخلی

اینترنت وسیله ای برای تماس زمام داران و رهبران سیاسی با ملت های خویش است. فضای مجازی اینترنت، ابزار مناسبی برای جلب مشارکت و پشتیبانی ملی از برنامه ها و طراحی های بزرگ، اعم از سیاسی، اقتصادی و دفاعی است. دولت با به کارگیری از اینترنت، نظریه ها، تصمیم ها و برنامه های خود را برای افکار عمومی تبیین می کند.

دو ـ کاربرد در سیاست خارجی



---

۱- «اینترنت از فیلتر دکترین انحصارطلبی خبری امریکا»، ۲۹/۱۱/۱۳۸۱، سایت باشگاه اندیشه، نشانی پایگاه: http//:www.bashgah.net

۲- دیویدس آلبرتس و دانیل س. پاپ، گزیده ای از عصر اطلاعات؛ الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات، ترجمه: علی آبادی و رضا نخجوانی، صص ۱۶۰ ـ ۱۶۷.

این وسیله همان گونه که می توانـد ابزاری برای نزدیکی و تفاهم ملت ها با یکـدیگر و عاملی برای مبادله برنامه های فرهنگی باشد، این توانایی را نیز دارد که به عنوان وسیله ای مؤثر برای تهاجم به افکار دیگر ملت ها و ابزار تبلیغاتی یک دولت در میان دیگر ملت های جهان به کار رود. برخی از اندیشـمندان، جنگ های آینـده را جنگ شـبکه ای دانسـته انـد. در این مسابقه بی پایـان، برنـده کسـی است که به تولیـد می اندیشـد. طی سـال هـای اخیر، ایالات متحـده امریکـا بـا هـدف عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران، سایت های متعددی را به زبان فارسی راه اندازی کرده است.

بـا درک اهمیت و نقش اینترنت در آینـده جهـان که بسـیاری از کشورهـای در حال توسـعه نیز خود را به این فن آوری مجهز کرده انـد، تا جایی که خود به تولیدکننـده نرم افزاری تبـدیل شـده اند، به نظر می رسد فراتر از روند مسدود کردن که فقط تا یک دوره زمانی معیّن کاربرد دارد، تهیه و انتشار سایت هایی که توانایی پی گیری منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در هر موضوع داشـته باشـند، ضرورت دارد. از سوی دیگر و در یک نگاه، این سایت ها باید ظرفیت پاسخ گویی به مقابله نرم دشمن را در فضای مجازی به شیوه ای دقیق و مستند ایجاد کنند و در پی آن جنبه تهاجمی متقابل داشته باشند.

دسـتگاه رسانه ای جمهوری اسلامی ایران نیز می تواند برای نشر باورهای خود در شاخصه های منطقه ای، بین المللی و راهبرد خـارجی، راه انـدازی سـایت هـای گونـاگونی را در دسـتور کـار قرار دهـد. برای نمونه می توان به منظور مقابله با هجمه های تبلیغـاتی امـارات عربی متحـده درباره جزایر سه گانه یا اطلاع رسانی در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، پایگاه های مجازی با انگیزه کاستن از آسیب پذیری های سیاسی ـ امنیتی و فرهنگی ایجاد کرد.

ص:۸۵

به این ترتیب در فضای کنونی، متخصصان گستره مجازی، بخشی از پیشتازان حوزه سیاست خارجی شده اند و کشورها از این عصاره دوران فن آوری های نوین ارتباطات، در ستیز فرهنگی و نرم افزاری، خاستگاه خود را می جویند. به هر حال، جهانی شدن رسانه های ارتباطی که می توان آن را ناشی از تحولات فن آوری ارتباطات تلقی کرد، تحول در پارادایم قدرت را به دنبال می آورد؛ امری که اینترنت در آن نقش فراوانی خواهد داشت. هک و ویروس نویسی و انتشار آن، یکی از مسیرهای تقابل دیجیتالی در قرن ابزارهای مجازی است. همان گونه که می توان در چنین محیط هایی صدها آموزش با هدف های سخت افزاری را تجربه کرد. بر این اساس، در سرشت انسان قرن بیست و یکم به دلیل گسست از آموزه های دینی و شریعت، روح تهاجم و تصاحب با بهره گیری از ابزارهای ارتباطی وجود دارد؛ آنچنان که جنگ رسانه ای از مهم ترین روش ها و تاکتیک های جنگی، در تغییر افکار عمومی و متقاعدسازی مردمان کشور هدف به شمار می رود. با این تفاوت که در صحنه تهدیدهای نرم جنگاوران میدان های نبرد، خبرنگاران، گزارشگران، سردبیران و نویسندگان رسانه ها اعم از رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و مطبوعات هستند؛ حال آنکه در سیطره سخت افزاری، گردانندگان صحنه نبرد، نیروها و ادوات نظامی هستند.

ایران اسلامی با ورود به دهه چهارم از زندگی پربرکت خود، همچون گذشته همواره مورد تهاجم و تهدید رسانه ها با گرایش بیگانگان و مخالفان نظام اسلامی قرار دارد. این فعالیت ها همه سطوح سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را دربرگرفته و گستره وسیعی از مخاطبان اعم از توده های پایین دستی تا نخبگان، صاحبان سرمایه و تصمیم سازان را هدف گذاری کرده است.

ص:۸۶

## ۳. ابزارهای نوشتاری

### اشاره

۳. ابزارهای نوشتاری

یکی از پدیده های ارتباطی گسترده در عصر رسانه های مدرن که پیشینه ای بس طولانی در مقایسه با دیگر فن آوری های ارتباطی دارد، مطبوعات و ابزار نوشتاری است. این مقوله، از مؤلفه های متعدد مانند روزنامه، مجله ها، کتاب و... تشکیل می شود و به دلیل کار ویژه متنوعی که در حوزه های مختلف فرهنگ، اخلاق، سیاست و همچنین امنیت دارد، از جایگاهی شاخص در میان وسایل ارتباطی برخوردار است.

در حال حاضر کارکرد رسانه های نوشتاری، از وسیله اطلاع رسانی و منبع خبر، فراتر رفته است و به بیانی دیگر، مطبوعات به مثابه کانون های قدرتمندی هستند که در شکل گیری جریان امور کشور مؤثرند و در سیاست، همپای احزاب و در اقتصاد و تجارت، همگام با تشکل های صنفی به نقش آفرینی می پردازند. ابزارهای نوشتاری این قابلیت را دارند که گزارش های عمیق و تحلیل های بیشتری نسبت به عناصری که در اخبار رادیو و تلویزیون به دلیل محدودیت زمانی از دست می رود، ارائه دهند. ازاین رو، قدرت های بزرگ همواره از ارتباطات نوشتاری به عنوان وسیله ای برای توجیه و اجرای سیاست های خارجی خود استفاده می کنند.

### الف) روزنامه

الف) روزنامه

به طور کلی روزنامه ها با نقش بارز تبلیغاتی و روانی خود، افزون بر پخش اخبار و اطلاعات، از سه ویژگی مهم وسعت، دوام و تنوع برخوردارند. مطبوعات می کوشند تا ساختار ایدئولوژیک جامعه خود را شکل دهند و به جای توصیف منفعلانه اخبار و رویدادها، فعالانه براساس منافع صاحبان قدرت، به اجرای راهکار مثبت نمایی خود و منفی نمایی دیگران در سطوح داخلی و خارجی، اقدام کنند.

ص:۸۷

همچنین روزنامه ها سه ویژگی عمده دارند:(۱)

یک ـ خواننده حق انتخاب مطالب، فرصت تفکر و دقت بر روی مطالب و انتقاد از آنها را دارد؛

دو ـ مخاطبان مطبوعات، خاص تر از مخاطبان رادیو و تلویزیون هستند؛ بنابراین آشکار است که مخاطبان مطبوعات، باید افراد باسواد باشند.

سه ـ مطبوعات در مقایسه با رادیو و تلویزیون، می توانند جزئیات و تحلیل های عمیق تری را ارائه دهند.

### ب) مجلات

ب) مجلات

مجله های تخصصی، در جریان بین المللی اطلاعات به ویژه در محافل تصمیم گیری و سران دولت ها نقش مهمی را ایفا می کنند. همچنین مجله ها در صورتی می توانند در دست یابی به مقاصد و منافع ملی تأثیرگذار باشند که محتوای آنها معتبر و آشکارا فهم پذیر باشد و در چارچوب ظرفیت مخاطب ارائه شود.(۲)

نزدیک به ۳۸۰ هزار عنوان مجله در سراسر دنیا انتشار می یابد که این ظرفیت عظیم در حوزه نشریه ها، نشان دهنده تأثیرگذاری چشم گیر مجله های تخصصی در سیاست خارجی و تبلیغات کشورها است.

### ستیز رسانه ای و راهبرد جدید امریکا در کشورهای مسلمان

ستیز رسانه ای و راهبرد جدید امریکا در کشورهای مسلمان

بررسی میدانی گروهی از کارشناسان امریکایی از برخی کشورهای اسلامی و عربی، حکایت از استراتژی مشخص، روشن و همه جانبه ای دارد که برای



---

۱- پیر آلبر، مطبوعات، ترجمه: فض الله جلوه، ص ۵۴.

۲- جنگ روانی، ص ۱۷۴.

تغییر اذهان مسلمانان و متمایل کردن آنها به پذیرش فرهنگ و تمدن امریکایی طراحی شده است.

گزارش این بررسی در سال ۲۰۰۳ میلادی با عنوان «تغییر ذهنیت ها... پیروزی از طریق صلح» و به ریاست ادوارد جرجیان(۱) تهیه شد. این گزارش از آن جهت اهمیت ویژه دارد که به دولت امریکا توصیه می کند که زمینه تغییر نگرش تندروها در جهان اسلام و پیوستن آنها به میانه روها را از راه شیوه های پیچیده فرهنگی فراهم آورد.

هرگاه به این واقعیت توجه کنیم که هم اکنون دولت امریکا در حال تجربه و عملی کردن این گونه توصیه های کارشناسی است، آنگاه بهتر به اهمیت این گزارش پی خواهیم برد. در بخش مربوط به انتشار نشریه های امریکایی در سرزمین های مسلمان، به این موضوع پرداخته شده است که از نشر مطبوعاتی که به لحاظ مضمون و تنوع موضوع ها باید سطح بالایی داشته باشند، در جوامع اسلامی به ویژه مدرسان، دانشجویان و نخبگان استقبال گسترده ای کرده اند. این کارگروه سیزده نفره با نظارت و پشتیبانی کالین پاول، وزیر امورخارجه پیشین امریکا، دستاورد نشر علوم و معارف امریکایی را در چارچوب مطبوعات، دربردارنده فایده های زیر ارزیابی می کنند:

نخست آنکه آثار منتشر شده، در ترسیم نمایی دقیق تر از جزئیات زندگی ایالات متحده و مؤسسه های عمومی این کشور مؤثرند؛

دوم آنکه انتشار کتاب و مجله در سطوح مختلف، می تواند میزان پیشرفت امریکاییان در عرصه های گوناگون را در محافل اسلامی بازگو کند؛

ص:۸۹

---

۱- معاون پیشین وزیر امور خارجه امریکا.

سوم آنکه انتشار مطبوعات، می تواند یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده استراتژی آموزشی امریکا در منطقه باشد.(۱)

نشانه های عملیاتی کردن چنین توصیه هایی را می توان در موارد زیر مشاهده کرد:

اول ــ راه اندازی رادیو فردا به زبان فارسی برای ایرانیان؛

دوم ــ گسیل داشتن سیل عظیم کتاب، مجله و نشریه ها به کشورهای اسلامی که از آن به «استراتژی نشر» یاد می کنند؛

سوم ــ رونق نهضت ترجمه، به گونه ای که در فاصله زمانی کوتاهی از انتشار بعضی از کتاب ها در امریکا، آن کتاب ها در ممالک مسلمان، ترجمه، چاپ و در دسترس قرار می گیرند؛

چهارم ــ بهره گیری از تکنولوژی ارتباطات، ماهواره و اینترنت.

## نتیجه گیری

نتیجه گیری

گرایش به حوزه های نرم افزارگرایی در عصر اطلاعات، جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی کشورها یافته است. سیاست های اعمالی حکومت ها، به مثابه شمشیری دولبه است که می تواند منجر به فراز و فرود قدرت نرم شود. زمانی که سیاست کشوری جذابیت و یا توان مندی اقناعی لازم در عرصه جهانی نداشته باشد، مسیر برای اعمال قدرت نرم ناهموار خواهد شد.

بـه این ترتیب تحـول ساختـاری در عرصه روابـط بین الملـل، مـوجب اهم_یت یـافتن دیپلماسـی فرهنگی در سـیاست خـارجی کشـوره_ا شـده است، به گونه ای که موفقیت کشورهـا در حوزه سـیاست جهـانی، بسـتگی به ایـج_اد و ص_دور نم_ادهـا و اسط_وره ها دارد. اگرچه نیروی نظامی و قدرت سخت افزاری با

ص:۹۰

---

۱- ادوارد جرجیان، تغییر ذهنیت ها پیروزی از طریق صلح، ص ۶۹.

شـدت و سـرعت، مناسـبات را بر هم خواهـد زد، تـداوم و عمق نفوذ کمـتری را به همراه خواهـد داشت. بنـابراین تأثیر گـذاری فرهنگی ـ هویتی و به طور کلی راهبرد نرم افزاری در سیاست خارجی، هرچند تدریجی است، با نفوذ در عمق باورها و ارزش های جامعه هدف، به کاهش مقاومت و ایستادگی در تسخیر اذهان و ایده ها منجر می شود.

ص:۹۱

## بخش سوم: جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی امریکا

### اشاره

بخش سوم: جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی امریکا

زیر فصل ها



ص:۹۳

## اهمیت موضوع

اهمیت موضوع

در دنیـایی که هر روز بیش از گذشـته رنـگ جهـانی به خود می گیرد، به کارکرد و اثربخشـی فرهنگ بر روابط بین دولت ها بیش از پیش توجه می شود. در چنین شرایطی، دیپلماسی عمومی(۱) به عنوان یکی از بخش های بسیار مهم سیاست خارجی و عـاملی کلیـدی برای تأثیرگـذاری سیاسـی، اقتصـادی، امنیتی و فرهنگی یک کشور بر کشور دیگر به شـمار می آیـد. همچنین توسـعه فن آوری هـای نوین ارتبـاطی ــ اطلاعاتی همچون شـبکه جهانی اینترنت، ماهواره های تلویزیونی و به طور کلی رسانه های گروهی، بر اهمیت این عرصه می افزاید.

دیپلماسـی عمومی نیز همچون دیگر مفاهیم و نظریه ها، در یک رونـد تاریخی، مراحل تکاملی خود را زیر عنوان عبارت هایی چون پروپاگاندا، اطلاع رسانی بین المللی، تبلیغات و برنامه های فرهنگی سپری کرده است.

هرچنـد ورود این واژه در ادبیـات سیاسـی کشورمـان نوظهور است، ولی این عبـارت نوپـا با در نظر گرفتن وضـعیت جمهوری اسلامی ایران در دنیای کنونی، اهمیت دوچندان می یابد. به همین دلیل، شناخت جنبه ها و مختصات



---

۱- ۱. Public Diplomacy.

آن در گفتمان غرب، برای آشنایی ما از مؤلفه های دیپلماسی عمومی در چارچوب قدرت نرم و تهدیدات رسانه ای، اهمیت فراوان دارد.

کاربرد تئوری های دیپلماسی عمومی، در شرایطی ارتقا یافت که به موجب آن، امریکا با وجود قدرت نظامی گسترده خود، نتوانست موضوع های امنیتی پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را بازسازی و ترمیم کند. ناکارآمد

ی امریکا در کاربرد قدرت از جنس سخت در دو جبهه افغانستان و عراق، مطلوبیت و نیز کارآمدی قدرت نظامی در امنیت بین الملل را بیش از گذشته با ضعف و انتقاد روبه رو ساخت.

بنا بر این شواهد، بازیگران منطقه ای و قدرت های بزرگ نمی توانند از ابزارهای نظامی برای حل معضلات امنیتی ایجاد شده استفاده کنند. به این ترتیب سخت افزارگرایی مطلق، رابطه مستقیم و تعیین کننده خود با مدیریت امنیت منطقه ای و بین المللی را از دست داده است. در چنین شرایطی می توان تغییر و تحول در جهت گیری مطالعات امنیتی را آشکارا دید.

چنان که تدگار بر نقش عوامل روانی در ظهور و افول بحران های داخلی و بین المللی تأکید می ورزد و جسی ماتیوز به مؤلفه های فرهنگی در مطالعات امنیت محور اشاره می کند.

اگرچه دیپلماسی عمومی در ایالات متحده امریکا به صورت آگاهانه و در چارچوب محاسبات انجام شده، استفاده می شود، این امر به معنای آن نیست که دیگر کشورها از قدرت به کارگیری آن بی بهره اند. اگر بر فرضیه دو وجهی بودن دیپلماسی

عمومی تأکید بورزیم و به تعبیر دیگر، دیپلماسی عمومی را دارای ماهیت تهدیدزا و فرصت ساز بدانیم؛ با صراحت می توان گفت که جمهوری اسلامی ایران درعین حال که در معرض تهدید دیپلماسی

عمومی ایالات متحده قرار دارد، از ظرفیت های بسیاری در این رویکرد برخوردار است.

جمهوری اسلامی ایران از آغازین روزهای تأسیس، در تقابل سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی با ایالات متحده، همواره سنگینی فشار دیپلماسی عمومی امریکا را احساس کرد، ولی چند سالی است که امریکا با تکیه بر این فشار تبلیغاتی که به کمک مجراهای اطلاع رسانیِ تحت اختیار دیپلماسی عمومی اعمال می شود، سعی بلیغ در تغییر ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی کرده است تا شکافی پرنشدنی را میان ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده حکومت و باورمندی مردم پدید آورد. در این بخش، روند به کارگیری دیپلماسی عمومی توسط ایالات متحده و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در این عرصه را بررسی می کنیم.

ص:۹۷

## فصل اول: دیپلماسی عمومی ایالات متحده؛ سابقه و روند تحول

### اشاره

فصل اول: دیپلماسی عمومی ایالات متحده؛ سابقه و روند تحول

زیر فصل ها



### ۱. نگرش مفهومی به «دیپلماسی عمومی»

۱. نگرش مفهومی به «دیپلماسی عمومی»

در پی دگرگونی های نظام بین الملل و پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و افکارعمومی، شکل های جدیدی از دیپلماسی، در کنار دیپلماسی سنتی به کار گرفته شد. «دیپلماسی عمومی»، یکی از مفاهیمی است که در دوره های اخیر از حوزه نظریه پردازی به عرصه تاریخ وارد و در بسیاری از کشورها عملیاتی شد و بدین گونه بخشی از تاریخ سیاسی و دیپلماسی کشورها را تشکیل داده است.

اهمیت دیپلماسی عمومی، بیشتر به دلیل قابلیت آن برای ارتقای وجهه یک کشور است و در واقع، سازوکاری برای افزایش قدرت نرم به شمار می رود.

با وجود آنکه در نگرش سنتی به دیپلماسی، آن را همچون ابزاری برای اجرای سیاست خارجی در نظر می گیرند، دیدگاه های جدیدتری با طرح مفهوم «دیپلماسی عمومی»، آن را اثرگذاری بر نگرش های عمومی برای شکل دهی و اجرای سیاست های خارجی و شامل ابعادی از روابط بین الملل می دانند که فراتر

از دیپلماسی سنتی عمل می کنند. به تعبیری بهتر، دیپلماسی عمومی، شیوه ای نوین در تصمیم سازی در حوزه سیاست خارجی به شمار می آید.

از آنجا که در این بخش، رویکرد موضوع، تشریح دیپلماسی عمومی ایالات متحده امریکا است و تقابل نرم افزاری امریکا با جمهوری اسلامی ایران، در این بستر واکاوی خواهد شد؛ در تبیین این واژه بر دیدگاه ابداع کنندگان امریکایی تأکید می شود. اصطلاح دیپلماسی عمومی را برای بار نخست در ایالات متحده امریکا و در سال ۱۹۶۵ ادموند گولیون،(۱) رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر(۲) در دانشگاه تافت،(۳) همراه با تأسیس مرکز «ادوارد مورو» برای دیپلماسی عمومی به کار برد.

این مرکز در یکی از انتشارات اولیه خود، دیپلماسی عمومی را اثرگذاری بر نگرش های عمومی برای شکل دهی و اجرای سیاست خارجی و شامل ابعادی از روابط بین المللی می داند که فراتر از دیپلماسی سنتی عمل می کند. کیگلی، ابزار نفوذ یک کشور بر کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می کند. او دخالت آشکار نظامی را زیرمجموعه نفوذ رسمی می داند و نفوذ آشکار یا دیپلماسی عمومی را زیرمجموعه نفوذ غیررسمی می شمارد.(۴)

بنا بر تعریف «آژانس اطلاعات امریکا»: دیپلماسی عمومی، تقویت منافع ملی از طریق شناخت، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و گسترش گفت وگو میان شهروندان و نهادهای یک کشور و همتایان خارجی آنان.(۵)



---

۱- Edmund Gulion

۲- Fletcher school of low and diplomacy

۳- Tufts university

۴- حسام الدین آشنا، «دیپلماسی عمومی: فرهنگ و ارتباطات در خدمت سیاست خارجی»، درکتاب امریکا ۶ ویژه دیپلماسی عمومی، صص ۱۶ و ۱۷.

۵- همان، ص ۱۷.

جین بیگلر(۱) دیپلماسی عمومی را تقریباً به معنای نفوذ تأثیر(۲) می داند. وی معتقد است که آنچه در دیپلماسی عمومی اهمیت دارد، این است که چگونه بتوانیم از راه جلب نظر مردم (یا بخشی از مردم) دیگر کشورها، برای اعمال فشار بر دولت های خود و حمایت از اهداف امریکا، به اهداف دولت خود دست بیابیم.(۳)

مطالعات و پژوهش های کاربردی به خوبی نشان می دهد که سیاست گذاری قدرت های بزرگ در حوزه روابط خارجی با کشورهای هدف، پیش از آنکه انتخابی کاملاً سنجیده و منطقی باشد، حاصل بازی های قدرت و دادوستدهای سیاسی است و یک اقدام و عمل سیاسی به شمار می آید. مایکل مک کللن(۴) مشاور دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه امریکا، دیپلماسی عمومی را چنین تعریف می کند:

دیپلماسی عمومی، برنامه ریزی راهبردی و اجرای برنامه های آموزشی، فرهنگی و اطلاع رسانی توسط یک کشور حامی، برای ایجاد محیط افکار عمومی در کشورهای هدف است، به گونه ای که رهبران سیاسی کشورهای هدف را قادر به تصمیم گیری حمایت گرانه و پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی کشورهای حامی می سازد.(۵)

بنابراین، دیپلماسی عمومی، یک راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند است برای ساخت یک تصویر مثبت از یک کشور که نزد افکار عمومی خارجی

ص:۱۰۰

---

۱- Gene E.bigler

۲- influence

۳- ۸.Gene E.bigler.«Advancing public diplomacy:one Advocate At a time»,delivered at the YPRO public diplomacy rownd table.۲۸ july ۲۰۰۵,accessibleat:www.public diplomacy.org

۴- Michael Mcclellan

۵- کیومرث اشتریان و نادر جعفری هفتخوانی، «تصمیم گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در فرآیند تصمیم سازی»، دو فصل نامه اندیشه مدیریت، بهار ۱۳۸۶، ش ۱، ص ۱۳۳.

است. مفهوم دیپلماسی عمومی، به شدت متوجه افکار عمومی و حتی متمرکز بر آن است. امروزه توجیه لزوم تأثیرگذاری بر افکار عمومی دیگر کشورها، از راه به کارگرفتن ابزارهای مختلف ارتباطی و رسانه ای را صاحب نظران سیاست گذاری خارجی با اصطلاحاتی چون «کشور حامی، کشور هدف و حمایت» به صراحت بیان می کنند.

به دیگر سخن، انقلاب ارتباطات وگسترش وسایل ارتباط جمعی از یک سو و فعال شدن بازیگران غیردولتی مانند سازمان های غیردولتی، نهادهای مدنی و شرکت ها از سوی دیگر، منجر به تأثیرگذاری بیش از پیشِ افکار عمومی به عنوان یکی از ارکان مهم در تصمیم گیری های کشورها، در گستره های گوناگون شده است.

بنابراین کشورها نمی توانند مانند گذشته بر روابط بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند. اینکه یک کشور چگونه در رسانه های جهانی تصویر و توصیف می شود، چگونه بحرانی را که رسانه ها پوشش می دهند مدیریت می کند و اینکه کارگزاران رسمی یک کشور، با افکار عمومی جهانی و دولت ها چگونه تعامل می کنند، برخی از عوامل تعیین کننده ارزیابی دیپلماسی عمومی است. البته باید در نظر گرفت که دیپلماسی عمومی، گفت وگوی دیپلمات ها با مردم دیگر کشورها نیست، بلکه شامل استفاده نظام مند از پتانسیل افکار عمومی و تأثیر آن بر تصمیم سازان و تصمیم گیران نیز می شود.

در این دیپلماسی که بخش دولتی و بخش خصوصی همراه با یکدیگر عمل می کنند، تلاش عمده سیاست گذار، ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام مورد نظر خود را منتقل کند و بر مبادی تصمیم گیری اثر مطلوب بگذارد.
کاربست افکارسازی در دیپلماسی عمومی،

ص:۱۰۱

افزایش قدرت رقابت یک واحد سیاسی در صحنه بین المللی است؛ زیرا افکار عمومی، هم جهان قدرت را می سازد و هم آن را هدایت و رهبری می کند.

بنابراین اثرگذاری بر افکار عمومی ملت ها، به معنای قدرت بیشتر و نفوذ کم هزینه تر و سود افزون تر است. این امر بارها اثبات شده است که قدرت نرم، می تواند پی آمدهای سختی داشته باشد و معادلات جهانی را تغییر دهد.

هرچند دیپلماسی عمومی محدود به رسانه های جمعی نیست، رسانه ها نقش کلیدی در آن ایفا می کنند. بنابراین، عبارت دیپلماسیِ مردم محور، در مفهوم امریکایی خود، به گونه ای فراگیر عرصه های فرهنگی و ارتباطی را دربرمی گیرد و به کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین المللی در سیاست خارجی معطوف می شود.(۱)

در فرهنگ واژگان روابط بین الملل، وزارت امورخارجه امریکا در سال ۱۹۸۵، از دیپلماسی عمومی، به عنوان برنامه های تحت حمایت دولت نام می برد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تأثیر گذاردن بر افکارعمومی در دیگر کشورهاست. ابزار اصلی این روش نیز انتشار متن، تصویرهای متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است.(۲)

شرایط نظام بین الملل سبب شده است تا کشورها نیاز بیشتری برای برقراری ارتباط با گروه های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند. مقام های کشورهای گوناگون، بسته به توان خود می کوشند تا در کنار قدرت نظامی و



---

۱- حسام الدین آشنا، «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی»، فصل نامه صادق، بهار۱۳۸۳، ش ۲۱، ص ۲۳۳.

۲ - Wolf,charles and Brian Rosen,How totink about and improve it/the RAND.public.۱۲ diplomacy,۲۰۰۴ www.rand.org/pubs/occasional-papers/۲۰۰۴.

اقتصادی، از ظرفیت های قدرت نرم برای پیشبرد هدف های سیاست خارجی خود بهره ببرند.

## ۲. محورهای دیپلماسی عمومی

۲. محورهای دیپلماسی عمومی

نگرش مفهومی به حوزه دیپلماسی عمومی، از نگاه ایالات متحده امریکا بر سه محور استوار است:(۱)

الف) دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی رسمی و سنتی، آشکار و علنی است؛

ب) مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه های خاص و یا عموم جامعه در بطن یک ملت دیگر هستند، درحالی که در دیپلماسی رسمی، مخاطبان، دولت ها هستند؛

ج) محورها و موضوع های موردنظر در دیپلماسی عمومی، در ارتباط با عموم جامعه هدف لحاظ می شود، درحالی که در دیپلماسی رسمی و سنتی، موضوع هایی در رابطه با رفتار دولت ها مدنظر قرار می گیرد.

با تأکید بر محورهای پیش گفته، می توان برای دیپلماسی عمومی چهار ویژگی منحصر به فرد قائل شد: اول آنکه طرح ها و برنامه های آن آشکار است؛ دوم آنکه در چارچوب سیاست خارجی یک کشور تعریف می شود؛ در مرحله سوم، بنیاد اصلی و رسمی آن دولت است، هرچند امکان دارد نهادهای خصوصی نیز در این زمینه به کار گرفته شوند، و در مرحله چهارم، در چارچوب اعمال قدرت نرم و یا روش اقدام غیرخشونت آمیز ارتباطی، دیپلماسی عمومی بیشتر بر هدف تلطیف افکار و نگرش نخبگان و آحاد

ص:۱۰۳

---

۱- حسن حسینی، «دیپلماسی عمومی: سازوکارها و ساختارها» در کتاب امریکا ۶ ویژه دیپلماسی عمومی، ص ۶۵.

مردم یک جامعه در برابر دولت و کشور به کارگیرنده دیپلماسی عمومی، متمرکز است.(۱)

دیپلماسی در مجموع، ابزار اقناع ساز دولت ها و ملت ها در عرصه بین المللی است و برای داشتن یک دیپلماسی کارآمد، به نیروی حرفه ای، بنگاه اطلاع رسانی قدرتمند و پیامی با محتوای شفاف نیاز دارد. دیپلماسی عمومی در واقع نوعی از الگوی جنگ نامتقارن و جنگ روانی است. با این سطح از نبرد غیرمستقیم، که برای دورانی طولانی و درازمدت سازمان دهی می شوند، ساختار نظام مورد هدف، نابود می گردد و در فرهنگ آن استحاله شکل می گیرد.(۲)

از سوی دیگر دیپلماسی عمومی، متوجه فعالیت های اطلاعاتی، جاسوسی و عملیات روانی است. در این مسیر، به کارگیری اندیشه ها، روی سیاست ها تأثیر می گذارد و مسیر انتقال نظریه های مطلوب سناریوسازان به دیگران را هموار می سازد. بنابراین، پروژه انتقال افکار، مهم ترین هدف در دیپلماسی عمومی است.

### ۳. اهداف دیپلماسی عمومی

۳. اهداف دیپلماسی عمومی

اهداف مهم دیپلماسی عمومی را بر اساس تعریف های یادشده که به ضرورت، آمیخته به انگاره های عملیات روانی است، می توان این گونه طبقه بندی کرد:

الف) ایجاد جو بی اعتمادی به رهبران تصمیم گیرنده و اختلال در فرآیند تصمیم گیری؛



---

۱- کتاب امریکا ۶، ویژه دیپلماسی عمومی، ص ۶۳.

۲- محمدعلی برزنونی، «مدیریت سرمایه اجتماعی، ناتوی فرهنگی و چگونگی مقابله با آن»، در کتاب قدرت نرم، ج ۲، ص ۳۰۴.

ب) ایجاد اختلال در سیستم های تجزیه و تحلیل و مدیریت تصمیم گیری و کاهش توان تصمیم سازی سیستمی؛

ج) کاریکاتوریزه کردن؛ یعنی بزرگ و کوچک نمایی اموری که بر شاخص منافع و هنجارهای ملی و حکومتی تأثیر می گذارند؛

د) منحرف کردن افکار عمومی از اهداف مهم، به امور دلخواه مجریان دیپلماسی عمومی و ترویج شیوه های مطلوب خود، با مطالعه تفاوت ها و گرایش های مختلف رایج در جامعه؛

ه) تفرقه افکنی که لازمه آن، جدایی مردم از حاکمیت است و بر اساس روش های مختلف به ویژه متهم کردن و نسبت دروغ دادن، انجام می شود؛

و) انشعاب؛ یعنی دسته دسته کردن گروه های فکری، قومی، مذهبی، جنسی و... و برجسته کردن نقاط افتراق و به فراموشی سپردن نقاط اشتراک که موجب اختلال در وحدت ملی می شود.

### ۴. کارکرد دیپلماسی عمومی در جنگ نرم

۴. کارکرد دیپلماسی عمومی در جنگ نرم

در جهان امروز، دیپلماسی عمومی کارکردهای دوگانه ای دارد. به این معنا که هدف، تنها بازسازی وجه مثبت یک کشور در میان مخاطبان نیست، بلکه در برخی از موارد می توان حتی با این روش، ملتی را به ضد نظام حاکم و دولت خود برانگیخت و آنان را با سیاست های کلان و حتی خرد خود همراه کرد. برای دست یابی به این مهم، دادن بورسیه های دانشجویی به نخبگان کشورها، راه اندازی انجمن های فعال دانشجویی برای تأثیرگذاری بر روند مدیریت دانشگاه ها، راه اندازی رسانه هایی برای کشورهای هدف با نشان دادن جنبه های مثبت کشور و مانند آن، می توان یک دیپلماسی عمومی فعال را پدید آورد.

ص:۱۰۵

ازاین رو، ایالات متحده بهره برداری از دیپلماسی عمومی را به منظور تحقق براندازی در سکوت یا براندازی نرم، به عنوان یکی از اولویت های راهبرد امنیتی خود در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران قرار داده و گسترش محیط های مجازی تهدیدزا یا سایبر را در طرح های اعمالی خود در نظر دارند.

در این روش، بدبین ساختن جامعه به کارگزاران نظام، بحران سازی از راه تنش های داخلی، بالا بردن سطح انتظارات جامعه و تخصیص بودجه های لازم برای گسترش رادیوها، شبکه های ماهواره ای فارسی زبان و خبرگزاری های اینترنتیِ مخالف نظام، از راهبردهای ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید.

رسانه ها و فضاهای مجازی با نیروی فوق العاده خود در جوامع گوناگون، می توانند تصویری مثبت یا منفی از یک کشور، در جهان خلق کنند. عملکرد دیپلماسی عمومی به گونه ای است که دولت ها نیازمند ایجاد شبکه ارتباطات حرفه ای و گسترده هستند؛ زیرا چگونگی تعامل دستگاه های دولتی و رسانه ها، یکی از عوامل مهم موفقیت اهداف دیپلماسی عمومی قلمداد می شود. پیامی که این شبکه ها به مخاطب خارجی می رسانند، نشان دهنده هویت و طرز فکر عامه یک کشور است و همواره باید ابعادِ سازگاری و استمرار را در خود داشته باشد.(۱)

آنچه به گستره وظایف و مسئولیت دست اندرکاران عرصه رسانه در کاربرد دیپلماسی عمومی می افزاید، بهینه سازی و مدیریت افکار عمومی جامعه داخل و خارج از فضای جمهوری اسلامی ایران است. مدیریت افکار



---

۱- ناصر هادیان و افسانه احدی، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصل نامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، پاییز ۱۳۸۸، ش ۳، ص ۹۶.

عمومی از راه جریـان دیجیتـالی اطلاعـات، به یکی از ابزارهای حاکمیت برای آسان سازی و سـرعت بخشـی در دست یابی به اهـداف سیاسـی ـ امنیتی تبـدیل شده است. در این زمینه، توجه به عمق نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی از راه کیفی سازی و گسترش محیط های مجازی، بسیار مهم تلقی می شود.

## ۵. تأثیر قدرت فرهنگی بر تحولات جهانی

۵. تأثیر قدرت فرهنگی بر تحولات جهانی

یکی از مختصات عمده نظریه «سازه انگاری»، توجه به ساختارهای فرهنگی و هنجاری در کنار عنصر مادی است، به گونه ای که این انگـاره ها به عناصر مادیِ قـدرت،ماننـد تسلیحات، سـرزمین و جمعیت، معنا می بخشـند و هنجارها در تشـکیل منافع، دارای نقش عمـده ای هسـتند. در این روند تلاش می شود تا مؤلفه های فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط می یابد، بررسی گردد.

بر اساس این رویکرد، هر نوع هویت و رفتار دولت در سـیاست جهانی، برآینـد عملکردهای اجتماعی است که موجب تشـکیل هویت در داخل شده است. بدین ترتیب، سیاست هویت در داخل، برای هویت و منافع و رفتار دولت در خارج، امکانات و نیز محدودیت هایی را فراهم می آورد. حال با توجه به دیدگاه معنامحور و سازه انگارانه در سیاست جهانی، می توان دریافت که ایالات متحـده با اتکا به رویـداد ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱، ساختـار فرصت معنـایی لازم را با ایجاد پیونـد گفتمان های بنیادینِ هویتیِ سیـاست خـارجی امریکـا در جهت ایجاد نظم لیبرالی فراهم ساخت و با مطرح ساختن پدیـده تروریسم به عنوان غیر، اهـداف و منافع ملی خویش را در عرصه جهانی دنبال کرد.

۱۱ سـپتامبر، بستر تکوین گفتمان جدیـدی در سـیاست خارجیِ واحـدهای سیاسـی پدیـد آورد که بروز مرزبنـدی های جـدید امنیتی بر مبنای هویت و

ص:۱۰۷

فرهنگ، از جمله پی آمدهای مهم آن به شمار می آید. به موازات آغاز هزاره جدید، تفکرات اندیشه ورزان فرهنگ محور در مغرب زمین همچون هانتینگتون، گسل های هویتی را بیش از گذشته به متن فراخواند. ازاین رو، خاورمیانه به عنوان مرکز ثقل گفتمان اسلام گرایی در سیاست خارجی قدرت های بزرگ به ویژه ایالات متحده، به عنوان یک عارضه ناهمگون هویتی و در تعارض با انتشار ارزش ها و هنجارهای لیبرالی نمود می یابد.

تحولات پس از ۱۱سپتامبر تاکنون، نشان می دهد که سیاست هویت، مبنای تفاوت رفتار کشورها و بازیگران تلقی می شود، چنان که ایالات متحده بر مبنای قالب های هویتی و چارچوب ارزش های خودساخته، به عنوان مبارزه با تروریسم، پدیده اسلام خواهی و جنبش های اسلامی را به عنوان «غیر» تلقی کرد.

در دوران جنگ سرد، ایده برآمده از اندیشه های حاکم بر دستگاه سیاست خارجی اتحاد شوروی سابق، در راهبرد خارجی امریکا به عنوان «غیر» تلقی می شد، ولی فروریختن دیوار اندیشه کمونیسم، ایالات متحده را با نوعی بحران هویت و بحران معنا در تعریف از خود روبه رو کرد. در حوزه نظریه پردازی نیز پاره ای از متفکران امریکایی با ارائه دیدگاه هایی همچون «جنگ تمدنی» و «پایان تاریخ»، کوشیدند مشکل عمده فراروی امریکا را براساس نشانه هایی از نبود هویت معرفی کنند.(۱)

ص:۱۰۸

---

۱- طرح نظریه هایی همچون «پایان تاریخ» از سوی فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۲) و نظریه «برخورد تمدن ها» توسط ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۶) جایگاه و نقش قدرت نرم و فرهنگ لیبرالیستی را در مناسبات و معادله های جهانی افزایش داد.

در این فضا و بر اساس نوعی هویت سازی کاذب، عامل انسجام هر مجموعه سیاسی بر اساس یکدیگر، در خارج از حوزه جغرافیایی سرزمینی، ناخوشایند معرفی شد.

توضیح اینکه سیاست سازی کلان در امریکا همواره متأثر از ملاحظات فرهنگی و ارزشی است. بر مبنای بنیادهای تئوریک فرهنگ محور در مفاهیم لیبرالیستی، می توان تقیدپذیری سیاست سازان امریکایی به بنیادها و اسطوره های خودپرداخته را ملاحظه کرد. یکی از اسطوره های مطرح در تبیین رابطه فرهنگ و سیاست خارجی امریکا، اسطوره امریکا به عنوان شهری برفراز بلندی است.(۱) که امریکا را به مثابه شهری درخشان بر فراز تپه ای بلند تصور می کند که رسالت دیگران، پیروی از او و رسالت امریکا، هدایت آنهاست.

آنچه در شرایط کنونی بر مبنای تقیدات مبتنی بر ارزش های لیبرال دموکراسی اهمیت دارد، مقوله فرهنگ و هنجارهای امریکایی است که مبنای قدرت نرم این کشور برای جولان در عرصه نوین بین المللی را فراهم ساخته است. ازاین رو، عبارت معروف بوش پسر «در جنگ با تروریسم یا دیگران با ما هستند یا ضد ما»، نشئت گرفته از نگاه هویتیِ خودساخته به سیاست امریکا است.(۲)

بازیگران مسلّط بین المللی، بر این باور هستند که رفتار بین المللی بازیگران، تا اندازه زیادی، متأثر از ایده ها و هویت آنهاست. به تعبیر الکساندر ونت، رفتار بین المللی، بازتاب فرآیند یادگیری اجتماعی است. پس اگر بتوان محیط اجتماعی مبتنی بر ارزش های یکسان به وجود آورد، به دنبال آن



---

۱- A shining city on the hill top.

۲- سید کاظم سجادپور، «ایران، ۱۱سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی»، فصل نامه سیاست خارجی، زمستان ۱۳۸۱، ص۴۵.

رفتارها هم سو خواهد شد و نیز به اشاعه ارزش های لیبرال می انجامد که بر اثر این اتفاق، بستر ارزشی شکل گیری سیاست های بین المللی یک پارچه را به دنبال دارد.(۱)

تأثیر و اعمال قدرت فرهنگی بر روند تحولات جهانی، دو پی آمد مهم به همراه داشت: یکی شکل گیری فرهنگ مقاومت در نظام جهانی و دیگری دیپلماسی فرهنگی و رسانه ها ست که به عنوان بارزترین ابزار کاربرد قدرت نرم به شمار می رود.

از آنجا که تمدن غربی، دیگر فرهنگ های در تعارض را به عنوان «غیر» جهت کسب هویت خویش اعلام کرد، این رویداد، فرهنگ مقاومتی را در عرصه جهانی به وجود آورد. در این میان، کشورهای غربی، با مطرح کردن ضرورت ایجاد ساختار فرهنگی جدید در جهان اسلام، کوشیدند باورهای خود را بر آموزه های دینی جامعه مسلمانان تحمیل کنند تا ازاین راه، هژمونی و سلطه خویش را بر جهان تداوم بخشند.

مقاومت فرهنگی در برابر ارزش ها و راه و رسم زندگی امریکایی، منحصر به جهان اسلام نبوده است و در بسیاری از مناطق جهان از اندونزی، مالزی و چین گرفته تا آسیای میانه و امریکای لاتین، این مقاومت گسترش یافت.

از سوی دیگر آنچه موجب توسعه تولیدات فرهنگی در عرصه جهانی می شود، رسانه ها و تکنولوژی های نوین ارتباطی است. رسانه ها یکی از ابزارهای مهم در دیپلماسی فرهنگی هستند. «امروزه دیپلماسی رسانه ای، به عنوان یکی از شاخه های اصلی فعالیت های دستگاه سیاست خارجی پدیدار

ص:۱۱۰

---

۱- الکساندر ونت، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، ص ۲۴۸.

شده و بخش بزرگی از دیپلماسی عمومی کشورها به ویژه قدرت های جهانی را به خود اختصاص داده است».(۱)

به عنوان مثال، برخورداری ایالات متحد از امکانات عظیم رسانه ای، با توجه به کار ویژه متنوع آنها در دیپلماسی فرهنگی، نقش عظیمی در تأمین قدرت نرم برای این کشور، به دنبال داشته است.

هرچند، سایه گسترده فرهنگ ایالات متحده گاهی موجب واکنش های تهاجمی می شود، این عنصر، یک سلاح برنده و غیرخشونت آمیز با تأثیر تدریجی و پایدار، در جهت کوشش برای تسلط بر قلوب و اذهان نخبگان و عموم جامعه هدف است.(۲)

رسانه ها به شیوه های گوناگون، می کوشند فضای ذهنی گروه های هدف را هم سو با خواسته های حاکمان شکل دهند. رسانه ها افزون بر نقشی که در مقاطع مختلف، با تأثیرگذاری سریع در دست یابی به شرایط مطلوب و اقناع جمعی ایفا می کنند، با برنامه های بلندمدت و راهبردهای کلان، کارکردی نوین با عنوان «تولید رضایت» برای خود ایجاد کرده اند.

یکی از شیوه های معمول برای دست یابی به چنین نتایجی، استفاده از روش ها و ابزار تبلیغی است. در برخی مواقع، کشورهای سلطه جو برای حاکمیت بر جوامع هدف، به جای تحمیل ارزش های مطلوب خود، می کوشند از راه رسانه ها و اقدامات فرهنگی، نظام هنجاری گروه هدف را با توجه به باورهای خود تغییر دهند.

ایجاد تغییر در مواردی چون علایق جوانان، نوع پوشش، ادبیات و منابع مطالعاتی، چگونگی صرف اوقات فراغت، موسیقی رایج، و نیز ایجاد گسست



---

۱- امیر دبیری مهر، «تأثیر رسانه ها بر روابط بین الملل»، ۱۹/۱۱/۱۳۸۸، نشانی پایگاه: باشگاه اندیشه www.bashgah.net

۲- رضا خراسانی، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیرآن بر روند تحولات جهانی»، فصل نامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، بهار ۱۳۸۷، ش ۴۱، صص ۶۳ _ ۶۹.

و بیگانگی با سنت های فرهنگی و فرهنگ ملی در میان نسل جوان و از هم گسیختگی نظام اجتماعی، از آثار تغییر در نظام ارزشی جوامع به شمار می رود. در واقع هویت ملی، دینی و اجتماعی ملت ها از کانون های مهمی است که آماج فعالیت های رسانه ای قرار می گیرد.

بنابراین، دیپلماسی فرهنگی و رسانه ها دو ابزارِ اعمال ستیز نرم در سیاست جهانی تلقی می شوند. از آنجا که ویژگی بارز قرن حاضر، گسترش ارتباطات و شکل گیری جهان مجازی است، به نقش و اهمیت رسانه ها در تولید قدرت نرم خودی و مقابله با اِعمال قدرت مهاجم، باید توجه جدی شود. در این دوران که مخاطبان با فشردگی زمان، مکان و فضا روبه رو هستند، توان تأثیرگذاری رسانه ها بسیار بیشتر از گذشته است. به این ترتیب، فرهنگی که سریع تر و پویاتر خود را با شرایط جدید همساز کند، بازیگر مؤثرتری است و توان مندی افزون تری در عرصه بین المللی برای پیشبرد اهداف و مقاصد ملی به دست می آورد.

از دیگر سو اگر به نقش قدرت فرهنگی در تحولات جهانی، نگاهی فراتر از سطح تحلیل های یکسونگرانه غربی بیفکنیم، ژرفای اثربخشی این واژه را در قاموس تحولات اجتماعی ای همچون انقلاب اسلامی ایران خواهیم دید. انقلاب اسلامی به مثابه انقلابی برای خدا و عامل درخشش باورهای ایمانی در کالبد دنیایی آدمیان شد و مصداق آشکاری از نیروی فرهنگی را به جهانیان عرضه کرد که به واسطه آن، شالوده ریزی نظم بین المللی، فارغ از ایده های جهان گرایانه و انحصارگرایانه نظام های لیبرالیستی غرب، قوام گرفت.

وجه تمایز تجلی قدرت نرم و فرهنگیِ انقلاب اسلامی با نرم افزارگرایی مبتنی بر اندیشه های مغرب زمین، ارائه یک مدل عملی از قدرت نرم به معنای

توانایی نفوذ در رفتار دیگران، بدون تهدید و یا پرداخت هزینه گزاف، به شمار می آید.

انقلاب اسلامی ایران از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان فرهنگ ظلم ستیزی و عدالت خواهی، درصدد برآمد با روش های عمقی غیرمستقیم به نتیجه مطلوب و دلخواه؛ یعنی بیداری اسلامی دست یابد. موارد زیر، همه حکایت از آن دارد که جایگاه قدرت نرم در فرآیند استقرار بنیان های فرهنگی و اثرگذاری در تحولات جهانی آشکار است: تأیید ارزش های انقلاب توسط جنبش های آزادی بخش، اشاعه الگوی مردم سالاری دینی، استقبال ملل مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه جهانی، جذب جهان اسلام به شخصیت رهبری، فرهنگ و اعتبار اخلاقی و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی.

ص:۱۱۳

## فصل دوم: دیپلماسی عمومی ایالات متحده امریکا

### اشاره

فصل دوم: دیپلماسی عمومی ایالات متحده امریکا

این فصل می کوشد با اتکا به پیشینه به کارگیری دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی امریکا، مراحل تکوین، ارکان و آخرین تحولات در این عرصه را بررسی کند. در ژرفای سیاست خارجی امریکا، قرائن مشخصی در زمینه پای بندی رهبران این کشور، گرایش های نرم افزارگرایانه و کاربرد دیپلماسی عمومی، به عنوان ابزاری کارساز برای حمایت از اهداف فرامرزی، وجود دارد. به ویژه پس از رویداد ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده به منظور افزایش برد دیپلماسی عمومی و بهسازی چهره جهانی خود، نشانگاه های متعددی را که آمیخته با انگاره های عملیات روانی است، در رویارویی با جوامع مقصد ترسیم کرد.

### ۱. مراحل تکوین

#### اشاره

۱. مراحل تکوین

با توجه به اهمیت موضوع در دوران کنونی و ضرورت دقت بیشتر، می توان تکوین دیپلماسی عمومی را به چهار مرحله تقسیم کرد. هرچند که از ابتدا، واژه دیپلماسی عمومی هنوز در ادبیات سیاسی ظهوری نداشت، اهداف و برنامه ها با کارکرد این عبارت مطابقت دارند.

ص:۱۱۴

**الف) جنگ جهانی اول**

الف) جنگ جهانی اول

آغاز جنگ جهانی اول، شاهد تکوین تلاش ها برای به کارگیری قدرت نرم بود؛ به گونه ای که بسیاری از حکومت ها برای تبلیغ آرمان های خود و ترسیم تصویر مطلوب از خود در افکار عمومی، مؤسسه هایی با همین مضمون تشکیل دادند.

در آوریل ۱۹۱۷ ویلسون، رئیس جمهور وقت ایالات متحده، کمیته اطلاع رسانی عمومی را سازمان دهی می کند که با انگیزه مدیریت افکار عمومی و متقاعد کردن شهروندان دیگر کشورها، در اصالت داشتن اهداف سیاست خارجی امریکا شکل می گیرد. یک روزنامه نگار به نام جرج کریل، ریاست کمیته را بر عهده داشت. این کمیته در کشورهای هدف، ضمن اشاعه ارزش های امریکایی از راه اعلامیه ها، کارتون، پوستر، بیلبورد، تورهای گردشگری، انتشار جزوه های امریکا دوستی، بروشورهای تبلیغاتی و نظارت بر تولید فیلم و در مجموع تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهان، توجیه مداخله امریکا در جنگ را عهده دار بود. اگرچه این کمیته در ژوئن ۱۹۱۹، به دلیل هراس کنگره از سوءاستفاده از وظیفه رئیس جمهور از آن برای مقاصد داخلی فرو پاشید، به عنوان ابزار سیاست گذاری ملیِ سودمندی نشان داده شد. در همین حال، انقلاب علوم اجتماعی و روان شناسی فرویدی، سبب افزایش علاقه مردم به دستکاری ضمیر ناخودآگاه و کنترل ذهن شد. علم اقناع به شکل آگهی بازرگانی و روابط عمومی، در دهه ۱۹۲۰ پدیدار گشت.(۱)

ص:۱۱۵

---

۱- بهنام شهبازی، «تبلیغات و عملیات روانی امریکا از آغاز تا پایان جنگ سرد»، فصل نامه علمی ــ تخصصی نگاه، سال دوم، ش ۷، پاییز ۱۳۸۸، ص ۷۲.

به این ترتیب، گروهی از متخصصان پدید آمدند که در به کارگیری نمادها، تصویرها و تکنیک های تفسیر و دستکاری دربرداشت ها، مهارت ویژه ای داشتند.

جورج واشنگتن، از رؤسای جمهور امریکا، معتقد بود که ساختار حکومتی، برای افکار عمومی اهمیت قائل است و باید قدرت آن را به رسمیت بشناسد. امروزه همین تأکید واشنگتن، به عنوان محور اصلی دیپلماسی عمومی امریکا برای به دست آوردن قلب ها و ذهن های دیگر ملل، هم سو با اهداف و منافع ملی به کار می رود.

در تبلیغات کمیته اطلاع رسانی عمومی، سربازان آلمانی به شکل شیطان به تصویر کشیده می شدند. در این مسیر، «هالیوود» نیز با ساختن فیلم هایی در این موضوع، مشارکت می کرد. حتی در فیلم های هالیوودی نیز داستان ها براساس ارائه تصویری شیطانی از آلمان ها پایه گذاری شده بود که در آن، کودکان را می کشند و با سرنیزه، آنها را قطعه قطعه می کنند. این کمیته از همه امکانات موجود مانند روزنامه، مجله، رادیو، تلگراف و فیلم برای القای مقصود خود بهره می جست.(۱)

این کمیته یک گروه ۷۵۰۰۰ نفری تشکیل داده بود که در زمان کوتاهی به بحث با مردم درباره جنگ می پرداختند و به همین دلیل، به مردان چهار دقیقه ای شهرت یافتند.(۲) در برآورد از این دستاورد، ارزیابی مثبتی میان سیاستمداران امریکایی به وجود آمد و به همین سبب، این راه تداوم یافت. دولت روزولت، در اواخر دهه ۱۹۳۰، متقاعد شده بود که «امنیت امریکا به توانایی آن برای سخن گفتن با مردم دیگر کشورها و کسب پشتیبانی آنان



---

۱- احسان الله نیک آیین، «دیپلماسی عمومی نوین؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین الملل»، فصل نامه سیاست خارجی، سال بیست وسوم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۷۱.

۲- کمیته اطلاعات عمومی، سایت ویکی پدیا.

بستگی دارد.»(۱) بـه همیـن دلیـل، دولـت وی آژانس تبلیغـاتی ایالاـت متحـده را در ۱۹۳۸ به نـام «دفتر هماهنـگ کننـده بین امریکایی» تأسیس کرد.

### ب) جنگ جهانی دوم

ب) جنگ جهانی دوم

پس از ورود ایالاـت متحـده به جنـگ جهانی دوم، تهاجم فرهنگی دولت امریکا از لحاظ حوزه عمل، گستره ای جهانی یافت. زمانی کوتاه پیش از حمله ژاپن به بندر پرل هاربر در سال ۱۹۴۱، فرانکلین روزولت کمیته اطلاعات خارجی را ایجاد کرد. در این سرویس، اداره ای شروع به تولید اخبار برای کشورهای اروپایی، آسیایی و تبلیغات بر ضد آلمان و ژاپن می کند که بعدها به صـدای امریکـا مشـهور می شـود. رادیو در این میـان نقش مهمی ایفـا می کرد. رادیو را می توان مهم ترین رسـانه تبلیغـاتی دوران جنگ دوم جهانی دانست.

این شبکه در فوریه ۱۹۴۲ پخش برنـامه های خود را به چهار زبان انگلیسـی، آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی آغاز کرد و در پایان جنـگ، برنامه های خود را در چهل زبان برای سراسـر جهان پخش می کرد. وزارت امور خارجه ایالات متحـده در اواخر سال ۱۹۴۴ در ساختـار سازمـانی خود، سـمتی با عنوان «معاونت امور عمومی و فرهنگی» ایجاد کرد. واژه امور عمومی، برای فعالیت هایی در نظر گرفته شده بود که به طور عمده شامل تشریح و تبیین سیاست خارجی امریکا می شدند.



---

۱- جوزف نای، «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه: سـید رضا میرطاهر، فصل نامه راهبرد دفاعی، سال دوم، زمستان ۱۳۸۳، ش۶، ص ۲۱.

### ج) جنگ سرد

ج) جنگ سرد

جنگ سرد در زمان خود، چنان اهمیتی داشت که دو طرف درگیر، همه امکانات خود را براساس موفقیت در این نبرد سمت و سو می دادند. در این میان، شکاف و اختلافی بین هواداران رسانه های آرام و دیپلماسی فرهنگی یعنی هنر، کتاب و مبادله های فرهنگی با اثر تدریجی و طرفداران رسانه های اطلاع رسانی سریع مانند رادیو، فیلم ها و تصویرهای خبری که نویدبخش تأثیر هرچه سریع تر و ملموس تر بودند، به وجود آمد. در طول جنگ سرد، هواداران این دو رویکرد بر سر این موضوع که دولت چگونه باید در زمینه دیپلماسی عمومی سرمایه گذاری کند، کشمکش داشتند. جنگ سرد به نهادینه شدن تبلیغات به عنوان ابزار سیاست خارجی امریکا منجر شد. به نظر می رسید که ایالات متحده، «جنگ ایده ها» را به اتحاد شوروی می بازد؛ زیرا شوروی دستگاه تبلیغاتی قوی تری داشت. با تشدید تنش های جنگ سرد، امریکا به تدریج بر توانایی های تبلیغاتی خود افزود.

در سال ۱۹۵۳، آیزنهاور سازمان اطلاع رسانی ایالات متحده(۱) را با هدف تأثیر بر افکار عمومی بین المللی ایجاد می کند. وی در همان سال در بیانیه ای، مواضع USIA را این گونه اعلام کرد: این نهاد جدید وظیفه دارد به مردم دیگر نقاط جهان این امر را القا کند که اهداف ایالات متحده با آرمان های آنها برای آزادی، پیشرفت و صلح، در یک مسیر قرار دارد و باید به گونه ای این منشور را نزد افکار عمومی به نمایش گذاشت که حمایت لازم در جهت این سیاست ها جلب شود.

در این زمینه USIA از راه پیوندهای ارتباطی همچون تولید برنامه برای صدای امریکا و راه اندازی کتابخانه های امریکایی در دیگر ممالک کوشید تا



---

۱- The united states information Agency.

بدین وسیله، سیاست های ایالات متحده به صورت روز آمد در دسترس قرار گیرد.

USIA در ایالات متحده، برای مدت های طولانی متصدی اجرای دیپلماسی عمومی بود. در سال ۱۹۷۸، جیمی کارتر دموکرات، نام آن را به «آژانس ارتباطات بین المللی» تغییرداد، ولی در سال ۱۹۸۳، رونالد ریگانِ جمهوری خواه دوباره نام آن را به USIA بازگردانید.(۱) در این مقطع، مأموریت اصلی آژانس، شناخت و درک بیشتر اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر سیاست های کشورهای خارجی، به منظور اعتلای منافع ملی ایالات متحده و سازمان های غیردولتی و همتایان آنها در خارج، تعریف شده بود.

در دوران جنگ سرد، توان مندی های دیپلماسی عمومی مزایای زیادی را برای این کشور دربرداشت. مبادلات فرهنگی و ده ها هزار دانشجویی که برای تحصیل به ایالات متحده می رفتند، در این امر تأثیر ویژه داشتند. شماری از دانشجویانی که در ابتدا از شوروی به امریکا رفته بودند، به عقیده جوزف نای سرانجام در موقعیت های قدرت و تأثیرگذاری قرار گرفتند و در فروپاشی صلح آمیز اتحاد شوروی نقش مهمی ایفا کردند.(۲)

در واقع نای، قدرت نرم امریکا در جنگ سرد را موفق تر و تأثیرگذارتر از قدرت سنتی این کشور در مسابقه تسلیحاتی میان دو بلوک دانسته است. تلاش های دیپلماسی عمومی امریکا در خاورمیانه از زمان شروع جنگ سرد، در سه حوزه جای می گیرد: جلوگیری از گسترش اتحاد شوروی، کنترل بر منابع نفتی و خنثی کردن احساسات ضد غربی ناشی از تأسیس اسراییل.

ص:۱۱۹

---

۱- حسام الدین آشنا، «دیپلماسی عمومی تأمین منافع از طریق اطلاع رسانی»، نشریه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، مرداد ۱۳۸۲، ش ۲، ص ۱۳.

۲- http://www.futur casts.com/b۰۰k ۲۰٪ review ۲۰۶٪-۴.htm.

در سطح استراتژیک، پس از به وجود آمدن تلویزیون های ماهواره ای و فن آوری های جدید ارتباطی مانند نوارهای ویدئویی و نمابر، از ارتباطات، برای غرق کردن بلوک شرق در ایده های غربی بهره گیری شد. این فن آوری های نوین ارتباطی که به پایان جنگ سرد کمک می کرد، به محل بحث جدیدی تبدیل شد.

بدین ترتیب، دشوار است که فروپاشی دیوار برلین را بدون آنها تصویر کنیم. آنها درگیر نبردی مخفیانه شدند که به طور سرّی از راه رسانه ها و به وسیله بخش تحقیقات رسانه ای وزارت امور خارجه امریکا هدایت می شد. امریکا آشکارا آژانس اطلاع رسانی را بازسازی کرد تا به مقابله با بخش «ضد اطلاعات» شوروی در سطح جهان سوم پردازد.

### د) پس از جنگ سرد

د) پس از جنگ سرد

در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری بیل کلینتون و از سال ۱۹۹۹، پس از ادغام سازمان اطلاع رسانی در وزارت امور خارجه، معاون وقت این وزارتخانه در زمینه دیپلماسی و امور عمومی، عهده دار مسئولیت آن شد.

دفتر امور عمومی این معاونت، در بخشی از گزارش عملکرد سال ۲۰۰۱ خود در پاسخ به این پرسش که «چگونه دیپلماسی به ما خدمت می کند؟» با تصریح به اینکه دیپلماسی را برای ارتقا و محافظت از منافع امریکاییان به کار می گیرد، کارکردهای زیر را برای دیپلماسی برمی شمارد:(۱)

یک _ مدیریت روابط دیپلماتیک با دیگر کشورها و نهادهای بین المللی؛

دو _ حفظ ثبات در مناطقی که امریکا در آنها منافع حیاتی دارد؛



---

۱- حسام الدین آشنا، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، پیوندها و اهداف»، فصل نامه دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش ۵، ص ۱۹۷.

سه ـ همگرا کردن کشورها و ملت های مختلف برای رفع بحران های جهانی نظیر تروریسم.

در اینجا پرسشی که می تواند به تفهیم موضوع کمک کند، این است که آیا به کارگیری دیپلماسی عمومی در برابر بسیاری از مسائل سیاست خارجی امریکا، یگانه سیاست رسمی آن دولت است و چنین نگرشی، در همه سطوح قدرت در دولت امریکا، به طور یکسان وجود دارد و تقویت می شود؟ پژوهش های به عمل آمده، مبیّن یک جمع بندی کلی است که سه دیدگاه متفاوت و گاه متضاد را ارائه می دهد:(۱)

دیدگاه نخست که مورد نظر وزارت خارجه امریکا است، بر ارزش های موجود در امریکا تأکید دارد. آنها معتقدند ارائه ارزش های امریکایی به اندازه ای پرجاذبه و چشم گیر است که چنانچه بتوان با ابزارهای مختلف و در قالب پیام هایی به مخاطبان ارائه داد، خود به خود منجر به خوش بینی و جلب اعتماد و حمایت مردم دیگر کشورها و حکومت های آنان خواهد شد؛

دیدگاه دوم را که نومحافظه کاران طرفدار رژیم صهیونیستی ارائه دادند و مؤسسه ها و بنیادهای مطالعاتی نظیر «آمریکن اینترپرایز»، «هریتیج» و مؤسسه یهودی امور امنیت ملی حمایت می کنند، بر این باور است که امریکا قدرت برتر و بی رقیبی است که دیپلماسی عمومی، فقط وظیفه ارائه تصویری قدرتمند از آن را به جهانیان برعهده دارد؛

دیدگاه سوم نیز معتقد است که مشکل مخاطبان، تنها با سیاست های امریکا است و تا زمانی که این سیاست ها تغییر نکند، دیدگاه و نگرش مردم ـ دست کم در کشورهای اسلامی ـ به سیاست امریکا تغییر نخواهد یافت.



---

۱- کتاب امریکا ۶، صص ۱۳۹ ـ ۱۶۱.

آنچـه از سـه حـوزه نظری نـام برده شـده می تـوان دریـافت، ایـن است که کـارکرد دیپلماسـی عمـومی، برای ارتبـاط گیری و اثرگـذاری بر افکار عمومی مخاطبان خارجی، اهمیت بسـیاری دارد. در منازعات بین المللی جدید پس از جنگ سـرد، ایالات متحـده می کوشـید که توجه خود را نه تنهـا بر روی واکنش هـای نظامی در برابر مناقشه ها و بحران ها متمرکز کنـد، بلکه در صدد بود نقش اطلاعات و رسانه ها را نیز در نظر بگیرد.

### ه_) پس از ۱۱ سپتامبر

ه_) پس از ۱۱ سپتامبر

به این ترتیب، پیونـدهای جـدی تر میـان دیپلماسـی عمـومی و سـیاست خـارجی را می تـوان در رویـدادهای آغـاز قرن ۲۱ پی گرفـت. پس از رویـدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حاکمـان ایالاـت متحـده بـار دیگر به موضوع «ارتباط افکار عمومی و سیاسـت خارجی دولت ها» در قالب دیپلماسـی عمومی، به شـدت توجه و هـدف از آن را اشاعه و ترویج مارک و نگرش امریکا عنوان کردند.

به این دیدگاه در زمان مسئولیت شارلوت بیرز،(۱) معاون امور دیپلماسی عمومی وزارت خارجه امریکا که تنها سه هفته بعد از حوادث ۱۱سپتـامبر به این سـمت منصـوب شـد، تـوجه ویژه شـد و هـدف آن، توصـیف دیـدگاه هـا و جـذابیت هـای فرهنگ امریکایی عنوان گردید.

بعـدها به دنبال حمله به افغانسـتان و عراق، رسوایی بـدرفتاری با زنـدانیان ابوغریب و راه انـدازی بازداشـتگاه هایی در بگرام و گوانتانـامو، در بیشتر نقـاط دنیای امروز، امریکا دارای منظر و چهره ای نامناسب گشت، به گونه ای که از تصویر سابق خود به عنوان راهنما و هدایتگری به سوی آرزوها، به صورت نیرویی خطرناک و در حال تهاجم عدول کرد.



---

۱- Charlotte Beers

با تصویب کنگره ایالات متحده، کمیته مشورتیِ دیپلماسی فرهنگی در مارس ۲۰۰۴ تشکیل شد. این کمیته ملزم به ارائه مشورت هایی به وزارت خارجه در جهت ارتقای نقش امور فرهنگی در سیاست خارجی بود.

در گزارش کمیته مشورتی،(۱) پیرامون تأثیر دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی چنین آمده است:(۲)

یک _ دیگر مردمان را تشویق می کند تا ایالات متحده را به عنوان راه حل مشکلات سیاسی خود تلقی کنند و یا به دلیل تصور منافع مشترک، تقاضای همکاری با این کشور را داشته باشند؛

دو _ با افرادی ارتباط برقرار می کند که فراتر از تغییرات حکومتی، همیشه مطرح هستند؛

سه _ برای افراد جامعه هدف که از راه ابزارهای رایج سفارت در دسترس نیستند؛ دسترسی مؤثر ایجاد می کند؛

چهار _ توانایی منحصر به فردی در برقراری ارتباط با کمترین موانع زبانی، با قشرجوان، غیرنخبه و مخاطبان توده ای، در اختیار ایالات متحده قرار می دهد؛

پنج _ ارزش های دیگر جوامع و میزان حساسیت و تعصب جامعه هدف را به امریکایی ها آموزش می دهد.

اگرچه میزان سرمایه گذاری مقامات امریکایی در بخش دیپلماسی عمومی، بالاتر از کلیه کشورهای صنعتی است، جوزف نای از ضعف در این بخش و



---

۱- اعضای گروه مشورتی عبارتند از: دکتر مالک م. حسن، دکتر فرهاد کاظمی، جودت مایلسون، هرولد پاچیوس، ادوارد جرجیان، دیوید ابشایر، دکتر استفان کوهن، دیانا لیدی داگان، جرج سالم، شبلرتلهامی، جان زاگبی، مأمون فندی و کریستوفر راس.
۲- گزارش کمیته مشورتی وزارت امور خارجه امریکا از دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، «دیپلماسی فرهنگی»، ترجمه: محمدصادق اسماعیلی، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، نیمه اسفند ۱۳۸۵، ش ۱۲، ص ۸.

ناکارآمدی آن طی چند سال اخیر برای بهبودی چهره امریکا انتقاد می کند. این گونه انتقادها سبب شد تا این کشور به منظور پایان بخشیدن به تصویر کلیشه ای و منفی از خود، جلوگیری از بحران یا برداشت های منفی در خارج، حمایت از اهداف بلندمدت در سیاست خارجی و افزایش افق دید کشور، توجه بیشتری به این حوزه بنماید.

در این باره شورای دیپلماسی عمومی در گزارشی که اکتبر ۲۰۰۵ آن را منتشر کرد، پیشنهاد داد: رویکرد فرهنگی، در وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی برجسته گردد، کارمندان دیپلماسی عمومی تا سال ۲۰۱۰ تا در واحدهای برون مرزی ۳۰۰ درصد افزایش یابد و ظرفیت پخش برنامه های جهانی ایالات متحده به صورت ۲۴ ساعته و برنامه های اینترنتی برای جوانان، ارتقا داده شود.

به موازات تمهیدات به کار رفته در روند کاربرد دیپلماسی فرهنگ محور، به منظور ترمیم چهره امریکا در خارج، در سال ۲۰۰۵ جورج بوش، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده، یکی از مطمئن ترین افراد خود یعنی کارن هیوز(۱) را منصوب کرد تا هدایت تلاش های اصلی برای اصلاح برداشت های منفی از امریکا را برعهده گیرد.(۲)

به همین علت، در قالب برنامه «سپاه صلح» ۱۸۲ هزار داوطلب امریکایی به ۱۳۸ کشور اعزام شدند تا افق نگرش مخاطبان خارجی را به ایالات متحده تغییر دهند و به آنها کمک کنند تا درباره امریکا بیشتر بدانند.

در گزارش دیپلماسی عمومی امریکا در اکتبر ۲۰۰۵ چنین آمده است: «دیپلماسی عمومی به دنبال ارتقای منافع ملی و امنیت ملی ایالات متحده از راه تفهیم، اطلاع رسانی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی خارجی و گسترش



---

۱- Caren Hughes

۲- وی در اکتبر ۲۰۰۷ از سمت خود استعفا داد.

تعامل و گفت وگو میان شهروندان و نهادهای امریکایی و همتایان آنها در خارج از کشور است».

این گزارش در ادامه می افزاید اگر قرار است ایالات متحده، به عنوان رهبر جهان باقی بماند، باید برنامه های دیپلماسی عمومی خود را در سراسر جهان به سرعت و به شدت تقویت کند. این گزارش حتی دیپلماسی عمومی را سلاحی مؤثر در جنگ علیه تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر می داند. به اعتقاد نویسندگان گزارش، این سلاح می تواند در مناطق خاورمیانه، بر افکار مردم تأثیرگذار باشد.(۱)

در یک جمع بندی کلی از کارکرد دیپلماسی عمومی در کارنامه ریاست جمهوری بوش، می توان گفت که دیپلماسی عمومی، نوعی عملیات روانی برای توجیه سیاست های هژمون ایالات متحده در قبال مردم دیگر کشورها با بهره برداری از فن آوری ارتباطات، گردشگران امریکایی، سازمان های غیردولتی، تبادلات فرهنگی، علمی، هنری و رویارویی با برنامه های تبلیغاتی رهبران، نخبگان و رسانه های بومیِ جوامع هدف است.

### ۲. کارکرد رسانه های امریکایی در دیپلماسی عمومی

۲. کارکرد رسانه های امریکایی در دیپلماسی عمومی

در منازعات بین المللی جدید پس از جنگ سرد، ایالات متحده می کوشید که توجه خود را نه تنها بر روی واکنش های نظامی در برابر مناقشه ها و بحران ها متمرکز کند، بلکه درصدد بود نقش اطلاعات و رسانه ها را نیز در نظر بگیرد. ظهور رسانه های پیشرفته با بهره گیری از دانش چگونگی تأثیرگذاری، بر نقش رسانه در کنترل افکار عمومی افزود. قدرت نرم امریکا نیز در سال های اخیر، بر نفوذ این کشور بر اذهان مردم جهان از راه ابزارهای ارتباطی استوار



---

۱ - A call for Action On Public Diplomacy,A Report of the Public Diplomacy council , second Edition, October ۲۰۰۵.

است. دیپلماسی رسانه ای امریکا پس ازحادثه ۱۱ سپتامبر، نوع ویژه ای از رابطه رسانه ها با دولت را آشکار ساخت، به گونه ای که کاخ سفید، پس از این رویداد بارها رسانه ها را خطاب قرار داد و از آنها خواست که با سیاست خارجی کشور همراهی کنند و نیز به آنها اعلام کرد که هرچقدر به شکل مستقل از دولت عمل نمایند، در معرض اتهام کمک به تروریسم قرار خواهند گرفت.

پس از این پیام، بیشتر رسانه ها در امریکا با بوش همراه شدند و اشتیاقشان برای خدمت به برنامه تبلیغاتی سیاست گذاران افزایش یافت، به گونه ای که شبکه های CNN,CBS,NBC,FOX در ۱۰ کنفرانس به دعوت کاندولیزا رایس شرکت کردند.(۱)

زمانی که شاخص های قدرت نرم امریکا برای مثال سینما، صنعت فیلم، تلویزیون، موسیقی پاپ و غذاهای آماده را در نظر آوریم، در این میان خواهیم دید که صنعت سینما و به ویژه شرکت های «هالیوود»(۲)و «دیزنی»(۳) از اهمیت بسیاری در تبیین و اشاعه تصویری اسطوره ای از امریکا برخوردار است. برنامه های رادیو و تلویزیون و سینمای این کشور به ویژه هالیوود، بخشی از امپراتوری رسانه ای امریکا را تشکیل می دهد، همان گونه که جوزف جوف ترکیب بسیار فریبنده از ابزارهای قدرت نرم ایالات متحده را (۴)HHMMS یا تومور مایکروسافت، مک دونالد، هالیوود و هاروارد می نامد



---

۱- مهدی تفاوت، «دیپلماسی رسانه ای، کارکرد رسانه های امریکایی پس از ۱۱سپتامبر»، دوهفته نامه پگاه حوزه، بهمن ۱۳۸۸، ش ۲۷۲، ص ۱۹.

۲- Holly wood.

۳- Disney.

۴- Harvard, Holly Wood,Microsoft and Mcdonald,Syndrome.

که در سراسر سطح کره خاکی سیطره خود را در حوزه های دانش، فرهنگ، زنجیره غذایی و فن آوری گسترانده است.(۱)

نای معتقد است که پیش از این نیز صنعت فیلم و سینمای ایالات متحده مانند دیزنی، همواره در تکاپو برای به کارگیری نام و نشان خود هم سو با اهداف سیاست خارجی امریکا در سطح جهانی بوده است؛ هم چنان که در فضای جنگ سرد رسانه های تصویری، درگیر مبارزات عمیق سیاسی و تجاری به ویژه منازعات ایدئولوژیکی امریکا علیه کمونیسم بوده است. در یک نگاه، صنعت سینمای ایالات متحده از جمله هالیوود به عنوان مقتدرترین نیروی فرهنگی غرب در کره زمین، بر تصویرهای ذهنی مخاطبان خارجی چیرگی می یابد.

گواه این موضوع، آن است که پس از حمله به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در سال ۲۰۰۱، گروهی از رؤسای استودیوهای هالیوود، نشست های محرمانه با مقام های کاخ سفید برگزار کردند تا به بررسی این امر بپردازند که تولیدات هالیوود چگونه می تواند با تروریسم جهانی مقابله کند.

### ۳. ابزارهای دیپلماسی عمومی امریکا

#### اشاره

۳. ابزارهای دیپلماسی عمومی امریکا

حوزه عملکرد دیپلماسی عمومی در ایالات متحده، بسیار گسترده است. زمانی که شخصیت های سیاسی و رهبران دیگر دولت ها از ایالات متحده دیدار می کنند و یا هنگامی که رئیس جمهور و دیگر اعضای عالی رتبه امریکا به مناطقی از جهان سفر می کنند، ابزارهای دیپلماسی عمومی این کشور به شدت فعال می شود. هنگامی که شهروندان دیگر کشورها در تلویزیون های



---

۱- دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ص ۱۲۰.

جهانی، محصولات رسانه ای ایالات متحده را می بینند، در واقع جهانیان شاهد عرضه یکی از محصولات این حوزه هستند.

در یک تعبیر رسا، کلیه تمهیدات گسترده ای را که در مسیر هدایت و جذب تصویرهای ذهنی افکار عمومیِ جوامع هدف اجرا می شود، مجریان دیپلماسی عمومی امریکا طراحی می کنند که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

### الف) فایل بیسیمی

الف) فایل بیسیمی

این فایل، شامل دریافت متن کامل سخنرانی ها و بیانیه های مقامات رسمی و ارشد امریکایی، کنفرانس های مطبوعاتی مقامات گوناگون، اطلاعاتِ تهیه و ارسال شده از سوی سخنگو و دیگر مقامات کاخ سفید و یا وزارت امور خارجه و دیگر سازمان های امریکایی در سفارت خانه های امریکا می شود.

### ب) سخنگویان و کارشناسان

ب) سخنگویان و کارشناسان

در دهه های گذشته، سخنگویان امریکا اعم از شخصیت های دانشگاهی، سیاستمداران، اصحاب رسانه ها و... برای برقراری رابطه با توده مردم در مورد موضوع های متعددی همچون تروریسم، امنیت ملی، امور اقتصادی و اوضاع جامعه امریکا و ارائه دیدگاه های خود، با نظارت آژانس اطلاع رسانی، به بیرون از ایالات متحده سفر می کردند.

در این زمینه، «برنامه سخنگویان و متخصصان ایالات متحده»(۱) که هم اکنون از راه برنامه های «دفتر جهانی رسانه» اجرا می شود، از جمله بارزترین تجلیات دیپلماسی عمومی هوشمندانه است. تلاش های دیپلماسی رایجِ کارشناسان ایالات متحده، در واقع همان ترسیم جریان یکسویه ارتباطی برای ارسال پیام به اذهان عموم، با هدف انگاره سازی و تغییر افکار عمومی درباره این کشور است.

### ج) انتشار کتاب و مجله

ص:۱۲۸

---

۱- The u.s. speaker and specialist program

ج) انتشار کتاب و مجله

انتشار و توزیع کتاب و نشریه هایی که مخاطب آن مدرّسان، دانشجویان و نخبگان جوامع هدف باشند، دستاورد مهمی برای ایالات متحده در راه نشر علوم و دیدگاه های امریکایی به شمار می رود.

نخست آنکه آثار منتشرشده، در ترسیم نمایی دقیق تر از جزئیات حیات ایالات متحده و مؤسسه های عمومی این کشور مؤثرند؛

دوم آنکه این نشریه ها با انگیزه معرفی پیشرفت های ایالات متحده در عرصه های گوناگون شامل علوم انسانی، نجوم، توان مندی های تکنولوژیک و... توزیع می شود.

سوم آنکه انتشار کتاب ها و مجله ها، یکی از عناصر مهم تشکیل دهنده استراتژی آموزشی امریکا به شمار می رود.

مراکز کتاب و منابع اطلاعاتی را پیش تر آژانس اطلاع رسانی ایالات متحده (USIA) اداره می کرد، ولی اکنون بخش دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه متکفل آن است.

ایالات متحده در طرح «استراتژی نشر»، در تعامل جدی با ساکنان مسلمان منطقه خاورمیانه و جهان اسلام می کوشد تا ذایقه فرهنگی ـ اجتماعی ملل مسلمان را در فرهنگ امریکایی مستحیل کند. به عنوان نمونه، می توان به مجله «HI (سلام)» اشاره کرد که در مسیر تبلیغات پنهان امریکا در سال ۲۰۰۳ منتشر شد. این مجله بازتابی از جنبه های یک زندگی تجملاتی و پرزرق و برق است. مخاطب این مجله، خوانندگان جوان منطقه خاورمیانه هستند.(۱) آنچه در موفقیت استراتژی دیپلماسی عمومی امریکا مهم ترین نق



---

۱- تغییر در ذهنیت ها پیروزی از طریق صلح، ص ۶۹.

ش پنهان را دارد، فرآیند ترجمه آثار و تألیفاتی است که اشاعه دهنده تغییر و بهبود برداشت جوامع مسلمان از امریکا باشد.

### د) مراکز، بنیادها و مؤسسه های تبلیغاتی

د) مراکز، بنیادها و مؤسسه های تبلیغاتی

فاعلان دیپلماسی عمومی، فقط نهادهای دولتی نیستند، بلکه مؤسسه ها و بنیادهای تبلیغاتی خصوصی امریکایی نیز در زمینه های مختلف به عنوان حامیان تصمیم گیرندگان این کشور در برابر جامعه هدف، فعالیت خود را گسترش داده اند. تا پیش از دهه پایانی قرن بیستم، مؤسسه های آزاد در حوزه دیپلماسی عمومی، خارج از ایالات متحده فعالیت می کردند. درهای این مؤسسه ها که با عنوان مراکز فرهنگی، تبلیغاتی، کتابخانه و حتی خانه شناخته می شدند، به روی عموم مردم کشورهای هدف گشوده بود و مکان مناسبی برای انجام مجموعه ای از فعالیت های متنوع مانند نشر و توزیع کتاب، آموزش زبان انگلیسی، امور هنری، سخنرانی، نمایش فیلم و نظارت بر فعالیت فارغ التحصیلان دانشگاه ها به شمار می رفت.

پس از پایان جنگ سرد، بودجه های مختصِ فعالیت های مربوط به دیپلماسی، برای روابط فرهنگی، در خارج از ایالات متحده کاهش یافت. در سال ۲۰۰۲ با طرح ایده «مجامع امریکایی»،(۱) مراکز فرهنگیِ برون مرزی این کشور با اتکا به ابزارهای تکنولوژیک پیشرفته تر، به توسعه فرهنگ امریکایی پرداختند. مجامع امریکایی چارچوبی را برای برنامه های چند منظوره فراهم می آورند که از راه کتاب ها، نشریه ها، شبکه اینترنت، موسیقی، فیلم و... پیشینه امریکا را برای جوانان روایت می کنند.

### ه_) سازمان های غیردولتی

ه_) سازمان های غیردولتی

ص:۱۳۰

---

۱- American corner

سازمان های غیردولتی و مستقل، ابزار توسعه نفوذ ایالات متحده در درون جوامع هدف به شمار می آیند. این سازمان ها به معنای واقعی کلمه غیردولتی نیستند، بلکه از هماهنگی لازم با سیاست خارجی امریکا برخوردارند. مخاطب این سازمان ها جوانان، زنان و نمایندگان این دو قشر در جوامع هدف هستند تا بدین وسیله، طبقه اجتماعی جدیدی شکل گیرد که بتواند موازنه سیاسی و اجتماعی را تغییر دهد. دستاورد ایجاد چنین تفکری در نهادهای NGO، یک هدف مهم را پوشش می دهد و آن، ایجاد تغییرات دموکراتیک و یا به عبارت بهتر، انقلاب های رنگینِ مطابق با خواست ایالات متحده است.(۱) به این ترتیب دیپلماسی عمومی امریکا از راه سازمان های غیرحکومتی، به دنبال تأمین مؤلفه های زیر است:(۲)

یک ـ ارتباط تنگاتنگ مؤسسه های غیردولتی با مراکز تصمیم گیری امریکا و اهمیت آنها به عنوان مؤسسه های تربیت کننده کادرهای مورد نیاز دستگاه سیاست خارجی، چه در کابینه دموکرات و چه جمهوری خواه؛

دو ـ اعطای تسهیلات مانند بورس تحصیلی برای فراهم کردن امکان تحصیل دانشجویان خارجی در ایالات متحده، با هدف هدایت افکار عمومی جامعه مخاطب در مسیر منافع ملی امریکا؛

سه ـ ایجاد شبکه های روشنفکری و مؤسسه های آموزشی با کمک و حضور آموزش دیدگانِ تحت حمایت خود و یا به کارگیری پتانسیل های بومی در کشورهای مخاطب؛

چهار ـ بهره برداری از نخبگان جامعه هدف به منظور ارائه و رواج مدل های توسعه یافتگی؛



---

۱- تغییر در ذهنیت ها، صص ۴۹ ـ ۹۷.

۲- دیپلماسی عمومی تأمین منافع از طریق اطلاع رسانی، ص ۱۱.

پنج ـ حمایت از سازمان های تبلیغاتی (فورد، کارنگی، راکفلر و...) به منظور متقاعدسازی ملل جهان، مبنی بر اینکه منافعشان در صورت متعهد شدن با امریکا و متحدان آن، تأمین می شود؛

شش ـ حمایت مؤسسه های غیردولتی امریکا، از گردهمایی ها و مطالعات بین المللی با هدف دست یابی دولت ایالات متحده به حل و فصل مسائل بین المللی مورد نظر؛

هفت ـ حمایت از پژوهش های مستقل بنیادهای غیردولتی امریکا، به منظور نهادینه کردن علوم اجتماعی و نظریه های توسعه در جامعه هدف، به منظور تحقق اهداف و منافع ملی ایالات متحده.

## ج) رسانه های جهانی

### اشاره

ج) رسانه های جهانی

با توجه به اینکه رسانه ها ابزاری مؤثر و توان مند برای نفوذ در افکار عمومی هستند، بهره برداری از آن، در عرصه های مختلف، در هیچ دوره ای به اندازه وضعیت کنونی مهم نبوده است. انتشار اخبار کنفرانس ها و تصمیم ها در امریکا، این فرصت را برای دولتمردان آن فراهم می سازد که پیام های مشخصی را درباره سیاست خارجی این کشور به مخاطبان داخلی القا کنند و همزمان با آن، بر تصورات مخاطبان خارجی درباره مواضع، مقاصد و توانایی های امریکا تأثیر بگذارند. دیپلماسی عمومی از راه رسانه ها، به ابتکارات و نوآوری های هر دولت برای مدیریت چهره رسانه ای خود در خارج از کشور، اطلاق می شود. امروزه، کارگزاران دولتی ایالات متحده و حتی سرویس های اطلاعاتی مثل «سیا» از تکنولوژی نوین ارتباطی برای تبلیغ اهدافشان بهره می گیرند.

برای روشن شدن این موضوع که امریکا چگونه رسانه های جهانیِ تحت نظارت خود را به سوی جنگ روانی ـ رسانه ای علیه جوامع هدف سوق

ص:۱۳۲

می دهد، درباره تکنیک های عمده تبلیغات سیاسی، در ادامه، شرح کوتاهی می آید. گفتنی است ایالات متحده از شیوه های زیر در مقیاسی پردامنه علیه جمهوری اسلامی ایران سود می جوید.

**یک _ انگاره سازی**

یک _ انگاره سازی

انگاره سازی، از کارکردهای بسیار مهم رسانه های جمعی ایالات متحده در رویارویی با دشمنان بیرونی خود است. تصویرهایی که افراد از پدیده ها، موضوع ها، اشیا، شخصیت ها و رویدادهای محیط پیرامون خود در ذهن دارند، انگاره افراد را شکل می دهد. تغییر یک انگاره در ذهن ها، گاه منجر به تغییر تصورات ما از اشیا، افراد و پدیده ها و ایجاد یک حالت تعادلی یا غیرتعادلی می شود.

در واقع، انگاره ارائه شده در رسانه های امریکایی از خاورمیانه و ایران، با انگاره اسلام در این رسانه ها انطباق کامل دارد.

«درک و تصوری که ابزارهای ارتباطیِ تحت نظارت ایالات متحده از واقعیت زندگی مسلمانان ارائه می دهند، به وسیله تصویرهای تلویزیونی، کلمات خصومت آمیز روزنامه ها و طنز بی رحمانه رقم زده می شود. ابزار هویت فرهنگی را مسلمانان، تعصب می خوانند و مطالبه حقوق مشروع از سوی آنها، بنیادگرایی قلمداد می گردد.(۱)

انگاره های رسانه ها از ایران و اسلام، به علت های متعدد، غیرواقعی و تحریف شده است؛ زیرا نخست ماهیت اسلام و کشورهای اسلامی را کسانی مخابره و منعکس می کنند که خود، درک درستی از آن ندارند و نتیجه این



---

۱- محمد مهدی زاده، «تصویرسازی منفی رسانه های غربی از جهان اسلام و ملل شرقی»، فصل نامه رسانه، سال دوازدهم، ۱۳۸۰، ش ۳، صص ۱۰ _ ۲۱.

درک نشدن درست، انتقال تصویرهای متناقض، از درون و بیرون کشورهای اسلامی و به ویژه ایران اسلامی است.

دوم آنکه، پوشش خبری رسانه ها از ایران، به گونه ای است که فقط تصویرهای ذهنی که این رسانه ها به وجود آورده اند، گزارش می شود. یعنی با انگاره سازی های هدفمندی چون بنیادگرایی، نظامی گری، تروریسم و خشونت گرایی، یک احساس ناخوشایند از اسلام و کشورهای اسلامی را در ذهن جهانیان بازتاب می دهند.

در همین زمینه و با هدف احاطه بر کارزار اطلاعاتی، پنتاگون به طور محرمانه در سال ۲۰۰۲ نهادی مرموز را به نام «دفتر نفوذ استراتژیک» و با انگیزه نشر اخبار بی اساس، در خدمت به منافع ایالات متحده ایجاد کرد. این دفتر مجاز بود تا به طور رسمی به شیوه های تحریف افکار عمومی، به ویژه در مورد رسانه های خارجی متوسل شود.(۱)

در جریان مخدوش کردن چهره اسلام و ایجاد انگاره بسیار منفی از کشورهای اسلامی، شاهد تصویرسازی بسیار اهانت آمیز و سنجیده از مقدسات اسلام هستیم. از میان نمونه های آن، می توان به موارد زیر اشاره کرد: تلاش مرموزانه برای تحریف قرآن، انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبر اسلام در نشریه های غربی، ساخت ده ها فیلم سینمایی و مجموعه تلویزیونی و اختصاص بودجه های هدفمند برای توسعه شبکه های رادیو و تلویزیونی، با هدف تبلیغ و تصویرسازی منفی علیه اسلام و ایران.



---

۱- حسین ساری، تهدید رسانه ای (رادیوهای بیگانه فارسی زبان)، ص ۱۸۷.

## دو_ برجسته سازی

دو_ برجسته سازی

برجسته سازی یعنی رسانه های خبری با ارائه خبرها و تحلیل ها، موضوع هایی را که عامه مردم درباره آنها می اندیشند، تعیین و از این راه آنها را برجسته می نمایند. هدف برجسته سازی، افزایش توجه مردم به موضوع مورد نظر رسانه هاست.

برجسته سازی نیز همچون انگاره سازی رسانه های جمعی، برای ادراک افراد از وقایع و میزان اهمیت آن نزد مخاطبان، اثرگذار است. برجسته سازیِ موضوع پرونده هسته ای ایران و گفت وگوی رسانه های غربی با کارشناسان و اشخاص معروف در امور داخل و خارج از ایران نیز نمونه ای از این مرحله است. رسانه های امریکایی به کمک برجسته سازی موضوع های مرتبط با ایران، می کوشند:

نخست: با شکل دهی دیدگاه های افراد، وقایع را آن گونه که مورد نظرشان است، بازتاب دهند و نه آن گونه که واقعیت دارد.

سپس با این تکنیک، ضمن ایجاد اولویت مورد نظر خود، برای ادراک مخاطبان از موضوع و درجه اهمیت آن تأثیر می گذارند. برای نمونه، عملیات برجسته سازی رسانه های امریکایی در مورد مسئله هسته ای ایران، درصدد است در یک دوره زمانی بلندمدت، این مسئله را به صدر موضوع های و اولویت های خبری برساند.

## سه _ برچسب زنی

سه _ برچسب زنی

برچسب زنی، تکنیکی است که کاربرد زیادی در تبلیغات منفی و افکارسازی دارد. با استفاده از این تکنیک، به شخص، ایده، گروه، ملت و کشوری که هدف حمله تبلیغاتی است، برچسب یا انگ توهین آمیز و ناپسند زده می شود. این برچسب یا انگ، به طور عمده مفهوم قبیح یا ضد ارزش عام و فراگیر و مورد توافق عموم است،[(۱)] مثل: خشونت طلبی، تروریسم و انزواطلبی.

ص:۱۳۵

---

۱- همان، ص ۱۹۴.

برچسب زنی در تبلیغات را رسانه های جمعی، بیشتر برای تخطئه یک ایـده یا فکر و یا محکوم سازی آن به کار می برنـد و در مواردی برچسب زنی، با تحقیر و یا توهین همراه می شود. این تکنیک همچنین به منظور به انفعال کشانـدن طرف مقابل خود، متهم کردن و انگ زدن به آن به کار می رود. زدن برچسب های خشونت طلبی و پیکارجویی به جنبش های مقاومت اسلامی همچون حماس و حزب الله و نسبت دادن انگ هایی چون انزواطلبی، تروریسم و مخالفت با صلح بین الملل به دولت ایران، از نمونه هایی است که رسانه های امریکایی بدان متوسل می شوند.

## ۴. آخرین تحولات در ارکان دیپلماسی عمومی

### اشاره

۴. آخرین تحولات در ارکان دیپلماسی عمومی

مدارک مستند نشان می دهد که به تازگی، دیپلماسی عمومی با مفهوم و هدف گذاری جدید آن، در صدر برنامه های کاخ سفید، وزارت امور خارجه و پنتاگون قرار گرفته است؛ چراکه الگوی نبردهای نوین امریکا الگویی متکی بر توان نظامی صرف نیست، بلکه ابعاد غیرنظامی نیز دارد. رویکرد اِعمال دیپلماسی عمومی در الگوی نبردهای جدید، نوعی اقدام پیشگیرانه و یا حتی پیش دستانه است. در حقیقت با تکیه بر بعد تهاجم نرم افزاری، شخصیت و ذهنیت اجتماعیِ طرف های درگیر، کاهش می یابد و یا به طور کلی از بین می رود و در ادامه، قدرت تصمیم گیری برای ایستادگی و مقاومت را از رقبا و یا جامعه هدف می گیرد و آنان را به عناصری منفعل و بی خاصیت که حالت تسلیم بر آنها غلبه کرده، تبدیل می کند.

### الف) وزارت امور خارجه

الف) وزارت امور خارجه

از آنجا که دیپلماسی عمومی، یکی از ابزارهای نرم بسیار مهم برای تأثیرگذاری بر ذهن و رفتار مخاطب در عرصه تعاملات فرهنگی، سیاسی و

ص:۱۳۶

اجتماعی بازیگران بین المللی به شمار می آید، وزارت امور خارجه امریکا در طرح عملکرد اجرایی و هدف های راهبردی خود، از دیپلماسی عمومی در جهت گسترش ارزش ها و سیاست هایش بهره می گیرد.

امروزه در وزارت امور خارجه امریکا، اداره کلی با عنوان «دیپلماسی عمومی» فعال شده است. جودیت مک هیل، مسئول کنونی این بخش، نقشه راه دیپلماسی عمومی ایالات متحده را برای قرن ۲۱ چنین ترسیم می کند:(۱)

یک ــ در عصر کنونی، ۴۵ درصد از جمعیت جهان را جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند، بنابراین دیپلماسی عمومی امریکا باید بر این گروه، بیشتر تمرکز کند؛

دو ــ عصر کنونیِ اطلاعات و نظام های حکومتی امروزی، قدرت بیشتری را به عوام می دهد، بنابراین امریکا باید به موازات تأثیر بر خواص، به عوام نیز توجه نشان دهد؛

سه ــ باید هزینه های بیشتری را در زمینه تعمیم تکنولوژی ارتباطات در میان مردم، اختصاص داد؛

چهار ــ دغدغه های ایالات متحده در عصر حاضر، عبارتند از: نفوذ جهانی چین، قدرت رسانه ای روسیه و گسترش فعالیت های فرهنگی ایران.

پنج ــ هدایت گروه اپوزیسیون در جوامع سیاسی هدف، در زمره وظایف اصلی دستگاه دیپلماسی وزارت خارجه به شمار می آید.

به این ترتیب ایالات متحده به منظور اصلاح و تلطیف چهره خود در نزد افکار عمومی، تلاش می کند با کاربست تکنولوژی ارتباطات، مؤسسه های

ص:۱۳۷

---

۱- متن سخنرانی جودیت مک هیل، معاون وزیر خارجه امریکا، در امور دیپلماسی عمومی که در ۱۰ مارس ۲۰۱۰ و در کمیته روابط خارجی سنای امریکا ایراد کرد.

خصوصـی و جنبش های اجتماعی در کشورهای هـدف، از نهادهای توان منـد و روش های نوآورانه در دست یابی به مقاصـد ملی بهره گیرد.(۱)

این امر، نیازمند بازتعریف و بازسازی عرصه دیپلماسی عمومی است و البته باید شاخصه های زیر، پایه کار قرار بگیرند:

یـک ــ اهتمـام و ارتبـاطـات استراتژیـک، در همه مراحـل سـیاست گـذاری دولت در راهـبرد دیپلماسـی عمومی خـارجی و نیز سرمایه گذاری عمده در این حوزه؛

دو ــ بهره گیری از مدیریت، خط مشی و ساختار قوی و توان مند در این حوزه، در میان سازمان های دولتی؛

سه ــ گسترش دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه از راه های:

اول ــ افزایش سطح ارتباطات در مناطق استراتژیک جهان؛

دوم ــ ایجاد جایگاه سازمانی دیپلماسی عمومی برای دفترهای وزارت خارجه در هر منطقه از جهان؛

سوم ــ آموزش نیروهای انسانی کارآزموده و بهره گیری از آنها در سفارت خانه های ایالات متحده در جهان؛

چهـارم ــ آسـان سازی همکاری و تعامل دولت ایالات متحـده با آن دسـته از مؤسـسه های خصوصـی که در مقوله دیپلماسـی عمومی و سیاست خارجی، ایده پرداز هستند؛

پنجم ــ استفاده از رسانه رادیو و تلویزیون؛

ششم ــ عملیات پنهانی و اطلاعاتی در چارچوب افزایش امنیت ملی و دیپلماسی عمومی؛

هفتم ــ تجدید نظر در سیاست های مربوط به مهاجرت و گرفتن ویزا در سفارت خانه های ایالات متحده امریکا.(۲)

ص:۱۳۸

---

۱- Broking power ,«soft and hard», http://public diplomacy. foreign policy blogs.com

۲- voices of America: us public diplomacy for the ۲۱ st century», http://» www.brookings.edu/reports/۲۰۰۸/۱۱-public-diplomacy.

## ب) وزارت دفاع

ب) وزارت دفاع

به طور کلی، دو معاونت در وزارت دفاع، فعالیت های دیپلماسی عمومی و ارتباطات جهانی را هماهنگ می کنند:

ـ معاون وزیر دفاع در امور فرماندهی، کنترل، ارتباطات و اطلاعات؛

ـ معاون وزیر دفاع در امور سیاست گذاری.

بنا بر دکترین جدید وزارت دفاع امریکا، فعالیت های اطلاعاتی این وزارت خانه شامل موارد زیر می شود:

یک ـ عملیات اطلاعاتی متشکل از جنگ الکترونیکی، عملیات شبکه رایانه، جنگ روانی، عملیات روانی، عملیات فریب و امنیت عملیات؛

دو ـ روابط عمومی همچون ارتباطات تصویری؛

سه ـ پشتیبانی دفاعی از دیپلماسی عمومی.

بر پایه دکترینی که پنتاگون منتشر کرده، مطالعات مربوط به جنگ روانی باید اطلاعات زیر را فراهم آورد:

اول ـ ویژگی های برجسته کشور و ملت مورد نظر؛

دوم ـ شاخص های تأثیرگذار بر گروه های اجتماعی، صنفی و قومی؛

سوم ـ شناخت موضوع هایی که در نزد ساکنان کشور هدف، حساسیت برانگیزند و با واکنش شدید مردمی روبه رو می شوند؛

چهارم ـ راهکارهایی برای تأثیرگذاری بر مردم؛

پنجم ـ تأکید بر قدرت نرم برای پیشبرد منافع ملی.(۱)



---

۱- «The state Department ,Not the pentagon,should lead American public diplomacy efforts», http://www.brookings.edu/opinions/۲۰۰۸/۱۰۲۹.

در مجموع، فعـالیت هـای حوزه دیپلماسـی عمومی در پنتاگون، در زمینه اطلاع رسانی، تأثیرگـذاری و نفوذ، فریب و مـدیریت تصویرهای ذهنی است. در این باره جودیت مک هیل، تأکیـد بسـیار زیادی بر هماهنگی میان امور خارجه و وزارت دفاع برای ایجاد توازن در اجرای وظایف مربوط به دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک دارد.

### ج) اداره ارتباطات جهانی

ج) اداره ارتباطات جهانی

در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، یکی از استراتژی های کلیدی که حکومت بوش به کار گرفت، تأسیس اداره ارتباطات جهانی، با هدف تسخیر قلوب و اذهان مردم خاورمیانه بود. در ۲۱ ژانویه ۲۰۰۳ جرج بوش، طی یک دستورالعمل اجرایی، اداره ارتباطات جهـانی را در دفتر ریـاست جمهوری راه انـدازی کرد. شـرح وظایف این اداره با هـدف ارتباط با افکار عمومی ملت ها، از راه تبلیغات، وب سایت، برنامه های رادیویی و مطالب خبری تعریف شده است.

این اداره باید راهکارهای لازم را در زمینه های زیر اجرا کند:

یک ــ ایجاد فضای مناسبِ حمایت از سیاست های امریکا در میان متحدان؛

دو ــ اطلاع رسانی به مخاطبان خارجی؛

همچنین این اداره، وظیفه راهبردیِ فعالیت های ارتباطات جهانی و دیپلماسی عمومی امریکا را در سه مؤلفه زیر بر عهده دارد:

یک ــ طراحی پیام های روزانه؛

دو ــ طراحی فعالیت های ارتباطی؛

سه ــ تأمین راهبردهای بلندمدت.

این وضعیت، ایجاب می کند که اداره ارتباطات جهانی در پیوند با وزارت امور خارجه و پنتاگون، پیام های آفندی و پدافندی را درباره موضوع های

ص:۱۴۰

گوناگون، هدایت و مدیریت کند تا بهترین تصویرهای ذهنی از سیاست ها و رفتارهای دولت امریکا در نزد مخاطبان خارجی شکل گیرد.

در حال حاضر، استراتژی دیپلماسی عمومی ایالات متحده، راه یک سویه جریان اطلاعات را نشان می دهد که قصد دارد امتیازها و برتری های خود را به عموم مردم خاورمیانه از راه برنامه های اطلاعاتی و سرگرمی القا کند.(۱)

هم اینک دیپلماسی عمومی این کشور، نماد مقابله با نهادهایی به شمار می رود که عامل تهدید برای منافع امریکا هستند. استراتژیست های حزب دموکرات امریکا می کوشند تا در روندی تصاعدیابنده، شکل جدیدی از امنیت را از راه افزایش ارتباطات و پیوندهای بین المللی ایجاد کنند.

نهادهایی را که در فاصله سال های پیشین تاکنون در امریکا شکل گرفته اند، می توان زمینه ساز گسترش این عرصه در زمینه امنیت بین المللی دانست. به هر میزان که ایالات متحده بتواند از راه اقدامات فرهنگ محور و رسانه ای، در حوزه روابط بین الملل برای خود فرصت های سیاسی بسازد، به همان نسبت ذخیره های حیاتی برای امنیت ملی این کشور افزایش می یابد. امریکا با استفاده از ارکان و ابزارهای دیپلماسی عمومی، خواهان کاسته شدن از شدت دشمنی ها و کینه توزی ها، کنترل درگیری ها و رویارویی با خطرهای غیرمتعارفی است که آن را تهدید می کند.

ص:۱۴۱

---

۱ - ۱.Mohan J.Dutta-Bergman,us.public diplomacy in the middle East: A critical Approach, sage publication,volume ۳۰ number۲,p.p ۱۰۲-۱۲۴, http://online.sagepub.com hostedat http://jei.sagepub.com/

## فصل سوم: دیپلماسی عمومی امریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران

### اشاره

فصل سوم: دیپلماسی عمومی امریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران

زیر فصل ها

جایگاه ایران در دیپلماسی عمومی امریکا

نتیجه گیری

### جایگاه ایران در دیپلماسی عمومی امریکا

#### اشاره

جایگاه ایران در دیپلماسی عمومی امریکا

از آغاز جنگ سرد و معرفی نقش جهانی امریکا به عنوان مدافع شاکله های هویتِ همه جانبه غرب، موقعیت و نقش ایران نیز در سیاست خارجی این کشور تعریف شد.

ایران پیش از انقلاب، به عنوان متحد راهبردی امریکا در منطقه، هدفی غیرجنجالی برای سیاست مداخله گرایانه امریکا به شمار می رفت. حفظ ثبات سیاسی در ایران و جلوگیری از بر هم خوردن وضع موجود، هرچند که در بستر یک رژیم اقتدارگرا هویت می یافت، به اولویت نخست سیاست گذاری امریکا تبدیل شد؛ به ویژه آنکه ایران مرزهای مشترک طولانی با شوروی سابق داشت و ازاین رو، زمینه مناسبی برای گسترش ایده های کمونیستی فراهم بود.

بدین ترتیب، بنابر دکترین ترومن، امریکا وظیفه حفاظت و دفاع از ایران به عنوان یک کشور غیرکمونیست را به عهده داشت. چنانچه منافع ایالات متحده

ص:۱۴۲

در این کشور تهدید می شد، دیپلماسی پنهان، فعالیت های پشت پرده و براندازی خاموش، راهبرد اصلی در برابر خنثی سازی تهدیدها به شمار می رفت.

اهداف دیپلماسی فرهنگی امریکا در ایران پیشِ از انقلاب اسلامی، در گزارش عملکرد سال ۱۹۶۲ کمیسیون مبادلات فرهنگی و آموزشی ایران و امریکا، به طور مشخص فهرست و با صراحت، به نقش برنامه های فرهنگی در پیشبرد اهداف سیاست امریکا اشاره شده است. این اهداف بدین شرح بود:(۱)

الف) امریکا را به عنوان ملتی قوی، دموکراتیک و پویا نشان دهد؛

ب) ارزش ها و شیوه زندگی امریکایی را به عنوان الگوی آرمانی ایرانیان معرفی کند.

در این میان، با واکاوی پیشینه فعالیت های امریکا در ایران در حوزه دیپلماسی عمومی، درمی یابیم که تبیین فعالیت های «انجمن ایران و امریکا» اهمیت بالا-یی دارد. این انجمن در سال ۱۳۰۴ به ریاست محمدعلی فروغی کار خود را آغاز کرد. انجمن در طول پنجاه سال فعالیت، به مهم ترین پایگاه فرهنگی امریکا تبدیل شد و در دوره خود، بزرگ ترین کانون رابطه فرهنگی میان دو ملت در سراسر دنیا به شمار می آمد. این انجمن که همواره از پشتیبانی دولتمردان ایرانیِ طرفدار امریکا برخوردار بود، به اجرای برنامه های زیر می پرداخت:(۲)

یک ـ سخنرانی هفتگی؛

دو ـ نمایش فیلم های تبلیغاتی امریکایی؛

ص:۱۴۳

---

۱- حسام الدین آشنا، «سال شمار دیپلماسی فرهنگی امریکا در ایران»، فصل نامه مطالعات تاریخی، سال دوم، پاییز ۱۳۸۴، ش ۹، ص ۱۵.

۲- همان، «دیپلماسی فرهنگی امریکا در ایران: انجمن ایران و امریکا»، فصل نامه مطالعات تاریخی، سال دوم، پاییز ۱۳۸۴، ش ۹، صص ۱۶ـ۲۱.

سه ــ انتشار ماهنامه ایران و امریکا به دو زبان؛

چهار ــ اجرای موسیقی ایرانی و امریکایی؛

پنج ــ تدریس زبان انگلیسی و احداث کتابخانه؛

شش ــ گسترش روابط نوجوانان امریکایی و ایرانی و مبادله شهروندان.

مرکز آموزش زبان انگلیسی و کتابخانه «آبراهام لینکلن»، بخش مهمی از فعالیت های اطلاع رسانی و آموزشی انجمن ایران و امریکا را انجام می دادند. این کتابخانه دربردارنده کتاب هایی بود که حسن احترام دیگران را به تاریخ فرهنگی و فکری امریکا، نهادهای اجتماعی ــ اقتصادی و سنت های سیاسی این کشور برمی انگیخت.

اگرچه در مقطع پیش از انقلاب در سطح رسمی، تعارض معناداری میان دو دولت وجود نداشت، در سطح جامعه، به دلیل حمایت آشکار و فراگیر امریکا از سیاست های انسدادآمیز شاه در داخل، که به طور عمده از ملاحظه های برخاسته از رقابت ایدئولوژیک دوران جنگ سرد تأثیر می گرفت، رویکرد تقابل محور در سطح جامعه و افکار عمومی در برابر امریکا دیده می شد.

ایران از دوران شکل گیری انقلاب اسلامی، یکی از دغدغه های اصلی در بحث دیپلماسی عمومی امریکا بوده است و اکنون که در دوران آغازین از دهه چهارم انقلاب شکوهمند اسلامی به سر می بریم، سیاست گذاران ایالات متحده پس از سه دهه دریافته اند که بدون یک بازنگری اساسی در برنامه های مرسوم خود، قادر به برخورد و نفوذ در کشورهای هدف نیستند.

از نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی و همزمان با روی کارآمدن دولت کلینتون، راهبرد ستیز نرم در دستور کار کاخ سفید در برخورد با جمهوری اسلامی قرار گرفت و موضوع دیپلماسی عمومی، اهمیت ویژه ای یافت. ولی با

گـذشت یـک دهه از پی گیری این استراتژی، طراحـان و مجریـان رده بالاـی آن، به کمبودهـا و کاستی هایی در نرم افزارهای ایجاد چنین راهکاری پی بردند.

در رأس این کمبـود ابزاری، شایـد بتـوان نبود کانـال مسـتقیم برای ایجـاد رابطه را نـام برد. به همین سـبب، راهکارهـایی برای ارتبـاط بـا ایرانیـان اندیشـیده شـد، برای مثـال: دفتر امور ایران در دوبی، پی گیری گشایش و توسـعه دفتر حفاظت منافع، ایجاد شبکه های اجتماعی و راه اندازی کانال های تلویزیونی فارسی زبان در ایالت های امریکا.

البته اشاره به این نکته لازم است که دیپلماسی عمومی امریکا، از همان ابتدا شکل تبلیغاتی داشت و در کمک به نیروهای ضد نظـام و گـاه مردم این کشور در راه انـدازی انواع شـبکه هـای ماهواره ای و رادیویی، خود را نشان داد؛ آنچنان که در شـرایط کنونی، مجموعه ای از اقـدامات نرم افزاری در چارچوب رسانه ای، در مقاطع زمانی خاص برای رسـیدن به یک هدف، جهت گیری شده اند و در بسترهای آسیب زا در جامعه ایران، می کوشند پیام خود را بر روی این حوزه ها طراحی کنند.

دیپلماسـی عمومی از این منظر که قـدرت هـای مـداخله گر از آن به عنوان ابزاری برای تأثیرگـذاری بر افکـار عمومی ملت ها اسـتفاده می کننـد، می تواند تهدیدی بر ضد جمهوری اسـلامی تلقی شود. از آنجا که ایالات متحده نهادی را در وزارت امور خارجه ایجاد کرده و به صورت گسترده بر ضـد جمهوری اسـلامی در حال برنامه ریزی است، این اقـدام به عنوان تهدیـدی بر ضد جمهوری اسلامی به شمار می آید.

در این زمینه، اهداف اصـلی، براندازی کشور هدف، انتقال ارزش ها و باورهای دولت مبدأ به جامعه هدف و جذب نخبگان و همگام کردن آنها با

سیاست های کشور مبدأ است.(۱) در هر صورت، اهمیت «تهدیدسازی» دیپلماسی عمومی را باید با توجه به مرجع تهدید نرم دریافت.

مرجع امنیت، عبارت است از دارایی های کلیدی یک نظام سیاسی که بقای آنها برای آن نظام، حیاتی تلقی می شود. اگر مجموعه های وزارت امورخارجه در یک سطح، روابط را در حوزه «ملت ـ دولت» انجام می دهند و در مقیاس تحرک دیپلماتیک با دیپلمات های کشور هدف و همچنین نهادهای بین المللی دنبال می کنند، شکل دیگری از تعامل و رفتار، در ساختار وزارت امور خارجه امریکا وجود دارد که اداره کل دیپلماسی عمومی پی می گیرد.

استراتژی این اداره کل بر این باور استوار شده است که ارتباط ایالات متحده با حوزه های هدف، نباید فقط در چارچوب دیپلماتیک و رسمی خلاصه شود و تنها اثرگذاری در حوزه حکومتی مدنظر باشد، بلکه تأثیرگذاری در حوزه حکومتی زمانی می تواند به اندازه کافی مطلوب باشد که نیروهای اجتماعی، به مشروعیت نظام سیاسی و ایدئولوژی مشروعیت بخش ساختار حکومتی شان بی اعتماد شده باشند. تمرکز اصلی در این رویکرد، بر افکار عمومی ایرانیان است. در دیپلماسی عمومی، ملت ـ جامعه به جای دولت ـ مخاطب قرار می گیرد و تلاش بر این است که از این راه، مضمون های لیبرالیستی نظیر حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق زنان و... جای گزین ایده ها و هنجارهای موجود در جامعه هدف شود. سیاست هایی را که امریکا در برقراری ارتباط با مردم ایران آغاز کرده، در همین زمینه می توان ارزیابی کرد.

دیپلماسی عمومی امریکا، تهاجم نرم علیه ایران را در دو سطح دنبال می کند:

### ۱. سطح بین المللی و منطقه ای

#### اشاره

۱. سطح بین المللی و منطقه ای

ص:۱۴۶

---

۱- سیامک باقری، «دیپلماسی عمومی، تهدید یا فرصت»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، سال هشتم، ش ۳۱، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۳.

امریکـا بـا فضاسـازی روانی در سـطح منطقه ای و همچنین بین المللی، به دنبـال بی اعتبارسـازی سـیاست های ایران و در نتیجه محـدودسازی ایران است. بنـابراین، اشـاعه گزاره هـای اطلاعـاتی و سودهی به جریـان هـای اطلاعاتی با محوریت تهدیـد علیه ایران، ماننـد مـاهیت غیردموکراتیـک و ضـد دموکراتیک نظام حاکم بر ایران؛ خطرآفرینی ایران برای صـلح و امنیت جهانی به دلیـل در اختیار داشـتن سـلاح های کشـتار جمعی و حمایت از تروریسم، در این چارچوب معنا می یابـد. در واقع این فرآینـد، هماهنگ با دیپلماسـی مرحله ای و در صورت ضـرورت، هم سو با سـیاست تهاجمی امریکا علیه جمهوری اسلامی حرکت می کنـد. اثر تهدیـدات نرم در چارچوب دیپلماسـی عمومی بین المللی اگرچه به انـدازه تهدیـدات سـخت، فوری نیست، گسترش زیادی دارد و در یک فرآیند طولانی و آرام و گاهی غیرمستقیم، به اجرا می آید و اهداف دشمن را محقق می سازد.(۱)

## الف) راهبرد ایران هراسی

### اشاره

الف) راهبرد ایران هراسی

راهبرد ایران هراسی را در طی سه دهه گذشته، همواره دولت های ایالات متحده امریکا چه جمهوری خواه و چه دموکرات، به صـورت پیوسـته در سـیاست خـارجی و دیپلماسـی عمومی این کشور پی گیری کرده انـد. در این میـان، عواملی چون انقلاب اسـلامی به عنوان کانون توجه جهان اسـلام، دست یابی به توانایی های هسته ای و تکنولوژی های پیشرفته، حضور اثرگذار در کاهش بحران های منطقه ایِ ناشـی از مـداخله های مسـتقیم قدرت های فرامنطقه ای و سـرانجام، مخالفت آزاردهنده با فرآیند صلح اسرائیل و فلسطین، پاسخی روشن به چرایی راهبرد ایران هراسی است.



---

۱- کیهان برزگر، «ریشه های منازعه ایران و امریکا بعد از حوادث ۱۱سپتامبر»، فصل نامه راهبرد، ش۳۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۴۵.

### یک ــ محورهای ایران هراسی

یک ــ محورهای ایران هراسی

امریکا از راه دستاویز نکردن هفت محور زیر درصدد است که جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ای و بین المللی، تهدیدی بر ضد صلح و امنیت معرفی شود:(۱)

القای دسترسی ایران به سلاح های هسته ای؛

حمایت ایران از تروریسم؛

نقض حقوق بشر در ایران؛

القای تهاجمی بودن فن آوری دفاعی ایران؛

دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی کشورها؛

اسلامی بودن نظام سیاسی در ایران؛

القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه ای.

### دو ــ تاکتیک ها و تکنیک های ایران هراسی۱

دو ــ تاکتیک ها و تکنیک های ایران هراسی(۲)

دست کاری و فریب افکار عمومی و استراتژی درگیرسازی بازیگران در نقش های تعیین شده امریکا، هدف نهایی راهبرد ایران هراسی است. برخی از این تاکتیک ها و تکنیک ها عبارتند از:

۱. بهره گیری از بار منفی واژه ها، کلمات و مفاهیم حساسیت برانگیز در افکار عمومی (نسبت دادن خشونت طلبی و بنیادگرایی و کانون شرارت به ایران)؛

۲. وانمایی و سیاه نمایی ایران (تهیه و نمایش فیلم های ضد ایرانی)؛

۳. بهره گیری از تاکتیک ارعاب (القای خطر فن آوری موشکی ایران برای دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای)؛



---

۱- رضا سراج، «ایران هراسی؛ راهبرد جنگ روانی امریکا برای تحکیم قدرت در منطقه»، خبرگزاری فارس، ۱۴/۱۲/۱۳۸۷

نشانی پایگاه: http://www.farsnews.com

۲- همان.

۴. تحریف اخبار مرتبط با ایران (غیرصلح آمیز معرفی کردن پیشرفت های هسته ای ایران)؛

۵. انگاره سازی هدفمند (قراردادن اسلام سیاسی در کنار خشونت طلبی و نازیسم)؛

۶. بهره گیری از تکنیک تکرار (ایران به دنبال چیرگی بر کشورهای منطقه است).

در مجموع، نقطه کانونی و محور جنگ روانی گسترده امریکا در برخورد با ایران، القای این نکته به افکار عمومی دنیا و سران کشورهای جهان به ویژه خاورمیانه است که ایران با انگیزه سیطره طلبی، درصدد کسب رهبری خاورمیانه و برهم زدن معادلات امنیتی منطقه از راه دست یابی به تسلیحات اتمی است.

## ب) راهبرد شیعه هراسی

ب) راهبرد شیعه هراسی

با توجه به گسترش ایده انقلاب اسلامی در منطقه و فرامنطقه و الگوگیری مسلمانان از انقلاب اسلامی، با انتقاد از دیدگاه های انسان محوریِ غرب، ایالات متحده واکنش های تهدیدآمیزی را متوجه کشورمان کرده است؛ به گونه ای که همه امکانات فرهنگی، تبلیغی، رسانه ای و عملیات روانی خود را بسیج ساخته و بر ضد انقلاب اسلامی به کار بسته است.(۱)

در تشریح این راهبرد، رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرماید:

این مسئله هلال شیعی که مطرح کردند، برای این بود که جامعه اهل سنت را بترسانند. این مسئله قدرت فرامنطقه ای ایران که همین طور دائم امریکایی ها و رسانه هایشان تکرار می کنند که ایران یک قدرت بزرگ شد، یک قدرت فرامنطقه ای شد؛ بیش از آنچه بخواهند یک واقعیتی را منصفانه بیان کنند، نظرشان این است که دولت های خلیج فارس، دولت های عربی و دولت های



---

۱- حمید حاذق نیکرو، «تهدیدات نرم؛ مفاهیم و کارکردها»، (بخش سوم)، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی فرهنگ پاسداری، سال اول، دی ماه ۱۳۸۸، ش ۴.

همسایه را بترسانند و بگویند حواستان جمع باشد که ایران آمد. ایران امروز قدرت نشده؛ ایران از آن روزی که خورشید انقلاب طلوع کرد، یک قدرت شد، در این هیچ شکی نیست.(۱)

مهم ترین اهداف عملیاتی و راهبردی متولیان دیپلماسی عمومی ایالات متحده امریکا، از کاربست آفندهای شیعه هراسی، عبارتند از:

۱. مانع شدن از شکل گیری سیاست های امنیتیِ بومی و پایدار؛

ایالات متحده تلاش می کند تا با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی، به گسترش واگرایی فرقه ایِ میان شیعه و سنی در خاورمیانه دامن زند تا ضریب احتمال شکل گیری پیمان های دفاعی درون سیستمی و تحقق امنیت بومی و پایدار را که شرط اولیه آن وجود اعتماد متقابل است، کاهش دهد و جمهوری اسلامی ایران را در معادلات منطقه ای منزوی کند.

۲. بازتاب تصویرهای مجازی از جنبش های مقاومت شیعی؛

یکی از ترفندهای شیعه هراسی امریکا، انعکاس تصویرها و گزارش های انحرافی درباره حمایت های ایران از جنبش های مقاومت شیعی در سطح خاورمیانه و مداخله این جنبش ها در امور داخلی کشورهای منطقه به شکل انتقال سلاح، عملیات های تروریستی و آموزش های عقیدتی و نظامی است.

۳. تحریک، ارتباط و تعامل با گروه های افراطیِ سلفی، به تهدیدسازی و برهم زدن امنیت اجتماعی در برابر جمهوری اسلامی ایران؛

یکی از شگردهای ایالات متحده، حمایت های گسترده مستقیم و غیرمستقیم (پیدا و پنهان) از گروه های تروریستی همچون جندالشیطان و سپاه



---

۱- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۸/۷/۱۳۸۵.

صحابه در مقابله با آموزه های شیعی انقلاب اسلامی، شیعه زدایی در منطقه و کاهش امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران است.

۴. بازتاب تصویرهای مجازی از دانش هسته ای بومی و بازدارندگی موشکی ایران، به عنوان تحرکات مغایر با صلح و امنیت منطقه، موضوعی است که امریکا با مانوردهی بر روی آنها، می کوشد فضای گفتمان تعامل منطقه ای را به سوی رقابت و بی اعتمادی، مدیریت کند.(۱)

## ۲. سطح ملی

### اشاره

۲. سطح ملی

الگوی رفتاری امریکا در سطح ملی، نمایش گر جلوه هایی از جدال نرم در حوزه باورهای سیاسی و فرهنگی است. هدف در حوزه سیاسی، از بین بردن باورهای سیاسی موجود و آماده سازی جامعه برای باورپذیری سیاسی جدید است. ازاین رو، پیشینه سازی تضاد جامعه ایران و حکومت جمهوری اسلامی و یا به عبارتی کمینه سازی انسجام سیاسی دنبال می شود.

اشاعه این ایده که جمهوری اسلامی، بر مبانی غیردموکراتیک و در تعارض با خواست عمومی جامعه شکل گرفته، به گونه ای که بخش انتخاب نشده آن، بخش های انتخابی را در موضع ضعف قرار داده است، گوشه ای از جدال روانی امریکا را نشان می دهد. دیپلماسی عمومی امریکا بر آن است تا با تأثیرگذاری بر شخصیت و ذهنیت سیاسی ـ اجتماعی جامعه ایران به عنوان مخاطب یا هدف، اراده و قدرت مقاومت نخبگان و مردم را به ضعف و انفعال بکشاند.

در حوزه باورسازی فرهنگی، هدف، از بین بردن وابستگی های فرهنگی و اجتماعی پیشین و در مقابل، اشاعه هنجارهای فرهنگی غرب یا همان



---

۱- مصطفی دلاور پور اقدم، «شیعه هراسی و ایران هراسی در دیپلماسی امنیتی امریکا»، خبرگزاری فارس، ۲/۸/۱۳۸۸، نشانی پایگاه: http://www.farsnews.com

لیبرالیسم فرهنگی _ اجتماعی است. نتیجه اثربخشی دیپلماسی عمومی در این عرصه، به کمترین حد رساندن انسجام و هم بستگی اجتماعی _ فرهنگی جامعه ایران است. در نتیجه ایالات متحده می کوشد با اتکا به رهیافت های نافرمانی مدنی و ارتباطات مردمی، فرآیندهای باورپذیری جامعه ایرانی را دستخوش دگرگونی کند تا به واسطه آن، انسجام ساختار کشور به طور اساسی تهویه شود.

زمانی که دیپلماسی عمومی را بر مبنای نظری بازخوانی کنیم، مؤلفه های زیر بیش از دیگر موارد در تشریح این واژه به چشم می خورند که عبارتند از:

یک _ آشکار بودن؛

دو _ تعاملات در سطح افراد و جامعه؛

سه _ فراگیری گسترده مخاطبان؛

چهار _ تنوع ابزار و امکانات؛

پنج _ انتقال عقاید و ارزش ها؛

شش _ ایجاد اقناع و جذابیت.

ازاین رو با یک جامع نگری می توان پی برد که ایالات متحده، تهدیدسازی در سطح ملی و در تقابل با سیاست های جمهوری اسلامی را با دو انگیزه مهم دنبال می کند:

نخست، زمینه سازی برای اِعمال سیاست های خود، در درون حوزه جغرافیایی ایران برای تأمین مقاصد ملی؛

دوم، ایجاد استحاله و دگرگونی در ساختارهای جمهوری اسلامی.

این هر دو مورد با مقوله جنگ روانی مرتبط است و عامل کلیدی برای تأثیرگذاری سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی یک کشور بر کشور دیگر به شمار می رود.

ص:۱۵۲

بر این اساس، ایالات متحده امریکا از راه دیپلماسی عمومی، سه هدف کلان را در قبال جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی دنبال می کند:

اول _ فروپاشی باورمندی مردم در برابر ارزش های اسلامی و یک پارچگی فرهنگی؛

دوم _ تغییر نگاه های مردم و نخبگان ایران به امریکا؛

سوم _ ایجاد تحول سیاسی و اجتماعی و به ثمر رساندن تغییرات، از درون.

بر اساس مبانی دیپلماسی عمومی، هر سه هدف مزبور از یک استراتژی کلان پیروی می کنند و آن، تأثیرگذاری بر افکار عمومی ملت ایران و تغییر اذهان مردم است. برخی از شیوه های این راهبرد عبارتند از:

۱. توجیه سیاست های کنونی امریکا در برخورد با ایران؛

طی سال های گذشته تاکنون، امریکا بسیار تلاش کرد که افکار عمومی ملت ایران را متقاعد سازد که سیاست های آنها دارای منطق جهانی و برخوردار از اجماع بین المللی است و ایران در انزوای شدیدی قرار دارد. همچنین در توجیه سیاست های خود کوشیدند تا نشان دهند که مبنای موضع گیری های آنها در برخورد با ایران، منطبق با قواعد و قوانین بین المللی است.

۲. وانمود کردن به نگاه خیرخواهانه به ایران؛

امریکا القا می کند که آنها خواهان سربلندی ایران و عضویت ایران درجامعه بین المللی هستند. در این مقیاس با ارائه بسته های تشویقی در موضوع پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، این گونه تبلیغ می کنند که این پیشنهادها از روی سخاوت و خیرخواهی برای ایرانیان است.

۳. تأکید بر اینکه امریکا اهل گفت وگوست؛

ایالات متحده در چند سال اخیر بارها وانمود کرده که تمایل به گفت و گو دارد، ولی جمهوری اسلامی با جامعه بین المللی، از سر ستیز برخورد می کند. با پیروزی دموکرات ها و روی کار آمدن باراک اوباما، این ترفند بسیار برجسته شده است. اوباما می کوشد به افکار عمومی ملت ایران و جهانیان القا کند که دولت ایران عامل اصلی بن بست تعامل و حل مسائل میان دو طرف است.

۴. ناکارآمد نشان دادن مدیریت کلان ایران؛

یکی از پردامنه ترین تبلیغات امریکا در برخورد با ایران، نمایش دروغین ناتوانی ایران در برآوردن نیازمندی ها و منافع ملت ایران است. در این زمینه، آنها با توسل به آمارهای جعلی از وضعیت اقتصادی و ارائه خبرهای بی اساس در چگونگی تعامل دولت با شهروندان می کوشند تا افکار عمومی را به حاکمیت بدبین و در ادامه بر ضد نظام سیاسی بسیج کنند.

۵. دامن زدن به مطالبات قومی و مذهبی؛

سازمان ها و مؤسسه های وابسته به دیپلماسی عمومی، با برقراری ارتباط با شخصیت های قوم گرا و اقوام و مذاهب ایرانی، القای تضعیف حقوق آنها را برجسته و آنها را در اعتراض به حاکمیت ترغیب می کنند.

۶. هدف قرار دادن یک پارچگی حاکمیت؛

ایالات متحده باحمایت از گرایش های سیاسی که به شکل سلیقه ای یا سازمان یافته، منتقد رفتارهای دولت هستند و همچنین با پشتیبانی از خرده فرهنگ ها در تلاشند که یک پارچگی حاکمیت را مخدوش و به چند حاکمیتی تبدیل کنند.

۷. زایل کردن سرمایه اجتماعی؛

ص:۱۵۴

سرمایه اجتماعی یا باورداشت های جامعه، ریشه های پذیرش و کارآمدی نظام های سیاسی به شمار می رود. ایالات متحده با کاربست دیپلماسی رسانه ای و دیپلماسی عمومی، به تضعیف و از میان بردن باورداشت های نظام در افکار عمومی ایرانیان اهتمام دارد.

با توجه به آنچه از نظرگذشت، ایالات متحده دیپلماسی عمومی خود را در برخورد با جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی، از مسیرهای زیر دنبال می کند:

**الف) اشاعه نافرمانی مدنی**

الف) اشاعه نافرمانی مدنی

مقصود از نافرمانی مدنی، همکاری و اطاعت نکردن مردم از درخواست ها، دستورها و قوانین دولتی است و از این نظر، نقطه مقابل اطاعت پذیری و فرمان برداری قرار می گیرد. از آنجا که پیوند مردم با حاکمیت، یکی از منابع مهم قدرت حاکمان و از مفاهیم کلیدی مناسبات قدرت به شمار می آید، سرباز زدن از اطاعت و مقاومت در برابر خواست حکومت، می تواند به قطع ارتباط حکومت از مهم ترین منبع قدرت منجر شود.

بنا بر نقطه اتکای ایالات متحده در مقوله سامانـدهی نافرمانیِ مدنی در ایران، سازمان های غیردولتی (NGO)(۱) (در حوزه گسترش نافرمانی مدنی)، راه اندازی جنبش های فرهنگی و اجتماعی، ترویج لیبرالیسم، بی بندوباری، فردگرایی مزمن و ترویج مخالفت ها در دستور کار قرار دارد. آموزش روش های غیرخشونت آمیز مانند ترغیب به اعتراض و چگونگی شکل دادن به تجمعات خیابانی، چگونگی انتشار کتاب ها و مقاله ها، راه اندازی سایت اینترنتی، وبلاگ نویسی و در کل شیوه های جذب جوانان در این سازمان ها و ترویج مبانی، خود نمونه ای از اقدامات صاحبان این پروژه هاست.



---

۱- Non Governmental organization

برخی از مؤسسه ها و مراکز فعال در حوزه سیاست خارجی امریکا، هم اکنون با دریافت منابع مالی از دولت امریکا، فهرستی از فعالیت های مخفیانه و زیرزمینی را در ایران برای نافرمانی مدنی و مقابله با جمهوری اسلامی سازمان می دهند. مرکز بین المللی «نافرمانی مدنی» در دوبی، یکی از آنها است(۱) که تجربه های این سازمان در زمینه انقلاب های مخملی شرق اروپا را در سال های نزدیک به انتخابات دهم ریاست جمهوری، به طرف های ایرانی آموزش می داد.

ایالات متحده بر این اعتقاد است که ترویج نافرمانی مدنی در تشکل های دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی، از ابزارهای مهم فشار بر ایران است. فهرستی از شیوه های مهم نافرمانی مدنی که از سال ۱۳۷۶ تاکنون در جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا درآمده است، با توصیه های جین شارپ(۲) مطابقت دارد. از جمله:

عریضه نویسی و تنظیمِ نامه های سرگشاده به مقامات عالی رتبه نظام؛

برگزاری سوگواری ها و یادمان های سیاسی برای شخصیت های فقید، از سوی گروه های مخالف داخلی؛

برگزاری و یا راهپیمایی های اعتراض آمیز؛

طرح خروج از حاکمیت؛

تحصن؛



---

۱- «بازاریاب های امریکایی نافرمانی مدنی»، پایگاه خبری شورای هماهنگی نیروهای حزب الله، ۱۹/۸/۱۳۸۷، نشانی پایگاه: http://www.ansarnews.com

۲- پروفسور جین شارپ، پدر کودتای مخملی در جهان و مدیر مؤسسه آلبرت انیشتین است. وی در کتاب از دیکتاتوری تا دموکراسی، بیش از دویست روش برای نافرمانی مدنی پیشنهاد می کند. آثار جین شارپ در مؤسسه مذکور به چاپ رسیده و توانسته است الهام بخش بسیاری از جنبش های مخالف سیاست های امریکا باشد.

ادعای غیرقانونی بودن انتخابات و تحریم آن.

شواهد نشان می دهد که طرح های متنوع نافرمانی مدنی را سال ها پیش از انتخابات دهم ریاست جمهوری، فعالان اپوزیسیون خارجی و داخلی با مدیریت امریکا در دستور کار داده اند. روزنامه «فاینشنال تایمز» در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۵ (۲۶ خرداد ۱۳۸۴) مقاله ای را با عنوان «تاکتیک های غیرخشونت آمیز» به قلم گای دینمور منتشر کرده است. دینمور می نویسد: فعالان اپوزیسیون ایرانیِ در تبعید، در حال مطالعه و آموزش روش های منازعه غیرخشونت آمیز هستند. آنان این روش را از همان گروه های امریکایی فرامی گیرند که توانستند به موقعیت جنبش های خواستار تغییر در صربستان، گرجستان و اوکراین کمک می کنند.

فعالان ایرانی، ترجمه فارسی فیلم مستند «سرنگونی دیکتاتور» را به ایران فرستاده اند. این فیلم مستند را پیتر اکرمن،(۱) رئیس مرکز بین المللی منازعه غیرخشونت آمیز، پس از موفقیت جنبش اعتراض آمیز در صربستان در سال ۲۰۰۰ و ساقط کردن رژیم میلوسویچ، تهیه کرده است.(۲)

پیشنهادات جیمس کی گلسمن و مایکل دوران (۳) درباره اینکه امریکا چگونه می تواند در مسیر دیپلماسی عمومی با ایران برخورد کند، به صراحت در مورد اقدامات از پیش طراحی شده ایالات متحده برای صحنه گردانی حوادث پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ می گوید.

ص:۱۵۷

---

۱- Peter Ackerman

۲- ابوالقاسم راه چمنی، ادبیات کاخ سفید ۶، ص ۱۲.

۳- جیمس کی گلسمن، معاون وزیر امورخارجه در امور دیپلماسی عمومی، در دولت بوش پسر و مایکل دوران، دستیار وزیر دفاع دولت بوش در حوزه دیپلماسی عمومی بود.

این طرح، چهار خط مشی را برای دولت ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ترسیم می کند:(۱)

طرح نخست، فراهم ساختن حمایت معنوی و آموزشی برای یک انقلاب رنگین است. در این زمینه باید طرف های سوم به جای دولت امریکا نقش اصلی را ایفا کنند. در این زمینه تلاش شد به مخالفان و اپوزیسیون یادآوری شود که باید در طول مسیر، از تجربه انقلاب های رنگین در اوکراین و گرجستان بهره گرفت. همچنین باید فیلم های مستند درباره انتقال قدرت در کشورهای اروپای شرقی را به زبان فارسی دوبله کرد و در اختیار معارضان گذاشت.

طرح دوم، تشدید تحریم های اقتصادی و نسبت دادن فساد اقتصادی به دولت ایران است. بر این اساس باید به ملت ایران القا شود که تنگناهای موجود اقتصادی، متأثر از تصمیم های حکومت ایران در به کارگیری روش های تقابل گرایانه با جامعه بین المللی است.

طرح سوم، انجام اقدامات لازم برای افزایش تماس با ایران و افزایش تماس مخالفانِ در ایران با خارج است. در این مسیر، برنامه های «رادیو فردا» و «صدای امریکا» و تلویزیون های ماهواره ای مقیم امریکا باید تقویت شود و البته باید به مخالفان نظام جمهوری اسلامی در کسب فن آوری های ارتباطی جدید کمک کرد.



---

۱- «تاکتیک های پنهان جنگ نرم به روایت دو مقام سابق امریکایی»، روزنامه کیهان، ۴/۱۱/۱۳۸۸، ، ش ۱۹۵۶۷، ص۲، نشانی پایگاه: بانک اطلاعات نشریات کشور http://www.magiran.com

طرح چهارم، بیان می کند که باید با اقدامات تبلیغاتی و ضدتبلیغی اعلام کرد که اصلاح طلبان، متشکل از یک جریان عظیم مردمی و در خدمت کشورشان هستند.

## ب) رهیافت ارتباط مردمی

### اشاره

ب) رهیافت ارتباط مردمی

در بخش مدیریت روابط ایران و امریکا به طور عام، دولت ایالات متحده استراتژی دیپلماسی عمومی را از راه ابزارهای زیر پی می گیرد:

### یک _ دفتر ایران در امارات

یک _ دفتر ایران در امارات

با توجه به هرم سنی جمعیت ایران که بیشتر جوانان را شامل می شود، امریکا معتقد است که در صورت داشتن ارتباط بیشتر با آنان، می تواند شنوندگانی برای ارزش ها و سیاست هایش در جامعه ایران پیدا کند. بنابراین، گشایش دفتر ایران در امارات متحده عربی، به منظور جریان سازی اقدامات غیرخشونت آمیز، و تعمیق عملیات نامتقارن و گسترش ارتباط با مردم ایران، طراحی و در اکتبر ۲۰۰۶ راه اندازی شد.

این دفتر که به موازات سفارت امریکا در دوبی گشایش یافته، با چهل کارمند آموزش دیده و آشنا به زبان فارسی ضمن برقراری ارتباط؛ ایرانیان مقیم و حاضر در امارات، اطلاعات لازم هم از آنان می گیرند.(۱)

تأسیس این دفتر که در کنسولگری امریکا در دوبی قرار دارد، پس از گذشت سه دهه از قطع روابط دیپلماتیک ایران و امریکا، بیشتر به سبب عواملی چون نزدیک بودن به ایران، دسترسی آسان به ده ها هزار ایرانی که زیستگاه خود را در امارات قرار داده و در اقتصاد این کشور نقش عمده ای را



---

۱- http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story۲۰۰۶/

ایفا می کنند و تردد ایرانیانی که برای سفر و مهاجرت، این کشور را مبنای آغاز سفر خود قرار می دهند، است.

براساس شواهد و منابع اطلاعاتی موجود، دفتر ایران در امارات به منظور جذب عناصر توان مند، فعال سازی اقدامات پنهان علیه ایران، گردآوری اطلاعات و نیز جذب سازمان های غیردولتی مستعد و سرانجام، آموزش روش های مختلف مقابله با جمهوری اسلامی به عوامل و افراد مرتبط، راه اندازی شده است. در همین زمینه، نیکلاس برنز، از مقامات وزارت امورخارجه در دولت نومحافظه کار بوش، دفتر ایران را به پایگاه «ریگا» در لتونی، محل جاسوسی امریکا علیه اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۲۰ تشبیه کرده است.(۱)

## دو _ سازمان های امریکایی

### اشاره

دو _ سازمان های امریکایی

همان گونه که نای اشاره می کند، فاعلان دیپلماسی عمومی تنها نهادهای دولتی نیستند، بلکه مؤسسه های خصوصی امریکایی نیز در زمینه های گوناگون به عنوان حامیانِ تصمیم گیرندگان این کشور در برابر ایران، فعالیت خود را گسترش داده اند. این مؤسسه ها با برخورداری از حمایت دولت امریکا، هم سو با تأمین اهداف و منافع این کشور حرکت می کنند.

دولت های پیشین و کنونی ایالات متحده، در تشریح برنامه های مربوط به تقویت دموکراسی مبتنی بر ارزش های امریکایی در ایران، بر ضرورت کمک رسانی مالی به این مؤسسه ها تأکید می کنند. در یک جمع بندی کلی، می توان استدلال کرد: در شرایطی که «تغییر از درون نظام جمهوری اسلامی» به عنوان بخش مهمی از الگوی رفتاری امریکا در برابر ایران را تشکیل



---

۱- http://www.۲.dw-world.de/persian/iran/۱.۲۰۴۳۰.۱,html

می دهد،

اجرای دیپلماسی عمومی به علت توان تأثیرگذاری بر جامعه، در کانون توجه قرار دارد.

### اول ـ کمیته خطر جاری

اول ـ کمیته خطر جاری

این کمیته در گزارش اکتبر ۲۰۰۵ خود، محورهای مهم دیپلماسی عمومی امریکا را به منظور تضعیف وحدت ملی جمهوری اسلامی ایران ارائه داد(۱) که مقامات نومحافظه کار کاخ سفید، در چارچوب راهبرد، مهار آن را به فاز اجرا منتقل کردند.

اول ـ ترویج نافرمانی مدنی در تشکل های دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی؛

دوم ـ راه اندازی شبکه های متعدد رادیو و تلویزیونی برای ایرانیان، تا از راه آنها پیام ایالات متحده با پیشرفته ترین فن آوری روز، در سطح ملی انتشار یابد؛

سوم ـ حمایت از اپوزیسیون داخلی؛

چهارم ـ اعزام نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در پوشش جهانگرد به ایران؛

پنجم ـ کمک مالی به خانواده های زندانیان و گروه های مخالف حکومت و حتی نظارت و مشارکت در اعتراض ها؛

ششم ـ اعلام رسمی رئیس جمهور امریکا مبنی بر تمایل به برقراری رابطه با ایران و پیشنهاد بازگشایی سفارت امریکا در تهران، به منظور اعمال نفوذ و پیشبرد اهداف که همان تغییر نظام سیاسی است.

### دوم ـ مؤسسه هوور

دوم ـ مؤسسه هوور



---

۱- مصطفی دلاورپور اقدم، «وحدت ملی یا چالش های فرارو، بازتعریف راهکارها»، دو هفته نامه پگاه حوزه، ش ۱۲۲۵، ۲۰/۱۱/۱۳۸۶، ص ۴.

این مرکز، وابسته به دانشگاه «استنفورد» است و یکی از مخازن فکری دستگاه حاکمه ایالات متحده به شمار می رود که در سال ۱۹۱۹ هربرت هوور، سی و یکمین رئیس جمهور امریکا، آن را تأسیس کرد.(۱) گرایش این مؤسسه، یک راهبرد ترکیبی شامل مذاکره مستقیم با دولت ایران به همراه ارتباط مستقیم با بدنه جامعه در سطح ملی است. با وجود این، هوور به ارتباط با بدنه جامعه اهمیت بسزایی داده است تا جایی که برای رئیس جمهور امریکا نیز نقشی مستقیم تعیین می کند.

در این زمینه و به عنوان مصداق، باراک اوباما در پیامی که در ابتدای سال شمسی به عنوان پیام نوروزی منتشر کرد، سخن گفتن و ارتباط با ایرانیان را فرصتی مغتنم برشمرد و با هدف فضاسازی در چارچوب ایجاد گسست میان مردم و نظام سیاسی، جمهوری اسلامی ایران را عامل محروم ماندن ملت ایران برای بازیابی جای شایسته خود در نزد دیگر ملت ها معرفی می کند.

همچنین اوباما در این پیام از اغتشاش ها و تجمع های غیرقانونی و مغایر با حقوق مدنیِ پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، به عنوان خاستگاه های آرمان خواهانه ملت ایران در مسیر کسب آزادی بیان، حق تجمع بدون ترس و بیان نظرات بدون انتقامجویی یاد می کند و در ادامه، خواهان برقراری تماس های فراگیر دیپلماتیک و شکل گیری گفت وشنود میان مقامات طرفین می شود.(۲)

ص:۱۶۲

---

۱- رضا سراج، «راهبرد قدرت نرم امریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه عملیات روانی، سال چهارم، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۱۲.

۲- پیام نوروزی باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا، ۲۲ مارس ۲۰۱۰، نشانی پایگاه: http://www.america.gov

پروژه دموکراسی در ایران، یکی از پروژه های مهم این مؤسسه است که دکتر عباس میلانی و مایکل مک فال مدیریت آن را بر عهده دارند.(۱) مؤسسه هوور و تیم اصلی پروژه، تقویت عوامل ِخواهان تغییرات بنیادین در ایران را یکی از راهکارهای اصلی معرفی می کنند. آنان صحبت مستقیم رئیس جمهور امریکا با مردم ایران، استفاده از ایستگاه های رادیویی و ارائه گزارش های تحلیلی و خبری در زمینه لزوم تغییر در ایران را با پوشش و عنوان «دموکراسی سازی» توصیه می کنند.(۲) راهکارهای ارائه شده، نشان می دهد که برقراری رابطه با جمهوری اسلامی ایران نیز یک فریب بیش نیست و در واقع وجود روابط، یک ابزار کارساز برای تعقیب پروژه براندازی به شمار می رود.

**سوم _ بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی۱**

سوم _ بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی(۳)

این بنیاد در سال ۱۹۸۲ با شعار اصلی «آنچه برای امریکا خوب است، برای دنیا نیز خوب است.» تأسیس شد. توسعه دموکراسی با قرائت امریکایی، ایجاد و حمایت از NGO های همسو با لیبرال دموکراسی غرب، از کار ویژه های این بنیاد است.

این بنیاد، وابسته به سازمان اطلاعات مرکزی امریکا است و بخش عمده ای از بودجه آن را این سازمان تأمین می کند. بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی، مأموریت دارد تا فعالیت های مخفی سازمان سیا را به گونه ای آشکار و با هدف «تقویت مؤسسه های دموکراتیک در کشورهای مختلف» شکل دهد. در این روند، می توان درک کرد که مقصود از تقویت مؤسسه های دموکراتیک،

ص:۱۶۳

---

۱ - Abbas Milani.Michael Mc Faul Larry Diamond, Beyond Incrementalism: A new strategy for Dealing with Iran, the Hoover Institute ۲۰۰۶,p.p۳ -۱۱.

۲- علی عبداله خانی، رویکردها و طرح های امریکا درباره ایران، صص ۵۶ _ ۵۸.

۳- National Endowment for Democracy

در واقع همان تقویت نیروها، جریان ها و سازمان های ضد حکومت های مستقل است که وابسته به امریکا نبوده اند و یا امریکا با آنها دشمن است.(۱)

در سند استراتژی بنیاد (۲۰۰۲)، کشورهای دنیا در قالب چهار گروه دیکتاتوری، نیمه استبدادی، در حال گذار و ورشکسته دسته بندی شده است. بنا بر این سند، کار اصلی بنیاد اعانه ملی، رویارویی با دیکتاتورها و تغییر نظام سیاسی آنهاست و برای نیل رسیدن این هدف، لازم است که اعانه ملی، به حمایت مالی مستقیم از گروه های بومی چه در داخل این کشورها و چه در خارج از آنها (گروه های تبعیدی) بپردازد.(۲)

در این سند، دموکراسی سازی در کشورهای نیمه استبدادی یا کشورهایی که گرشمن، مدیر بنیاد، آنها را دوزیست(۳) می نامد، در دستور کار قرار گرفته است. کشورهای دوزیست، نامی است که مسئولان این بنیاد برای نمونه گرشمن، جمهوری اسلامی را به آن منتسب و در جهت تحقق این استراتژی، پروژه هایی مختلف را در چارچوب آن طراحی کرده اند. این بنیاد، در کشورهایی بیشترین میزان فعالیت را داشته که آنها جزو اولویت های سیاست خارجی ایالات متحده بوده اند و نه الزاماً نیازمند کمک یا دفاع از حقوق بشر.

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی یکی از کشورهای مورنظر بنیاد (NED) است، طی سالیان گذشته، NED نزدیک به ۲۲ پروژه را در مورد ایران اجرا کرده است. این بنیاد از سال ۱۹۹۱ تا به امروز با عنوان های زیر فعالیت کرده است:

ص:۱۶۴

---

۱- رویکردها و طرح های امریکا درباره ایران، ص ۷۴.

۲- همان، ص ۸۲.

۳- از نظر بنیاد، دوزیست ها کشورهایی هستند که بین دیکتاتوری، فضای بازسازی و دموکراسی انتخاباتی قرار گرفته اند و نیز دارای قوه مجریه مستبد، فرهنگ سیاسی استبدادی، نقض فاحش حقوق بشر، ضعف شدید قانون و حاکمیت هستند.

اول ــ تأسیس بنیاد خصوصی غیرانتفاعی در سال ۱۹۹۵ برای ایجاد دموکراسی، در ایران با پی گیری معیارهای جهانی حقوق بشر؛

دوم ــ تدوین لوایح آزادی و دموکراسی در ایران؛

سوم ــ جریان شناسی روشنفکری در ایران؛

چهارم ــ حقوق بشر، حقوق کارگران، صنف ها و زنان در ایران به انجام مأموریت خود از سوی کنگره و سیا.(۱)

بنیاد اعانه ملی از سال ۱۹۹۵ به این سو، هر سال به یکی از ایرانیان با عنوان کارشناس، بورس اعطا کرده است تا در زمینه ادعاهایی چون حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی سازی، حقوق کارگران، روشنفکران و دموکراسی، در ایران به تحقیق و بررسی بپردازند.

نام های افرادی که از بورس سالانه بنیاد اعانه ملی استفاده کرده اند، عبارتند از:(۲)

هاله اسفندیاری (۱۹۹۵)، برای تحلیل موضوع زنان و انقلاب اسلامی؛

لادن برومند (۱۹۹۸ ــ ۲۰۰۴)، برای نهادینه کردن دموکراسی و حقوق بشر در ایران؛

رامین جهانبگلو (۲۰۰۱ ــ ۲۰۰۲)، برای موضوع روشنفکران و دموکراسی در ایران؛

سیامک نمازی (۲۰۰۵ــ ۲۰۰۶)، برای مطالعه در زمینه اصلاحات اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی؛

علی افشاری (۲۰۰۶ ــ ۲۰۰۷) برای بررسی مسئله دموکراسی سازی در ایران.



---

۱- یداله جوانی، «آشنایی با جنگ نرم (بخش یازدهم)»، هفته نامه صبح صادق، ش ۴۳۶، ۱۲/۱۱/۱۳۸۸، ص ۸.

۲- «بورس های تحقیقاتی برای جاسوسان امریکا»، سایت روزنامه قدس، ۲۳/۶/۱۳۸۷، نشانی پایگاه: http://www.qudsdaily.com/archive/۱۳۸۶/htm

## چهارم _ خانه آزادی

چهارم _ خانه آزادی

این سازمان به طور رسمی، با دستور کنگره امریکا، مأمور پروژه دموکراسی سازی در ایران شد. برنامه این خانه، بیشتر در حوزه رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی طراحی شده است و زیر لوای یک برنامه کلی به نام «توسعه جامعه مدنی، حمایت رسانه ای»(۱) به اجرا در می آید. بنا بر این، برنامه خانه آزادی تلاش کرده است تا منبع اطلاعاتی جامعی را برای فعالان حقوق بشر ایران فراهم سازد.(۲) همچنین بر اساس این برنامه، خانه آزادی ماهنامه الکترونیکی «گذار» را در فضای مجازی ایجاد کرد. این مجله مؤظف شده است تا مجموعه ای از مقاله ها، بررسی و نقد کتاب، بررسی و نقد فیلم، گزارش های تصویری، نامه ها و بیانیه ها و کاریکاتورهای سیاسی از ایرانیان داخل و خارج را با تمرکز بر روی حقوق بشر و درگیری های دموکراسی سازی گرد آورد و با ایجاد امکان بحث و تبادل نظر آن لاین در پایان هر مطلب، به نوعی به برقراری ارتباط، نظرسنجی و ارزیابی افکار مردم ایران بپردازد.(۳)

بخش دیگری از رهیافت ارتباط با ایرانیان، به کمک راه اندازی رادیو _ وب سایتی با نام «رادیو زمانه» فراهم آمده است که به زبان فارسی و از آمستردام برنامه های خود را پخش می کند. این رادیو اگرچه در ظاهر، پروژه پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر را دنبال می کند، در باطن، ابزاری برای تقویت رادیو فردا و پیشبرد استراتژی امریکایی سازی در ایران است. خانه آزادی در گزارش مربوط به سال ۲۰۰۷ خود، کشورها را در سه گروه آزاد،



---

۱- civil society Development: media support

۲- http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=۶۶program=۶۰

۳- http://gozaar.org.۳

نیمه آزاد و عاری از آزادی طبقه بندی کرده است. جمهوری اسلامی ایران در گزارش خانه آزادی، در ردیف کشورهای عاری از آزادی قرار گرفته است.(۱)

## پنجم ــ بنیاد سوروس

پنجم ــ بنیاد سوروس

بنیاد سوروس، وابسته به جورج سوروس، یهودی مجار تبار امریکایی، است که سال های متمادی با تشکیل یک شرکت سرمایه گذاری و یک سازمان مطالعاتی حقوق بشر، در نقاط مختلف جهان و بیشتر در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، حرکت های انقلاب های مخملین را با عنوان «حرکت اصلاحی و اصلاحات امریکایی» دنبال می کند.

نام اصلی این بنیاد، بنیاد «جامعه باز»(۲) است. در واقع جامعه باز، نظریه کارل ریموند پوپر را عملیاتی می کند که معتقد است: برای جهانی سازی، اقوام عقب مانده باید به اجبار به سوی دموکراسی رانده شوند. به عقیده پوپر، «جامعه باز» جامعه ای است که در لحظه معیّن، حاضر باشد ارزش های تاریخی، آداب و رسوم فرهنگی و سنن معنوی خود را فدای اصلاحات و نوآوری ها کند.(۳)

بنیاد سوروس یکی از مؤسسه ها و مراکزی است که به دنبال ایجاد «نافرمانی مدنی» در جمهوری اسلامی ایران هستند. بنا بر اعتراف هاله اسفندیاری، از مدیران بخش خاورمیانه ای مرکز امریکایی ویلسون، بنیاد سوروس در پی ایجاد یک شبکه ارتباط غیررسمی در ایران، در جهت عملی کردن اهداف براندازی نرم بوده است. این بنیاد به وسیله عناصر خود برای نمونه هاله اسفندیاری و کیان تاج بخش، با راه اندازی کارگاه های مطالعاتی، با



---

۱- ۲۰۰۸-۰۶/www.voanews.com/persian/

۲- open society

۳- جواد وعیدی، «رؤیای انقلاب مخملی در ایران»، نشریه معارف، ش ۲۶، خرداد ۱۳۸۴، ص ۷.

حضور دانشجویان و تدریس اصول و مبانی شبکه سازی اجتماعی، راهبرد براندازی نرم را دنبال کرده است.

کیان تاج بخش با چاپ کتاب خود به نام سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه در مهر ۱۳۸۵، سبک ایرانی اندیشه های براندازانه غربی را در این حوزه به ادبیات شبه روشنفکری ایران وارد کرد.(۱) بنیاد سوروس برای اجرای دموکراسی به سبک امریکا در ایران، فعال است و تاکنون در این زمینه اقدامات فراوانی را انجام داده که محورهای عمده آن عبارتند از:(۲)

الف) شناسایی، برقراری ارتباط و حمایت های گوناگونِ فعالان سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی؛

ب) حمایت و مدیریت تبلیغات رسانه ای علیه جمهوری اسلامی به ویژه در انتخابات دهم؛

ج) مسئله سازی و برجسته سازی آسیب های درونی ایران با هدف جنگ روانی.

در تحلیل محتوایی از مباحث پیش گفته، درمی یابیم که اراده امریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی با مفروض انگاشتن تبلیغ و ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت، تجلی می یابد. همچنین پی گیری سیاست جنگ روانی مداوم و مستمر، با هدف تضعیف احساس تعلق مردم به حکومت و ایجاد نارضایتی، یکی از پایه های اساسی دیپلماسی عمومی امریکا است.



---

۱- «عملیات براندازی نرم به سبک بنیاد امریکایی سوروس»، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۶/۳/۱۳۸۶، نشانی پایگاه: http://www.irpc.ir

۲- یدالله جوانی، «کارگزاران اصلی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی»، هفته نامه صبح صادق، ش ۴۳۵، ۵/۱۱/۱۳۸۸، ص ۸.

## ج) تضعیف ایدئولوژی مشروعیت بخش

ج) تضعیف ایدئولوژی مشروعیت بخش

ساختـار نظـام سیاسـی در ایران پس از انقلاب، مشـروعیت خود را بر پایه موازین اسـلامی به دست آورده است. در ژئوپلیتیک رفتاری جمهوری اسـلامی، سه رکن انسان (ایرانی) موحد انقلابی، ایدئولوژی اسلام ناب محمدی۹ مبتنی بر گفتمان انقلابی ــ شیعی و محیـط ایران متمـدن و اسـلامی، را می توان تشـخیص داد.(۱) و از آنجـا که بقـای این ارکـان هویـتی، برای جمهوری اسلامی ایران از ارزش محوری و کلیدی برخوردار است، مطالعات و تمهیدات امنیتی جدی تری را می طلبد.

در وضـعیت کنونی، سـطح و حجم تبلیغات روانی بر ضد ایدئولوژی اسـلامی، به میزان چشم گیری افزایش یافته است. تعارض ایـدئولوژی حـاکم بر دسـتگاه دولتی ایالاـت متحـده بـا ایـدئولوژی نظـام حاکم بر ایران، در ارزیابی عوامل خارجی تهدیـدات سیاسـی، مهم ترین مسئله به شمار می آید؛ چراکه یکی از وجوه مهم امنیت سیاسی، ناظر بر ایدئولوژی هایی است که به دولت ها مشروعیت می بخشد.

بـا توجه به مطرح شـدن جمهوری اسـلامی ایران به عنوان یـک قـدرت نرم افزاری منطقه ای؛ به واسـطه کانون نشـر تفکر الهام بخش اسـلامی، ایالات متحده عقیده دارد که جمهوری اسـلامی، یک هدف سخت است. سختی ایران به عنوان یک هدف نیز ناشی از قدرت نظامی آن نیست، بلکه متأثر از قدرت نرم افزاری آن است.(۲)



---

۱- قاسم شعبانی، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، ص ۸.

۲- گروه تحقیـق، امنیت بین الملـل (۱)، فرصت هـا، تهدیـدات و چـالش های فراروی امنیت ملی جمهوری اسـلامی ایران، ص ۲۶۵.

در این زمینه امریکا تلاش می کند، ایدئولوژی مشروعیت بخش و سازمان دهنده نظام سیاسی ایران، به عنوان موتور حرکت نظام، در دو بخش درونی و بیرونی تضعیف و بی ثبات شود، به گونه ای که دولت ایدئولوژیک پیش از هر چیز شکل و شمایل یک دولت غیرمقتدر را به خود بگیرد.

بنابراین، سه حوزه در ساختار قدرت ایالات متحده در فضای قدرت نرم، با هدف کاستن از مشروعیت نظام جمهوری اسلامی فعالیت می کنند: ۱. نظام های رسانه ای؛ ۲. حوزه دیپلماسی عمومی در وزارت امور خارجه؛ ۳. سازمان اطلاعات مرکزی.(۱)

به اعتقاد استراتژیست های امریکایی، یک قدرت نرم افزار نباید فقط در فضای بین المللی دستخوش ضعف و شکست گردد؛ زیرا در شکست از بیرون، زایش و رویش دوباره می یابد. به همین منظور، در جمهوری اسلامی باید تغییر عقاید صورت گیرد. بنا بر این دیدگاه، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایالات متحده، کارکردی دوگانه دارد: از یک سو برای گسیختن جامعه از نظام سیاسی می کوشد و از سوی دیگر، بر آن است تا زمینه های ساختارشکنی نظام ایدئولوژیک را فراهم آورد. در این میان، مشخصهِ اعمال تهدیدات نرم، شدت دادن به دشواری ها و تنگناهای داخلی کشور در مؤلفه های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. به ویژه اگر توجه داشته باشیم که امروزه پیوند تنگاتنگی میان مشروعیت سیاسی و کارآیی سیاسی وجود دارد و حکومتی با ثبات است که این هر دو را با هم داشته باشد.

در سطحی دیگر، مشروعیت شامل توانایی حکومت در ایجاد و حفظ این باور می شود که نهادها با شکل های سیاسی موجود، مناسب ترین نوع برای جامعه هستند. آنچه تا به امروز مبانی ثبات و استمرار دولت ایدئولوژیک را



---

۱- ابراهیم متقی، «دوران قدرت نرم»، فصل نامه برداشت اول، مرکز بررسی استراتژیک نهاد ریاست جمهوری، سال اول، ش ۵، تابستان ۱۳۸۷.

فراهم آورده، از لحاظ اجتماعی، ظرفیت بسیج سیاسی جامعه؛ و از جنبه سیاسی، تأکید بر جایگاه برجسته روحانیت در نظام و از لحاظ ایدئولوژیک، آمیختگی دین و دولت بوده است.

اعتبار و مشروعیت به ویژه برای نظامی که تعریف خویش را از ارزش های اصیل دینی و شرعی دریافت می دارد و اصل «رضایت مردمی»، در آن مبنای عمل قرار می گیرد، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا رفتار نمایندگان این نظام با مردم، به گونه ای غیرمستقیم به معنای عملیاتی شدنِ واقعیت دین تعبیر می شود. در واقع، خاص بودن نظام سیاسی ایران در شرایطی که تحولات بین المللی، الگوهای دیگری را مطرح می کند، یکی از مواردی است که جمهوری اسلامی را در معرض آزمون قرار می دهد.

توفیق در این مرحله و دست یابی به کارآمدی مورد نظر در تحقق شعارها و آرمان های انقلاب اسلامی، ایران می تواند پایه های بر حق بودن نظام را بیش از پیش تثبیت و تقویت کند. در چنین فضایی، اصلی ترین راهبرد سیاست نرم افزاری امریکا برضد جمهوری اسلامی، جنگ ایدئولوژیک به مثابه مبارزه میان دو طرز فکر و روش و شیوه زندگی سیاسی است.

## د) تهدید هنجارهای فرهنگی و اجتماعی

### اشاره

د) تهدید هنجارهای فرهنگی و اجتماعی

تغییر هنجارهای فرهنگی، از ظریف ترین تهدیدهاست. نفوذ فرهنگ بیگانه، استحاله فرهنگی، ابتذال و فساد، تضعیف باورهای اعتقادی و نزول آرمان خواهی، از برخی نمونه های تهدیدسازی در عرصه دیپلماسی عمومی است. به بیان دیگر، هرگونه رویداد یا عاملی که ظرفیت و توان ملت ایران را در استمرار شیوه های مرسوم زندگی در چارچوب حفظ فرهنگ، زبان،

مذهب، آداب و رسوم و هویت خود، دچار ناامنی و نابسامانی کند، درحوزه تهدیدهای فرهنگی جای می گیرد.

بر این اساس، اهمیت جنبه های فرهنگی و اجتماعی تا آنجاست که اندیشه پردازان سیاسی، آن را جزو ابعاد پنج گانه امنیت ملی قلمداد می کنند. سیاست نرم افزاری امریکا با توجه به ماهیت و اهداف آن، به واسطه تغییر هنجارها، امنیت فرهنگی و هویتی جمهوری اسلامی را به مخاطره می اندازد؛ زیرا گرانیگاه سیاست مزبور را نبرد در عرصه اندیشه، به منظور تعارض با آموزه های اسلامی تشکیل می دهد، درحالی که در جامعه ایران، محور اصلی امنیت فرهنگی، در چارچوب خودآگاهی مذهبی معنا و تجلی می یابد. دغدغه ها و تهدیدهای متوجه هنجارهای فرهنگی و اجتماعی را در دو سطح می توان بررسی کرد:

## یک ـ تهدیدات متوجه امنیت فرهنگی

### اشاره

یک ـ تهدیدات متوجه امنیت فرهنگی

امنیت را احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی از تهدید می دانند و فرهنگ را مجموعه باورها، ارزش ها و هنجارهای موجود در اجتماع تعریف می کنند که هویت بخش و انسجام آفرین است. از این رو، می توان وجود احساس ایمنی و درکِ نبود تهدیدِ مؤثر علیه باورها، ارزش ها و هنجارها را امنیت فرهنگی تلقی کرد؛ به ویژه در کشورهایی همچون ایران که معتقد به مبانی زیرساخت های ایدئولوژیک و فرهنگی هستند.

آنچه در این میان مهم می نماید، عوامل تغییر منفی امنیت فرهنگی است که باید در شناسایی تهدیدها به آنها توجه شود، عواملی مانند جابه جایی ارزش های مسلط، سیاست زدگی سپهر ارزش ها، تکثر فرهنگی فضای عمومی جامعه، کاهش مقبولیت و مشروعیت گروه های مرجع ارزشی و... بستر فرهنگی صحنه عملیات نرم افزاری امریکا را تشکیل می دهد.

بـدون تردیـد، انقلاب اسـلامی برای اصـلاح وضـعیت فرهنگی به وقوع پیوست و بنابراین، اصـلی ترین دغـدغه نظام جمهوری اسـلامی در دهه چهارم، ترسیم چگونگی رویارویی جامعه با ایده ها و هنجارهای لیبرال دموکراسی غربی است. در سال ۱۳۷۱ رهبر معظم انقلاب اسـلامی بـا مطرح کردن موضوع «شبیخون فرهنگی یـا تهـاجم فرهنگی»، اعلاـم کرد که یک حمله سازمان دهی شـده و همه جانبه، فرهنگ عمومی جامعه را نشانه رفته است. در آن زمان برخی آن را توهّم توطئه نامیدند، حال آنکه به گمـان نویسـندگان مغرب زمین از جمله سانـدرس، اسـناد و مـدارک بسـیاری، فـاش می کنـد که چگـونه دولت امریکـا از راه سازمـان اطلاعـات مرکزی خـود طی بیش از نیم قرن گذشـته، بـا اسـتخدام عناصـر روشـنفکر و دانشـگاهی در امریکـا و دیگر کشورها نوعی شـبکه فرهنگی با عنوان «ناتوی فرهنگی» ایجاد کرده است که ساندرس، این شبکه را «شوالیه های فرهنگی سیا» می نامد.(۱)

در حال حاضر خبرگزاری های مسلط بین المللی که امپراتوری بلامنازع خبری را تشکیل می دهند، تأسیسات ماهواره ای، انواع فیلم هـا و رمـان ها و اینترنت، شـماری از امکانات تبلیغی هسـتند که همگی در شـرایط نابرابر و ناعادلانه، ارزش های مشترک غربی را انتشار می دهند. مقابله با این شبیخون، آگاهی و آمادگی بسـیاری را می طلبد و خودباوری عمومی و دشـمن شناسی، برای پیمودن این مسیر خطرناک و پیچیده لازم است.

عرصه تهدید فرهنگی در ایران، در دو حوزه متمرکز است:

### اول ـ حوزه عقاید

اول ـ حوزه عقاید

هم اکنون برخی از جریان های انحرافیِ فرهنگی در کشور که دست آویزی برای امریکا و دیگر مخالفان خارجی شـده اند، از ظرفیت های آسیب ساز و



---

۱- مجموعه مقالات، قدرت نرم، ج ۲، صص ۳۲۴ ـ ۳۲۷.

تهدیـدزا برای بنیادهـای فکری نظـام برخوردارنـد. این جریان ها با تبلیغ مخـدوش بودن اصل متون دینی، ایجاد شـبهه در نزول وحی به پیامبر اسلام۹ و حقیقت دین، درصدد تضـعیف و تخریب گروه های مرجع ارزشـی هسـتند. بدون تردید افزایش نقش رسانه های جمعی مانند ماهواره و اینترنت در زندگی مردم، می تواند تحولی بنیادین در گروه های مرجع ارزشی ایجاد کند.

به طور کلی چندین جریان انحرافی فرهنگی در جامعه ایران وجود دارد:(۱)

اول ــ جریـان خرده فرهنـگ هـا؛ ماننـد گروه هـای رپ، متـال یـا هـوی متـال، راک و... کـه وجـه مشـترک همه این گروه ها ایدئولوژی نهیلیستی (پوچ گرایی)، بی معنایی و بی هدفی، انحرافات جنسی و اخلاقی و دین ستیزی است؛

دوم ــ جریان شیطان پرستی؛ که مروّج گناه و معصیت در جامعه هستند و اعمال شیطان را تأیید می کنند؛

سوم ــ جریان بهائیت؛ که خود را به عنوان یکی از ادیان مذهبی معرفی می نماید؛

چهارم ــ جریان تصوف گرایی؛ که انحرافات دینی آنها مبرهن است؛

پنجم ــ جریان کثرت گرایی یا پلورالیزم دینی؛ که مدعی اند تمام ادیان الهی و بشری، حق هسـتند و درعین حال رویکرد نقد تفکر اسلامی و شیعی را به شدت دنبال می کنند.

کلیه جریان های نام برده از راه های گوناگون به دنبال جذب جوانان هستند و برای اینکه مبانی خود را ترویج دهند، متوسل به انتشار کتاب ها و مقاله ها و ایجاد شبکه های مجازی شده اند.

ص:۱۷۴

---

۱- سـیامک بـاقری، «تهدیـدات و آسـیب هـای فراروی نظـام جمهوری اسـلامی ایران»، فصـل نامه مطالعات سیاسـی روز، سال چهارم، ش ۱۸، زمستان ۱۳۸۴، ص ۹۹.

## دوم ــ حوزه اخلاق

دوم ــ حوزه اخلاق

عرصه های تهدیـد نرم فرهنگی در حوزه اخلاق، عبارتند از: حکم به نسبیت اخلاق، نسبیت ارزش ها و نسبیت عدالت. نتایج و پی آمدهای پذیرش نسبیت در حوزه اخلاق و ارزش های اخلاقی بدین شرح است:(۱)

اول ــ بی ثمرشـدن احکام اخلاقی و تربیتی: افراد انگیزه ای برای تقیـدات اخلاقی ندارنـد و از انجام عمل غیراخلاقی، احساس نـاراحتی وجـدان و شـرم سـاری نخواهنـد داشت؛ چراکه آن عمـل ممکن است در فرهنـگ و جامعه ای دیگر، اخلاقی و مجاز باشد؛

دوم ــ سـلب مسـئولیت اخلاقی و حقوقی: با پذیرش نسبیت گرایی اخلاقی، مسـئولیت در برابر خدا، جامعه و وجدان عمومی و عنوان های خیر و شر، مبتنی بر مقتضیات زمان می شود؛

سوم ــ نفی کمال و جاودانگی دین: قبول تغییرپـذیری و بی ثباتی احکام اخلاقی، به معنای عصـری شدن تعالیم دینی و موقتی بودن آنهاست.

### دو ــ تهدیدات متوجه وحدت و انسجام اجتماعی

دو ــ تهدیدات متوجه وحدت و انسجام اجتماعی

مجموعه های وابسـته به دیپلماسـی عمومی امریکا درصدد تغییر اذهان عمومی جامعه هستند. موج های رسانه ای را می توان به عنوان یکی از نشانه های ایجاد شـکاف اجتماعی در ایران دانست. استراتژی امنیتی امریکا در دوران جدید، از راه شبکه سازی اجتمـاعیِ بنگـاه هـای ارتبـاطی و سیسـتم های دانشـگاهی، در جهت فضای سازی برای نیروهای واگرا و تجهیز مقابله از درون نظام جمهوری اسلامی است.

موضوع اقلیت های قومی، نژادی و زبانی با توجه به ویژگی کثیرالقوم بودن جامعه ایرانی، اهمیت بسیاری دارد.



---

۱- مرتضی مطهری، نقدی بر مارکسیسم، ص ۱۸۵.

بر این اساس، در جنوب غربی، قومیت زبان عرب، اکثریت ترکیب جمعیتی استان خوزستان را تشکیل می دهد، درحالی که این استان از نظر منطقه ای و ژئواستراتژیک، پس از مرکز ایران، دومین منطقه و استان حساس کشور به شمار می آید.

ترکیب جمعیتی درغرب کشور تا شمال غرب، با قومیت زبانی کُرد شکل می گیرد که درابتدای انقلاب اسلامی با تحریکات عناصر مداخله گر کشور همسایه _ عراق _ پیشینه منازعه خیز دارد.

در شمال غرب کشور، قومیت زبانی ترک آذری ساکن هستند و خطر پان ترکیسم را که خاستگاه غیر بومی دارد، برجسته می کند.

در شمال شرق کشور، قومیت زبانی ترکمن را داریم که از لحاظ مذهبی از گرایش های اهل تسنن هستند و نزدیکی و ارتباط خاصی با کشور ترکمنستان دارند. این منطقه نیز پیشینه منازعه و شکاف قومی را در اوایل انقلاب دارد. در شرق کشور، در استان سیستان و بلوچستان، قومیت زبانی بلوچ ساکن هستند که هم مرز استان بلوچستان پاکستان است و محل فعالیت گروه های افراطی مذهبی مانند و هابیت و فرقه هایی از اهل تسنن هستند که وابستگی های فکری و سازمانی به سپاه صحابه در پاکستان دارند.(۱)

تاریخ ایران نشان می دهد که بازیگران خارجی همواره از گرایش ها و حرکت های تجزیه طلبانه قومی، حمایت و سوء استفاده کرده اند. بر این اساس، نباید اجازه داد که فرصت اتحاد ملی که قومیت ها را در خود جذب می کند، به تهدید ناسیونالیسم قومی تبدیل شود. به این ترتیب ایالات متحده می کوشد، با کار اطلاعاتی و ارتباطی بر روی قشرهایی که از ظرفیت لازم



---

۱- حجت الله یوسفی، «اتحاد ملی با تأکید بر قومیت ها در جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، سال هفتم، ش ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران را دارند، با اختلاف افکنی و بی اعتمادی میان جامعه و حاکمیت، از شاخصه های گسست انسجام و یک پارچگی ملی بهره برداری کند.

در چنین شرایطی به نظر می رسد که حمایت های فراملی امریکا به طور یک جانبه و یا در قالب رژیم ها و نهادهای جهانی حقوق بشری از فعالیت ها و مطالبات فرهنگی ناراضیان سیاسی و اجتماعی در ایران، می تواند فرصت های جدیدی برای حرکت های هویت گرا و برعکس، درگیری های نوینی را در روند کنونی تعاملات فرهنگی و سیاسی بین دولت و بخش هایی از جامعه ایجاد کند. بنابراین، انسجام اجتماعی، محتوای امنیت اجتماعی را شکل می دهد و یکی از وجوه سیاست تقابل گرایانه امریکا در برابر ایران، در حوزه اجتماعی معنا می یابد. سیاست نرم افزاری ایالات متحده به دنبال ضعف هویت های پیشین و موجود و برساختن هویتی جدید است؛ هویتی که از یک سو نشانه شکاف و گسست در سطح جامعه _ جامعه و از سوی دیگر، نشانه های شکاف در سطح جامعه _ دولت و به طورکلی تقابل گرایی از درون را بازتاب می کند.

## نتیجه گیری

نتیجه گیری

الگوی رفتاری امریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران در شرایط موجود، با اینکه از قابلیت نظامی مؤثری برخوردار است، مبتنی بر بهره گیری از تکنیک های نرم افزاری است. به این ترتیب، بهره برداری از دیپلماسی عمومی در حوزه قدرت نرم و به طورکلی نیروهای نامتقارن، اگرچه روند طولانی تری برای رسیدن به نتیجه در مقایسه با اقدامات نظامی دارند، دارای سه مزیت در خور توجه هستند:

نخست اینکه اقدام مؤثری در راستای کاهش هزینه های عملیاتی است؛

دوم اینکه جنگ نامتقارن، مخاطره های امنیتی فراگیری را برای کشورهای تهدیدشونده فراهم می آورد؛

سوم اینکه از ظهور شرایط پرمخاطره و پیش بینی نشدنی در اقدامات سخت افزارانه پرهیز می شود.

اگرچه در سیاست های امنیتی امریکا در مورد جمهوری اسلامی، یک راهبرد ترکیبی از هر دو رویکرد سخت و نرم به چشم می خورد، پژوهش حاضر نشان می دهد که در شرایط کنونی، استراتژی غیرخشونت آمیزِ منطبق بر فریب و عملیات روانی، در اولویت نخست قرار دارد؛ هرچند به کارگیری زور را نیز در شرایط واپسین، از نظر دور نداشته است. بخش بزرگی از عملیات نامتقارن امریکا، بر رویگردانی مردم ایران از نظام جمهوری اسلامی و همچنین هویت ملی ایرانیان متمرکز شده است. باید در نظر داشت که راهبرد خارجی ایالات متحده، به لحاظ تاکتیکی انعطاف پذیر است. بنابراین، مسیرهای رسیدن به مقاصد و منافع ملی خود را همواره ارزیابی می کنند و با تغییر تاکتیک ها، در راه رسیدن به اهداف خود می کوشند. به این ترتیب تغییر تاکتیک ها نباید به معنای تغییر سیاست واشینگتن ارزیابی شود و البته در استراتژی کلان امریکا به سادگی تغییر ایجاد نمی شود.

ص:۱۷۸

## بخش چهارم: ابزارهای ارتباطی در دیپلماسی عمومی امریکا در برخورد با ایران

### اشاره

بخش چهارم: ابزارهای ارتباطی در دیپلماسی عمومی امریکا در برخورد با ایران

ص:۱۸۰

تـأثیر مثبت و منفی رسـانه هـا بر افکار عمومی مردم کشورها بر هیـچ کس پوشـیده نیست، به گونه ای که امروزه جنگ رسانه ای، از روش ها و تاکتیک های مهم نرم افزاری در دگرگونی افکار عمومی و متقاعدسازی مردم کشورها به شـمار می رود. به دیگر سـخن، تـأثیر امپریـالیسم تبلیغـاتی و رسـانه ای، کمتر از امپریالیسم نظامی و سـلطه بر مردم و کشورهای جهان نیست. این رسانه ها با اسـتفاده از قواعـد، مقررات و تکنیک های خاص رسانه ای، مانند تصویرسازی، افکارسازی، تحریف، دست کاری اطلاعـات، بمبـاران خبری، جعل اخبار، مرعوب سازی، شایعه سازی، تبلیغات و جنگ روانی، بزرگ نمایی و... همان کاری را می کنند که نیروهای نظامی با هزینه های هنگفت و صرف زمان طولانی و زیان های فراوان انجام می دهند.

خلاصه کلام اینکه رسانه ها به یکی از ابزارهای پر نفوذ قـدرت نرم تبـدیل شـده انـد و این ابزار، بیشتر در خدمت قدرت های اسـتکباری قرار گرفته است که بـا بهره گیری گسترده از امکانـات آن، امنیت ملت های مختلف را در حوزه های گوناگون، به صورت مسـتمر تهدید کرده اند. امروزه نظام های غرب و سـکولار به ویژه ایالات متحده امریکا با بهره گیری دقیق و هوشـمند از

ابزارهای رسانه ای، می کوشند پیوسته تهاجم خود را بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام گسترش دهند و آن را هدفمند سازند.

از همین رو، جهت گیری کلی سیاست های خارجی دولت ایالات متحده در برابر ایران، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، خصومت با نظام جمهوری اسلامی و نابودی آن بوده است.

در دهه نخست انقلاب اسلامی، یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ اقدامات امریکا بر ضد ایران، بیشتر نظامی و سخت افزاری بود و این سیاست، رویکرد غالب دولت ایالات متحده امریکا در براندازی نظام جمهوری اسلامی به شمار می رفت.

دولت امریکا پس از ناکامی در براندازی جمهوری اسلامی ایران از راه های نظامی، از دهه دوم انقلاب به بعد، جهت حرکت های تخریبی و براندازانه خود را به سوی پروژه های قدرت نرم تغییر داد، ولی از دهه سوم و به طور مشخص از خرداد ۱۳۷۶، این رویکرد وارد فاز جدیدی شد. در این فاز عملیاتی، ضمن حمایت های مالی دولت امریکا از رسانه ها به معنای عام آن و به ویژه شبکه های رادیویی و تلویزیونی دولتی مانند VOA، رادیو فردا و نیز رادیوها و تلویزیون های ضد نظام و تجزیه طلب فارسی زبان، این شبکه ها در مسیر اهدافی چون ایجاد شکاف میان دولت و ملت و تجزیه قومی ایفای نقش کردند. از این رو، هدف از اجرای این پروژه ها نخست، تهی سازی نظام از اصول و ارزش های حاکم بر جامعه دینی و انقلابی ایران است و دوم، گسترش ناامنی و بی ثباتی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. از آنجا که محیط عملیات قدرت نرم، «رسانه» است، در این حوزه بیشترین استفاده از ظرفیت رسانه ها صورت می گیرد.

کارکردهای ویژه تقابل نرم افزاری بر محور رسانه، عبارتند از:

ص:۱۸۳

۱. ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها

اعتقادات و باورها اساس حرکت یک جامعه به شمار می آید. هر انسانی بنابر باورهای اعتقادی خود به زندگی اش شکل می دهد. بدین ترتیب، اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه مانع یا تغییر ایجاد کنند، بهترین گزینه، جابه جایی در اذهان و دگرگونی باورها است.

۲. ایجاد تغییر در افکار و اندیشه ها

چنانچه دشمنان یک ملت بتوانند در اعتقادات ایشان رسوخ کنند، زمینه های لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر و اندیشه در حوزه های گوناگون فراهم می شود.

۳. ایجاد تغییر در رفتار

رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر و اندیشه افراد در آن جامعه شکل می گیرد. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل های رفتاری در حوزه های گوناگون تغییر می کند. در واقع، نمادهای رفتاری در هر جامعه، بر اساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه پدید می آیند. بدیهی است که با تحول هر نوع باور و اندیشه ای، مدل های رفتاری جدید بر اساس باورها و اندیشه های نو جای گزین مدل های پیشین می گردد.

۴. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی

هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جای گزین کردن ساختارهای جدید است. با بروز تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر می یابد و مدل های تهدیدآمیز جای گزین آن می شود. در یک جامعه، مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود

به مخالفت برمی خیزنـد که دیگر آن را مشـروع ندانند و از نظر آنان، مسـئولان سیاسـی مقبولیت خود را از دست داده باشـند. بنـابراین، مشـروعیت زدایی و مقبولیت زدایی برای ایجـاد بحران، ناآرامی و بی ثبات سازی در جامعه هـدف، از کار ویژه های اصلی جنگ نرم به شمار می آید.

ص:۱۸۵

## فصل اول: ابزارهای ارتباطی دیداری و شنیداری

### اشاره

فصل اول: ابزارهای ارتباطی دیداری و شنیداری

در حال حاضـر ایالات متحده امریکا طراحی و مدیریت پروژه براندازی نرم بر ضد جمهوری اسـلامی ایران را، در تقویت انواع ابزارهای ارتباطی پی گیری می کند. در این رویکرد، مؤسـسه هایی که به شیوه پیدا و پنهان از سوی سازمان اطلاعات مرکزی امریکا و دسـتگاه سـیاست خارجی به بررسـی تهدیـدات و فرصت‌های فراروی ایالات متحـده می پردازنـد و به منزله اتاق های فکر، اقدامات سازمان دهی شده ای را برای برخورد با تهدیدات برون مرزی طراحی می کنند، اهمیت بسیاری دارند.

در این فصـل اشـاره وار از شـبکه هـای مـاهواره ای و رادیوهـای فارسـی زبـان سـخن می گوییم که بـا حمایت های مسـتقیم و غیرمسـتقیم ایالاـت متحـده، بسترسـاز مخـاطره هایی در حوزه امنیت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی شـده انـد. بیان این نکته ضروری است که اگرچه فراز و فرود و ضـعف و قوّت هریک از این رسانه ها و شبکه های ارتباطی از جنبه میزان اثرگذاری بر روی پیش فرض های افکار عمومی مردم ایران پذیرفتنی است، از آنجا که سـیاست های کلان و بنیادین رسانه های امریکایی، در مدیریت تصویرهای ذهنی و سمت دهی افعال، بر آرامش اجتماعی و فرهنگی اقوام ایرانی تأثیر

ص:۱۸۶

می گذارد، به عنوان رسانه هایی تنش زا در جریان تهدیدات نرم، نیازمند بررسی است.

به گمان حامیان سناریوی براندازی غیر قهری، جمهوری اسلامی ایران به علت برخورداری از پیشینه دموکراسی و وجود نهادهای مردم سالار و نیز پتانسیل های موجود برای حرکت های مردمی مانند رسانه های مختلف و مهم تر از آن شمار زیاد کاربران اینترنت و وبلاگ، استعداد و ظرفیت بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش های غیرخشونت آمیز دارد.

یکی از محورهای مهم پروژه کمیته خطر جاری و تأکید استراتژیست معروف این کمیته، مارک پالمر،(۱) درباره گسترش شبکه های رسانه ای توسط ایالات متحده به منظور القای فرهنگ و باورهای پذیرفته شده در امریکا و تأثیرپذیری جامعه مخاطب ایرانی است.

در بخشی از گزارش کمیته خطر جاری آمده است:

تقویت رادیو و تلویزیون های فارسی زبان خارج از کشور، اقدام مؤثری است. رادیو فردا و برنامه های فرهنگی تلویزیون VOA (صدای امریکا) شروع خوبی بود، ولی کافی نیست. اکنون شمار زیادی تلویزیون و شبکه ماهواره ای فارسی زبان مستقر در امریکا وجود دارد که با مشکلات مالی روبه رو هستند و نمی توانند به خوبی عمل کنند. واشینگتن باید بودجه ای معادل رادیو فردا و تلویزیون VOA در اختیار این شبکه ها قرار دهد.(۲)

ص:۱۸۷

---

۱- مارک پالمر، از استراتژیست های معروف امریکایی است که در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده، از وی به عنوان یکی از نوآوران سیاست خارجی امریکا نام می برند. او سال ها برای رؤسای جمهور و وزرای خارجه امریکا نطق نوشته که معروف ترین آنها نطق هنری کیسینجر است. مدیریت مؤسسه تحقیقاتی «مرکز سیاست خاورمیانه سابان» در مؤسسه بروکینگز و نگارش ده ها مقاله و کتاب پیرامون خاورمیانه از برخی فعالیت ها و مسئولیت‌های او است.

۲- مارک پالمر، «پیشنهاد جدید کمیته خطر جاری به دولت امریکا؛ رویکردی جدید در قبال ایران»، ترجمه: نیلوفر قدیری، مورخ ۳/۱۲/۱۳۸۳، نشانی پایگاه: سایت روزنامه همشهری، www.hamshahrionline.ir

در حقیقت اصلی ترین مجرای ارتباطی میان دولت امریکا و به ویژه سازمان سیا با مردم ایران، رسانه‌های غربی و البته امروزه، تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان هستند.

رسانه های غربی و تلویزیون های اپوزیسیون، حلقه ارتباطی میان بازیگران پروژه براندازی نرم مانند نیروهای واگرای موجود در جامعه، سازمان های غیر دولتی، نخبگان سیاسی، اجتماعی و علمی، جنبش های اجتماعی مانند جنبش زنان، دانشجویان، کارگری، صنفی و نیز اپوزیسیون خارج از حاکمیت هستند.(۱)

به نظر اعضای کمیته خطر جاری، تنها راه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در ایران، پی گیری جنگ نرم با استفاده از تاکتیک های «دکترین مهار»، «نبرد رسانه ای» و «ساماندهی جنبش های نافرمانی» است.

چارچوب این گزارش به گونه ای است که برآیند درگیری های نظامی، هسته ای، ایدئولوژیک و اقتصادی میان دو کشور، در عرصه جنگ نرم ظهور و بروز می یابد. در بخش راهبردها و سیاست های پیشنهادی کمیته چنین آمده است: «باید شبکه های متعدد رادیو و تلویزیونی برای ایرانیان تدارک دید و پیام‌های خود را با پیشرفته ترین تکنولوژی های روز مانند اینترنت به دست مردم ایران برسانیم.

## ۱. رادیوهای فارسی زبان

### اشاره

۱. رادیوهای فارسی زبان

با وجود پیشرفت های چشم گیر در تکنولوژی های ارتباطی، هنوز هم کشورها از رادیو به عنوان یکی از رسانه های مهم و مؤثر در جنگ رسانه ای بهره برداری می کنند. رسانه رادیو با توجه به ویژگی سرعت در انتشار و



---

۱- محمدعلی داداشی، «براندازی نرم؛ راهبردها و راهکارهای مقابله»، مجله پگاه حوزه، ش ۲۲۴، مورخ ۶/۱۱/۱۳۸۶، ص ۴.

گستره پوشش مخاطب، از قدرت تأثیرگذاری بالایی در میان مخاطبان برخوردار است.

هم اکنون بیش از ۳۲ رادیو به زبان فارسی برای ایرانیان و دیگر فارسی زبانان جهان که برخی آمارها، آنها را بیش از ۱۵۰ میلیون نفر تخمین زده اند، برنامه پخش می کنند. در بررسی محتوای این رادیوها می‌توان چنین اظهار کرد که بخش بزرگی از اطلاعات منتشر شده در آنها با هدف جهت دهی به افکار عمومی ایران، هماهنگ با خواست گردانندگان آنهاست.

رادیو فردا، رادیو صدای امریکا، رادیو دویچه وله آلمان و رادیو اسراییل را به طور آشکار و رسمی، دستگاه سیاست خارجی کشورهای متبوعشان و یا سیاست گذاری نهاد ذیربط امنیتی و سیاسی آن کشورها اداره می کنند.

شاید بتوان گفت، فقط بُعد جنگ رسانه ای غرب به ویژه امریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران که در هر ساعت از شبانه روز می توان آن را بررسی، مطالعه و بدان استناد کرد، همین جنگ رسانه ای مبتنی بر رادیوهاست که با ساده ترین ابزار ارتباطی، در تمام مدت ۲۴ ساعت شبانه روز و در همه مناطق حتی دور افتاده ترین روستاها، همه قشرها می توانند آن را بشنوند.

### الف) رادیو فردا

الف) رادیو فردا

رسانه های فارسی زبانی که به طور مستقیم دولت امریکا آنها را حمایت می کند، عبارتند از: رادیو فردا، بخش فارسی صدای امریکا و تارنمای فارسی وزارت امور خارجه این کشور. در این میان، صدای امریکا رسانه ای دولتی و رادیو فردا رسانه ای تحت حمایت دولت است که بودجه سالانه آن را کنگره تأمین می نماید.

ص:۱۸۹

«این رسانه شنیداری تحت کنترل و نظارت سازمان سیا اداره می گردد.»(۱) رادیو فردا ایستگاهی رسانه ای است که به پخش اخبار و موسیقی برای مخاطبان ایرانی از راه امواج کوتاه و متوسط، ماهواره و اینترنت می پردازد. این رادیو از دسامبر ۲۰۰۲ کار خود را آغاز کرد. این رسانه از ۲۴ ساعت، ۹ساعت را به پخش برنامه های اطلاع رسانی، خبر و تحلیل و بقیه را به پخش موسیقی فارسی و غربی اختصاص داده است. هدف این ایستگاه رسانه ای، تأمین اطلاعات و اخبار منطبق با سیاست های دولت ایالات متحده در کنار پخش موسیقی برای رده های سنی ۱۵ تا ۳۰ سال اعلام شده است.

این رسانه زیر نظر هیئت رئیسه پخش رادیو ـ تلویزیونی امریکا کار می کند. هیئت رئیسه پخش رادیو ـ تلویزیونی در هنگام راه اندازی رادیو فردا، به برنامه های پیشین رادیو اروپای آزاد و رادیو آزادی پایان داد و با دو سوم کارکنان آن، رادیو فردا را راه اندازی کرد.

مردم ایران در برابر راه اندازی رادیو فردا دو نوع واکنش ملموس نشان دادند: نخست اینکه ساختار برنامه که مبتنی بر پخش اخبار و موسیقی پاپ بود، به نظر آنها جدید می نمود و توجه زیادی را به خود جلب کرد. دوم اینکه بسیاری از افکار عمومی در ایران معتقد بودند که این برنامه از سیاست محکم تر امریکا در برخورد با منطقه خاورمیانه حکایت دارد؛ زیرا در زمان راه اندازی رادیو فردا جنگ عراق نزدیک بود و مردم، رادیو فردا را آغازگر اِعمال فشار روانی بر ایران قلمداد می کردند.

اهمیت رادیو فردا در بخش برنامه های تفریحی را نمی توان نادیده گرفت. سبک جدید، صدا و موسیقی این رادیو برای مردم ایران تازه و بدیع بود. در بخش برنامه های خبری و تحلیلی، برخی از اعضای گروه خبری رادیو فردا



---

۱- ابراهیم متقی، «دوران قدرت نرم»، فصل نامه برداشت اول، سال اول، ش ۵، مرداد ۱۳۸۷، ص ۱۵.

در واشینگتن، به علت مواضع ضد اسلامی خود و حمایت از مجاهدین خلق، معروف هستند و دیدگاه های سیاسی خود را در اخبار تهیه شده یا دیگر برنامه ها به خوبی تبلیغ می کنند.

وب سایت جدید رادیو فردا در نوامبر ۲۰۰۶ راه اندازی شد. چارچوب محتوایی آن از وب سایت فارسی بی بی سی الهام گرفته است.(۱)

کنت وای تام لینسون، رئیس هیئت مدیره ایستگاه های رادیو تلویزیونی، می گوید: «ما، رادیو فردا، یک رادیوی ۲۴ ساعته برای جوانان ایران را اضافه کرده ایم و در همان حال به پخش برنامه های تلویزیونی و رادیویی صدای امریکا و برنامه های اینترنتی برای مخاطبان مسن تر نیز ادامه می دهیم.»(۲) یکی از اعضای ارشد سازمان سیا به نام کنت تیمرمن که از کارشناسان نامدار جنگ روانی در عرصه بین المللی است، مخاطبانی را که امریکا از راه رادیو فردا باید هدف قرار دهد، سی میلیون جوان ایرانی بر می شمارد که از زمان پیروزی انقلاب تا کنون به دنیا آمده اند. خبرهایی که از راه رادیو فردا درباره وضعیت داخلی ایران پخش می شود، شنونده را به سمتی سوق می دهد که فقط بخش تاریک و نقاط ضعف ایران را می بیند.

در مجموع عملیات روانی امریکا در حوزه رادیو فردا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، در محورهای زیر پی گیری می شود:

یک _ ایجاد نگرش منفی در مردم نسبت به نظام و مسئولان؛

دو_ القای یأس و ناامیدی به مردم؛

سه _ تهییج اقوام و اقلیت ها علیه نظام؛



---

۱- معاونت پژوهشی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، «بولتن ادبیات کاخ سفید»، ش ۹، شهریور ۱۳۸۶، صص ۳۲ _ ۴۳.

۲- سهراب انعامی علمداری، «تهدیدات نرم، الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده امریکا در برابر ایران»، (گزارش جمهور)، ضمیمه فصل نامه تخصصی نامه دولت، ش ۲۶ و۲۷، فروردین ۱۳۸۷، ص۳۵.

چهار_ ترغیب مردم به انجام کنش های اعتراض آمیز؛

پنج _ تضعیف روحیه نیروهای حامی نظام؛

شش _ تقویت روحیه گروه های اپوزیسیون؛

هفت _ ایجاد نگرش منفی در مردم به روحانیان؛

هشت _ تضعیف ارزش ها و هنجارهای دینی.

### ب) رادیو صدای امریکا

ب) رادیو صدای امریکا

تاریخ تأسیس رادیو صدای امریکا VOA به زبان فارسی، به روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی باز می گردد. در آوریل ۱۹۷۹ بخش فارسیِ رادیو صدای امریکا با نیم ساعت پخش در روز اعلام موجودیت کرد. در واقع امریکا تا پیش از این، نیازی به داشتن رسانه ای درباره ایران نداشت؛ چراکه همه تریبون های ایرانی و برای نمونه حکومت پهلوی، صدای امریکا بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام مواضع آینده آن از سوی امام خمینی=، ایالات متحده دریافت که از این مقطع به بعد برای پاتوق طرفداران خود و بحران آفرینی در ایران، یک صدای اختصاصی لازم دارد.

در اکتبر ۱۹۹۶ VOA تصویری نیز در مدار پخش قرار گرفت. وزارت خارجه امریکا در سال ۲۰۰۸ مبلغ ۲۰ میلیون دلار به VOA فارسی اختصاص داد.(۱) تحلیل محتوایی برنامه های خبری و تحلیل های رادیو امریکا، نشان می دهد که امریکا در عملیات روانی بر ضد جمهوری اسلامی، از موضوع های زیر بیشتر استفاده می کند.(۲)



---

۱- جنگ نرم، ص ۲۰۸.

۲- محمد الیاسی، «تحلیل محتوایی رادیو فردا و صدای امریکا»، سایت عملیات روانی، نشانی پایگاه: http://www.arnet.ir

یک _ جمهوری اسلامی ایران مشروعیت مردمی ندارد و این حکومت از اساس در پی برآوردن امیال و خواسته های مردم خویش نیست؛

دو_ مسئولان ایرانی مهارت و توانایی کافی برای اداره کشور ندارند؛

سه _ مسئولان کشوری بیش از آنکه در پی تحقق خواسته های مردم و گشودن گره از مشکلات آنان باشند، درگیر تنش، چالش و کشمکش با یکدیگرند.

فراوانی تکرار موضوع های عملیات روانیِ رادیو صدای امریکا بر ضد ایران، در حوزه مسائل حکومتی (داخلی) عبارتند از:

اول _ جنگ قدرت میان مسئولان کشور؛

دوم _ پنهان کاری مسئولان کشور؛

سوم _ بی کفایتی مسئولان کشور؛

چهارم _ تبعیض جنسی در ایران؛

پنجم _ تمامیت خواهی حکومت؛

ششم _ مردمی نبودن حکومت.

در حوزه مسائل بین المللی تکرار موضوع ها در چهار محور خلاصه می شود:

اول _ حمایت از تروریسم؛

دوم _ تلاش برای تولید سلاح هسته ای؛

سوم _ مداخله در امور دیگر کشورها؛

چهارم _ عامل تشنج در خاورمیانه.

بیشترین حجم عملیات روانیِ رادیو صدای امریکا در برخورد با ایران، به مسئله حقوق و آزادی های مردمی مربوط است که موضوع های زیر به این مؤلفه اختصاص یافته است:

اول _ نقض حقوق بشر؛

دوم _ نقض حقوق اقلیت ها؛

سوم _ نبود آزادی بیان؛

چهارم _ محدود ساختن مطبوعات؛

پنجم _ سرکوب اهل هنر؛

ششم _ انتخابات غیر دموکراتیک؛

هفتم _ نارسایی قانون اساسی.

چهارمین مؤلفه ای که دستگاه عملیات روانی ایالات متحده از راه رادیو صدای امریکا، تلاش های تبلیغات منفی خود را بر ضد جمهوری اسلامی معطوف به آن ساخته، مقوله اجتماعی، صنفی و قومی است که شامل موارد زیر می شود:

اول _ نارضایتی عمومی؛

دوم _ شیوع زیاد آسیب های اجتماعی؛

سوم _ تبعیض قومی؛

چهارم _ جنبش های واگرایانه دانشجویی؛

پنجم _ اعتراض های صنفی؛

ششم _ محدودیت آزادی های اجتماعی.

مؤلفه پنجم، حوزه مسائل مدیریتی است که موضوع های مهم زیر را دربرمی گیرد:

اول _ اقتصاد ورشکسته؛

دوم _ مدیریت غیر علمی؛

سوم _ تاراج منابع و میراث فرهنگی.

ص:۱۹۴

برخی از کارکنان صدای امریکا وابستگی های آشکار سیاسی به سلطنت طلبان یا دیگر گروه های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی دارند. در برنامه های خبری صدای امریکا نظیر اخبار ساعت ۷، گفت و گوی خبری، خبرها و نظرها و میزگردی با شما، بیشتر افرادی حضور می یابند که بر روی عضو اپوزیسیون بودن آنها تأکید می شود. برای نمونه این رسانه در فهرست دعوت از مخالفان و کینه توزان نظام جمهوری اسلامی برای انجام مصاحبه، شخصیت هایی را نیز برنامه می خواند که بر ضد امنیت ملی ایران اقدامات تروریستی داشته اند. مصاحبه با عبدالمالك ریگی معدوم، سرکرده گروهک تروریستی در سیستان و بلوچستان، یکی از آنهاست. یکم آوریل ۲۰۰۷، صدای امریکا با ریگی گفت و گوی صمیمانه ای را انجام داد و او را فعال سیاسی ایرانی و رهبر جنبش مقاومت مردم ایران معرفی کرد.(۱)

یکی دیگر از نمونه های بی طرف نبودن صدای امریکا، گفت وگوهای بسیار این تلویزیون با فرح پهلوی و پسرش رضا پهلوی است. صدای امریکا در برنامه های گفت وگوی خود با فرح پهلوی و رضا پهلوی، همواره آنها را به عنوان مقام های رسمی و نه فعالان سیاسی در برخورد با جمهوری اسلامی ایران معرفی می کند. در حقیقت، بسیاری از برنامه های صدای امریکا این ذهنیت را به وجود می آورند که ایالات متحده به شکل رسمی از خاندان سلطنتی پیشین حمایت می نماید.(۲) توجه به این نکته ضروی است که شبکه رادیو تلویزیونی صدای امریکا، بخشی از وزارت امور خارجه امریکاست و از ادبیات مرسوم در دستگاه سیاست خارجی این کشور، استفاده می کند.

### ج) تهدید رسانه ای رادیوهای فارسی زبان

ج) تهدید رسانه ای رادیوهای فارسی زبان



---

۱- ادبیات کاخ سفید (۹)، ص ۴۵.

۲- همان، ص ۴۶.

راس جانسون، محقق مؤسسه هوور، می گوید: «برای جذب افکار و قلوب مسلمانان، امریکا به یک سیستم جاسوسی و جمع آوری اطلاعات همانند دوران شوروی سابق نیاز دارد و استراتژی دیپلماسی عمومی، باید بر مبنای استفاده از برنامه های رادیویی باشد».(۱)

در این میان، رادیوهای بیگانه فارسی زبان، با فنون و تکنیک هایی چون بزرگ نمایی، سیاه نمایی، انگاره سازی، برچسب زنی و... همسو با اهداف غرب و بر ضد جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند.

درصد مخاطبان ایرانی رادیوهای بیگانه فارسی زبان، در مجموع ۳/۴۲ درصد از مخاطبان رادیو در ایران را شامل می شود.(۲) از میان پیام های القایی، متغیر «جمهوری اسلامی ایران دچار بحران است»، ۴۶ درصد از کل پیام ها را به خود اختصاص داده است.

دومین متغیر، «جمهوری اسلامی ایران چهره ناخوشایندی در جهان دارد» را سنجیده است. یافته ها نشان می دهد: ۲۳درصد از پیام های رادیوهای بیگانه، با هدف القای پیام بالا که ماهیتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد، منتشر شده است.

سومین متغیر، «ایران ناقض حقوق بشر است» را سنجیده است. ۱۹ درصد پیام های رادیوهای بیگانه فارسی زبان، درصدد القای این پیام هستند.

متغیر چهارم، مقوله «اوضاع ایران به ضرر انقلاب اسلامی، رو به تغییر است» را می سنجد. براساس یافته ها، نزدیک به حدود ۸ درصد محتوای پیام رادیوهای یاد شده نیز، به این مورد اختصاص دارد.



---

۱- دیپلماسی عمومی امریکا در جهان اسلام، ص ۱۴۵.

۲- تهدید رسانه ای (رادیوهای بیگانه فارسی زبان)، ص ۲۰۷.

در پایان، پنجمین متغیر، «نظام اسلامی ناکارآمد است» را سنجیده است. القای ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، مرکز ثقلِ بخش بزرگی از پیام های رادیوهایی است که نمایندگی آن را امریکا بر عهده دارد. نزدیک به ۴ درصد از پیام رادیوهای نام برده به این مقوله اختصاص دارد.

جمهوری اسلامی ایران، در جایگاه یک حکومت، اگر چه درمبنا، مشروعیت و مقبولیت خود را از ناحیه شرع مقدس اسلام و با خواست و اراده مردم به دست آورده است، مؤلفه اصلی قدرت و اقتدار خود را، در حمایت مردم و انسجام آن می داند که رابطه مستقیم با مقوله کارآمدی دارد. بنابراین، سه عنصر مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی، رمز حفظ، بقا و استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران است. خط مشی و استراتژی غرب در رویارویی و برخورد با جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین اساس تعریف شده است. به همین علت، محورهای اصلی پیام رسانه ای غرب و به تبع آن رادیوهای بیگانه فارسی زبان، یکی از این سه عنصر یا پایه اصلی را هدف گرفته است. بخش زیادی از پیام رسانه ای آنها، ناظر بر القای خدشه بر مشروعیت داخلی و خارجی حکومت دینی ایران است و از این میان، پیام های القایی تأکید شده، آشکارا اصل موجودیت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار می دهد.

بخش چشم گیری از پیام آنها برای مخاطب ایرانی خود، ناظر بر القای ناکارآمدی نظام در پاسخ گویی به نیازهای مادی، رفاهی، روانی مردم و ایجاد نارضایتی در میان آنان است.

از سوی دیگر، تحلیل تهدیدات نرم افزاری رادیوهای بیگانه از منظر منظومه گفتمان دینی حمله به نقطه کانونی انقلاب اسلامی یعنی «اسلام»، به طور عمده بر روایت جمهوری اسلامی از اسلام و دین و رابطه آن با

مقوله های اجتماعی متمرکز می شونـد. اگر اسـلام را به عنوان کانونی ترین نقطه گفتمان انقلاب اسـلامی در نظر بگیریم، می توان درک کرد که چرا رسـانه های امریکایی می کوشـند تا آموزه های اجتماعی ـ سیاسـی اسـلام را سـست و دارای اشـکال جلوه دهنـد. آنها در این راه، اسـلام را دینی معرفی می کنند که مسـتعد «خشونت پروری»، خرافه گرایی و دشـمنی با مدنیت و پیشرفت است.

## ۲. تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان

### اشاره

۲. تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان

تلویزیـون هـای مـاهواره ای فارسـی زبـان، یکی دیگر از ابزارهـای دیپلماسـی عمومی و جنـگ روانی ایالاـت متحـده در قبـال جمهوری اسـلامی ایران است. در حـال حاضـر، امواج چنـدین هزار شـبکه متنوع رادیویی و تلویزیونی به وسـیله مـاهواره هـای ارتباطی به اقصی نقاط جهان منتقل می شود که با نصب تجهیزات بسیار ساده به سهولت وارد خانه های مردم عادی می گردد. در شـرایط کنونی به اغلب زبان های رایج در جهان که به ترتیب شامل انگلیسـی، فرانسوی، آلمانی، ترکی اسـتانبولی، عربی و ایتالیـایی هسـتند؛ شـبکه هـای تلویزیونی و به ویژه رادیویی ماهواره ای وجود دارد. از میان کشورهایی که در این زمینه فعالیت گسترده ای دارند، می توان به امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ترکیه، ایتالیا و کشورهای عربی به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس اشاره کرد. هرچنـد انگیزه طراحانِ نخستین ساخت ماهواره، ایجاد ارتباط سـریع و آسان میان انسان‌ها و کشف ناشـناخته ها بود،(۱) کشورهای قدرتمند از

ص:۱۹۸

---

۱- آغاز به کارگیری سیسـتم ارتباط ماهواره ای را در اکتبر ۱۹۴۵ نوشته اند، یعنی زمانی که آرتورسی کلارک، ستوان خلبان نیروی هوایی انگلستان، پیشنهاد پرتاب ماهواره مخابراتی را داد.

این وسیله برای کنترل بیشتر جهان و رسیدن به اهداف سیاسی و فرهنگی خود بهره می گیرند.

میزان استفاده مردم ایران از ماهواره، ۵/۳۲ درصد معادل ۲۳ میلیون نفر است. از میان بیش از ۱۴۰ ماهواره رادیو ـ تلویزیونی که در مدار زمین فعالیت می کنند، ۱۷ هزار و ۶۶۶ شبکه ماهواره ای را می توان در ایران دریافت کرد. (این رقم ها مربوط به محدوده پژوهش است) از این تعداد دو هزار شبکه وضوح بالایی دارد. منظور از تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان، شبکه هایی است که کلیه محتوای آنها به زبان فارسی پخش می شود. این شبکه ها روی ماهواره های تله استار ۱۲ و هات برد قرار دارد. سه ماهواره «هات برد»، «ترک ست» و «عرب ست» بیشترین مخاطب را در ایران دارند. هات برد، اولین گزینه ۹۰ درصد از مردم ایران است.

از میان ده ها شبکه فارسی زبان مقیم امریکا، برخی از آنها که با سنت و فرهنگ ایرانی ـ اسلامی در تعارض اند، به شرح جدول زیر آمده است. معرفی این شبکه ها از این منظر اهمیت دارد که نخست، یکی از روش های مهم و ابزارهای عالی غرب در ستیز نرم، پخش برنامه های برون مرزی ویژه ایران است.

دوم، این رسانه های برون مرزی با وجود فراز و فرودی که در چگونگی ارائه برنامه های خود دارند و به این معضل باید فهرستی از تنگناهای مالی را نیز افزود، پایگاه مهمی برای ارتباط گیری با عناصر مخالف نظام جمهوری اسلامی و طردشدگان هستند.

سوم، تصمیم سازان حوزه رسانه و تکنولوژی های ارتباطی در ایالات متحده با توجه به جمعیت جوان و نخبه ایرانی و شکست دولت اوباما در تعامل با دولت جمهوری اسلامی ایران، مصمم به ترویج انگاره های لیبرالی و

تمرکز بر موضوع تحریم ها، با انگیزه جذب مخاطب ایرانی و نبرد با نظام جمهوری اسلامی هستند.

فهرست برخی از این شبکه ها در جدول زیر آمده است:

ردیف

نام شبکه

علامت اختصاری

تاریخ تاسیس

نام مدیر

محل استقرار

هویت سیاسی

رویکرد

۱

رنگارنگ

NY

۱۹۸۹

داور

کالیفرنیا

سلطنت طلب

سیاسی خبری. تبلیغات سوء در زمینه ارزش های اعتقادی

۲

تماشا

TIN

۱۳۸۱

فرزان دلجو

کالیفرنیا

سلطنت طلب

سرگرمی – فرهنگی

۳

تلویزیون ملی

MELLI.TV

۱۹۷۹

شهرام

هاشمی زاده

–

–

–

۴

موزیک ایرانی

PMC

–

بهنام کرمی

–

غیر سیاسی

سرگرمی

۵

سیمای آزادی

IRAN.TV

–

–

کالیفرنیا

منافقان

سیاسی – خبری

۶

جام جم

–

۱۳۸۱

پرویز ناظریان کوروش بی‌بی‌یان

کالیفرنیا

لابی یهودیان صهیونیست ایرانی

فرهنگی ـ سرگرمی، گرایش به عملکرد رژیم صهیونیستی، سلطنت طلب

ص:۲۰۰

۷

کانال یک

–

۱۳۸۱

شهرام همایون

کالیفرنیا

ارگان رسمی گروهک مشروطه خواه راه آینده

آموزشی – سرگرمی، خبری

۸*

تلویزیون پارس

PARS.TV

۱۳۶۴

امیر شجره

کالیفرنیا

سلطنت طلب، ضد نظام جمهوری اسلامی، ارتباط با کلوپ صهیونیستی روتاری

سیاسی – سرگرمی

۹

تلویزیون ملی ایران

NITV

۱۹۹۷

ضیاء آتابای

کالیفرنیا

سلطنت طلب و ضد نظام جمهوری اسلامی

سیاسی ــ خبری ــ فرهنگی

۱۰ **

تلویزیون

ایران

ITN

۲۰۰۰

حمید شب خیز

امریکا

سلطنت طلب

خبری ــ سرگرمی، تولید شوهای نوروزی

۱۱

آپادانا

APADANA INTERNATIONAL

۲۰۰۱

ستار دلدار

امریکا

سلطنت طلب

خبری ــ سرگرمی

۱۲

تپش

PBC

۱۹۸۹

علی رضا امیر قاسمی

امریکا

غیر سیاسی

سرگرمی – موسیقی – اجتماعی

ص:۲۰۱

۱۳

آزادی

ـ

۲۰۰۱

بهروز صوراسرافیل

رضا قاسمی

سوئد

سلطنت طلب

سیاسی، خبری، ترغیب به نافرمانی مدنی در ایران

۱۴

امید ایران

ـ

۱۹۹۵

نادر رافعی

دکتر سخندان

کالیفرنیا

مشروطه خواه

آموزشی ــ سرگرمی

۱۵

صدای

امریکا

VOA

۱۳۸۲ از طریق ماهواره

۱۳۷۷

دنفورد آستین

امریکا

دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی امریکا

نبرد رسانه ای، زیر سوال بردن مقبولیت و مشروعیت مسئولان نظام و تهدیدآمیز القا کردن تلاش های علمی ایران

۱۶

فارسی ۱

_

۱۳۸۸

روبرت مرداک

امریکا _ هنگ کنگ

امپریالیسم رسانه ای آمریکا

پخش فیلم های ضد ارزشی و نبرد رسانه ای

 هتاک ترین شبکه ماهواره ای ضد انقلاب

 بخش زیادی از مخاطبان کانال های فارسی زبان در داخل را به خود جذب کرده است.

در یک نگاه کلی، می توان شبکه های موجود را به دسته های مختلفی تقسیم کرد. مهم ترین دسته از میان این رسانه ها، همسویی مشهود چهار شبکه

ص:۲۰۲

NITV، تلویزیون پـارس، تلویزیون آزادی و کانال یک است که پیرامون رضا پهلوی علیه جمهوری اسـلامی ایران هم گرایی آشکاری را از خود نشان می دهند.

در مقابل این دسـته، تلویزیون منافقان قرار دارد که با عنوان «سـیمای آزادی» به تکرار موهوم ها و هتک حرمت همه مسـئولان نظام می پردازد؛ در حـالی که سه شـبکه دیگر یعنی تلویزیون ایرانیـان، تپش و جـام جم نیز بـا نسـبت هـای متفـاوتی ازترکیب موسـیقی و اخبار، به موج پراکنی در فضای کشورمان مشـغول‌انـد. براساس اظهارات نیکلاس برنز، معاون وقت وزارت خارجه امریکا، طی سال ۲۰۰۸ م. کنگره ایالات متحـده در چندین مرحله، بودجه ای در مجموع معادل ۱۰۰ میلیون دلار برای حمایت از آنچه «فعالیت های مـدنی و رسانه ای» در ایران نامیـده می شود، اختصاص داد.(۱) بخش عمـده این بودجه به تلویزیون های ماهواره‌ای فارسی زبان اختصاص داده شد که به برنامه سازی و ترویج فرهنگ غربی در داخل ایران می‌پردازند.

ضـد انقلابیون خـارج از کشـور بـه ویژه سـلطنت طلبـان، بـا بهره گیری از این فرصت برای رسـیدن به اهـداف خـود، اقـدام به تحریک، تهییج و تاثیرگذاری بر احساسات برخی از مردم کرده اند و در اوضاع حساس داخلی مانند شـرایط هنگام انتخابات و مشارکت های سیاسی، در شکل دهی و گسترش بحران ها و تنش ها، نقش تحریک کنندگی داشته اند.

امروزه ۲۵۰۰ شـبکه مـاهواره ای را می توان در ایران دریـافت کرد که در میـان آنها ۲۳۲ شبکه مبتذل؛ ۲۷۳ شبکه تبلیغ ادیان ساختگی؛ ۷۴ شـبکه مد لباس و ۳۰۰ شـبکه موسـیقی به چشم می خورد. وجه مشـخصه این شبکه ها تضعیف ایمان مردم و بی اعتماد کردن آنان به نظام جمهوری اسلامی است.(۲)

ص:۲۰۳

---

۱- از بودجه ۵۵۰ میلیارد دلاری وزارت دفاع امریکا برای سال ۲۰۱۰ م.، ۵۵ میلیون دلار را کنگره برای حمایت از رسانه های مخـالف نظـام جمهوری اسـلامی، نفوذ در ایران، مقـابله بـا فیلترینـگ سـایت هـای ضـد ایرانی و آموزش الکـترونیکی ایرانیـان مخالف نظام برای براندازی نرم، اختصاص داده است.

۲- جنگ نرم، ص ۱۲، نیز نک: persian.usinfo.state.gov

آن دسته از شبکه های تلویزیونی ماهواره ای فارسی زبان که در ایران می توان دریافت کرد، متعلق به سلطنت طلبان، مشروطه خواهان، افراد وابسته به رژیم پیشین و منافقان است و مرکز فعالیت بیشتر آنان در شهر لوس آنجلس قرار دارد. رشد قارچ گونه راه اندازی این شبکه ها در طی چند سال گذشته، ضرورت بررسی عملکرد تبلیغی این شبکه ها را دو چندان ساخته است.

بخش عمده ای از ایرانیانِ دارنده تجهیزات ماهواره ای، به زبان های خارجی آشنایی کافی ندارند و از این رو، بیش از ۷۰ درصد از بهره برداری آنها از شبکه های ماهواره ای، به دیدن شبکه های فیلم، شو و همچنین شبکه های فارسی (عموماً ضدانقلاب) اختصاص می یابد. براساس آمارهای تقریبی، میزان استفاده مردم ایران از ماهواره در شهرهای بزرگ و شهرهای مرزی ۴۰ درصد است و از نظر جنسیت نیز در نزدیک به ۶۰ درصد از استفاده کنندگان، زن و ۴۰ درصد مرد هستند.(۱)

در سال ۱۳۸۷ نزدیک به ۵ میلیون و ۴۰۰ هزار گیرنده ماهواره غیر مجاز در ایران رصد شده است.(۲) براساس آخرین تحقیقات و اعلام رسمی، ۷۳ درصد از جوانان مراکز استان‌ها در حالی به سادگی به ماهواره دسترسی دارند که در کشور، هنوز برنامه ریزی برای استفاده بهینه از پدیده ماهواره و نظام مند کردن آن راه به جایی نبرده و البته عمده استفاده آنان تماشای فیلم، سریال و موسیقی است. با وجود آنکه از ظهور تلویزیون دیجیتالی و پخش ماهواره ای زمان بسیاری نمی گذرد، از زمانی که مردم از آنها استفاده می کنند،



---

۱- تهدیدهای رسانه ای و راهبردهای مقابله، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲- «تاکتیک های نرم در مبارزات مدرن»، پایگاه اطلاع رسانی عملیات روانی و جنگ نرم، نشانی پایگاه: http://www.psyop.ir/?p=۱۲۱۹

دولت ها در برابر پی آمدهای آن سیاست های مختلفی را به کار گرفته اند. کشورهای توسعه یافته، از پدیده ماهواره به خوبی استقبال و برای آن برنامه ریزی کردند، ولی بیشتر کشورهای در حال توسعه و جهان سوم در پذیرش این فن آوری جدید در سرگردانی به سر می برند و تنها خاصیت مصرفی پیدا کرده اند. از میان شبکه های فارسی ماهواره ای که در فضای تهدید نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدامات سازمان دهی شده و گسترده ای را برنامه ریزی می کنند، به موارد زیر اشاره می شود.

## الف) تلویزیون صدای امریکا

### اشاره

الف) تلویزیون صدای امریکا

در میان شبکه های تلویزیونی ماهواره ای مستقر در امریکا، تلویزیون صدای امریکا زیر نظر مستقیم بنگاه سخن پراکنی دولتی امریکاست و نسبت به دیگر شبکه ها به لحاظ کیفیت برنامه ها وضع بهتری دارد. این شبکه ها تنها بر مسائل ایران متمرکز است. روایتی که این رسانه از مسائل ایران ارائه می دهد، برای منحرف کردن افکار عمومی جامعه ایران و سازمان دهی و تخلیه ظرفیتِ به دست آمده، در مسیر سرکوب کردن جنبه استقلال طلبانه حکومت جمهوری اسلامی ایران است. این هدف از دو راه دنبال می شود:

روش اول، کوشش برای ایجاد فضایی فرهنگی که ناراضی ایرانی هم دچار این توهّم شود که منافع دولت امریکا با منافع مردم جهان، یکی است. در این فضا مخاطبِ این رسانه می پندارد مطالبی که در آن ارائه می‌شود، همسو با اوضاع ایران است؛ درحالی که آنها مطالبی را می گویند که هماهنگ با سیاست های دولت امریکاست.

روش دوم، تلاش تبلیغاتی برای تشدید میزان نارضایتی در جامعه ایران است. در این زمینه، تلویزیون صدای امریکا از کارشناسانی بهره می گیرد که

ص:۲۰۵

کاملاً مطیع و هم آهنگ با سیاست ایجاد توهّم و بهره برداری از نارضایتی مردم هستند، افرادی مانند: نوری زاده، سازگارا و محمدی. این اشخاصِ به اصطلاح تحلیل گر سیاسی این رسانه، همواره می کوشند رویدادهای روز را براساس سیاست های دولت امریکا، برای ایرانیان تفسیر کنند.

از بررسی برنامه های شبکه تلویزیونی صدای امریکا با استفاده از روش تحلیل محتوا، موضوع ها و روش های عملیات روانی و انواع عوامل و مخاطبان، می توان دریافت که این رسانه در چارچوب جنگ رسانه ای، به عنوان بخشی از جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران، به شیوه ای کاملاً حرفه ای عمل می کند. به این معنا که در ارائه برنامه ها دو اصل ژورنالیستی ایجاز و صراحت به طور کامل رعایت می شوند و در عین حال که مجموعه برنامه ها به شکلی سنجیده و پیچیده درصدد تغییر منظومه فکری مخاطب هستند، به صورت انفرادی بسیار ساده اند و به یک موضوع ویژه می‌پردازند.

بررسی حاضر نشان می دهد که به لحاظ کمیت، دولت جمهوری اسلامی ایران آماج بیشترین تبلیغات منفیِ این رسانه در طول دو سال گذشته بوده است و به لحاظ کیفیت نیز، سه موضوع انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و رهبری نظام، در صدر اهداف تخریبی آن قرار داشته اند. در این زمینه، برنامه های تلویزیونی صدای امریکا به طور کامل این موضوع را منتقل می کنند که انقلاب اسلامی از اساس، بیهوده بوده و نظام برآمده از آن ناکارآمد است و ولایت فقیه نیز علت اصلی مشکلات کشور است. برنامه های تلویزیونی این شبکه به گونه ای طراحی و تولید می شوند که به

مخاطب القا کنند: انقلاب از مسیر اولیه منحرف شده و دستاورد مثبتی برای مردم و کشور نداشته است.(۱)

**همکاران صدای امریکا**

همکاران صدای امریکا

رئیس این بخش، کامبیز محمودی است. کامبیز محمودی، در حکومت پهلوی، معاون تلویزیون ملی ایران بود. مسئولیت بخش فارسی صدای امریکا در سال ۱۹۷۹، زمان شروع فعالیت این بخش، به احمدرضا بهارلو واگذار شد که از بهائیان معروف است و پیش از انقلاب در رادیو و تلویزیون ملی ایران فعالیت می کرد. در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۸ مدیریت بخش فارسی صدای امریکا به بهروز صور اسرافیل واگذار شد؛ شخصیتی که توهین وی به مقدسات اسلامی زبان زد است. درکنار کارمندان این رسانه، گروهی از افراد هستند که با صدای امریکا همکاری فکری دارند. مهم ترینِ این افراد در سال های اخیر محسن سازگارا است که در سال ۱۳۸۱ به اروپا و سپس به ایالات متحده رفت و از مشاوران کاخ سفید شد. سازگارا یکی از کسانی است که به ویژه در ضدیت با اصل ولایت فقیه و رهبری حضرت آیت الله خامنه ای اصرار دارد.

افراد دیگری همچون علی رضا نوری زاده، مهدی خلجی، سیروس آموزگار، عباس میلانی، احمد باطبی، مهرانگیز کار، عیسی سحرخیز، ماشاءالله شمس الواعظین، شاهین فاطمی و الهه هیکس از تحلیل گران ثابت و متغیر این شبکه بوده اند.(۲)

ص:۲۰۷

---

۱- مسعود محمدی، ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران؛ مروری بر «صدای امریکا»، ج ۱، صص ۲۳ _ ۲۸.
۲- همان، ص ۴۶.

تلویزیون صـدای امریکا با هـدف سازمان دهی و مؤثر کردن هجوم رسانه های ضدانقلاب، راه اندازی شد تا در مقاطع کلیدی و به ویژه انتخابـات سال ۱۳۸۸ بتوانـد سیاست هـای دولت جمهوری اسـلامی را در داخل کشور دنبال کنـد و به عنوان بازوی تبلیغاتی قدرتمندی، میان حاکمیت و جامعه شکاف اندازد و تضادها و تقابل های احتمالی را شدت بخشد.

## ب) تلویزیون فارسی ۱

ب) تلویزیون فارسی ۱

این شبکه در روز شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۸ برنامه های خود را شروع کرد. برنامه های این شبکه بیشتر شامل سریال های خانوادگی و تفریحی کشورهای مختلف مانند امریکا و کره به زبان فارسی (دوبله) می شود. در حال حاضر، به دلیل ناآگاهی مخاطبان از اهداف پیدا و پنهان گردانندگان این شبکه، نظر مثبت بسیاری از جوانان و به ویژه خانواده ها را به خود جلب کرده است.

این شـبکه متعلق به روبرت مرداک،(۱) امـپراتور رسـانه ای جهـان است. دفتر مرکزی این شـبکه در هنـگ کنـگ قرار دارد و شرکت معروف «اسـتار» متعلق به نیوز کورپریشن واقع در نیویورک و با همکاری شـرکت افغانی «موبی» متعلق به خانواده سعد محسـنی، آن را اداره می کننـد. از ویژگی هـای ظـاهری این شـبکه پخش سـریال های طولانی مـدت و دنباله دار خانوادگی و تفریحی معمولی است که مخـاطب اصـلی آن خـانواده هـا هسـتند. بخشـی از برنامه های این شـبکه نیز به پخش موزیک هایی اختصاص دارد که بیشترین مضمون های



---

۱- روبرت مرداک، یهودی استرالیایی الاصلی است که به سلطان رسانه ها معروف است. او صاحب ۶۰ شبکه تلویزیونی به ۱۳ زبـان مختلـف است که روزانه ۳۰۰ میلیـون مخـاطب را به خود جلب می کنـد. همچنین مسـئولیت ۱۰۰ روزنـامه و مجله معتبر همچون دیلی تلگراف، وال استریت ژورنـال، نیویورک پست و شـبکه های خبریماننـد فاکس نیوز و اسـکای نیوز را برعهـده دارد.

جنسی و خشونت را به تصویر می کشد. مدیریت شبکه «فارسی ۱» با دقت خاصی، در پخش فیلم ها و سریال های خود بر موارد زیر تأکید می کند:(۱)

یک ــ ترویج خانواده های بی سامان و لجام گسیخته در مقابل ساختار سنتی خانواده؛

دوــ بی اهمیت جلوه دادن احترام به والدین؛

سه ــ عادی جلوه دادن رابطه جنسی دختر و پسر؛

چهارــ هویت زدایی مفهوم خانواده؛

پنج ــ ترویج مفهوم زندگی با دیگران به جای ازدواج؛

شش ــ پی ریزی و ایجاد آمادگی ذهنیِ تفکر شیطان پرستی در نوجوان و جوانان.

در واقع شبکه فارسی۱ حلقه گمشده حمله های سازمان دهی شده غرب بر ضد کانون خانواده در ایران است.

مطالعات نشان می دهد که بی ثباتی در خانواده ها، که به مثابه فطری ترین و مقدس ترین نهاد بشری و حلقه‌های اصلی جوامع و سنگرهای پاسداری از فرهنگ و ارزش تلقی می شود، به دلیل کمبود فکری و روانی افراد جامعه است، روندی روبه گسترش دارد.(۲)

از این رو محتوای ویرانگر و دین ستیز سریال های این شبکه که به طور عمده بر محور مسائل جنسی، خیانت و بحران های خانوادگی می گردد، زنگ خطری برای رسانه ملی در ایران است. اکنون این واقعیت وجود دارد که بسیاری از خانواده های ایرانی از ماهواره استفاده می کنند و برخلاف اقدامات



---

۱- عبدالله بیچرانلو، «تهدیدات وان»، هفته نامه پگاه حوزه، ش ۲۷۴، اسفند ۱۳۸۸، ص ۳۰.

۲- سید ابوالفضل جعفری نژاد، «پیدا و پنهان فارسی۱»، دو هفته نامه پگاه حوزه، ش ۲۷۷، اردیبهشت ۱۳۸۹، نشانی پایگاه: http://www.pegahhowzeh.com

تأمینی نیروی انتظامی، شبکه های ماهواره ای نیز از برنامه روزانه خانواده ها حذف نشده و این مسئله هوشیاری صدا و سیما را می طلبد. انتخاب فرم سریال، آن هم با دوبله فارسی از آن رو می تواند خطرناک ترین هجوم به خانواده های ایرانی باشد که یکی از عادت های خوشایند خانواده ها همواره تماشا و دنبال کردن سریال بوده است. در هر اثر هنری اثر گذار، پیام های خوبی وجود دارد که متناسب با فضای فرهنگی کشور سازنده هستند، ولی سریال هایی که از شبکه فارسی ۱ پخش می شوند، نه تنها بدون پیام های خوب اخلاقی هستند، برخی روابط مسموم و پیام های غربی را انتقال می دهند که هرگز با فرهنگ ما سازگار نیستند. در این زمینه، طراحان براندازی در پی ترویج بی توجهی عقلانی، تضعیف باورهای دینی، ایجاد وابستگی فرهنگی بیگانه و متزلزل ساختن ارزش های اخلاقی قشرهای مختلف، به ویژه کودکان و نوجوانان و تخریب بنیان خانواده ها هستند.

## ۳. تحلیل گفتمان رسانه های دیداری و شنیداری فارسی زبان

### اشاره

۳. تحلیل گفتمان رسانه های دیداری و شنیداری فارسی زبان

آنچه در بررسی فن آوری ماهواره اهمیت دارد این است که جمهوری اسلامی تعامل گسترده و پیچیده‌ای با این تکنولوژی پیشرفته دارد و به نوعی نیز می تواند از این فن آوری برای معرفی انقلاب اسلامی در گستره رسانه ای بین المللی بهره برداری کند، ضمن آنکه مخالفان نظام همه می توانند با جریان سازی خبری و تحلیلی، خط مشی خاص خودشان را در داخل کشور دنبال کنند. براساس منطق تهاجم روانی و تبلیغاتی، چنین فرض می شود که پیام های ارسالی از سوی رسانه های دشمن، با این هدف تدوین و منتشر می گردند که ذهنیت های مرتبط با قدرت و امنیت و نظام سیاسی حاکم را در مخاطبان مشخص، به گونه ای که منافع ارسال کننده پیام را تأمین کند، تغییر

دهد. این تغییر در بستری از آسیب پذیری ها و یا دست آویزهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دنبال می شود و می کوشد تا با تبدیل و جابه جایی افکار، به مقاصد سیاسی نهایی دست یابد.

گفتمان اساسی و کلان شبکه های ماهواره ای فارسی زبان، با توجه به برنامه ها، مواضع و فیلم های آنها، تغییر و براندازی جمهوری اسلامی ایران است؛ چون بیشتر شبکه های یاد شده جهت گیری کاملاً سیاسی دارند و بیشتر آنها را گروه های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی راه اندازی و اداره می کنند. در این میان، گروه های نزدیک به سلطنت طلبان بیشترین شبکه ها را در اختیار دارند. هم اکنون گرایش به راه اندازی بخش تلویزیونی فارسی در میان رسانه های امریکایی، به شدت رو به افزایش است. بدین ترتیب، این پرسش مطرح می شود که گفتمان رسانه های دیداری و شنیداری فارسی زبان، بر مبنای چه مؤلفه هایی برنامه ریزی شده اند؟

## الف) گفتمان سیاسی

### اشاره

الف) گفتمان سیاسی

زیر فصل ها

یک ـ شبهه در مبانی اصلی حکومت دینی

دو ـ اتهام به نقض حقوق بشر

سه ـ فعال سازی ایجاد شکاف

چهار ـ شبکه سازی (یارگیری شبکه ای)

### یک ـ شبهه در مبانی اصلی حکومت دینی

یک ـ شبهه در مبانی اصلی حکومت دینی

در بُعد سیاسی، تلاش رسانه های بیگانه بر این بوده است که با شبهه آفرینی درباره مبانی اصلی حکومت دینی و القای ناکارآمدی آن، مشروعیت جمهوری اسلامی در ایران نزد افکار عمومی خدشه دار شود. بنابر ارزیابی تهدیدات رسانه ای شکل گرفته در زمینه ایدئولوژی سازمان دهنده و مشروعیت بخش نظام سیاسی جمهوری اسلامی، هر سه سطح «اصل اسلام»، «نظام اسلامی» و «نمایندگان اصلی جمهوری اسلامی یعنی خدمتگزاران و مسئولان نظام به ویژه روحانیان» را ایالات متحده آماج حمله های خود قرار داده است. در چنین فضایی، اصلی ترین راهبرد رسانه ای امریکا، جنگ

ایـدئولوژیک به معنای مبارزه میان دو طرز فکر و روش و شـیوه زندگی سیاسـی است. در این نبرد، هدف تضـعیف ایدئولوژی اسلامی از راه ناکارآمد نشان دادن آن در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظام سیاسی ایران است.

محور پیام های شبهه افکنی در مبنای حکومت دینی عبارتند از: (۱)

اول ــ اصولاً حکومت دینی با آزادی های مدنی مخالف است؛

دوم ــ پیوند دین و سیاست، موجب ناعدالتی است؛

سوم ــ حاکمان ایران به بهانه دین و شریعت، آزادی های مردم را سلب کرده اند؛

چهارم ــ اسلام برنامه خاصی برای اداره جوامع امروزی ندارد.

مقصـد روانی در این شـگرد رسـانه ای، شـکل دهی ذهنیت نامعقول در برابر حکومت دینی است، چنان که مخاطبان پیام های ارزشـی که دستگاه رسانه ای و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ترویج می دهد، به سوی هدف نهایی یعنی گرفتن مشروعیت از نظام رهبری شوند.

## دو ــ اتهام به نقض حقوق بشر

دو ــ اتهام به نقض حقوق بشر

این رسـانه هـا همچنین بـا طرح ادعاهـا و ایجـاد القائـات در زمینه نقض حقوق بشـر برای جمهوری اسـلامی، بر آن بوده انـد تا سیاست ها و اقـدامات کشورمان را در این عرصه مغایر با منافع مردم نشان دهنـد و به این ترتیب، مقبولیت نظام را در نزد افکار عمومی کاهش دهند.

محور پیام ها در این حوزه عبارتند از:

اول ــ احترام به حقوق بشر و توقف غنی سازی اورانیوم به عنوان پیش شرط های اصلی ایالات متحده برای مذاکره و گشایش روابط سیاسی با ایران است؛



---

۱- به نقـل از: شـبکه پـارس و کانال جدیـد در بولتن های ش ۳۱۲، ۳۱۷، ۴۱۸، ۵۲۵ و ۵۲۷ صدا و سـیمای جمهوری اسلامی ایران.

دوم ــ متهم کردن ستون های حمایتی جمهوری اسلامی ایران (وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران) به عنوان حامی اصلی گروه های تروریستی لبنانی و فلسطینی بر ضد رژیم صهیونیستی؛

سوم ــ معرفی ایران به عنوان فعال ترین حامی تروریست در جهان؛

چهارم ــ متهم کردن ایران به تسهیل کننده نفوذ تروریست ها به عراق.

### سه ــ فعال سازی ایجاد شکاف

سه ــ فعال سازی ایجاد شکاف

هدف تهدیدات رسانه ای اگرچه در نهایت تغییر کارکرد و حتی فروپاشی دولت هاست، به طرز ملموسی به جای هدف قرادادن مستقیم دولت ها، ملت ها را در معرض بمباران خود قرار می دهد. در این حوزه، فعال سازی ایجاد شکاف در ایران میان دولت و ملت، و دولت با نظام بین المللی، از کارکردهای محوری جدیدی است که به عنوان یک زیرمجموعه در درون استراتژی کلان رسانه ای امریکا بر ضد جمهوری اسلامی جای می گیرد.(۱)

در این زمینه ایالات متحده در حوزه رسانه های دیداری و شنیداری از راه کاربست تبلیغات منفی زیر پروژه گسست میان دولت ــ ملت را پی گیری می کند:

اول ــ تخریب چهره مقامات کشور؛

دوم ــ بزرگ نمایی اختلاف های سیاسی میان جریان های داخلی نظام؛

سوم ــ برجسته سازی اشکال های مدیریتی؛

چهارم ــ برجسته سازی خواسته ها و تمایلات اقلیت ها؛

پنجم ــ ایجاد شبهه ها درباره سلامت و آزادی انتخابات؛

ششم ــ بزرگ نمایی مشکلات ناشی از مواضع مقتدرانه جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی؛

هفتم ــ القای غیر کارشناسی بودن سیاست خارجی جمهوری اسلامی؛



---

۱- نیک ملکی، نگاهی به شبکه های تلویزیونی فارسی زبان خارج از کشور، صص ۲۰ ــ ۲۴.

هشتم ـ القای مغایرت رفتار جمهوری اسلامی با منافع ملی در عرصه خارجی.

## چهارـ شبکه سازی (یارگیری شبکه ای)

چهارـ شبکه سازی (یارگیری شبکه ای)

شبکه سازی به عنوان یکی از فرآیندهای اصلی در طراحی و مدیریت موفق براندازی نرم در راهبرد امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید. نخستین گام در این زمینه، به کارگیری روشی برای ایجاد شبکه هایی از حامیان امریکا در ایران است. بر این اساس، ایالات متحده برای موفقیت سیاست شبکه سازی، بر گروه هایی مانند شخصیت های دانشگاهی و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار، صاحب نظران مذهبی جوان و میانه رو، فعالان اجتماعی، گروه های زنان فعال در مبارزه های برابری جنسیتی و روزنامه نگاران و نویسندگان میانه رو تمرکز دارد. از این رو مهم ترین اصول امریکا در طراحی استراتژی شبکه سازی، بهره گیری از رسانه های همسو است.

شبکه های ماهواره ای فارسی زبان اگرچه در پاره ای موارد غیر حرفه ای و ضعیف بر عرصه رسانه وارد شدند، هم اکنون به طور وسیعی پذیرای نمایندگان جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و فعالان جنبش زنان هستند.(۱)

در این میان، یکی از نهادهای اصلی برنامه ریز و هدایت کننده شبکه سازی در ایران، بنیاد «جامعه باز» وابسته به بنیاد سوروس، به عنوان دومین سازمان رسانه ای جهان است. این بنیاد بیشترین شبکه های تلویزیونی، خبرگزاری ها، سایت ها، خبرنامه ها و روزنامه ها را در سطح جهان مدیریت و هدایت می کند.

به نظر می رسد فصل مشترک جنبش های اجتماعی جدید، با تأثیرپذیری از گسترش کمّی و کیفی ماهواره و اینترنت، تسهیل کنش جمعی جوانان هنجارگریز یا حتی هنجارستیز و با الهام از تجربه زیست مشترک میان



---

۱- گفت و گوی روزنامه اعتماد ملی با دکتر فردین علیخواه، «مخاطب شناسی ماهواره های فارسی زبان»، ۲۷/۱/۱۳۸۷، ص ۸.

گروه های همسال و همجنس، زمینه نافرمانی مدنی و واگرایی را فراهم می آورد.

## ب) گفتمان اقتصادی

### اشاره

ب) گفتمان اقتصادی

مؤلفه های اقتصادی، یکی از عرصه های مهم و مورد توجه رسانه های بیگانه است. در این زمینه رسانه های معاند در تلاشند مشکلات و نابسامانی های اقتصادی کشور را به سیاست‌های کلان نظام در حوزه اقتصاد ربط دهند. تا به این ترتیب ضمن ضعیف جلوه دادن سیاست های کلان اقتصادی، به ترویج سیاست های لیبرالیستی خود بپردازند.

این رسانه ها همچنین با بزرگ نمایی مسائل اقتصادی کشور که معمولاً در کشورهای در حال توسعه دیده می شود، نظام اقتصادی کشور را ناکارآمد نشان می دهند و از این زاویه می کوشند ناکارآمدی نظام دینی را القا کنند. مدیریت اقتصادی و مسئولان اقتصادی کشور نیز از دیگر دستاویزهای رسانه ای بیگانه است تا از این رهگذر مقبولیت و صلاحیت مقامات انقلابی کشور را خدشه دار نمایند.

رسانه های فارسی زبان وابسته به ایالات متحده با برجسته سازی مسائل معیشتی مردم و مشکلاتی که کشور در زمینه تورم و بی کاری با آن درگیر است، تلاش کرده اند نارضایتی های عمومی را برانگیزند و بدین ترتیب، اعتماد و پشتیبانی عمومی را از نظام بگیرند. از سوی دیگر با طرح مباحثی همچون انزوای اقتصادی، تحریم اقتصادی، وابستگی اقتصادی وناامنی سرمایه گذاری، سعی در تشدید فشار روانی بر اقتصاد و جامعه ایران دارند،

ص:۲۱۵

به گونه ای که آینده کشور را نگران کننده جلوه می دهند، تا مردم را در برابر آینده نظام یأس و ناامید و دلسرد سازند.

در این زمینه محور پیام رسانه های دیداری و شنیداری را در چهار بُعد شبهه افکنانه زیر می توان پی گیری کرد:

## یک ــ نظام اقتصادی

یک ــ نظام اقتصادی

با طرح موضوع هایی همچون:

اول ــ دولتی و بسته بودن اقتصاد ایران به عنوان مانعی برای سرمایه گذاری خارجی؛

دوم ــ آلوده بودن نظام مالیاتی ایران به مفاسد اقتصادی؛

سوم ــ آسیب پذیری و شکنندگی اقتصاد ایران، به دلیل تأمین بودجه از راه درآمدهای نفتی.

## دو ــ مدیریت اقتصادی

دو ــ مدیریت اقتصادی

با طرح مسائلی همچون:

اول ــ سوء مدیریت، از عوامل سقوط بازار ایران؛

دوم ــ بی تأثیر بودن افزایش قیمت نفت، به عنوان یک مسیر چاره ساز به دلیل واردات و سوء مدیریت؛

سوم ــ پی آمدهای زیانبار اقتصادی، ناشی از تعویق بهره برداری از طرح های نیمه تمام؛

چهارم ــ ناکامی در صادرات غیر نفتی به دلیل آشنا نبودن با بازارهای جهانی.

## سه ــ شاخص های اقتصادی

سه ــ شاخص های اقتصادی

با طرح مسائلی همچون:

اول ــ کاهش رشد تولید ناخالص داخلی به علت کاهش تولید نفت خام و افزایش واردات؛

دوم ــ کاهش نرخ رشد اقتصادی ایران؛

سوم ــ پایین بودن شاخص کیفیت زندگی در ایران.

### چهارــ سیاست های اقتصادی

چهارــ سیاست های اقتصادی

با طرح موضوع هایی همچون:

اول ــ نگرانی کارشناسان اقتصادی از سیاست های دولت در بخش خصوصی؛

دوم ــ کاهش ذخیره ارزی و افزایش نابسامانی اقتصادی به دلیل سیاست های نادرست دولت؛

سوم ــ افزایش تورم و فرار نقدینگی از کشور، ناشی از سیاست های دولت دهم؛

چهارم ــ ساده انگارانه بودن رویکرد دولت اصولگرا به اقتصاد.

## ج) گفتمان اجتماعی

### اشاره

ج) گفتمان اجتماعی

در بعد اجتماعی، رسانه های امریکایی می کوشند وانمود کنند که ارزش ها و هنجارهای اجتماعی مورد نظر نظام جمهوری اسلامی، در جامعه کم رنگ شده، تا بدین گونه زمینه القای ارزش های اجتماعی لیبرالیستی فراهم شود.

این رسانه ها همچنین با بزرگ نمایی آسیب های اجتماعی و مسائلی همچون حاشیه نشینی، ایدز، ابتذال جنسی، اعتیاد، بی کاری، فقر، قاچاق مواد مخدر و انسان و نابرابری های اجتماعی، برآنند وضعیت اجتماعی کشور را نابسامان جلوه دهند. از این رهگذر، بر نارضایتی مردم بیفزایند و ناکارآمدی نظام را به افکار عمومی القا کنند.

رسانه های امریکایی، در عرصه اجتماعی با بزرگ نمایی مسائل زنان و جوانان، بر آن بوده اند تا نخست از میان این دو قشر اجتماعی که حجم بزرگی از اجتماع را در بردارند، برای خود مخاطب جمع کنند و در عین

حال، بر این قشر که بیشتر دارای احساسات و عواطف هستند، بیشتر اثر بگذارند. این رسانه ها همچنین به شدت تلاش می کنند نظام جمهوری اسلامی را در برابر مسائل این دو قشر، بی توجه جلوه دهند تا بدین ترتیب، صلاحیت و عملکرد مسئولان را ضعیف نشان دهند و میان این دو قشر و حاکمیت نظام شکاف پدید آورند.

افزون بر این، رسانه های بیگانه به بهانه های مختلف، به القای ناامنی اجتماعی در کشور پرداخته اند تا بدین وسیله، ناکارآمدی نظام را در گسترش امنیت، وانمود کنند؛ در حالی که مسبب بسیاری از حرکت های تروریستی و واگرایی ضد امنیتی، با مدیریت فکری و مادی ایالات متحده رقم خورده است.

محور پیام رسانه های دیداری و شنیداری امریکا در بعد اجتماعی بر ضد جمهوری اسلامی ایران، شامل مؤلفه های زیر می شود:

## یک ـ ارزش های اجتماعی

یک ـ ارزش های اجتماعی

آنچه در این بعد، دستاویز ایالات متحده قرار گرفته بروز برخی معضلات اجتماعی همچون موارد زیر است:

اول ـ کمرنگ شدن ارزش های انقلابی در رفتارها و مظاهر پاره ای از قشرهای جامعه؛

دوم ـ هماهنگ نبودن برخی رفتارها و سلوک نسل جوان با برداشت های نسل گذشته، پیرامون رفتارهای دینی است. مقصد روانی در این رویکرد، القای این نکته است که ارزش های مورد نظر و حمایت حکومت، دارای تاریخ مصرف معیّنی است و ارزش های دوران انقلاب، برای جوانان جذاب نیست. مخاطبان مرتبط با این محور، جوانان و عموم مردم هستند. هدف

نهایی در این پیام، روی گردانی مردم از باور دینی و انقلابی، تغییر و استحاله فرهنگی و سرانجام، براندازی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی است.

### دو_ آسیب های اجتماعی

دو_ آسیب های اجتماعی

در این زمینه، رسانه های بیگانه می کوشند تا با تبلیغات منفی، پی آمد حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را اِعمال رفتارهای سرکوبگرانه خانواده ها در قبال زنان و دختران، حاشیه نشینی آنها و افزایش معضل کودکان خیابانی جلوه دهند.

مقصد روانی این پیام، القای این ذهنیت است که جامعه ایران به دلیل ناکارآمدی سیاست های اقتصادی نظام، فقیر شده و مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها منجر به رشد حاشیه نشینی، کودکان خیابانی، زنان و دختران فراری گردیده است.

هدف نهایی عبارتند از: بی اعتماد کردن مردم به سیاست ها و کارآمدی نظام در توسعه عدالت اجتماعی و ناامید شدن مردم از بهبود وضعیت رفاهی و کاهش آسیب های اجتماعی.

### د) گفتمان فرهنگی

### اشاره

د) گفتمان فرهنگی

در عرصه فرهنگ، تبلیغ ارزش های امریکایی به شکل گسترده، مستقیم و غیر مستقیم، کانون توجه عموم رسانه های امریکایی بوده است. در این چهارچوب به اقتضای موضوع ها و مسائلی که بتوان بدان دست آویخت، برای نمونه با بهره گیری از فیلم های سینمایی و سریال های تلویزیونی که از پربیننده ترین برنامه‌های ماهواره است، خودآرایی، شهوت رانی، دوری از معنویت، ابتذال اخلاقی و برهنگی زنان دنبال شده است.

همچنین ترویج ایده ها و آیین هایی که در تعارض با ارزش های اسلامی و همگون با باورهای غربی بوده است، از دیگر اقدامات رسانه های بیگانه به

شمار می رود که از میان آنها به ترویج بهائیت و صوفی گری و توجه به مسائل آنان می توان اشاره کرد.

ایجاد حساسیت در میان مخاطبان درباره ایران گرایی و باستان گرایی و تلاش برای قرار دادن آن در مقابل اسلام گرایی و ارزش های اسلامی، از دیگر رویکردهای رسانه های بیگانه است.

رویکرد عمده شبکه های دیداری و شنیداری فارسی زبان در این باره، بر محور مؤلفه های زیر است:

## یک _ زنان

یک _ زنان

اول _ برهنگی زنان را عامل ارتقای شخصیت آنان نشان می دهد؛

دوم _ القای اینکه تضییع حقوق زنان ریشه در مبانی دینی دارد؛

سوم _ قوانین تبعیض آمیز حقوقی زن در اسلام، آنها را به شهروندانی درجه دو تبدیل کرده است.

بستر تنش زا در این رویکرد، نداشتن آگاهی و بینش عمیق از اسلام است. مقصد روانی رسانه های بیگانه، عبارت از بی توجهی جامعه زنان ایرانی به دستورهای دین اسلام و ایجاد گرایش های فمینیستی است.

هدف نهایی، شامل شکستن حدود و مرزهای دینی و آزادی های بی قید و ضابطه زنان و فساد اجتماعی می شود.

## دو _ حجاب

دو _ حجاب

با این القا که:

اول _ الگوی نظام پاسخ گوی تنوع گرایی و آزادی خواهی نسل امروزی نیست؛

دوم _ نوجوان و جوان دختر ایرانی به دلیل استفاده از لباس های تیره، افسرده شده است.

مقصد روانی این هجمه، بی توجهی به حجاب و حجاب زدایی ایرانی است.

### ه_) گفتمان امنیتی _ نظامی

#### اشاره

ه_) گفتمان امنیتی _ نظامی

در بعد امنیتی و نظامی، تلاش رسانه های امریکایی بر این بوده است که نخست با بزرگ نمایی مسائل داخلی در حوزه امنیت، به لحاظ روانی فضای ناامنی را در کشور گسترش دهند. همچنین با القای تهدیدات خارجی، فشار روانی را بر روحیه مردم شدت بخشند و در ادامه، بر اقتدار مسئولان در اداره کشور، اثرگذار شوند.

از سوی دیگر با القای ضعف فن آوری در نیروهای مسلح و ضعف قوای انتظامی در تأمین امنیت و حفاظت، رویکرد خود را بی اعتمادسازی عموم از نیروهای مسلح قرار داده اند.

محور القائات رسانه های بیگانه در این حوزه، بیشتر مبتنی بر سه شاخص زیر است:

#### یک _ ماجراجویی و جنگ طلبی

یک _ ماجراجویی و جنگ طلبی

اینکه جمهوری اسلامی به دنبال جاه طلبی هسته ای و دگرگونی های انقلابی در ساختار قدرت در خاورمیانه است؛

#### دو_ مداخله در امور دیگر کشورها

دو_ مداخله در امور دیگر کشورها

اینکه جمهوری اسلامی با استفاده از تجربه های جنگ تحمیلی، در پی تجهیز شورشیان شیعه عراقی، آموزش نظامی و تسلیح آنهاست. همچنین به نقش سپاه و وزارت اطلاعات در برنامه ریزی و حمایت از اقدامات تروریستی اشاره دارد.

#### سه _ ایران، تهدید بین المللی

سه _ ایران، تهدید بین المللی

نخست اینکه آزمایش های موشکی ایران پایتخت های اروپایی را تهدید می کند. دوم دست یابی ایران به سلاح هسته ای، اقدام نخست در راه رسیدن گروه های تروریستی به این توانایی است.(۱)

جمع بندی فعالیت های رسانه ای امریکایی در چهار شاخص پیش گفته عبارتند از: در عرصه سیاسی، خدشه دار کردن و شبهه افکنی در سه رکن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران، کارآمدی نظام دینی در مدیریت جوامع امروزی و توانایی و صلاحیت دولتمردان نظام توجه شده است.

در بعد اقتصادی نیز تلاش برای تضعیف نمودن برنامه ها و مدیریت اقتصادی کشور به منظور اعتماد کردن عموم به نظام جمهوری اسلامی و القای ناامیدی به آینده کشور، هدف رسانه های بیگانه بوده است.

در بعد اجتماعی، تلاش رسانه های بیگانه مبتنی بر بزرگ نمایی مشکلات اجتماعی با بهره گیری از زمینه هایی همچون اعتیاد، بی کاری، حاشیه نشینی و فقر است.

در بعد فرهنگ، تلاش رسانه های امریکایی بر کم رنگ کردن ارزش های اسلامی و انقلابی در جامعه ایران و تردیدآفرینی در دستورها و احکام دینی در زمینه های مختلفی چون حجاب، حقوق زن و تبلیغ آیین مسیحیت و فرقه های ضاله است.

در حوزه دفاعی و امنیتی، رسانه های امریکایی می کوشند تا جمهوری اسلامی ایران را قدرت تهدید کننده صلح و ثبات منطقه جلوه دهند.(۲)



---

۱- نک: تهدیدات رسانه ای و راهبردهای مقابله، صص ۱۷۷_ ۲۰۸.

۲- راهبردها و اهداف جنگ رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، ص ۹۰.

## ۴. فیلم ضد اسلامی ــ ایرانی

### اشاره

۴. فیلم ضد اسلامی ــ ایرانی

انتقال اطلاعات و تبلیغات رسانه ای، سال هاست که به صورت هـدفی حیاتی و ممتاز، برای دسـتگاه دیپلماسـی عمومی ایالات متحـده در آمده است. بر اساس تحقیقات موثق دسـتگاه سـیاست خارجی امریکا، مردم جوامع هدف که در معرض دیپلماسـی رسانه ای این کشور قرار دارند، زمینه های همدلی بیشتری با امریکا و حتی در دولت های خود، با امریکا ایجاد کرده اند. طرح های راهبرد رسانه ای که به طور ویژه برای مخاطبان خارج از ایالات متحـده طراحی و منتشـر می شوند، بر گستره و اثرگذاری دیپلماسی ایالات متحده در میان دولت ــ ملت های جهان، بیش از پیش افزوده اند.

بر این اسـاس، طرح استراتژیـک وزارت امور خـارجه ایالات متحـده برای تـأمین امنیت ملی این کشور، بر اهمیت رسـانه ها به عنوان تقویت کننـده انتشار ارزش ها، هنجارها و آداب و رسوم فرهنگی امریکا تأکیـد دارد. این سـیاست به همراه شـدن افکار عمومی جـامعه مخـاطب منجر می شود، حتی هنگـامی که حکومت هـای آنها با سـیاست های امریکا مخالف باشـند. فیلم های ضـد ایرانی در ضـمن همیـن دیپلماسـی امنیـتی، تلاش می کنـد تـا خطر ایران را کـه بـه گمـان آنهـا تروریست پرور و حـامی تروریست است، به جهانیان گوشزد کند. در جوامع امروزی، مردم بیشتر از راه رسانه ها و به ویژه فیلم و تلویزیون، به اطلاعات دست می یابنـد و باورهای سیاسـی خود را شـکل می دهنـد، به گونه ای که می توان گفت رسانه ها چارچوب سـیاست امروز هستند.

با این دیدگاه و در فضایی که تمامی ارکان و اجزای دولت امریکا، اعم از دسـتگاه‌های دولتی تا پژوهشـکده‌ها و دانشگاه ها و رسانه های این کشور، همسو با اهـداف و سـیاست های آن کشور بر ضـد ایران گام برمی دارند، به خوبی می توان تصور کرد که «هالیوود» نیز به عنوان یک جزء از کل دستگاه

دیپلماسی رسانه ای امریکا، به منظور تقویت سیاست خارجی کشور متبوع خود، فیلم های ضد ایرانی و اسلامی را می سازد و روانه بازارهای جوامع هدف اعم از دوست، دشمن و بی طرف می کند.

پیشینه ضدیت سینمای هالیوود با جمهوری اسلامی ایران، به سال های پس از انقلاب اسلامی و زمانی بر می گردد که جمهوری اسلامی برای منافع غرب و به ویژه امریکا و رژیم متحدش اسراییل، تهدید تلقی شد. فراموش نکنیم که صهیونیست ها از گروه های بزرگتر ادبی در کنگره امریکا هستند و از سوی دیگر، این لابی درصدر کمپانی های هالیوود به شدت محسوس است. نیز اگر بپذیریم که دولت امریکا با اختصاص بودجه برای سینمای هالیوود می خواهد در جهت منافعش فیلم سازی کند، دلایل جهت گیری این سینما علیه جمهوری اسلامی ایران، به طور کامل مشهود و ملموس خواهد بود:

### الف) ریشه نگرش ستیزه جویانه رسانه غرب به اسلام

الف) ریشه نگرش ستیزه جویانه رسانه غرب به اسلام

ادوارد سعید، در کتاب خود با نام پوشش خبری اسلام در غرب، برخی ریشه های نگاه ستیزه جویانه رسانه های غرب به اسلام و ایران را موشکافی کرده است. او عقیده دارد که مبنای کلی تفکر شرق شناسانه، نوعی جغرافیای تخیلی و با وجود این، به گونه ای وحشتناک قطب بندی شده است که جهان را به دو بخش نابرابر تقسیم می کند: بخش بزرگ و متفاوت آن به نام «مشرق زمین» خوانده می شود و بخش دیگر که با عنوان جهان ما نیز خوانده می شود، نام «مغرب زمین» یا غرب را به روی خود دارد. سرنوشت اسلام در قالب ساختار عمومی شرق شناسی، این بوده که نخست، به صورت یک پارچه و یکدست دیده شود و سپس اینکه، خصومت و ترسی خاص را ایجاد کند. البته دلایل مذهبی، روان شناختی و سیاسی بسیاری برای این امر وجود دارد؛ ولی همه این دلایل از این احساس و معنا سرچشمه می گیرد که تا آنجا که به

مغرب زمین مربوط است، اسلام نه تنها نمایش گر رقیبی گریز ناپذیر است، معارضی جدید برای مسیحیت نیز به شمار می آید. در طول عمده دوران قرون وسطی و در طول سال های اول رنسانس در اروپا، اعتقاد همگان بر این بود که اسلام یک دین شیطانی، ارتدادگونه، بدعت آمیز و توأم با ابهام و تیرگی است. برای مسیحیان، این موضوع اهمیت داشت که حضرت محمد۹ را پیامبری باطل و دروغین بدانند. حتی هنگامی که جهان اسلام به دوره ای از زوال و اروپا به دوره ای از پیشرفت و تعالی وارد شده بود، هنوز ترس از دین محمدی پابرجا بود.(۱)

## ب) نشانه شناسی سینمای غرب بر ضد اسلام

### اشاره

ب) نشانه شناسی سینمای غرب بر ضد اسلام

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و انتقال مفهوم «دشمن» و یا به تعبیری «دیگر»، بر روی دنیای اسلام، این تلاش ها جنبه شفاف تر و گسترده تری یافت و به ویژه پس از واقعه ۱۱سپتامبر این قضیه ابعادی جدیدتر و جدی تر به خود گرفت. نظام فکری و سینمایی غرب در ادامه همان پروژه «دشمن سازی» و یا به قول سینمایی آن «شیطان سازی»، همواره درصدد بوده است روایتی جدید را برای ادامه حیات خود، جای گزین روایت پیشین کند. در این میان، همواره «دیگری» را شیطان و خود را منجی معرفی کرده است. در این زمینه به ویژه در عرصه سینما کافی است نیم نگاهی به برخی از فیلم های غرب بیندازیم که همگی یک هدف اصلی یعنی منجی بودن غرب را دنبال می کند. در فیلم هایی مانند «مردی که فردا را دید»(۲) اثر اورسون ولز(۳) (در سال ۱۹۸۱) چنین القا شده است که سه نفر ضد مسیح ظهور خواهند

ص:۲۲۵

---

۱- عبدالله بیچرانلو، «بازنمایی ایران و اسلام در رسانه های غرب»، فصل نامه رسانه، سال بیستم، ش ۱، ص۸۳.

۲- the man who saw tomorrow

۳- Orson wells

کرد که اولی ناپلئون و دومی هیتلر و آخرین آنها مردی است از مشرق زمین از تبار پیامبر گرامی اسلام، به نام «پادشاه وحشت». از آغاز تا پایان فیلم، ۲۰ بار واژه «پادشاه وحشت» به کار می رود. در این فیلم نخستین بمب اتمی بعد از ناکازاکی و هیروشیما را نشان می دهد که دنیای اسلام به سوی امریکا شلیک می کند؛ موشک های اتمی و قاره پیمای اسلام تا قلب امریکا می رود و شهر نیویورک را نابود می کند.

بر این اساس، می توان به این نتیجه رسید که به منظور تک بعدی کردن نظام جهانی غربی، سینمای غرب درصدد است با استفاده از ابزارهای رسانه ای به ویژه هالیوود به عنوان نماد رسانه ای امریکا و غرب، شرایط زیر را پدید آورد.(۱)

ــ تیپولوژی و تصویر موجود مسلمانان را اهریمنی نشان دهد؛

ــ از ورای این تصویر به توجیه سیاست های استعماری خود نسبت به سلطه بر کشورهای مسلمان و مهار و کنترل امکانات آنان بپردازد؛

ــ با تبلیغ این تصویر و جهانی نمودن آن باعث شود مسلمانان در باورهای خود متزلزل، نسبت به تظاهرات دینی و شعائر اسلامی گریزان و در پای بندی به سنت های اصیل بی ثبات تر گردند که این خود عامل مهم در کتمان هویت اسلامی و آلودگی به هویت امریکایی است در اینجا با اشاره مختصر به چند فیلم این جنبه ها را بیشتر نشان می دهیم.

## یک ــ فیلم پرواز شماره ۹۳

یک ــ فیلم پرواز شماره ۹۳

یکی از فیلم های مشهوری که پس از ۱۱ سپتامبر در هالیوود ساخته شده، فیلم «پرواز شماره ۹۳»(۲) اثر پل گرین گراس(۳) است. در این فیلم هواپیمایی

ص:۲۲۶

---

۱- علی رضا بیابان نورد، «عملیات روانی، باز تولید سلطه و نظام نمادها؛ نشانه شناسی سیمای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه علمی ــ تخصصی عملیات روانی، سال ششم، ش ۲۱، زمستان ۱۳۸۷ــ بهار ۱۳۸۸، صص ۷۰ و ۷۱.

۲- flight ۹۳

۳- Paul green grass

مسافربری را در تاریخ ۱۱ سپتامبر، شماری از جوانان مسلمان به قصد منهدم کردن کاخ سفید می ربایند، ولی با تلاش مسافران، پیش از رسیدن به مقصد، در میانه راه سقوط می کند. این فیلم با این صحنه آغاز می شود که جوانان مسلمان با خواندن نماز و قرآن و مجهز ساختن خود به ابزاری چون خنجر و چاقو، خود را برای چنین عملیات تروریستی آماده می کنند و در سکانس دیگری در هواپیما، شاهد آن هستیم که یکی از این جوانان در آغاز اقدام به هواپیماربایی، بدون هیچ هشداری، الله اکبرگویان چاقوی خود را در پهلوی مسافری بی گناه فرو می برد. در صحنه های فیلم دیده می شود که تکرار کلمه «الله» موجب تشویش در میان مسافران می شود.

## دو _ مستند فتنه

دو _ مستند فتنه

یکی از فیلم های ساخته شده مستند که همسو با سیاست های رسانه هالیوود تدوین و به نمایش گذاشته شد، فیلم «فتنه» ساخته وایلدرز است که به طور ضمنی و غیر مستقیم، با انگیزه های ضد اسلامی و دینی به تبلیغ منفی بر ضد مسلمانان پرداخته است. این فیلم کوتاه ۱۶ دقیقه ای، دارای دو قسمت است که یک قسمت خشونت طلبی مسلمانان را نشان می دهد و قسمت دوم مسلمانان در اروپا را به تصویر می کشد. در قسمت اول به طور تکراری آیاتی از قرآن پخش می شود و با نمایش صحنه های ناراحت کننده، خشونت صحنه ها را با آیات ارتباط می دهند. برای نمونه در قسمتی از فیلم آیاتی با این مضمون پخش می شود که با دشمنان خدا دشمن باشید. سپس صحنه برخورد هواپیما به برج های دو قلو را می بینیم. در قسمت دوم فیلم، بدون هیچ سنخیتی، سخنرانی ها، خشونت ها و دشمنی بزرگان دین اسلام با دیگر

ادیـان پخش می شود. در این صـحنه ها ما شاهـد سـخنرانی رئیس جمهور کشورمان هستیم که وعـده پیروزی اسـلام را بر کل جهان می دهد.(۱)

ص:۲۲۸

---

۱- همان، ص ۷۴.

## ج) نشانه شناسی سینمای غرب علیه ایران

### اشاره

ج) نشانه شناسی سینمای غرب علیه ایران

زیر فصل ها

یک _ سینمای غرب علیه کلیت ایرانی

دو _ سینمای غرب علیه انقلاب اسلامی

### یک _ سینمای غرب علیه کلیت ایرانی

یک _ سینمای غرب علیه کلیت ایرانی

ص:۲۳۴

مدت هاست از مطرح شدن ایران به عنوان محور شرارت می گذرد و این تقسیم بندی جهان به اندیشه «خودی» و «دیگری»، از همان منطق تقسیم بندی در سیستم جهان ریشه می گیرد؛ تقسیم بندی خوب و بد، شرارت و نیکی و.... در این میان ایران در جایگاه «دیگری» به لحاظ پیشینه تمدنی، همواره و از گذشته های دور نقش پررنگ برای غرب داشته و گویا امروز نقش بیشتر و محوری تری به خود گرفته است؛ به گونه ای که غرب درصدد است مسئله محور شرارت را از وضع کنونی ایران به گذشته های دور نیز سرایت دهد که ساخته شدن فیلم هایی نظیر «اسکندر»، «یک شب با پادشاه»، «پسر جهنمی»، «ارباب آرزوها»، «۳۰۰» و... را می توان در همان فضا تحلیل کرد.

## دو _ سینمای غرب علیه انقلاب اسلامی

### اشاره

دو _ سینمای غرب علیه انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی، در رسانه های غربی به شیوه های مختلفی از راه آثار متعدد تلویزیونی و سینمایی به صورت فیلم، گزارش یا تله فیلم و... تهدید و تخطئه شده است که در این میان، آثاری چون «کشتی گیر»، «سنگسار ثریا»، «بدون دخترم هرگز»، فیلم مستند «نسل جدیدتهران»، «خانه ای از مه و شن»، «انیمیشن پرسپولیس»، فیلم مستند «ترس مقدس»، «گروگان ها»، «هتل هستریا»، «دلتا فورس»، «پسران خمینی» و... مشهورند که بیشتر آنها محصول کشورهای امریکا، انگلستان و فرانسه اند که در اینجا به چند نمونه از محصولات هالیوودی اشاره می شود.(۱)

### اول _ فیلم سینمایی بدون دخترم هرگز۱

اول _ فیلم سینمایی بدون دخترم هرگز(۲)



---

۱- عملیات روانی، باز تولید سلطه و نظام نمادها، ص ۸۰.

۲- not without my doughter

فیلم سینمایی «بدون دخترم هرگز» محصول ۱۹۹۱ هالیوود، به کارگردانی برایان گیلبرت،(۱) در اصل از کتابی به همین نام از بتی محمودی ساخته شده است.

آنچه بیش از هر چیز در طرح موضوع فیلم به بیننده القا می شود، این است که ایرانیان مردمی بی عاطفه، بی رحم و بدون شفقت، حتی با کودک و زنی بی پناه، هستند. روایت تک بعدی و مغرضانه این فیلم، نسبت به مردمی که دارای بار فرهنگی غنی و پشتوانه عظیم تاریخی ـ باستانی و اسلامی هستند، جز برانگیختن انزجار و احساس تنفر دیگر مردمان، چیز دیگری به ارمغان نمی آورد.(۲)

### دوم ـ مستند ترس مقدس

دوم ـ مستند ترس مقدس

فیلم مستند «ترس مقدس» محصول کشور امریکا است که در سال ۱۹۹۷ بر اساس کتابی به همین نام که با استناد به آرشیو سازمان سیا نوشته شده بود، ساخته شد. ترس مقدس، داستان پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی= و حمله به سفارت امریکا و گروگان گیری ۵۲ نفر از اعضای این سفارت است. در این فیلم ادعا شده است که این افراد تنها، عده ای زن و مرد بی گناه بودند که قربانی انقلابی وحشتناک شدند و در واقع امام خمینی= از همان شروع پیروزی انقلاب، با نام اسلام، به تهدید وحشتناکی علیه غرب و غربی ها تبدیل شد.(۳)

### سوم ـ مستند نسل جدید تهران

سوم ـ مستند نسل جدید تهران

مستند «نسل جدید تهران» فیلم دیگری است که سارا باوار، فیلم ساز ۳۰ ساله هالیوودی ساخته است. وی در این فیلم می کوشد تا به مخاطب



---

۱- brian gilbert

۲- همان، صص ۸۰ و ۸۱.

۳- همان، ص ۸۲.

این گونه القا کند که نسل پس از انقلاب اسلامی ایران، به شدت با مفهوم آزادی بیگانه است، آنچنان که وی در یکی از گفت وگوهای رسانه ای خود، مدعی شده که با ساخت این مستند بر آن بوده تا نگرانی و ناامیدی جوانان ایرانی را به تصویر کشد و بدین ترتیب، صدای جوانان غمگین ایرانی را به گوش جهانیان برساند. کارگردان در این گفت وگو ضمن آنکه جوانان ایرانی را دلباخته فرهنگ غرب و آزادی های جنسی معرفی می کند، به نقل از یک پسر دبیرستانی مدعی می شود که آزادی برای این نسل (نسل پس از انقلاب اسلامی)، کاملاً ناشناخته است، آنچنان که نمی دانند آزادی به چه معناست، و برای ساخت این مستند کوتاه، دو سال به تهران سفر و با عده ای از جوانان ایرانی گفت وگو کرده است.(۱)

### چهارم _ فیلم الکساندر (اسکندر)

چهارم _ فیلم الکساندر (اسکندر)

فیلم «الکساندر» یا همان اسکندر را در سال ۲۰۰۴ و پیش از فیلم ۳۰۰ هالیوود عرضه کرد تا کشورگشایی های غربی را با گسترش تمدن و فرهنگ غربی و نجات شرقی از بربریت و البته ستم پادشاه ایران توجیه کند. بخش نخست فیلم با تأکید بر آموزه های فلسفی ارسطو، استاد اسکندر، آغاز می شود که خود، از فیلسوفان بزرگ غرب بود، درحالی که تنفر خود از ایران را پنهان نمی دارد و به گونه ای اسکندر را به فتح ایران تشویق می کند؛ چرا که ایران را تهدیدکننده صلح و تمدن غربی می داند. با توجه به اهمیت و شخصیت ارسطو در میان جهانیان و به ویژه غربیان، مشخص می شود که عملیات روانی فیلم علیه تمدن و فرهنگ ایران زمین، با توجیهات فلسفی و به کارگیری چهره های مؤثر در گهواره تمدنی غرب، شکل می گیرد. به بیان دیگر، اگر الکساندر به ایران



---

۱- همان.

حمله می کند، نه به واسطه تشنگی وی برای کشورگشایی و جاه طلبی‌های شخصی است، بلکه تنها حفظ تمدن غرب، او را به این کار وا می دارد.(۱)

### پنجم ـ فیلم کشتی گیر۱

پنجم ـ فیلم کشتی گیر(۲)

این فیلم تولید سال ۲۰۰۸ در امریکاست. شخصیت اصلی داستان، کشتی گیر است. حریف او نیز شخصی به نام آیت الله است که در فیلم، به صراحت با نماد و پرچم جمهوری اسلامی ایران شناخته می شود. بخش مهم در عملیات روانی هالیوود، صحنه و سکانس مبارزه دو رقیب کهنه کار پس از بیست سال است. درحالی که رقیب، پرچم جمهوری اسلامی ایران را در حضور تماشاچیان به حرکت در می‌آورد، میکی رورک پرچم را از دست وی می گیرد، روی زانوی خود دو نیم و به سوی جمعیت پرتاب می‌کند. در این حال، جمعیت با فریاد «امریکا، امریکا» وی را تشویق می کنند. فیلم کشتی گیر نمونه ای شاخص و برجسته از نمایش تقابل دو تمدن و ایدئولوژی است که همچون دیگر فیلم های هالیوودی، پیروزی با امریکاست.(۳)

### ششم ـ فیلم ۳۰۰

ششم ـ فیلم ۳۰۰

فیلم ۳۰۰، محصول شرکت برادران وارنر و به کارگردانی زاک اسنایدر، بر اساس داستان کمیک فرانک میلر ساخته شده است. این فیلم به روایت جنگ ایران (خشایار شا) و یونان (لئونیداس) می پردازد و ضمن اینکه می کوشد میان این جنگ و نظریه «برخورد تمدن ها»ی هانتینگتون انطباق ایجاد کند، از تم اصلی ضدایرانی بهره می جوید. داستان فیلم، برگرفته از «نبرد ترموپیل»

ص:۲۳۸

---

۱- علی فلاحی، «سینمای هالیوود و عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه علمی تخصصی عملیات روانی، سال ششم، زمستان ۱۳۸۷ ـ بهار ۱۳۸۸، ش ۲۱، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۲- wrestler

۳- همان، ص ۱۰۲.

است که در سال ۴۸۰ پیش از میلاد میان سپاه ایران در زمان خشایار شا با سپاه یونان در زمان لئونیداس اتفاق افتاده است.(۱)

در فیلم ۳۰۰، ایران، نمادی از دیکتاتوری و بی خردی و وحشی گری است و یونان (غرب)، نماد دموکراسی و مبارزه با آدم کشی و تجاوز. به عبارت دیگر، ۳۰۰، فیلمی است هدفمند که در آن تقابل تاریخی هیولا و فرشته (شیرو خط)، به نمایش در می آید و در این میان، نقش هیولا متوجه ایرانیان است. حال آنکه در آن مقطع زمانی، ایرانیان به آزادی های فردی و حقوقی اقلیت ها و زنان و... رسمیت داده بودند، ولی در یونان و کل اروپا، برده داری و بدوی گرایی، مشخصه ای بارز به شمار می رفت.

تاکتیک های سیاسی ـ رسانه ای فیلم ۳۰۰(۲)

۱. تاکتیک ساخت دشمن فرضی

این فیلم به دنبال ساخت یک دشمن فرضی از ایران برای جهان است. ایرانیان بنابر فرمول امریکایی همواره به عنوان ملتی مخالف اصول و ارزش های بین المللی، ملتی شرارت خواه و مخالف آزادی به سبک غربی شناخته شده و در رسانه ها به تصویر درآمده است.

۲. تاکتیک محک زدن

این فیلم درصدد محک زدن واکنش مردم ایران با ارائه تصویری از شاه دیکتاتور و بی لیاقت است که مردمان ایران را به مثابه بردگان درآورده و آنان را هدایت می کند تا از این راه، ایرانیان را برای مقابله با نظام تحریک کند.

۳. ایجاد ترس و وحشت از دشمن خیالی



---

۱- خدایار ابراهیمی، «راهبردهای عملیات روانی سینمای هالیوود در ستیز با اسلام با تأکید بر فیلم ۳۰۰»، در کتاب مطالعات موردی در عملیات روانی، ص ۱۳۷.
۲- معاونت پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، «تحلیل گفتمان دیپلماسی رسانه ای فیلم ۳۰۰»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال دوم، تیر ۱۳۸۶، ش ۳۴، صص ۱۵ـ۲۰.

در این فیلم ایرانیان به صورت موجوداتی ترسناک فرض می شوند که غیر از خشونت، با چیز دیگری آشنا نیستند.

۴. القای واهی بودن قدرتمندی ایران در منطقه خاورمیانه

لئونیداس، شاه اسپارت، در بخشی از فیلم می گوید: «تو برده زیاد داری خشایارشا! ولی جنگجو کم.» ادعای غرب درباره دولت ایران، همواره این بوده است که ایرانیان می کوشند تصویر بزرگی از خود در صحنه بین المللی ارائه دهند، ولی این جاه طلبی مقامات ایرانی، واقعیت ندارد.

۵. ایجاد حس خودکم بینی در مردم ایران

سراسر فیلم پر است از صحنه های تحقیر ایرانیان به عنوان توده هایی که همواره حکومت گران مستبد و دیکتاتور، آنها را از رشد و پیشرفت انسانی باز داشته اند.

### هفتم ـ مستند درون ایران، خطرناک ترین ملت

هفتم ـ مستند درون ایران، خطرناک ترین ملت

در ابتدای این مستند، صدای بوش بر روی تصویرهایی از مردم ایران قرار داده شده که خطاب به مردم ایران می گوید: «از منابع طبیعی کشور شما برای ساخت اسلحه استفاده می شود.» در ادامه، موشک های ساخت ایران به نمایش در می آید که ادعا می شود در جنگ رژیم صهیونیستی و لبنان، بر ضد رژیم صهیونیستی به کار رفته اند. تدکاپل، یکی از مشهورترین مجریان تلویزیونی امریکا، در این مستند تلاش می کند ادعاهای بوش را در مورد اینکه «ایران کشوری خطرناک است»، با ارائه شواهدی رسانه ای ـ که مجموعه ای از اتهام های بی اساس و دروغ های همیشگی مطرح شده علیه کشورمان است ـ به اثبات برساند.(۱)

ص:۲۴۰

---

۱- بازنمایی ایران و اسلام در رسانه های غرب، ص ۸۸ .

## هشتم ــ سفر انقلابی به ایران

هشتم ــ سفر انقلابی به ایران

در این مستند کریستین امانپور، خبرنگار شبکه سی ان ان، راوی و به عبارتی بازیگر آن است. سفر امانپور، در سال ۱۳۷۹ به کشورمان در آستانه برگزاری انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی انجام شده است. او بر آن است به مخاطب نشان دهد که جوانان در اجرای موسیقی دلخواهشان با مانع روبه رو هستند، زنان به رغم میل شان باید حجاب داشته باشند، دانشجویان از وضع کشور ناراضی اند. بدین ترتیب، ترسیم فضای سیاهی و خفقان در ایران، هدف اوست.(۱)

## ۵. NGO ها و نهادهای غیر همسو با نظام

۵. NGO ها و نهادهای غیر همسو با نظام

از نگاهی دیگر حمایت و سرمایه گذاری مادی و تبلیغاتی ایالات متحده امریکا بر گسترش بنیادها و سازمان های غیردولتی و غیرانتفاعی که به طور عموم مأموریت های ویژه ای با دامنه عملیاتی و برد بین المللی دارند، ضرورت تقویت و تجهیز حس گرهای امنیتی و انجام مطالعات ژرف تر در زمینه شناسایی اهداف و تحلیل نقش پذیری های سازمان ها و شبکه های غیردولتی را در مقایسه با سازمان های غیر دولتیِ هدایت شده از سوی قدرت های سلطه گر، دوچندان می کند.(۲) شبکه سازی های غیرهمسو با نظام جمهوری اسلامی که گروه های واگرای داخلی از یک سو و جریان های خارجی از سوی دیگر درصدد ایجاد و توسعه آن هستند، موسوم به NGO هاست.

یکی از پایه های مهم انقلاب های رنگین در گرجستان، قرقیزستان، اوکراین و صربستان شکل گیری و یاری گیری نهادهای NGO غیر همسو بوده است.

ص:۲۴۱

---

۱- همان، ص ۹۰.

۲- محمد اخباری، «رشد و گسترش نهادهای مردم محور NGOS و تأثیر آن بر ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه نگرش راهبردی، سال هشتم، ش ۸۸، اسفند ۱۳۸۶، ص ۹۷.

سازمـان هـای غیر دولتی به مثـابه ابزاری برای نفوذ و رخنه به منظور دست یـابی به فضـای حیـاتی و موقعیت مکانی کشورهای هدف هستند.

رویکرد فزاینده گروه‌های سیاسـی به ویژه مخالفان به چنین نهادهایی، می تواند این نهادها را به عنوان پایگاه های تأثیرگذار بر عرصه سیاسی تبدیل کند. بدیهی است در استراتژی نافرمانی مدنی که در شرایط جدید سیاسی ایران بیش از پیش کانون توجه امریکاست، NGO ها مهم ترین عامل برای کلید زدن آن تلقی می شوند.(۱)

تلاش برای تنظیم و تغییر در ژئوپولیتیک رفتاری به ویژه در مؤلفه های انسانی، به غلیان در آوردن مطالبات گروه های صـنفی، جنسـی و سـنی برخی از راهبردهـای نرم افزارانه امریکـا در حمـایت از سازمـان هـای غیر دولتی در کشورهـای هـدف، خاصـه جمهوری اسلامی ایران است.



---

۱- تهدیدات و آسیب های فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱۱.

## فصل دوم: برخورد در فضای مجازی

### اشاره

فصل دوم: برخورد در فضای مجازی

در شرایط کنونی شاهد تغییر نبردها از رویکردهای سخت افزارانه به سوی تهدیدات و عملیات نرم هستیم و برخورد در فضای مجازی، زیر مجموعه ستیزهای نرم به شمار می آید.

مخالفان و کینه توزان نظام جمهوری اسلامی پس از آزمودن ملت مقاوم و حکومت اسلامی ایران در شرایط جنگ سخت، به این نتیجه رسیدند تا زمانی که مردم حامی و پشتیبان نظام اند، نمی توان خللی در پایه‌های استوار حکومتی وارد کرد. آگاهی دشمنان خارجی به ویژه امریکا و مریدان داخلی آنان از این موضوع، سبب شد پروژه ای در قالب جنگ نرم و سایبری کلید بخورد که هدف آن، قرار دادن مردم در مقابل نظام و تغییر رفتار جامعه و سرانجام تغییر ساختار نظام در قالب ستیز نرم، تعریف شده بود.

در این روند، ایالات متحده با بهره گیری از مجموعه متنوعی از رسانه ها می کوشد تا هر رسانه ای، بخشی از مخاطبان را جذب کند. مطبوعات، قشر خاص، رادیوها، مخاطبان سنتی و رسانه های جدید نیز مخاطبان جوان را در نظر دارند. بنابراین، در بررسی تهدیدات رسانه ای، هیچ ابزار ارتباطی

نباید کم اهمیت تلقی شود. نشانگاه های جنگ در فضای مجازی، با توجه به مواردی چون دشمن، کشور هدف و اهداف مدنظر، متفاوت است. یکی از

نشانگـاه هـای مهم، جوانـان و نوجوانـان و اسـتفاده از ظرفیت آنـان است. در کنـار جنـگ امواج که به طور عمـده رسـانه های مـاهواره ای بیگـانه آنهـا را هـدایت می کننـد؛ تـأثیر این مـورد و نقش آفرینی آن در سازمـان دهی و جهت دهی آشوب هـا و نافرمانی های مدنی، اهمیت بسیاری دارد.

رسانه های نوین الکترونیک از این پس نقش بسیار مؤثری در دگرگونی های فرهنگی ایران خواهند داشت. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

امروزه تهاجم فرهنگی با اسـتفاده از ابزارها و فن آوری های جدید ارتباطی، خیلی جدی است. صدها وسیله و راهرو اطلاعات به سمت فکر جوان و نوجوان ما وجود دارد؛ از انواع شیوه های تلویزیونی و رادیویی و رایانه ای و امثال اینها دارند استفاده می کننـد و همین طور به صورت انبوه، افکار و شـبهه های گوناگون را در آنها می ریزنـد. بایـد در مقابل اینها ایسـتاد. امروز نمی شود به همـان روش های قـدیمی خودمان اکتفا کنیم. جوان را بایـد بشناسـید، او را بایـد بشناسـید، آنچه را به او هجوم آورده، باید بشناسید.(۱)

از این رو ارتش سـایبری دشـمن بـا اسـتفاده از انواع نبردهـای دیجیتـالی و در قـالب استراتژی کلاـن «هر شـهروند یک رسانه»، اهداف خود را دنبال می کند.

بـدین ترتیب، در این فصـل در حوزه برخورد ایالاـت متحـده امریکـا بـا جمهوری اسـلامی ایران در فضای مجازی، دو نشانگاه بررسی شده است: نخست

اینترنت با دو مشخصه شبکه های اجتماعی و سایت های ضد ایرانی و دوم بازی های رایانه ای.

ص:۲۴۴

---

۱- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیان، ۱۷/۸/۱۳۸۵.

پی آمدهای تنش زایی را که فضای مجازی می تواند برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، می توان چنین دسته بندی کرد:(۱)

الف) تنش های امنیتی، اطلاعاتی، شامل: تجمع ها و اجتماع ها، ارتباط با گروه های معاند و برانداز، جاسوسی اینترنتی، انتقال اطلاعات، مکانیزم های جدید شایعه سازی، جای گزینی رسانه ای و....

ب) تنش های اجتماعی، فرهنگی، شامل: ارتباطات غیر متعارف میان قشر جوان، گسست بین نسلی، انحراف اخلاقی، ایجاد مطالبات جدید اجتماعی، شکل گیری خرده فرهنگ های مختلف، بسترسازی لازم برای تهاجم فرهنگی، انتقال مطالبات قومی و منطقه ای و افزایش تحریک پذیری قومیت ها.

ج) تنش های سیاسی، شامل: ایجاد گروه های سیاسی مجازی، اختلال در روند کنترل جریان اطلاع رسانی، انتقال مستقیم اندیشه ها و دیدگاه های جریان های معاند به داخل، ایجاد گروه های فشار و ذی نفوذ مجازی، ایجاد مطالبات جدید سیاسی، کاهش نفوذ رسانه های ملی و داخلی.

در چنین فضایی، امریکا زمینه لازم برای افزایش سطح فشارهای داخلی و بین المللی بر ایران را فراهم می کند. بدون تردید مدیران فرهنگی کشور با اشراف به این موضوع باید با به کارگیری رویکرد مبتنی بر بصیرت، نیروهای خلاق و توان مند را برای مقابله با حمله های مجازی دشمن تربیت کنند و امکان سرمایه گذاری و ارتقای سطح فن آوری و عملیاتی موجود در این حوزه را نیز فراهم آورند.

### ۱. اینترنت

۱. اینترنت

اینترنت، در ایران هر روز فراگیرتر می شود. از زمانی که پژوهشگران ایرانی با پیشتازی مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات از راه شبکه BIT NET



---

۱- اینترنت در ایران، بررسی کارکردهای مثبت و منفی اینترنت و وبلاگ در ایران، پژوهش و تحلیل: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ص ۱۰.

به اینترنت متصل شدند، (۱۳۷۰) نزدیک به دو دهه می‌گذرد. به این ترتیب ایران زمانی که به این شبکه متصل شد، پس از رژیم صهیونیستی، جایگاه دوم را درحوزه خاورمیانه به دست آورد.(۱) سهولت، سرعت، جذابیت بصری و تکیه بر جایگاه مجازی، بر نقش اینترنت را در عرصه تهدیدات رسانه ای می افزاید.

برای دسته بندی کاربران ایرانی، از نظر سن می توان گفت ۶۲ درصد ۲۱ تا ۳۲ ساله هستند. از نظر میزان سواد، بیشتر کاربران اینترنت در ایران دارای سطح تحصیلی زیر دیپلم و دیپلم هستند و این قشر به تنهایی یک سوم کاربران را تشکیل می دهند. افراد دارای لیسانس نیز دومین گروه بزرگِ کاربران را به خود اختصاص می دهد.

بیشتر کاربران اینترنت در ایران، در خانه های خود که امکان دست یابی به سایت های خاص فراهم تر است، از اینترنت استفاده می کنند. بعد از خانه، از امکانات اینترنتی موجود محل کار و سپس مکان خاصی همچون کافی نت ها استفاده می شوند.(۲)

یک سوم از وبلاگ های فارسی، در ایران نوشته می شوند و بقیه را سه میلیون ایرانی پراکنده در سراسر جهان که دو میلیون آنها در امریکا ساکن هستند، به روز می کنند.(۳)

## ۲. شبکه های اجتماعی اینترنتی در ایران

۲. شبکه های اجتماعی اینترنتی در ایران

توان مندی های بی نظیر اینترنت، سبب شد این پدیده به مهم ترین و مؤثرترین ابزار جنگ نرم بدل شود. بنابر تازه ترین آمار، ایران در منطقه خاورمیانه و



---

۱- ناصر شعبانی و محمدباقر فرهمند، «محورهای عملیات روانی در فضای سایبر، مدل رسانه های گروهی مادر»، در کتاب مطالعات موردی در عملیات روانی، ص ۱۱۶.

۲- تهدیدات رسانه ای و راهبردهای مقابله، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۳- مباحث سیاسی متأثر از گسترش اینترنت، ۲۰/۴/۱۳۸۹، نشانی پایگاه: http://www.ictna.ir

شمال افریقا با ۵۷ کاربر به ازای هر ۱۰۰ نفر، گسترده ترین دسترسی به اینترنت را دارد. به واسطه اینترنت، انواع رسانه های اجتماعی در فضای دیجیتالی ایجاد شده اند و در دسترس جوانان و شهروندان ما قرار دارند؛ شبکه های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی ها، پادکست ها، فروم ها، کامیونیتی ها و.... آیا ما از آثار و پی آمدهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این پدیده ها آگاه هستیم؟ روش برخورد ما با آنها چگونه باید باشد؟ پدیده های جدید، فرصت سازند یا تهدید آفرین؟ و پرسش های دیگری از این مقوله، نیازمند پاسخ گویی دقیق و راهبردی است. نمونه ای از این پدیده ها که در حال حاضر دوران طلایی خود را سپری می کند، سایت های معروف به «ارتباطات یا شبکه های اجتماعی»(۱) هستند.

سایت های ارتباطات اجتماعی در ظاهر به منظور ایجاد فضایی برای حضور الکترونیکی افراد در جامعه و بیان دیدگاه ها، پیدا کردن دوست، ارتباط با دوستان و فرستادن پیام های گروهی فعالیت می کنند، ولی در باطن، بیشتر این وب گاه ها در خدمت بنگاه های خبری و اطلاعاتی قرار دارند و با گردآوری اطلاعات شخصی افراد، به پرونده سازی و گاهی عضوگیری برای سازمان های جاسوسی و تروریستی غربی اقدام می کنند. ارتباط، در نسل جدید سایت های اجتماعی، دوسویه است و فضایی برای محاوره دو طرف وجود دارد. از ویژگی های مهم وب سایت های اجتماعی، شکل گیری جماعت های آن لاین است، چنان که دست آخر تسهیل کننده هدایت افکار عمومی به شمار می روند. کارکرد دیگر این وب گاه ها، خبررسانی از نوع شایعه است. آنجا که خبررسانی از نوع شایعه، اگر نخست از یک بنگاه خبری بزرگ صورت بگیرد، پس از معلوم شدن نادرستی آن، سبب تخریب



---

۱- Social Networking

شدید وجهه آن خبرگزاری می شود، استفاده از شخصیت های حقیقی ساختگی بر روی این گونه سایت ها تا اندازه زیادی از هزینه شایعه پراکنی برای بنگاه های خبری و تبلیغاتی می کاهد. از این رو در جریان تقابل گرایی از جنس نرم، این سایت ها نقشی ویژه ایفا می کنند.(۱)

در حال حاضر شبکه های اجتماعی بسیاری مشغول فعالیت هستند که از میان برخی از شبکه های مهم، می توان به شبکه های توییتر Twitter، مای اسپیس My space، فیس بوک (Face Book)، اورکات orkut، های فایو Hi 5، فرند فید Friend feed، فلیکستر Flixster، همکلاسی Class mate و... اشاره کرد.

به عقیده برخی از صاحبنظران رسانه ای، بررسی عملکرد شبکه های اجتماعی نشان می دهد که پای بند نبودن برخی از آنها به خطوط قرمز در زمینه امنیت اجتماعی در جامعه، با توجه به مزیت ها و کاربردهای آن به عنوان خطری جدی مطرح می شود.

به این جمله دقت کنید: «تصمیم گرفتیم به جای بمباران ایران، آدرس های اینترنتی خارج از دسترس دولت ایجاد کنیم!» این گونه جمله ها، گوشه هایی است از سخنان فونتن، مشاور سابق مک کین و محقق ارشد مرکز امنیت امریکای جدید، که بیان کننده برنامه های آشکار امریکا و غرب در پروژه جنگ نرم بر ضد ایران است. برنامه هایی که دولت و کنگره امریکا با تخصیص رسمی ۵۵ میلیون دلار برای فعالیت های اینترنتی بر ضد جمهوری اسلامی اجرا می شوند. در این زمینه، وزارت امورخارجه امریکا برای هماهنگی بیشتر سیاست های فضای مجازی، دفتر «فرارسی» دیجیتال را

ص:۲۴۸

---

۱- «گزارش راهبردی رسانه، شبکه های اجتماعی؛ مسیری نو در ارتباطات»، تهران، اسفند ۱۳۸۸، ش۲، ص ۴۲.

راه انـدازی کرد. این دفتر وظیفه دارد تـا از راه درج دیـدگاه هـای دولت ایالاـت متحـده بر روی شـبکه اینترنت به زبـان هـای گوناگون، بسترساز برقراری ارتباط با مردم و کاربران اینترنت در کشورهایی همانند ایران باشد.(۱)

دو شبکه اجتماعی «توی□تر» و «فیس بوک» در رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، در قبال مسائل ایران بسیار فعال بودنـد و با حمایت عینی دولت امریکا، به محملی برای رواج شایعه و جنگ مجازی بر ضد نظام جمهوری اسـلامی تبدیل شدنـد. عملکرد توییتر، به صورت یک وبلاگ خلاصه و شبیه به پیامک ها بوده و در طول حوادث پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸، به صورت جـدی در اختیـار سازمـان دهنـدگان اعتراض هـا قرار گرفت تـا از آنهـا برای تهییـج و همـاهنگی بـا اعضـا و هوادارانشـان برای شـایعه سـازی و اغتشـاش بهره ببرنـد. بـدین ترتیب تویـتر و در کنـار آن فیس بوک، نقش بی سـیم و شـبکه ارتباطی نیروهای اپوزیسـیون را بازی کردند، به گونه ای که در کنار حرکت این سایت ها شاهد فشار دستگاه حکومتی امریکا بر تویتر بودیم که حتی تعمیرات ماهیانه خود را انجام ندهنـد. در اوج ناآرامی های اخیر در ایران به طور میانگین در هر ساعت بیش از ۲۲۰ هزار مطلب را کاربران در داخل یا خارج از کشور روی این شبکه قرار می دادند.(۲)

اینهـا اقـداماتی است که در چـارچوب های ساختارشـکنانه گروهی از معارضان پس از انتخابات، نمود عینی یافت و ابزارهایی چون شبکه های اجتماعی، مهم ترین کانون فتنه و ایجاد هم گرایی میان آنان شد. چنان که به گفته گردانندگان سایت توییتر، بدون دخالت این سایت در روند اغتشاشات



---

۱- محمـد شـریعت پناه، «تهاجم و تقابل در فضای سایبری (گفت و گو با مدیر مرکز بررسـی تهدیدات سایبری سـپاه پاسداران انقلاب اسلامی)»، ماهنامه پیام انقلاب، تیرماه ۱۳۸۹، ش ۳۶، ص۱۷.

۲- «گزارش راهبردی رسانه، جنگ سایبری»، بهمن ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۳۳.

پس از انتخابـات ریـاست جمهـوری، گزینـه «تقلـب» هرگز جـا نمی افتـاد و در حـالی کـه جمعیـتی انــدک در خیابـان هـا به ساختارشـکنی می‌پرداختنـد، گروهی به مراتب بزرگ تر بـا تأثیرپـذیری از این شـبکه هـای اجتمـاعی بر پشت بـام هـا فریـاد بر می آوردند.

یـک تصویر خاص، ایران و جهان را به هم پیونـد داد؛ تصویر نـدا آقا سـلطان، ۲۷ سـاله، که در خیابـانی در تهران تیر خورد و کشـته شـد و فیلم آن میلیون ها بار در یوتیوب دیـده شد؛ فیلمی که به گفته کریستین ساینس مانیتور، دلیل معرفی سایت توییتر به عنوان نـامزد دریـافت جـایزه صـلح نوبـل بیـان شـده است؛ سـایتی که به تعبیر همین نشـریه به عنوان سـلاح جنگ نرم، برای دموکراسـی کـارآیی زیـادی دارد. ایـن در حـالی اسـت کـه فرهنـگ ارتبـاطی مـا سـرشار از شـبکه هـای اجتمـاعی و فرهنگی قدرتمندی است که مرکز هم گرایی ارزش ها و اقدامات فرهنگی بوده است.

پرسـش اینجاست که علت اصـلی درخواست دولت امریکا از این شبکه ها چه بوده است؟ بر اساس نظر کارشناسان طراز بالای سیا، ۹۵ درصـد از اطلاعـات مورد نیاز «آژانس اطلاعات مرکزی» از اطلاعات علنی تأمین می شود و تنها ۵ درصد از اطلاعات اکتسابی، طبقه بندی شده است. ضمن اینکه بارها مسئولان اطلاعاتی و سیاسی ایالات متحده امریکا تأکید داشته اند که بزرگ ترین نقطه ضعف آنها در قبال ایران، نداشتن اطلاعات کافی از داخل ایران است.(۱) به همین علت، در سال های اخیر با شکل گیری رسانه های نوین ارتباطی و برای نمونه شـبکه های اجتماعی، سازمان های اطلاعاتی امریکا دریافتند که این شبکه ها می توانند، بالقوه بستری بسیار مناسب برای کسب اطلاعات علنی و یا غیر علنی باشند. شبکه های اجتماعی این مزیت را دارند



---

۱- شبکه های اجتماعی، مسیری نو در ارتباطات، ص ۷.

که زمینه ارتباط مستقیم با مردم در کشور هدف را برقرار می‌کنند. این امری بود که پیش از این از راه وبلاگ ها محقق می شد، ولی ضعف وبلاگ ها در این مورد دسته بندی و تفکیک نکردن اطلاعات بود که کار بررسی و تحلیل خبر را وقت گیر و پر هزینه می کرد.

از این نکته نباید بگذریم که توانایی ها و ظرفیت های موجود در کشور نیز جهت رویارویی با نبردهای مجازی، به پیشرفت های مناسبی دست یافته است. در این زمینه با توجه به تلاش های سازمان پدافند غیر عامل و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیشرفت های بی شماری صورت گرفته و نتایج آن در برخی موارد دیده می شود. تا جایی که یکی از مؤسسه های نظامی و امنیتی امریکا، ارتش سایبری سپاه پاسداران را جزو پنج کشور برتر جهان خوانده است.(۱)

### ۳. سایت های ضد ایرانی

۳. سایت های ضد ایرانی

سرمایه گذاری بر روی سایت های اینترنتی به عنوان یکی از ابزارهای جنگ رسانه ای علیه ایران را کشورهایی همچون امریکا و جریان های معاند نظام جمهوری اسلامی، با قدرت و شدت پی گیری می کنند. در کشور ما ۷۰ درصد استفاده از اینترنت در حوزه سرگرمی و دیگر فعالیت هاست و تنها ۳۰ درصد به موارد استفاده از حوزه های علمی، اداری و تجاری اختصاص یافته است.(۲) این مسئله، کاملاً برخلاف چگونگی بهره برداری از اینترنت در کشورهای توسعه یافته است. از این رو، این ایده در میان تصمیم گیران حکومت امریکا تقویت شد که نظام سیاسی ایران را نیز با انقلاب نرم و



---

۱- جنگ سایبری، ص ۴۸.

۲- سعید مجردی، «بررسی پی آمدهای گسترش اینترنت بر امنیت اجتماعی و ارائه راهبرد»، فصل نامه سیاست دفاعی، سال سیزدهم، بهار ۱۳۸۴، ش ۵۰، ص ۱۶۹.

مخملین می توان تغییر داد. در این زمینه اینترنت به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در تهدیدات نرم دارای اهمیت است.

در حال حاضر بسیاری از بنیادها و گروه های ضد انقلاب و اپوزیسیون، اصلی ترین فعالیت های خود را از راه شبکه اینترنت دنبال می کنند که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) سایت اینترنتی «رضا پهلوی»، مسئول هماهنگی گروه های سلطنت طلب با عنوان بنیاد میهن mihan foundation که در سال ۱۳۷۸ در امریکا راه اندازی شد.

ب) سایت اینترنتی «گویا» که دارای بخش خبری با عنوان gooya news است که در سال ۱۳۷۹ آغاز به کار کرد. ۴۷ درصد از مطالب این سایت، اخبار سایت های ضد انقلاب و عناصر اپوزیسیون است. این سایت در اختیار علی رضا نوری زاده، عنصر فعال جریان رسانه ای مخالف جمهوری اسلامی قرار دارد.

ج) سایت «ایران خبر» که در سال ۱۳۷۸ راه اندازی شد و در اختیار حسن ماسالی، عنصر واسطه جریان های برانداز نهضت آزادی و تشکیل دهنده کنفرانس برلین قرار دارد.

د) مؤسسه خانه آزادی مجهز به یک وب سایت به نام «گذار» است. گذار در واقع بخش فارسی خانه آزادی است که مدیر این مؤسسه پیتر اکرمن، سابقه آشکاری در همکاری تنگاتنگ با CIA دارد. اپوزیسیون‌های ایرانی همچون فاطمه حقیقت جو، نیک آهنگ کوثر، علی افشاری و محسن سازگارا نیز با این مؤسسه همکاری دارند.(۱)

ص:۲۵۲

---

۱- جنگ نرم، ص ۱۲۹.

ن) پـل اطلاعـاتی ایران ــ امریکـا که در واقع «تارنمای فارسـی» وزارت امورخارجه امریکا است، در آگوست ۲۰۰۸ با سیما و محتوایی تازه در فضای مجازی دنیای فن آوری اطلاعات نمایان گشت. این سایت در صـفحه اصلی خود ابراز امیدواری کرده است که بتوانـد منبع اطلاع رسانی سودمنـدی درباره امریکا و سـیاست های آن در مقابل ایران باشـد. به گمان گزارشـگر ویژه این تارنمـا ارتبـاط هرچه بیشتر با ایرانیان در حوزه دموکراسـی، حقوق بشـر، آزادی مطبوعات و آشـنایی با زنـدگی امریکایی، هدف اصلی پایگاه رسمی اطلاع رسانی وزارت خارجه امریکا است.(۱)

## ۴. بازی های رایانه ای

### اشاره

۴. بازی های رایانه ای

بازی های رایانه ای به عنوان ابزار قـدرت نرم، در همه بعـدها اعم از سیاسـی، فرهنگی، دینی و... به صورت گسترده وارد شده انـد. آمارها نشان می دهد که روند تولید بازی های رایانه ای به ۳ــ ۴ هزار بازی در سال می رسد. بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در سراسـر جهـان، بخشـی از اوقـات فراغت خود را بـا این بـازی هـا پر می کننـد. چگونگی برقراری ارتباط در ابزارهایی همچون سینمـا، رادیو و تلویزیون، بـا بـازی های رایانه ای بسـیار متفاوت است. در حالت اول به طور معمول ارتباط یکسویه است، ولی در بـازی رایـانه ای، عناصـری چون گرافیـک، صـدا، تعامـل، ابتکارسـیر داسـتان، کنجکـاوی، تخیل، بازتاب ها و مهارت های ریاضی و... برخی از جنبه های فنی، روانی و فردی است که بازیگران را جذب این بازی ها می کند.

کار مسـتقل، مداومت در بازی، لذت بردن از بازی، مشارکت فعال، ساختار گروهی، یادگیری و... شماری از عواملی است که در فرد برای ادامه



---

۱ـ ۲۰۰۸/۰۹/۱۵(http://usinfo.state.gov/persian/index-htm)

بازی ایجاد انگیزه می کند. پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که آثار روحی و روانی بازی های رایانه ای بسیار شبیه به بازی های حقیقی و ورزش های پر استرس است. حس بازیکنی که شکست می خورد و فشارهای روحی که تحمل می کند، بسیار شبیه به حس بازیکنان شکست خورده فوتبال است و پی آمدهای روانی این بازی ها بسیار به هم شبیه است.

بازی های رایانه ای بیشتر در بخش عملیات روانی استراتژیکی قرار می گیرند. این عملیات بیشتر برای پیشبرد اهداف گسترده یا دراز مدت طراحی شده و به طور معمول دارای آثاری در آینده دور است.

### خط مشی ها و پی آمدهای بازی های رایانه ای

خط مشی ها و پی آمدهای بازی های رایانه ای

عنصر مشترک تمامی این بازی ها این است که کاربر، در نقش یک سرباز شجاع و زبده غربی برای گسترش آزادی های فردی و دموکراسی و مبارزه با گروه ها و سازمان های تروریستی دولتی یا غیر دولتی یا حتی موجودات فضایی و یا تخیلی که بشر را به سوی نابودی می کشاند، وارد عمل می شود و هدفی جز مبارزه و نابودی تروریست ها و نجات بشر ندارد. ایالات متحده امریکا می کوشد با این برنامه های فرهنگی، تجاوزهای نظامی خود را در میان ملت امریکا و حتی دیگر ملت ها امری عادی، انسان دوستانه و به منظور گسترش صلح و دموکراسی در سطح جهان نشان دهد. می کوشند این موضوع القا شود که امریکا نماد خیر مطلق در جهان است و هر فرد یا گروه یا دولتی که مخالف او و ارزش هایش باشد، محورهای شرارت و شیطانی اند.(۱)

این بازی ها به شوالیه های مجازی، قدرتمند و جذاب ناتوی فرهنگی و جنگ صلیبی غرب تبدیل شده‌اند که در صدد ویرانگری و دگرگونی تاریخی



---

۱- مهدی حق وردی طاقانکی، «بازی های رایانه ای ابزار قدرت نرم»، فصل نامه علمی ـ تخصصی عملیات روانی، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۶، ش ۱۶، ص ۴۹.

ارزش ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و جهان اسلام برآمده اند؛ شوالیه‌های رایانه ای که در نبرد جنگ های صلیبی قرن جدید بدون هیچ گونه حساسیتی تا عمق خانه‌هایمان نفوذ کرده و ما در بی خبری با آغوشی باز به استقبال آن رفته ایم و حتی هزینه مالی حضورشان را نیز می پردازیم. حال چنان که با رویکردی مدبرانه با این سربازان رایانه ای برخورد نکنیم، به زودی و در نسل آینده باید هزینه های گزاف و جبران ناپذیر معنوی را نیز پرداخت کنیم.

پی آمدهای فرهنگی درگیری نرم در بازی های رایانه ای را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. خشونت و پرخاشگری؛

۲. تبلیغ فرهنگ برهنگی و نمایش صحنه های غیر مجاز اخلاقی؛

۳. اصرار بر انجام خطا و گناه؛

۴. ارائه نمادهای غیر اخلاقی یا ضد اخلاقی؛

۵. از بین بردن قبح گناهان؛

۶. اسوه سازی از شخصیت های غیر اخلاقی.

یکی از محورهای مهم بازی های رایانه ای جدید، هدایت و آموزش مخاطب به سوی مبارزه با کشورها و گروه های اسلامی است. ویژگی مشترک این بازی ها استفاد از نمادها و سمبل های اسلامی است؛ نمایش مکان های منقش به تصویرهای اسلامی، استفاده از رنگ سبز برای نمایش تروریست ها، استفاده از مکان های مذهبی مسلمانان مانند مسجد که به عنوان محل تجمع تروریست ها معرفی می شود و به طور عمده تک تیراندازهایی که بالای مناره های مساجد موضع گرفته اند و به سوی شما تیراندازی می کنند، همچنین استفاده از صدای عربی و فارسی برای گفت وگوی تروریست ها، استفاده از صدای پس زمینه مانند صدای صلوات و پخش آیات قرآن در بازی رایانه ای delta force و....

ص:۲۵۵

### الف) بازی رایانه ای سام ماجراجو در پرسپولیس

الف) بازی رایانه ای سام ماجراجو در پرسپولیس

در این بازی، در اوایل قرن ۲۲، مزدوران اهریمن جهانی به زمین حمله می کنند و نوع بشر در معرض نابودی کامل است. این شیاطین هر کدام در نقش عقرب و غول، دارای عقاید مذهبی هستند و این گونه معرفی می شوند که به علت داشتن باورهای دینی، متخاصم اند، عملیات انتحاری انجام می دهند و بدون شعور، عقل و منطق انسانی هستند. در این بازی برای مبارزه با شیاطین، کاربر به مکان هایی شبیه معابد و مساجد می رود؛ که پر از طرح ها و نقش های اسلامی است. در پایان، کاربر پس از گذراندن مراحل سخت و دشوار، در کلیسا با اهریمن جهانی روبه رو می شود و او را شکست می دهد. حتی بازی، بیشتر با نماد غربی مذهب یعنی کلیسا به پایان می رسد و این را به ذهن کاربر منتقل می کند که مسیحیت عامل آرامش، صلح و مؤدت و در مقابل، اسلام عامل خشونت و... است. بدین ترتیب، کودک مسلمان را به دین اسلام بدگمان می کند و در ضمیر ناخودآگاه وی زمینه های انحراف و خروج از دین اسلام را فراهم می آورد.(۱)

### ب) بازی رایانه ای حزب سرخ

ب) بازی رایانه ای حزب سرخ

چندی است که ایالات متحده نسل جدیدی از بازی های رایانه ای را وارد بازار کرده است که دیگر در آنها امریکا لشکرکش نخواهد بود، بلکه نیروهای داخلی یک کشور با خط دهی از خارج، اعتراض ها و شورش های مردمی را سازمان دهی و حکومت های مخالف امریکا را براندازی می کنند.



---

۱- همان، صص ۵۱ و ۵۲.

مبارزه علیه حکومت ها و تلاش جهت براندازی آنها به سه روش نرم، نیمه سخت و سخت برنامه ریزی و اجرا می شود. در ایام انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران، مرکز «سابان» متعلق به انستیتو «بروکینگز» امریکا که مؤسسه ای نزدیک به کاخ سفید است، راهبرد مناسب برای تغییر حکومت ایران را روش نیمه سخت بر شمرد. بنا بر گزارش منتشر شده مرکز سابان در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، امریکا باید از هر سه روش تغییر رژیم یعنی انقلاب مخملین، شورش و کودتا استفاده کند.(۱)

بنابراین، امریکا با کمک برخی کشورهای اروپایی طرح کودتای مخملی را در قالب «پروژه آژاکس ۲» کلید زد. در این طرح ناآرامی های اجتماعی تا مرحله براندازی نظام در دستور کار قرار گرفت.

در همین زمینه، شرکت امریکایی THQ بازی رایانه ای «پارتیزان حزب سرخ» درباره شورش های مردمی را تولید و منتشر کرد و در شهریور ماه سال ۱۳۸۸ نسخه رایانه ای آن وارد ایران شد و به سرعت انتشار یافت. بازی حزب سرخ، به فاز جنگ های مردمی در مقابله با حکومت توجه می کند.(۲)

### ج) بازی رایانه ای حمله به ایران

ج) بازی رایانه ای حمله به ایران

در این بازی رایانه ای که شرکت امریکایی «کوما»(۳) آن را تهیه کرده است، سربازان امریکایی وظیفه دارند ضمن حمله به تأسیسات هسته ای نطنز، دانشمندان ایرانی را از بین ببرند و یک دانشمند را زندانی کنند. شرکت



---

۱- محمود هاشمی چمگردانی، ماهنامه کاووش، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۲۷/۵/۱۳۸۸، ش ۲۹، ص ۴۹.

۲- «نسل جدید بازی های رایانه ای»، پایگاه اطلاع رسانی رجا، ۳۱/۳/۱۳۸۹، نشانی پایگاه: www.rajanews.com

۳- Kuma Reality Games

سازنده این بازی ادعا کرده است که برای تبدیل شدن ایران به دومین کشور اسلامی دارنده بمب اتم (پس از پاکستان) و جلوگیری از حمله نظامی گسترده به ایران به دلیل در تیررس بودن منابع نفتی خاورمیانه، یک عملیات نظامی کوچک به منظور نابودی پایگاه هسته ای و فن آوری اتمی ایران، می تواند مانع از دست یابی این کشور به بمب اتمی شود.

### د) بازی رایانه ای نجات گروگان های امریکایی

د) بازی رایانه ای نجات گروگان های امریکایی

در این بازی که باز هم محصول شرکت امریکایی «کوما» است، کاربر در نقش نیروهای ویژه وظیفه دارد که گروگان های امریکایی را از سفارتخانه امریکا در تهران نجات دهد. این بازی به مناسبت فرا رسیدن بیست و پنجمین سالگرد این رویداد (۱۳۸۳) به بازار عرضه شد.(۱)

### ه) بازی رایانه ای سقوط احمدی نژاد۱

ه) بازی رایانه ای سقوط احمدی نژاد(۲)

یک ماه پیش از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، شرکت «پتریلا- اینترتیمنت» بازی رایانه ای را با عنوان «سقوط احمدی نژاد» در اینترنت منتشر کرد. نکته مهم در این بازی، پیش بینی پیروزی دکتر احمدی نژاد در انتخابات و بروز اغتشاش های خیابانی در تهران است که از برنامه ریزی دشمن و مقدمه سازی او در این زمینه حکایت دارد. در این بازی کاربر در نقش اغتشاشگر باید با حضور در خیابان‌های تهران، نیروهای بسیجی و سپاهی را به قتل برساند تا ایالات متحده به او به عنوان نماد آزادی خواهی مدال افتخار بدهد.



---

۱- «نقش بازی های رایانه ای در جنگ نرم بر ضد انقلاب اسلامی»، پایگاه اطلاع رسانی گرداب، بازیابی شده در تاریخ ۱/۳/۱۳۸۹، نشانی پایگاه: www.gerdab.ir

۲- The Fall of Ahmadinejad Durka.

در دیگر بازی ها مانند «دلتافورس» کاربر باید برای مبارزه با تروریست ها به نقاط مختلف جهان همچون ایران و جزیره خارک در خلیج فارس سر بزند.(۱)

با دقت در مطالب بیان شده می توان فهمید که رسانه نوظهور بازی های رایانه ای، با توان مندی ها و ویژگی های خود، به ابزاری نوین برای عملیات روانی و قدرت نرم دشمن تبدیل شده اند. در این بازی ها، سربازان رایانه ای بی هیچ گونه حساسیت، نظارت و کنترل تا عمق خانه هایمان نفوذ می کنند.

### پی آمدهای امنیتی تصاویر ماهواره ای

پی آمدهای امنیتی تصاویر ماهواره ای

امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، خطر امنیتی تصویرها و نقشه های مربوط به مکان ها و تأسیسات حساس، جنبه های پیچیده تری یافته است. هم اکنون تکنولوژی های جدید همچون سیستم های ارتباطاتی از راه دور نظیر موبایل، سیستم های جی پی اس (سیستم موقعیت یاب جهانی) و نرم افزارهای اینترنتی گوناگون مانند گوگل ارت این امکان را به کاربران می دهد تا به راحتی به اطلاعاتی که پیش از این محرمانه و دارای طبقه بندی خوانده می شد، دسترسی داشته باشند. در این میان، سرویس تصویرهای ماهواره‌ای گوگل موسوم به «گوگل ارت»(۲) یکی از مواردی است که نگرانی هایی را برای جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیتی ایجاد کرده است.

بررسی گوگل ارت نشان می دهد که ماهواره ها در دوره های زمانی متفاوت تصویرهای کاملی از ایران برداشته اند و این تصویرها را با قابلیت جست وجو بر روی گوگل ارت می توان دریافت کرد. نوع تصویربرداری از

ص:۲۵۹

---

۱- مهدی حق وردی طاقانکی، «جنگ نرم علیه سپاه در بازی های رایانه ای»، ماهنامه پیام انقلاب، اردیبهشت ۱۳۸۹، ش۳۴، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- Google Eartg

مکان های نظامی و تأسیسات هسته ای ایران نشان می دهد که این عکس ها هم با وضوح بالاتری برداشته شده است و هم در یک اقدام کاملاً معنادار، از این مناطق ویژه پی درپی تصویربرداری شده است، درحالی که از دیگر نقاط ایران به طور معمول در طول هر سال یک یا دو بار تصویربرداری می شود. وضوح این تصویرها به اندازه ای است که تأسیسات ساختمانی، دیوارهای حفاظتی، راه های ورودی و خروجی به راحتی شناسایی می شوند. به عنوان نمونه، با استفاده از موتور جست‌وجو گر گوگل ارت می توان مجتمع هسته ای نطنز، UCF اصفهان، تأسیسات هسته ای بوشهر، تأسیسات نظامی پارچین، پایگاه هوایی نوژه، سایت های موشکی و ساختمان مجلس شورای اسلامی را آشکار و شفاف مشاهده کرد. با انتشار عمومی این تصویرها می توان گفت دغدغه های بسیاری از نظر سیاسی و امنیتی متوجه نظام جمهوری اسلامی است که برخی از آنها عبارتند از:(۱)

۱. امکان بهره برداری گروه های ضد انقلاب از تصویرهای مراکز نظامی و امنیتی؛

۲. امکان بهره برداری ایالات متحده از تصویرهای مراکز هسته ای ایران؛

۳. بهره برداری تبلیغاتی ایالات متحده از تصویرهای ماهواره ای ایران در حوزه جنگ روانی در رسانه های جهانی؛

۴. امکان دریافت تصویرها و نقشه های مکان های دولتی، تأسیسات، زیرساخت ها و خطوط ارتباطی توسط مخالفان.

البته از سوی دیگر، این سرویس امکانات زیادی را نیز در اختیار نظام سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی ایران برای شناسایی مراکز فعالیت و پایگاه های



---

۱- عباس کاردان و حمید ضیایی پرور، «تصاویر ماهواره ای گوگل و پی آمدهای امنیتی آن»، بولتن پژوهش، شهریور ۱۳۸۵، صص ۳۱ _ ۳۸.

استقرار گروه های مخالف ایرانی در سراسر جهان قرار می دهد. بنابراین گوگل ارت، هم یک تهدید و هم یک فرصت برای نظام سیاسی ایران به شمار می رود.

## نتیجه گیری

نتیجه گیری

قدرت براندازی در شکل نرم، شکل جهش یافته ای از عملیات روانی است که در پی توان مندی رسانه ای تکامل پیدا کرده است. بر این اساس، ایالات متحده با بهره گیری از ابزارهای نوین ارتباطی در حوزه های دیداری، شنیداری و مجازی، بر محور دیپلماسی عمومی و به شکل توسعه یافته ای، امنیت فرهنگی ـ اجتماعی جمهوری اسلامی را تهدید می کند.

مقابله با تهدیدات رسانه ای در وهله اول نیازمند شناختن آنها و سپس گزینش راهبردهای مناسب است. باید توجه داشت که تهدیدات نرم پدیده ای گذرا نیست، بلکه ادامه دار و پیوسته است؛ یعنی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح همچنان کارایی خود دارد، بر این اساس باید در برابر آن یک دفاع همیشگی روزآمد و البته مبتنی بر شرایط خودش را دارا باشیم.

گرایش اصلی در گفتمان قالب در امریکا با توجه به رویکردها، گرایش ها و عملکرد دولت ایالات متحده، حذف نظام جمهوری اسلامی ایران است. این جهت گیری در طیفی از جمهوری خواهان و دموکرات ها به عنوان جریان های راهبردی و فکری غالب است و از این نظر که فعالیت ها و برنامه های تصمیم سازان جنگ نرم امریکایی، همه گروه ها و جامعه ایرانی را هدف قرار داده اند، بسیار مهم است.

رویکرد نرم افزارانه ایالات متحده در برخورد با ایران، راهبرد خود را بر بنیادهای غیرخشونت آمیز و براساس شاخصه های ابزارهای ارتباطی،

دیپلماسی عمومی، فریب و عملیات روانی استوار می سازد؛ هرچند استفاده از ابزارهای سخت را نیز در شرایط واپسین در نظر می گیرد.

ص:۲۶۲

## بخش پنجم: راهبرد رویارویی با تهدید نرم

### اشاره

بخش پنجم: راهبرد رویارویی با تهدید نرم

ص:۲۶۳

از آنجا که ارائه راهبرد در مورد چگونگی کاربست روش های پیشدستانه و مواجهه با ستیز نرم افزاری امریکا و تهدیدات رسانه ای آن بر ضد جمهوری اسلامی ایران، جزو اهداف کاربردی این پژوهش به شمار می رود و همچنین داشتن راهبرد، مؤثرتر از قدرت است، در نتیجه تدوین راهبرد مقابله با پروژه نرم دشمن در دو حوزه داخلی (ملی) و بین المللی (فراملی) و مشخص و تبیین کردن نقش هر یک از نهادهای مسئول در آن. ضروری است در برآیند اعمال قدرت نرم امریکا برضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، عوامل تهدید، یا از زمینه های نارضایتی موجود در جامعه جهت پیشبرد اهداف خود بهره می برند یا به طور مجازی می کوشند با ایجاد نارضایتی در نزد افکار عمومی، از آن بهره برداری کنند.

نخست، جمهوری اسلامی باید با اتخاذ راهبردهای درون ساختاری و شاخصه های متمرکز بر مبانی داخلی، در پی کاستن از سطح آسیب پذیری های خود باشد.

دوم جمهوری اسلامی باید بخشی از راهبردهای رویارویی با ستیزهای نرم افزارگرایانه امریکا را بر امور خارجی معطوف کند. به عبارت بهتر براساس یافته های این پژوهش، ایران می تواند راهبردهای نرم افزارانه خود را

ص:۲۶۵

در رویارویی با تهدیدات نرم، از طریق رهیافت موازنه گرایی در دو سطح ملی و فراملی و با استفاده از سیاست های راهبردی و اجرایی پی گیری کند.

## ۱. سطح ملی

### اشاره

۱. سطح ملی

قدرت سازی در درون، به مثابه مقابله با چالش ها و تهدیدات متوجه امنیت ملی است. جامعه ای که دستخوش ضعف درون ساختاری باشد، بستر لازم را برای اجرایی شدن و اثربخشی تهدیدات خارجی فراهم می سازد. براین اساس مسئله مهم این است که جمهوری اسلامی به منظور تقویت پایه های قدرت خود، ناگزیر از درک عینی الزامات و نیازهای جامعه و خواست های مشروع مردم است. منطق انباشت اقتدار درون ساختاری، ضرورت تقویت مؤلفه های قدرت اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آشکار می سازد.

### الف) افزایش مشروعیت سیاسی حاکمیت

الف) افزایش مشروعیت سیاسی حاکمیت

مطابق قانون اساسی کشور، مبنای حاکمیت از یک سو بر خواست و اراده مردم متکی است و از سوی دیگر بر اراده و مشیت الهی استوار است. بدین ترتیب مشروعیت، شالوده حاکمیت قوی را تشکیل می دهد. از این رو مبانی مشروعیت بخش دوگانه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که عبارتند از اراده خداوند و اراده مردم، با الگوی ترسیمی لیبرال دموکراسی به عنوان حکمرانی خوب در سراسر جهان، تعارضی بنیادین دارد.

همچنین در چارچوب ارتقای مشروعیت سیاسی حاکمیت باید دو اقدام عملی و اطلاع رسانی صورت گیرد:

نخست با استناد به اینکه در سنت های اسلامی نیز بسیاری از شاخص های دموکراسی به گونه ای فراگیرتر و کاراتر مانند آزادی بیان، فضای باز، تساهل

و... وجود دارند، نشانه های عملیِ همپوشانی هویت دینی و کارکردهای دموکراتیک معرفی شوند.

دوم افزایش سطح کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران. همان گونه که در رویکرد دیپلماسی عمومی و رهیافت رسانه ای امریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران آمد؛ نشان دادن جلوه هایی از ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی به منظور انگاره سازی تقابل و گسست میان حاکمیت و جامعه دارای اهمیت است. از این رو، افزایش کاربرد مکانیزم های پاسخ گویی دولت به مطالبات جامعه به ویژه نسل جوان، پیشبرد فرآیند توسعه همه جانبه در مناطق کمتر توسعه یافته، به تقویت راهبرد مؤثر کشور در برابر تهدیدات نرم افزاری منجر می شود.

همان گونه که پیش از این آمد، قدرت نرم فرآیندی هدایت شده، برنامه ریزی شده و به شدت متأثر از محیط داخلی و بین المللی است. در سطح ملی، زمینه های تهدیدات نرم بسیار گسترده و پیچیده اند، به گونه ای که از سوء رفتار یک مقام مسئول در برخورد با مردم، تا سوء مدیریت در بخش های اجرایی و فساد اداری و... می تواند عاملی برای ایجاد زمینه های تهدید نرم و نارضایتی عمومی باشند و به همین دلیل در عرصه داخلی، تمام دستگاه های دولتی در جلوگیری از شکل گیری زمینه های تهدید نرم مسئولیت دارند. در این زمینه خدمت رسانی به مردم که از تأکیدهای مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی است، در کنار توسعه زیرساخت های کشور پیشنهاد می شود.

همچنین تأکید بر کارآمدی حکومت، نشان دهنده آن است که قدرت نرم امریکا بیش از هر چیز بر افزایش نارضایتی ها در میان جامعه و توده مردم از نظام جمهوری اسلامی ایران استوار است و بخش قابل توجهی از این

نارضایتی ها به برخی ناکارآمدی های حکومت در حل مشکلات مردم بازمی گردد که چنانچه این مشکل تا اندازه مطلوب رفع شود، خود به یک عامل قدرت نرم در برابر تهدیدات نرم امریکا تبدیل خواهد شد. در این زمینه پیشبرد طرح های توسعه ای در مناطق محروم، تلاش برای عملیاتی کردن بالاترین ظرفیت های معطل مانده قانون اساسی در حوزه مردم سالاری دینی، افزایش کارآمدی نظام و گستره اجرایی کشور، انسجام بخشی، مدیریت اقتصادی کشور و تمهید ابزارهای تضمینی و تشویقی برای نشان دادن امنیت سرمایه گذاری در ایران، بسیار با اهمیت است.

### ب) رفع نقاط ضعف ساختار و نهادهای حکومتی

ب) رفع نقاط ضعف ساختار و نهادهای حکومتی

رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوّت ساختارها و نهادهای حکومتی، از شروط ضروری نهادینه سازی آنهاست. از همین رو کاربست برخی از راه کارها در دست یابی به این هدف و تأمین این وجه از امنیت ملی، از طریق موارد زیر مؤثر است:

یک ـ پایان بخشیدن به اختلاف ها و تعارض های درون ساختاری و منازعات جناحی و سیاسی مسئولان به منظور هم گرایی اجزای مختلف حکومت و رسیدن به انسجام درونی حکومت؛

دو ـ بالا بردن سطح کارآمدی مدیران و مسئولان حکومتی؛

سه ـ نهادینه سازی مشارکت گرایی ملی در اداره امور کشور از راه ایجاد سازوکار فرآیندهای قانونی؛

چهار ـ بازنگری در رویه ها و روش های ناکارآمد به کار رفته در نهادهای حکومتی.

## ج) حداکثر سازی انسجام اجتماعی

ج) حداکثر سازی انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی، بنیاد و محتوای امنیت اجتماعی را تشکیل می دهد. سیاست های نرم افزارانه امریکا، به دنبال ضعف هویت های اسلامی ــ ایرانی موجود و بنای هویتی جدید منطبق بر اصول لیبرال دموکراسی غربی شکل گرفته را بازتاب می کند. این بنای جدید نشانه های شکاف دولت ــ ملت و تقابل گرایی از درون را بازتاب می کند. از این رو، مقابله با سیاست نرم افزاری امریکا نیازمند بهره گیری از انسجام اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه های مهم قدرت و مقوّم امنیت ملی است. با این وصف، ضروری است تا بسترهای لازم برای ایجاد هویت گرایی مشترک و بسیج اجتماعی همه گروه های فرو ملی در چارچوب حداکثر سازی انسجام اجتماعی، با اهتمام به موارد زیر فراهم شود:

یک ــ اهتمام به هویت سازی فرهنگ های قومی هماهنگ با فرهنگ و هویت مشترک؛

دو ــ پیش گیری از گسترش تعصب گرایی قومی؛

سه ــ ایجاد برابری در بهره گیری از فرصت های مادی و معنوی؛

چهار ــ تأکید بر اشتراکات مذهبی و قومی؛

پنج ــ فراهم آوردن شرایط مناسب برای بروز شاخص ها و نمادهای فرهنگی محلی؛

شش ــ فرهنگ سازی روحیه تساهل و مدارا در میان گروه های مختلف اجتماعی از راه سازوکار های جامعه پذیری مانند رسانه های جمعی، مراکز آموزشی و...؛

هفت ــ فعال سازی شبکه های رادیویی و تلویزیونی محلی؛

ص:۲۶۹

هشت ـ بستر سازی لازم برای ورود نخبگان اقوام ایرانی به چرخه مسئولیت های سیاسی؛

نه ـ تعامل گرایی با اقلیت های قومی و مذهبی و تقویت روحیه مشارکت گرایی آنها؛

### د) عزم ملی مقابله درفضای مجازی

د) عزم ملی مقابله درفضای مجازی

یک ـ مقابله در فضای مجازی، نیازمند ایجاد تحول اساسی در ساختار مدیریتی کشور نیز هست. امروزه سیستم های مدیریتی، سلسله مراتب کارایی خود را تا اندازه زیادی از دست داده اند و مدیریت های شبکه ای رواج یافته اند. مقابله با نبرد مجازی دشمن که بنا بر سیستم شبکه ای طراحی شده است، به چارچوبی هماهنگ با آن نیاز دارد.

دوـ به منظور مقابله با پدیده جنگ مجازی و آمادگی لازم برای آفند در مواقع ضروری، باید مدیرانی تربیت شوند که نخست با فن آوری ارتباطات و اطلاعات و چگونگی به کارگیری آن در فضای مجازی آشنایی کامل داشته باشند؛ دوم با استفاده از یک قدرت درک و پیش بینی بحران ها و خطرات بتوانند در زمان مناسب، مدیریت بحران کنند و از خطرها بگذرند؛ سوم برمبنای سیستم مدیریت شبکه ای، پویا و انعطاف پذیر با نیازها و مقتضیات روز هماهنگ شوند و امور سازمانی مربوط به خود را در سریعترین زمان و با کمترین هزینه ساماندهی کنند.

بدیهی است که استفاده از سیستم های اداری قدیمی نه تنها راهکار مقابله با جنگ در فضای مجازی نیست، خود نقطه آسیبی است که خطرات فراوانی را متوجه مجموعه سیستم مدیریتی کشور می سازد.

ص:۲۷۰

سه _ با توجه به اینکه بیشتر سخت افزارهای رایانه ای و سِرْورهای شبکه از خارج وارد کشور می شوند، سرمایه گذاری در این فن آوری برای تولید قطعات و سخت افزارهای مورد نیاز بسیار ضرورت دارد و باید در اولویت اصلی متولیان امر قرار گیرد. بدیهی است خودکفایی در تولید سخت افزارها ضمن اینکه از خروج مقدار قابل توجهی ارز از کشور جلوگیری می کند، امکان صادرات و کسب منابع مادی گسترده ای را نیز فراهم می آورد.

چهار _ هجمه گسترده ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده شده است که مبارزه با آن، به همه جانبه نگری و پیش بینی شرایط پدافندی در وهله نخست و موضع آفندی در مراحل بعد نیاز دارد. از این رو پدافند غیرعامل به عنوان راهکاری که باید در فضای مجازی بدان توجه شود، اهمیت دوچندانی می یابد. طی سال های گذشته تیم رصد سایبری سپاه، موفق به کشف و منهدم کردن بسیاری از شبکه های اینترنتی ضداخلاقی و ضددینی شده است که خود، ظرفیت بزرگی به شمار می آید و باید تداوم یابد و از مرحله پدافندی به مرحله آفندی وارد شود. خروج از انفعال، تشکیل اتاق های فکر و استفاده از نخبگان و کارشناسان در حوزه مجازی، از اولویت هایی است که باید مورد نظر قرار گیرد، در حالی که دنیای غرب از فن آوری فوق العاده ای در حوزه مجازی برخوردار است، ولی پیامی ندارد و به همین دلیل با تلاش مضاعف و سرمایه گذاری در این حوزه، می توان پیام انقلاب را به افکار عمومی جهانی منتقل کرد.

پنج _ اصول نوین حاکم بر فضای سایبر، ما را ملزم به شناخت فضای جدید و استفاده مناسب از دانش و ابزارهای روز می کند. در این چارچوب سیستم های اطلاعاتی اتوماسیون اداری، ارتباطات الکترونیکی، مدیریت، عملیات، پشتیبان و سیستم های اطلاعاتی سازمانی جامع و یکپارچه، باید

بومی سازی و به صورت اختصاصی برای ایران تولید شود. این امر اکنون در کشورهای پیشرفته به عنوان یک اصل شناخته شده و از آن بهره برداری می شود، ولی در کشور ما کمبود جدی در این حوزه به چشم می خورد.

شش ـ رسانه ملی به عنوان بزرگ ترین رسانه کشور، نقش بی بدیلی را می تواند در نبرد مجازی ایفا کند. از آنجا که بخش عمده ای از حمله های مجازی از راه شبکه های ماهواره ای خارجی صورت می گیرد، ضروری است رسانه ملی در مدیریت بحران از راه های زیر اقدام کند:

ـ تدبیر و تحدید بحران ها از طریق مدیریت اطلاعات؛

ـ پیش بینی بحران و برنامه ریزی به منظور جلوگیری از آن؛

ـ ارائه پاسخ های لازم در زمان بحران های سیاسی به مردم و مسئولان.

هفت ـ طراحی و فعال سازی شبکه های اجتماعی، موتورهای جست و جوگر، دایره المعارف های اینترنتی، شبکه های خبری تصویری، بازی های اینترنتی، انیمیشن های جذاب و... در زمره اقدامات فعالانه برای زوال قدرت جنگ مجازی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

### ه) گسترش فعالیت های داخلی رسانه ملی

ه) گسترش فعالیت های داخلی رسانه ملی

یک ـ لازم ترین اقدام در حوزه فرهنگ و رسانه برای مقابله با دشمنان انقلاب و توطئه هایی که به صورت نرم برای جوانان کشورمان طراحی شده اند، سرمایه گذاری گسترده برای تولید محصولات فاخر است. به اعتقاد کارشناسان، ایران باید قابلیت تولید بیش از ۵۰۰ فیلم سینمایی مهم و جدی یعنی بیش از ۷ برابر رقم کنونی را داشته باشد. در حوزه فیلم، افزون بر سینما باید از تولید در سیما نیز حمایت مالی شود. با تولید محصولات

رسانه ای گسترده و در شأن و منزلت جمهوری اسلامی، می توانیم از اقتدار و پربار بودن فرهنگ خود دفاع کنیم.

دو _ گسترش شبکه های داخلی تلویزیونی به گونه ای که مردم بتوانند به راحتی برنامه های همه شبکه های ایرانی (چه شبکه های فارسی داخلی یعنی شبکه های استانی و چه شبکه های برون مرزی مانند پنج شبکه جام جم، العالم، press TV، الکوثر، سحر و...) را ببینند. این امکان موجب می شود تنوع و قدرت انتخاب برای مخاطبان، بسیار افزایش یابد و یکی از جذابیت های ماهواره تا حدودی جبران گردد.

سه _ راه اندازی شبکه تلویزیونی ویژه فیلم؛ هرچند فقط برای ساعت هایی خاص از شبانه روز با پخش فیلم های جدید همراه با تبلیغ مناسب آنها در کنار تبلیغ فیلم های روی پرده سینماها یا تئاترهای در حال اجرا، می تواند به شبکه ای موفق در زمینه فیلم، سینما و تئاتر تبدیل شود. چنین شبکه ای می تواند به رشد تئاتر و سینمای کشور نیز کمک کند. نکته قابل توجه این است که باید در انتخاب فیلم برای این شبکه دقت و هوشمندی زیادی صورت گیرد که فیلم های عمیق فرهنگی و در جهت اهداف اصیل انقلاب، در این شبکه نمایش داده شوند.

چهار _ توسعه سواد رسانه ای به معنای تجهیز کردن مخاطبان رسانه ها به توانایی ها و مهارت های تحلیل، نقد و ارزیابی محتوای رسانه ها با این رویکرد که افراد، متفکرانی منتقد باشند و خود نیز به مولدان خلاق پیام ها تبدیل شوند. در واقع سواد رسانه ای پاسخی ضروری، اجتناب ناپذیر و واقع نگر به محیط الکترونیکی پیچیده و همواره در حال تغییر و تحول اطراف ماست. سواد رسانه ای با رسانه مخالف نیست، بلکه هدف اصلی آن این است که از راه آموزش مهارت ها به همه افراد به ویژه کودکان و نوجوانان که

ص:۲۷۳

در برابر محیط آلوده رسانه ایِ عصر حاضر بسیار آسیب پذیرند، کمک کند تا مردم خود در زمینه انواع رسانه ها، نقاد، دقیق و تحلیل گر باشند.

پنج ـ از آنجایی که استعمار فرانو با استفاده از شیوه های اقناعی و تبلیغی به گسترش ارزش های خود در دیگر جوامع می پردازد و به ویژه برای استحاله و براندازی نظام جمهوری اسلامی، بر تهاجم فرهنگی و اقدامات رسانه ای تأکید فراوان دارد و نیز با توجه به ارزش های جهان شمول اسلامی و توحیدی جمهوری اسلامی، لزوم تدوین استراتژی رسانه ای و تبلیغی کشور در ابعاد آفندی و پدافندی کاملاً ضروری می نماید. از این رو در کنار سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، باید راهبرد کلان تبلیغی و رسانه ای کشور تدوین شود.

شش ـ با توجه به نقش بی بدیل رسانه های جمعی در ساختار قدرت و روابط تنگاتنگ قدرت نرم و رسانه و بهره گیری ایالات متحده از آن برای تهدید جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد می شود که ایجاد مؤسسه های آموزش عالی با مأموریت بازشناسی تهدیدات نوین و تهدیدات نرم به ویژه درعرصه رسانه ای و رایانه ای، می تواند به گونه علمی و کارآمد مورد نظر قرار گیرد.

هفت ـ از آنجا که تقابل گرایی امریکا با جمهوری اسلامی ایران در حوزه نرم افزارگرایی با اهداف همزمان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی صورت می گیرد و در یک روند هم افزا، امنیت ایران را به مخاطره می اندازد و نیز چون رسانه ها در خط اول دفاع در برابر این تهاجم قرار دارند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی جنگی رسانه ای را دنبال می کنند؛ ضروری است که ترسیم چهره واقعی و افشای سیاست ها و عملکردهای دولت های غربی به ویژه ایالات متحده و بیان نقاط ضعف نظام های غربی و بیان سوابق سلطه گری آنها، به مثابه راهکاری اساسی، در استراتژی رسانه ملی در دستور کار قرار گیرد.

ازاین رو رسانه ملی باید به منظور کاستن از میزان اقبال مخاطب ایرانی برای شنیدن رادیوهای بیگانه، بسترهای کاربردی ارتقای سطح رضایتمندی و اعتماد عموم را به عنوان یک راهبرد تعقیب کند. به ویژه در انتقال سریع، به موقع و کافی اخبار و اطلاعات و نیز تنوع در منابع خبری با استفاده از کارشناسان موجه و خبره برای ارائه تحلیل های واقعی اقدام نماید.

هشت ـ شناخت انواع تاکتیک ها، سناریوها و جریان سازی های رسانه های بزرگ به منظور ساخت تاکتیک ها، سناریوها، جریان سازی های رسانه ای و نیز غیر رسانه ای مقابل آنها. در همین زمینه رصد مداوم اولویت های اصلی مورد توجه رسانه های بیگانه و مقابله هدفمند، متناسب، همزمان و هوشمندانه با تهدیدهای ناشی از آن، می تواند مدنظر رسانه های مختلف به ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.(۱)

نه ـ انجام تحقیقاتی به منظور حساسیت های فرهنگی ـ مردمی امریکا و دیگر کشورهای غربی. بدیهی است، به نظر نمی رسد این سنخ از تحقیقات در ایران را هیچ نهادی انجام نداده و از آنها در ساخت انواع سناریوهای خبری ـ تحلیلی و انواع تحلیل ها، بهره ای گرفته نشده است.

### و) پالایش فرهنگی جامعه

و) پالایش فرهنگی جامعه

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره پالایش فرهنگی جامعه از مظاهر غرب می فرماید:

ما در زمینه فرهنگی برای اینکه بتوانیم در برابر تهاجم سیل آسای فرهنگ غربی مقاومت کنیم و آن را پس بزنیم احتیاج داریم به آن مظاهر غلطی که از آن فرهنگ بر ما تحمیل کردند بتازیم... این کار به سیاست گذاری همه جانبه، پخته و سنجیده احتیاج دارد و شورای عالی انقلاب فرهنگی بهترین



---

۱- مطالعات گروهی دانشکده امنیت ملی، بررسی تهدیدات رسانه ای علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تدوین راهبردهای مقابله با آن، صص ۲۰۰و ۲۰۱.

جایگاه و مرجع است.(۱)

از نکته های مهم مورد تأکید رهبر انقلاب در پالایش فرهنگی جامعه از مظاهر تمدنی منحط غربی، موضوع « مهندسی فرهنگی» است که شامل مواردی چون آسیب شناسی فرهنگی، ایجاد وحدت در ساختارهای فرهنگی، نزدیک کردن روش ها، استخراج فرهنگ آرمانی از عالم ذهنی و آوردن آن به عالم عینی و هماهنگ سازی نظام های موجود با فرهنگ دینی، ارزش ها و باورداشت های اعتقادی می شود.(۲)

اگرچه نمی توان آسیب ها و عوارض ناشی از تهدیدات نرم در حوزه فرهنگ و هویت دینی را نادیده گرفت، تا زمانی که جهت اصلی جامعه معنویت و مقوله های دینی باشد، دشمن نمی تواند اهداف خود را از راه این گونه تهدیدات دنبال کند. از این رو آسیب شناسی کاهش معنویت یا افزایش رویکردهای دنیاگرایانه، سهم بسزایی در ماندگاری و پویایی معنویت گرایی دارد.

### ز) تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر

ز) تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر

فریضه امر به معروف و نهی از منکر استراتژی مقابله با هر گونه انحراف و کج روی در جامعه اسلامی است، بنابراین بر مسئولان و فرهنگ سازان جامعه لازم است که برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب و سلطه بیگانگان، همواره این ارزش الهی را در جامعه زنده نگه دارند.

### ح) تقویت بنیه اطلاعاتی و خبری کشور

ح) تقویت بنیه اطلاعاتی و خبری کشور

ص:۲۷۶

---

۱- سید علی حسینی خامنه ای، کتاب مصاحبه ها، ۱۳۶۳-۱۳۶۴، ص ۳۳۷.

۲- حسین عبداللهی فر، «نقش بازدارندگی معنویت»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ش۲۵ و ۲۶، ص ۱۱۲.

یکی از نشانگاه های دیپلماسی رسانه ای در تبلیغات سیاسی، کشور هدف است. به این منظور کارگزاران عرصه رسانه می کوشند کمبودها و کاستی های ارتباطی کشور هدف را شناسایی و بر اساس آنها برنامه ریزی دیپلماسی رسانه ای خود را استوار کنند.

## ط) تقویت بنیه تبلیغی کشور

ط) تقویت بنیه تبلیغی کشور

برنامه راهبرد تبلیغی، به معنای برنامه کلان و بلند مدت در عرصه ملی و فراملی است. این برنامه مشخص می کند که هر یک از بخش های تبلیغی جامعه چه وظایفی بر عهده دارند و باید به چه اهدافی برسند. این برنامه ریزی کلان، برنامه ریزی های خرد و کوچک تر را در سطوح پایین تر ممکن و این موقعیت را فراهم می سازد که همه بخش های جامعه برای رسیدن به هدف اصلی، هماهنگ و منسجم عمل کنند.

## ی) ایجاد ساز و کارمناسب درنهادهای مسئول

ی) ایجاد ساز و کارمناسب درنهادهای مسئول

با توجه به اهمیت و تأثیر گذاری فوق العاده «تهدید نرم» به ویژه گونه های جدید آن همچون تهدیدات رسانه ای و جایگاه آن در استراتژی امنیت ملی از یک سو و بهره گیری غرب و ایالات متحده امریکا از فن آوری های نوین و پیچیده رسانه ای برای برخورد با جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، ایجاد سازوکار مناسب، هوشمند و همیشگی برای رصد و مقابله با این گونه از تهدیدات، در نهادهای مسئول همچون رسانه ملی، شورای عالی امنیت ملی و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی کاملاً ضروری است.

## ۲. سطح فراملی

### اشاره

۲. سطح فراملی

بـه مـوازات قـدرت سـازی در درون، تحکیم جایگـاه کشـور در سـطح فراملی و افزایش قـدرت مـانور در برابر نـاامنی بیرونی، ضرورتی اساسی دارد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید در مسیر مقابله مؤثر با روحیه استیلاطلبی امریکا، از سیاست توسعه همکاری و مشارکت گرایی در سطوح منطقه ای و فرامنطقه ای پیروی کند. از آنجا که هر تهاجم و حمله ای، یک ضدحمله و حتی سـیاست هـای پیشـدستی را به عنوان واکنش و پرهیز از تصـمیم سـازی دشـمن بر ضـدامنیت ملی ضـروری می سازد، نرم افزارگرایی جمهوری اسلامی را به یک رویکرد گریز ناپذیر تبدیل می کند.

### الف) کاربست دیپلماسی عمومی

الف) کاربست دیپلماسی عمومی

ابزارهـای دیپلماسـی عمومی یکی از مؤلفه هـای الگوی رفتار تهدیـد آمیز امریکا بر ضـد جمهوری اسـلامی ایران به شـمار می آیـد. بـدین ترتیب، بهره گیری متقابـل از ظرفیت های دیپلماسـی عمومی به منظور مقابله با اقـدامات نامتقارن، در کنار افزایش قدرت نرم ایران، اهمیت دوچندان می یابد.

ظرفیت های دیپلماسی عمومی ایران

ظرفیت هـای دیپلماسـی عمومی ایران را می توان در ابعاد مختلف طرح و ارائه داد. از این رو شـناخت این قابلیت ها در مهار و کنترل تهدیدات نرم بسیار مهم است:

ص:۲۷۸

یک ـ ظرفیت های فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت های بالای فرهنگی است که می توان در دیپلماسی عمومی از آن بهره برداری کرد. برخی از این ظرفیت ها عبارتند از:

اول ـ زبان فارسی

اگرچه گویش به زبان فارسی، به صورت کلی تنها در کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان وجود دارد و در برخی از کشورها همچون عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان گروهی از مردم به زبان فارسی سخن می گویند؛ و باید دانست که نفوذ زبان فارسی در پهنه جهانی انکارناپذیر است و کمتر زبان رایج در جهان وجود دارد که از لغات فارسی عاری باشد. این زبان به راحتی در دیگر زبان ها مانند ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی، سواحیلی و... نفوذ کرده است. ادبیات کلاسیک فارسی که حاوی بسیاری از مضمون های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی است امروز مصداق یکی از ابزارهای قدرت نرم به شمار می روند. گنجینه های ادبیات کلاسیک فارسی؛ قدرت نرم دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران خوانده می شود.(۱)

دوم ـ میراث فرهنگی، تاریخی و باستانی

ایران با داشتن قدمت تمدنیِ بسیار طولانی، از میراث فرهنگی و تاریخی عظیمی برخوردار است. در معرض قرار دادن این میراث گرانبها که بیان کننده نمادهای تمدن ایرانیان است، نقش بسزایی در افزایش تصویری عزتمند



---

۱- شهروز فلاحت پیشه، «دیپلماسی و قدرت نرم در گستره روابط بین فرهنگی»، فصل نامه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، ش ۲۷، معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

از جمهوری اسلامی دارد. بخش عمده ای از عوامل تولید کننده یا تقویت کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی، معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش ها و هنجارهای فرهنگی است. مواردی مانند زبان و ادبیات، موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی، ارزش های متعالی و انسانی،اخلاقیات، باورها و ارزش های ملی و... همگی در زیر عنوان مقوله فرهنگ جای می گیرد.

سوم ـ شیعی بودن

یکی از امتیازات جمهوری اسلامی ایران، این است که مذهب رسمی آن شیعه است. صدور ارزش های ناشی از مذهب شیعی در سه دهه اخیر، تحولات عظیمی را بر منطقه و جهان اسلام به جا گذاشته است و این مقوله به دلیل جاذبه هایی است که دیگر مذاهب از آن برخوردار نیستند.

چهارم ـ مشاهیر ملی و اسلامی

ایران دارای مشاهیر و اندیشمندان بسیار در حوزه های مختلفی است که برد جهانی دارند. معرفی آثار آنها در جهان به زبان های گوناگون، تأثیر بسزایی در تصویر سازی از ایران برای افکار عمومی جهان خواهد داشت.

پنجم ـ مرجعیت و مراکز علوم دینی

این مسئله در جذب مسلمانان به ایران برای فراگیری علوم دینی، بسیار اهمیت دارد. به هر میزان این ظرفیت توسعه و تعمیق یابد، به عمق استراتژیک ایران در جغرافیای اندیشه ورزی در جهان اسلام افزوده خواهد شد.

ششم ـ موقعیت علمی رو به رشد

جوزف نای توسعه علمی یک کشور را جزء منابع قدرت نرم آن می داند و دیپلماسی عمومی با توسل به آن می تواند افکار عمومی ملت ها را به خود

ص:۲۸۰

جلب کند.(۱) بـدین ترتیب، بـا پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه رشـد اسـتعدادهای جوانان ایرانی با تفکر «ما می توانیم» فراهم آمد.

دو _ ظرفیت های ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیـایی ویژه ایران، میـان خلیـج فـارس و دریـای خزر، بـاعث شـده است که ایران از ظرفیت لازم برای برخورداری ژئوپلیتیکی شـمالی به عمق ژئوپلیتیک جنوبی منتفع گردد. با این توصـیف ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران از چند منظر در دیپلماسـی عمومی قابـل توجه در جهت افزایش قـدرت نرم کشور است. از جمله: نقطه تلاقی خلیـج فارس و دریای خزر، نقطه تلاقی سـه مکتب جهانی، موقعیت ممتاز در قلب هارتلند انرژی جهان و موقعیت ممتاز در جغرافیای شیعه.(۲)

سه _ ظرفیت های ایدئولوژیکی

جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه بر مبنای ایـدئولوژی سیاسـی اسـلام، حکومت خود را تشـکیل داد، کارآمـدی آن در جهـان کنونی به ویژه در جهـان اسـلام جـاذبه هـای بی نظیری را ایجاد کرده است. در واقع یکی از مؤلفه های تولیـد کننـده یا تقویت کننـده قـدرت نرم یک کشور، جذابیت ارزش ها و مطلوبیت سیاسـی و ماهیت ایدئولوژیک یک کشور است. این مهم می تواند در ارائه تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان، مؤثر واقع شود.



---

۱- همان، صص ۲۴و۲۵.

۲- دیپلماسی عمومی؛ تهدید یا فرصت، ص ۲۴.

چهار ـ ظرفیت های انقلابی

ظرفیت هایی که در فرآیند تحولات انقلاب به وجود آمد، همچون استقلال، آزادی، استکبارستیزی، ایثار، شهادت، پیوند دین و سیاست، جامعیت اسلام برای اداره جامعه، ولایت فقیه، معنویت گرایی و اخلاق محوری در حوزه سیاست، توان مندی های نرمی برای جلب افکار عمومی به ویژه مردم مسلمان جهان را دارند هستند.

### ب) افزایش همکاری های منطقه ای

ب) افزایش همکاری های منطقه ای

یکی از روش های مؤثر برای مقابله با سیاست های امریکا، تقویت همکاری ها در سطح منطقه ای است. تبیین دیدگاه ها و اصلاح برداشت ها درباره ایران از راه سیاست اعتمادسازی و تنش زدایی، به اصلاح محیط ادراکی رهبران منطقه از شرایط عملیاتی ایران منجر خواهد شد. به ویژه که امریکا با افزایش سطح تعارض های ایران با کشورهای منطقه، به دنبال محدودسازی توان ایران در مقابله با تهدیدات بیرونی است. در واقع تحقق مطلوبیت های امنیتی ایران در خنثی کردن تهدیدات امریکایی، در گرو فضای منطقه ای است که خود، معلول فرآیند تعاملات شکل گرفته در این سطح است.

### ج) مشارکت در فرآیندهای بین المللی

ج) مشارکت در فرآیندهای بین المللی

مقابله مؤثر با دخالت ها و تهدیدهای امنیتی امریکا، نیازمند مشارکت فعال در صحنه بین المللی است. زمانی که ایالات متحده به دنبال تأمین وجاهت خود از راه اجماع و بین المللی سازی موضوع های مرتبط با ایران است، جمهوری اسلامی نیز باید از راه کاربست دیپلماسی چندجانبه گرایی در سطح بین المللی، خنثی کننده الگوهای رفتاری تنش زا باشد.

ص:۲۸۲

## د) گسترش فعالیت های فراملی رسانه ای

د) گسترش فعالیت های فراملی رسانه ای

یک ــ در این زمینه به نظر می رسد، ساختار رسانه ای کشور از یک سو نیازمند آسیب شناسی دقیق است و از سوی دیگر، به فعالیت بیشتر رسانه های خصوصی در کشور نیاز هست تا بتوان با همراه داشتن وجهه مستقل از دولت و البته به منظور تقویت منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی، به مطرح کردن مسائل و رویدادهای داخلی پرداخت. بدون شک مهم ترین ویژگی این رسانه ها، دامنه و پوشش خبری گسترده جهانی است تا بتوانند با رسانه های قدرتمند منطقه و جهان رقابت کنند.

دو ــ بررسی عملکرد رسانه ها در مورد برنامه هسته ای ایران در سال گذشته، نشان می دهد که چگونه این برنامه، مورد توجه خاص برخی قدرت های سلطه طلب به ویژه امریکا به عنوان یک تهدید نرم افزاری در حوزه رسانه قرار گرفته است. در واقع، سخنان و تحلیل های پیاپی مقام های غربی و امریکا موجب شده تا رویکردی منفی در سطح رسانه های بین المللی بر ضد ایران شکل بگیرد. اگرچه پاسخ های مقام های ایرانی در بسیاری از موارد توجه برانگیز و حتی مؤثر بوده است، بیشتر به بیان مواضع رسمی بسنده می شود. از سوی دیگر با وجود سخنرانی های مقام های ایرانی در نشست های بین المللی، مطبوعات غربی این اظهارنظرها و دفاعیه ها را نیز به شکل دلخواه خود تحلیل می کنند. تکرار مواضع کشورهای غربی و امریکا، پاسخ رسانه ای فراگیر و مناسب ایران را می طلبد.

در این باره واکنش های به موقع و پذیرفته مقام های ایرانی ضرورتی انکارناپذیر است که در کنار آشنایی و تسلط دیپلمات های ایرانی به زبان سیاسی، به طور مسلم تأثیر بیشتری خواهد داشت. در و اقع، کارشناسان ایرانی به عنوان چهره هایی مستقل و علمی می توانند و باید در کنار مسئولان

ص:۲۸۳

رسـمی کشور ضـمن شرکت در کنفرانس ها و نشست های بین المللی در کنار همتایان خود در سایر کشورهای جهان، گستره تعامل با مجامع بین المللی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی به ویژه در سـطح نخبگان را به گونه ای برجسـته ارتقا بخشـند. جلوه عمومی و خـارجی این گونه مواضع، بیشتر اظهارنظرهای مقام های رسـمی و نه دیـدگاه های کارشـناسان و متخصـصان ایرانی است و به همین دلیل تاکنون تأثیر عمیق بر جوّ غالب بین المللی و اذهان عمومی جهانی نداشته است.

سه ـ شـناخت ساختار رسانه ای و نوع عملکرد متقابل دستگاه سیاست خارجی کشورهایی که دارای دیپلماسی رسانه ای مؤثر هسـتند، با رسانه های کشور خود و نیز با دیگر رسانه ها در دیگر کشورها، به منظور طراحی نوعی ارتباط مؤثر دستگاه سیاسی کشور با انواع رسانه ها با هدف نفوذ بر آنها و هماهنگ با تأمین منافع و امنیت ملی کشور.

### ه) مدیریت تعامل با بیگانگان

ه) مدیریت تعامل با بیگانگان

بـدیهی است تهیه یـک فهرست سـیاه از مراکز و عوامـل (دولتی و غیر دولتی) بیگانه که به طور رسـمی و یا آشـکار، طرح ها، اهـداف و پروژه هـای ضـد ایرانی وارد می سازنـد که زیـان هـای بسـیاری به امنیت ملی کشور جمهوری اسـلامی می رسانـد، ضرورت دارد. همچنین فهرستی از مراکز و عوامل بیگانه که ارتباط تشـکیلاتی آنان به سـرویس های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه به ویژه امریکـا، برای کشور شـناخته شـده است، تهیه شود و در این میـان در خلال تعامـل و ارتبـاط بـا مراکز و عوامـل ایرانی (دولتی و غیر دولتی) احتیاط لازم به عمل آید.

ص:۲۸۴

## نتیجه گیری

نتیجه گیری

الگوی رفتاری امریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، در شرایط موجود با اینکه از توان نظامی و سخت افزاری مؤثری برخوردار است، مبتنی بر بهره گیری از تکنیک های نرم افزاری است؛ زیرا کاربست توان مندی های نظامی، به بروز گرفتاری هایی برای ایالات متحده منجر خواهد شد. به این ترتیب، به کارگیری دیپلماسی عمومی در حوزه قدرت نرم و به طور کلی درمقیاس عملکرد نامتقارن، اگرچه از روند طولانی تری برای رسیدن به نتیجه در مقایسه با اقدامات نظامی و عملیاتی برخودارند، بر بنیاد سه شاخصه و ویژگی مهم استوار هستند:

نخست اینکه در مسیر کاهش هزینه های عملیاتی و سخت افزارگرایی اقدام مؤثری به شمار می روند؛ دوم اینکه اقدامات عملیاتی همواره از ظرفیت بروز شرایط پرمخاطره و پیش بینی نشدنی برخوردار است، حال آنکه در حوزه های برخورد نرم از ظهور شرایط پرمخاطره و خشونت آمیز پرهیز می شود.

سوم اینکه رویکرد نبردهای نامتقارن، مخاطرات امنیتی فراگیرتری را برای کشورهای تهدیدشونده فراهم می آورند. بررسی های انجام شده در پژوهش حاضر، نشان می دهد که تقابل گرایی و رویکردهای مخاطره آمیز در عرصه

ص:۲۸۵

قدرت نرم ایالات متحده در برابر جمهوری اسلامی ایران، بر رویگردانی مردم ایران از باورها و هنجارهای نظام بخش در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین تضعیف هویت ملی ایرانیان متمرکز شده است.

با وجود اینکه سیاست خارجی اوباما براساس نشانه های تغییرات دیپلماتیک به جهانیان معرفی شد، واقعیت های موجود به خوبی نشان داد که فرآیند تغییر، دگرگونی معناداری در روند سیاست خارجی آمریکا در برابر ایران منعکس نمی کند. به این ترتیب چنین برداشت می شود که هیچ تفاوتی در جهت گیری دستگاه سیاست خارجی کنونی امریکا و دولت پیشین حاکم بر آن، در قبال جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد؛ چرا که سرخط اتاق های فکر جنگ نرم امریکا اصولاً ـ با موضوع هایی مخالف اند که این مؤلفه ها قالب های کلی راهبرد خارجی ایران را شکل می دهند.

شواهد نشان می دهد که این دو کشور (ایران و امریکا) دارای تضادهای بنیادین در گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیک هستند و داعیه جهان شمولی در دو سویه این رقابت، گسل های میان دو کشور را تعمیق می بخشد.

با توجه به اینکه قدرت نرم دارای ماهیت دو وجهی تهدید و فرصت است، بر این اساس جمهوری اسلامی ایران، هم در معرض تهدید نرم افزاری و دیپلماسی عمومی ایالات متحده قرار دارد و هم از ظرفیت های قابل توجهی در ارتباط با مؤلفه های نرم افزاری و دیپلماسی عمومی برخوردار است که برای ارتقای امنیت ملی می توان از آن بهره برداری کرد.

به ویژه آنکه در دهه چهارم انقلاب اسلامی، ایران از توان مندی های بومی و نرم افزاری مؤثری در جهت ایجاد تهدید نرم بر ضد ایالات متحده

ص:۲۸۶

داراست، به گونه ای که می توان اظهار کرد جریان عملیات نامتقارن، جنبه ای دوسویه یافته است.

ص:۲۸۷

## کتاب نامه

کتاب نامه

الف) کتاب فارسی


 قرآن کریم

 نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی.

آلبر، پیر، مطبوعات، ترجمه: فضل الله جلوه، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.

آلبرتس، دیویدس و دانیل س. پاپ، گزیده ای از عصر اطلاعات؛ الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات، ترجمه: علی آبادی و رضا نخجوانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵.

اینترنت در ایران، بررسی کارکردهای مثبت و منفی اینترنت و و بلاگ در ایران، پژوهش و تحلیل: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۴.

برزنونی، محمدعلی، «مدیریت سرمایه اجتماعی، ناتوی فرهنگی و چگونگی مقابله با آن»، در: قدرت نرم (جلد دوم)، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق۷، ۱۳۸۷.

بوزان، باری، مردم دولت هاوهراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۸.

تافلر، الوین، جابه جایی قدرت، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۰.

جرجیان، ادوارد، تغییر ذهنیت ها پیروزی از طریق صلح، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران، اندیشه سازان نور، ۱۳۸۴.

حسینی خامنه ای، سید علی، کتاب مصاحبه ها.

راه چمنی، ابوالقاسم، ادبیات کاخ سفید (۶)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و

تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴.

ربیعی، علی، مطالعات امنیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

رجبی، فاطمه، لیبرالیسم، تهران، کتاب صبح، چاپ اول، ۱۳۸۴، کتابخانه دیجیتالی امام علی۷.

رهنمایی، سیداحمد، غرب شناسی، تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۸۶.

زرشناس، شهریار، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، تهران، کیهان، ۱۳۷۸.

ساری، حسین، تهدید رسانه ای (رادیوهای بیگانه فارسی زبان)، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۶.

شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵.

شولتز، ریچارد و دیگران، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

صدوقی، مرادعلی، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امورخارجه، ۱۳۸۰.

ضیایی پرور، حمید، جنگ نرم ویژه جنگ رسانه ای، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳.

عبدالله خانی، علی، رویکردها و طرح های امریکا درباره ایران، تهران، مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۵.

کالینز، جان. ام، استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)، ترجمه: کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.

کوش، دنی، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه: فریدون وحیدا، تهران، سروش، ۱۳۸۱.

کیونگ مو، کیم، تحلیل شبکه ای جریان بین المللی خبری، ترجمه: حسن بشیر، تهران، مرکز تحقیقات امام صادق۷، ۱۳۸۴.

گروه تحقیق، امنیت بین الملل (۱)، فرصت ها، تهدیدات و چالش های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار

معاصر، ۱۳۸۳.

گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی، تهدیدات رسانه ای و راهبردهای مقابله، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.

ماندل، رابرت، امنیت ملی در جهان متغیر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.

متفکر، حسین، جنگ روانی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

مجموعه مقالات همایش بسیج و قدرت نرم، در کتاب قدرت نرم؛ معنا و مفهوم (جلد اول)، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق۷، ۱۳۸۷.

مجموعه مقالات، قدرت نرم، جلد دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق۷، ۱۳۸۷.

مجموعه مقالات، کتاب مطالعات موردی در عملیات روانی، تهران، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.

محمدی، مسعود، ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران؛ مروری بر «صدای امریکا»، جلد اول، تهران، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹.

مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه سیاسی اسلام، تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی=، ۱۳۷۸.

مطالعات گروهی دانشکده امنیت ملی، بررسی تهدیدات رسانه ای علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تدوین راهبردهای مقابله با آن، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۶.

مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن (۷)، پایگاه حوزه، ۱۳۷۰، کتابخانه دیجیتالی امام علی۷.

________________، نقدی بر مارکسیسم، تهران و قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳.

معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، ۲ جلدی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.

مهرداد، هرمز، مقدمه ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، مؤسسه

فرهنگی پژوهشی فارابی، ۱۳۸۰.

میلسن، ژان و همکـاران، دیپلماسـی عمومی نوین؛ قـدرت نرم در روابـط بین الملـل، دکتر رضا کلهر و محسن روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق۷ و دبیرخانه همایش عملیات روانی، ۱۳۸۸.

نـای، جوزف، قـدرت نرم، ترجمه: محسن روحـانی و مهـدی ذوالفقاری، تهران، دانشـگاه امام صادق۷ و پژوهشـکده مطالعات بسیج، ۱۳۸۷.

نبوی، سید عباس، فلسفه قدرت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۷۹.

ونت، الکساندر، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۸۴.

هـانتینگتون، ساموئـل، برخورد تمـدن هـا و بازسـازی نظم جهـانی، ترجمه: محمـدعلی حمیـد رفیعی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۸.

ـــــــــــــــــــــ، نظریه برخـورد تمـدن هـا، ترجمه: مجتـبی امیری، تهران، دفـتر مطالعـات سیاسـی و بین المللی وزارت امورخارجه، ۱۳۷۵.

ب) کتاب لاتین

The state Department ,Not the pentagon,should lead American public diplomacy« efforts».

voices of America: us public diplomacy for the ۲۱ st century».http://« www.brookings.edu/reports/۲۰۰۸/۱۱ _public _diplomacy

A call for Action On Public Diplomacy,A Report of the Public Diplomacy council , second Edition, October ۲۰۰۵.

Abbas Milani.Michael Mc Faul Larry Diamond, Beyond Incrementalism: A new strategy for Dealing with Iran, the Hoover Institute ۲۰۰۶,p۳-۲۱.

" Broking power ,"soft " and "hard

diplomacy. foreign policy blogs.com

Gene E.bigler.«Advancing public diplomacy:one Advocate At a time»,delivered at the

ypro public diplomacy rownd table.٢٨ july ٢٠٠٥,accessibleat:www.public diplomacy.org

ص:٢٩٢

htm(۲۰۰۸/۰۹/۱۵)-http://usinfo.state.gov/persian/index

.http://www.۲.dw-world.de/persian/iran/۱.۲۰۴۳۰.۱,html

http://www.america.gov

http://www.freedomhouse.org/template.cfm?page=۶۶program=۶۰

.casts.com/b۰۰k ۲۰٪ review ۲۰۶٪-۴.htm

.Joseph Nye, The paradox of American power, oxford,oxford university press ۲۰۰۴,p.۲۵

Joseph S.Nye,soft power: the means to success in world politics.New York,public .Affairs,۲۰۰۴,p.۵

Mohan J.Dutta- Bergman,us,public diplomacy in the middle East: A critical Approach,sage publication,volume ۳۰ number۲, ۱۰۲ _۱۲۴, http://jei.sagepub.com/hostedat http://online.sagepub.com

Wolf,charles and Brian Rosen. ۲۰۰۴.public diplomacy:How totink about and improve .it/the rand.www.rand.org/pubs/occasional _papers/۲۰۰۴

www.voanews.com/persian/۲۰۰۸-۰۶

ج) نشریه ها

«آخرین پرده سینمای آخرالزمانی هالیوود، گزارش راهبردی رسانه ۶»، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تیرماه ۱۳۸۹.

«غرب، سینما و آخرالزمان در نگاه اندیشمندان»، ویژه نامه شبستان اندیشه، سال سوم، شماره ۲۴، مردادماه ۱۳۸۹.

آشنا، حسام الدین، «دیپلماسی عمومی تأمین منافع از طریق اطلاع رسانی»، نشریه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۲، مرداد ۱۳۸۲.

______________، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، پیوندها و اهداف»، فصل نامه دانش سیاسی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶.

______________، «دیپلماسی فرهنگی امریکا در ایران: انجمن ایران و امریکا»، فصل نامه مطالعات تاریخی، سال

دوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۴.

______________، «سال شـمار دیپلماسی فرهنگی امریکا در ایران»، فصل نامه مطالعات تاریخی، سال دوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۴.

______________، «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی

ص:۲۹۳

عمومی»، فصل نامه صادق، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۳.

______________ ، «گزارش کمیته مشورتی وزارت امورخارجه امریکا از دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، دیپلماسی فرهنگی»، ترجمه: محمدصادق اسماعیلی، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۲، نیمه اسفند ۱۳۸۵.

اخباری، محمد، «رشد و گسترش نهادهای مردم محور NGOS و تأثیر آن بر ژئوپولیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه نگرش راهبردی، سال هشتم، شماره ۸۸، اسفند ۱۳۸۶.

اشتریان، کیومرث و نادر جعفری هفتخوانی، «تصمیم گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در فرآیند تصمیم سازی»، دو فصل نامه اندیشه مدیریت، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.

افروغ، عماد، «جهانی شدن چالش ها و تعارض ها»، فصل نامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۰.

انعامی علمداری، سهراب، «تهدیدات نرم، الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده امریکا در برابر ایران، گزارش جمهور»، ضمیمه فصل نامه تخصصی نامه دولت، شماره های ۲۶ و ۲۷، فروردین ۱۳۸۷.

باقری، سیامک، «دیپلماسی عمومی، تهدید یا فرصت»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، سال هشتم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۸۸.

برزگر، کیهان، «ریشه های منازعه ایران و امریکا بعد از حوادث ۱۱سپتامبر»، فصل نامه راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵.

بیابان نورد، علی رضا، «عملیات روانی، باز تولید سلطه و نظام نمادها؛ نشانه شناسی سیمای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه علمی ـ تخصصی عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۷ ـ بهار ۱۳۸۸.

بیچرانلو، عبدالله، «بازنمایی ایران و اسلام در رسانه های غرب»، فصل نامه رسانه، سال بیستم، شماره ۱، ۱۳۸۸.

بیچرانلو، عبدالله، «تهدیدات وان»، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۴، اسفند ۱۳۸۸.

تفاوت، مهدی، «دیپلماسی رسانه ای، کارکرد رسانه های امریکایی پس از ۱۱ سپتامبر»، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۲، بهمن ۱۳۸۸.

جوانی، یدالله، «آشنایی با جنگ نرم (بخش یازدهم)»، هفته نامه صبح صادق، شماره ۴۳۶، ۱۲/۱۱/۱۳۸۸.

جوانی، یدالله، «کارگزاران اصلی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی»، هفته نامه صبح صادق، شماره ۴۳۵، ۵/۱۱/۱۳۸۸.

حاذق نیکرو، حمید، «تهدیدات نرم؛ مفاهیم و کارکردها، (بخش سوم)»، ماهنامه فرهنگی، اجتماعی فرهنگ پاسداری، سال اول، شماره ۴، دی ماه ۱۳۸۸.

حق وردی طاقانکی، مهدی، «بازی های رایانه ای ابزار قدرت نرم»، فصل نامه علمی _ تخصصی عملیات روانی، سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶.

حق وردی طاقانکی، مهدی، «جنگ نرم علیه سپاه در بازی های رایانه ای»، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۳۴، اردیبهشت ۱۳۸۹.

خانی، محمدحسن، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دو فصل نامه دانش سیاسی، دانشگاه امام صادق۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

خراسانی، رضا، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، فصل نامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷.

داداشی، محمدعلی، «براندازی نرم؛ راهبردها و راهکارهای مقابله»، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۲۴، ششم بهمن ۱۳۸۶.

داداشی، محمدعلی، «براندازی نرم؛ راهبردها و راهکارهای مقابله»، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۲۴، ۶/۱۱/۱۳۸۶.

دلاور پوراقدم، مصطفی، «وحدت ملی یا چالش های فرارو، باز تعریف راهکارها»، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۱۲۲۵، ۲۰/۱۱/۱۳۸۶.

ذاکر اصفهانی، علی رضا، «چالش بنیادین اسلام با ماهیت دیپلماسی غرب»، فصل نامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.

سجادپور، سید کاظم، «ایران، ۱۱سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی»، فصل نامه سیاست خارجی، زمستان ۱۳۸۱.

سراج، رضا، «راهبرد قدرت نرم امریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه عملیات روانی، سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶.

شریعت پناه، محمد، «تهاجم و تقابل در فضای سایبری (گفت وگو با مدیر مرکز بررسی تهدیدات سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)»، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۳۶، تیرماه ۱۳۸۹.

شهبازی، بهنام، «تبلیغات و عملیات روانی امریکا از آغاز تا پایان جنگ سرد»، فصل نامه علمی _ تخصصی نگاه، اداره کل مطالعات راهبردی وزارت دفاع، سال دوم، شماره

۷، پاییز ۱۳۸۸.

ضیایی پرور، حمید، «جنگ نرم(۲)؛ ویژه جنگ رسانه ای»، فصل نامه مطالعات بسیج، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۸۵.

ضیایی پرور، حمید، «جنگ نرم»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره۱۴، زمستان ۱۳۸۳.

عبداللهی فر، حسین، «نقش بازدارندگی معنویت»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

عسگری، محمود، «ویژگی ها و کارکرد قدرت نرم»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال سوم، شماره ۳۴، اسفند ۱۳۸۴.

عیوضی، محمدرحیم، «مدیریت رسانه ای و مهندسی افکار عمومی»، فصل نامه مطالعات تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، دوره دهم، شماره ۲، ۱۳۸۸.

فروغی نیا، حسن، «جهانی شدن؛ بحران مشروعیت و تأثیر آن بر امنیت ملی در کشورهای در حال توسعه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، مؤسسه اطلاعات، شماره ۲۰۶، ۲۷ مهر و آبان ۱۳۸۳.

فلاحت پیشه، شهروز، «دیپلماسی و قدرت نرم در گستره روابط بین فرهنگی»، فصل نامه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۲۷، معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

فلاحی، علی، «سینمای هالیوود و عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه علمی _ تخصصی عملیات روانی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۷ _ بهار ۱۳۸۸.

متقی، ابراهیم، «دوران قدرت نرم»، فصل نامه برداشت اول، سال اول، شماره ۵، مرداد ۱۳۸۷.

______________ ، «دوران قدرت نرم»، فصل نامه برداشت اول، مرکز بررسی استراتژیک نهاد ریاست جمهوری، سال اول، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۷.

______________ ، «معمای سیاست خارجی و گزینه های مداخله گری امریکا»، همشهری دیپلماتیک، ۳ بهمن ۱۳۸۳.

مجردی، سعید، «بررسی پی آمدهای گسترش اینترنت بر امنیت اجتماعی و ارائه راهبرد»، فصل نامه سیاست دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۸۴.

محمـدی، محسن، «عملیـات روانی با پیامک، e _ mail و...»، ویژه نـامه تـأثیر، معـاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی سـتاد کل نیروهای مسلح، شماره ۲، مهر ۱۳۸۸.

معـاونت پژوهش هـای فرهنگی و اجتماعی، «تحلیل گفتمان دیپلماسـی رسانه ای فیلم ۳۰۰»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال دوم، شماره ۳۴، تیر ۱۳۸۶.

معـاونت پژوهشـی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصـر تهران، «بولتن ادبیات کاخ سـفید»، شـماره ۹، شهریور ۱۳۸۶.

ملکی، مصـطفی، «جـدال هویتی بـازیگران دولتی و غیردولتی در نظام بین الملل»، همشـهری دیپلماتیک، سال دوم، شـماره۱۲، اسفند ۱۳۸۵.

ملکی، نیک، «نگاهی به شبکه های تلویزیونی فارسی زبان خارج از کشور»، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما، شهریور ۱۳۸۷.

منصورنژاد، محمـد، «تحلیلی بر جنـگ روانی بـا تأکیـد بر کتـاب و سـنت»، فصـل نامه عملیات روانی، سال چهارم، شـماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶.

منصوری، خلیل، «ابعاد جنگ نرم از منظر قرآن»، روزنامه کیهان، شماره۱۹۵۴۴،۷/۱۰/۱۳۸۸.

مهـدی زاده، محمـد، «تصویرسازی منفی رسانه های غربی از جهان اسـلام و ملل شـرقی»، فصل نامه رسانه، سال ۱۲، شماره ۳، ۱۳۸۰.

نائینی، محمد، «تهدید نرم؛ ابعاد و ویژگی ها»، فصل نامه عملیات روانی، سال چهارم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶.

نای، جوزف، «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه: سید رضا میرطاهر، فصل نامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۳.

نای، جوزف، «منافع قدرت نرم»، ترجمه: ناصر بلیغ، فصل نامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۶.

نیـک آیین، احسـان الله، «دیپلماسـی عمومی نوین؛ رویکردی نو در عرصه روابـط بین الملل»، فصل نامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.

وحیدی، موسـی الرضا، «تغییر عرصه سیاست بین المللی و دگرگونی ماهیت دیپلماسی»، فصل نامه سیاست خارجی، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.

وعیدی، جواد، «رؤیای انقلاب مخملی در ایران»، نشریه معارف، شماره ۲۶، خرداد ۱۳۸۴.

هادیان، ناصر و افسانه احدی، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصل نامه بین المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸.

هاشمی چمگردانی، محمود، ماهنامه کاووش، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۹، ۲۷/۵/۱۳۸۸.

یوسفی، حجت الله، «اتحاد ملی با تأکید بر قومیت ها در جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه مطالعات سیاسی روز، سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

د) پایگاه اینترنتی

«اینترنت از فیلتر دکترین انحصارطلبی خبری امریکا»، ۲۹/۱۱/۱۳۸۱، سایت باشگاه اندیشه، نشانی پایگاه: http//:www.bashgah.net

«بازاریاب های امریکایی نافرمانی مدنی»، پایگاه خبری شورای هماهنگی نیروهای حزب الله، ۱۹/۸/۱۳۸۷، نشانی پایگاه:

«بورس های تحقیقاتی برای جاسوسان امریکا»، سایت روزنامه قدس، ۲۳/۶/۱۳۸۷، نشانی پایگاه: http://www.qudsdaily.com/archive/۱۳۸۶/htm

«پیام نوروزی باراک اوباما رئیس جمهور امریکا»، ۲۲ مارس ۲۰۱۰، نشانی پایگاه:

http://www.america.gov

«تاکتیک های پنهان جنگ نرم به روایت دو مقام سابق امریکایی»، روزنامه کیهان، شماره ۱۹۵۶۷، ۴/۱۱/۱۳۸۸، صفحه ۲، بر گرفته از سایت بانک اطلاعات نشریات کشور، نشانی پایگاه: http://www.magiran.com

«تاکتیک های نرم در مبارزات مدرن»، پایگاه اطلاع رسانی عملیات روانی و جنگ نرم، نشانی پایگاه: http://www.psyop.ir/?p=۱۲۱۹

«عملیات براندازی نرم به سبک بنیاد امریکایی سوروس»، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۶/۳/۱۳۸۶، نشانی پایگاه: http://www.irpc.ir

«مباحث سیاسی متأثر از گسترش اینترنت»، ۲۰/۴/۱۳۸۹، نشانی پایگاه:

http://www.ictna.ir

«نسل جدید بازی های رایانه ای»، پایگاه اطلاع رسانی رجا، ۳۱/۳/۱۳۸۹، نشانی پایگاه: www.rajanews.com

«نقش بازی های رایانه ای در جنگ نرم بر ضد انقلاب اسلامی»، پایگاه اطلاع رسانی گرداب، بازیابی شده در تاریخ ۱/۳/۱۳۸۹، نشانی پایگاه:

www.gerdab.ir

استین لورا و نیکیل سینا، «رسانه های نوین جهانی و سیاست گذاری ارتباطات: نقش دولت در قرن بیست و یکم»، ترجمه: لیدا کاووسی، سایت دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، نشانی پایگاه:

http//:www.rasaneh.org

امام زاده فرد، پرویز، «عملیات روانی در دوران جنگ سرد و سال های پس از آن»، فصل نامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۰، نشانی پایگاه:

http://www.arnet.ir

امیدی، مرتضی، «جنگ نرم و تهدیدشناسی»، سایت رویش، ۲۶/۷/۱۳۸۸، نشانی پایگاه: http//:www.rooiesh.com

پالمر، مارک، «پیشنهاد جدید کمیته خطر جاری به دولت امریکا؛ رویکردی جدید در قبال ایران»، ترجمه: نیلوفر قدیری، ۳/۱۲/۱۳۸۳، برگرفته از: سایت روزنامه همشهری، نشانی پایگاه: www.hamshahrionline.ir

جعفری نژاد، سید ابوالفضل، «پیدا و پنهان فارسی۱»، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۷۷، اردیبهشت ۱۳۸۹، نشانی پایگاه:

http://www.pegahhowzeh.com

جمشیدی، محمدحسین، «عملیات روانی در صدر اسلام (قسمت دوم)»، سایت تبیان، ۲۶/۱۱/۱۳۸۸، نشانی پایگاه: http//:www.tebian.net

جهانیان، ناصر، «فردگرایی و نظام لیبرال سرمایه داری»، سایت کتاب نقد، نشانی پایگاه: www.ketab-e-naghd.org

دبیری مهر، امیر، «تأثیر رسانه ها بر روابط بین الملل»، ۱۹/۱۱/۱۳۸۸، سایت باشگاه اندیشه، نشانی پایگاه: www.bashgah.net

دلاور پوراقدم، مصطفی، «شیعه هراسی و ایران هراسی در دیپلماسی امنیتی امریکا»،

ص:۲۹۹

خبرگزاری فارس، ۲/۸/۱۳۸۸، نشانی پایگاه:

http://www.farsnews.com

رسولی، محمدرضا، «مخاطب شناسی تلویزیون های ماهواره ای»، سایت باشگاه اندیشه، نشانی پایگاه: http//:www.bashgah.net

سراج، رضا، «ایران هراسی راهبرد جنگ روانی امریکا برای تحکیم قدرت در منطقه»، خبرگزاری فارس، ۱۴/۱۲/۱۳۸۷، نشانی پایگاه:

http://www.farsnews.com

شکرخواه، یونس، «رسانه ها و جنگ روانی»، فصل نامه عملیات روانی، سال دوم، شماره ۱، نشانی پایگاه: http://www.arnet.ir

فیروزآبادی، سید حسن، «جنگ نرم»، سایت تبیان، ۱۴/۸/۱۳۸۸، نشانی پایگاه: http//:www.tebian.net

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشانی پایگاه:

http://www.majlis.ir/majles/index.php?option=com_contenttask=viewid=۱۲Itemid=۸۸

ملکی، عباس، «سیاست خارجی توسعه گرا به مثابه یک منبع قدرت نرم»، سایت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۹/۱۲/۱۳۸۶، نشانی پایگاه: http//:www.maslahat.ir

الیاسی، محمد، «تحلیل محتوایی رادیو فردا و صدای امریکا»، سایت عملیات روانی، نشانی پایگاه: http://www.arnet.ir

ه_) گزارش و پژوهش

«گزارش راهبردی رسانه، جنگ سایبری»، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱، تهران، بهمن ۱۳۸۸.

«گزارش راهبردی رسانه، شبکه های اجتماعی؛ مسیری نو در ارتباطات»، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۲، تهران، اسفند ۱۳۸۸.

کاردان، عباس و حمید ضیایی پرور، «تصاویر ماهواره ای گوگل و پی آمدهای امنیتی آن»، بولتن پژوهش مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، شماره ۱۶/۱۰/ ۸۵، شهریور ۱۳۸۵.

ص:۳۰۱

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹